

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

جلد ۲

چند مصاحبه با جوانان کاربر اینستاگرام
درباره اثرهای فرهنگی کاربری از اینستاگرام

/ دکتر مرتضی منطقی /
/ استاد دانشگاه خوارزمی /

زمستان ۱۴۰۱

فهرست کامل

۰۱ مقدمه

۰۲ مصاحبه‌ها

«بعد فروشنده گفت وایسید برنامه‌ها رو براتون نصب کنم، یهو اون دوقلوهای ۵، ۶ ساله داد زدن، تلگرام و اینستاگرامم بریز!» (مصاحبه با روژان، ۱۷ ساله)،

«- بعد خودت توی همون سن ۸ سالگی می‌رفتی انواع مطالب مثبت ۱۸ رو می‌دید؟
آره، متأسفانه» (مصاحبه با مهسا، ۱۶ ساله)،

«از اینستا درباره این که داره فیلم جدید بازی می‌کنه یا مثلاً قدش چه قدره، چند کیلوئه، سگ داره یا نداره، اطلاع به دست آوردم» (مصاحبه با ترانه، ۱۵ ساله)،

«من توی اینستاگرام دیدم هم برای پسر هم برای دختر، می‌شه دوست دختر، دوست پسر اجاره‌ای گرفت» (مصاحبه با مهلقا، ۱۸ ساله)،

«هزار سال حاضر نیستم برم سراغ برنامه‌هایی مثل سروش که ابزارهای... و کنترل آدم‌ها هستن» (مصاحبه با علی، ۱۹ ساله)،

«کشور ما هیچ وقت هیچ چیزی برای ارایه به دنیا نداشته... کشور ما خیلی کشور ضعیف و عقب افتاده‌ایه و به نظر من مهاجرت لازمه خوشبختی و زندگی راحت» (مصاحبه با پگاه، ۱۷ ساله)،

«گاهی با خودم می‌گفتم که چرا من نمی‌تونم سفر آن‌چنانی برم؟ چرا من نمی‌تونم فلان وسیله رو بگیرم و اون بلاگره همه این کارا رو می‌کرد» (مصاحبه با فرشته، ۲۰ ساله)،

«همین باعث می‌شه، بچه ۴ ساله فامیل مون بگه، بچه توی اینستا چشمش آبی، منم لنز می‌خوام یا من غذا نمی‌خورم که بزرگ شدم لاغر باشم» (مصاحبه با زهرا، ۲۰ ساله)،

«اینستاگرام جذاب‌تر از یه کتابه، اینستا عکس باهاشه، صدا، جذابیت» (مصاحبه با آرشام، ۲۳ ساله)،

«همین که گلشیفته تابوشکنی کرد و خواست نشون بده اگر لخت بشی دنیا به آخر نمی‌رسه، برام قابل احترامه» (مصاحبه با دُرُسا، ۱۷ ساله)،

«از جولیا و ابیگل خیلی خوشم میاد، خیلی کیوتن، از رافین و میکا و کاتیه و استف هم خیلی خوشم میاد» (مصاحبه با آلا، ۱۵ ساله)،

«اگه بچه ۶، ۷ ساله جی‌تی‌ای بازی کنه، دیگه خدا رحمتش کنه» (مصاحبه با راد، ۱۶ ساله)،

«در روز ده، پونزده ساعت بازی می‌کنم، البته بستگی به حال هم داره، اگه حوصله‌ی بازی رو اون روز داشته باشم بیش‌تر» (مصاحبه با مهشید، ۱۶ ساله)،

«خب یه نکته‌ای که درباره نازنین هست، اینه که عادت ماهانه‌اش خیلی زود و از ۹ سالگی شروع شد» (مصاحبه با کوثر، ۲۴ ساله)،

«فصل ۶ پیکي بلاینדרز رو توی همین اینستا فهمیدم کی میاد که البته هنوز نیومده، من عالاشق پیکي بلاینדרز شدم» (مصاحبه با امیرعلی، ۱۸ ساله)،

«مثلاً بی‌بند و باری، ازدواج سفید، بارداری خارج از ازدواج و چیزای دیگه همه هست توی این سریالا، اما خب فان هم هستن دیگه» (مصاحبه با سمیه، ۲۱ ساله)،

«بازی‌های جرأت حقیقت و never have I ever حال می‌ده، همه رسوا می‌شن» (مصاحبه با مرجان، ۲۱ ساله)،

«قضیه بی‌پروایی جنسی، خیلی باعث شده پیچ‌های مبتذل هم زیاد فالو بشن، حتی خود من هم یه‌سری از این پیچ‌ها رو فالو داشتم» (مصاحبه با یوسف، ۲۱ ساله)،

«مثلاً یه دوست دارم تام بوی شده و دوست دختر هم داره، این برای من واقعاً عادیه... گرایش‌ه دیگه، مگه دست خودشه» (مصاحبه با زینب، ۲۰ ساله)،

«من فن‌پیچ نیلوفر و ویدا و امیر ویکتور رو توی اینستاگرام ساختم» (مصاحبه با آریا، ۱۷ ساله)،
«دیدن سریال سکس اجوکیشن باعث شد که رابطه... با چند نفر برام عادی سازی بشه» (مصاحبه با صبا، ۲۲ ساله)،

«پروپلیرهای کال آف رو می‌شناسم، مثلاً توی پروپلیرهای بازی آبتین خیلی خوبه، امیر لینچ، مژگان، حمید وای-تی هم هستند، اینا خیلی خوبن» (مصاحبه با بهروز، ۱۸ ساله)،

«من دنیا جهان‌بخت، کیمیا تاج‌زاد و چندتا بلاگر مثل گل منگولی، مامان پانیز اسماعیلی، فاطمه خاله‌ی پانیز اسماعیلی و شل بیوتی رو دنبال می‌کنم» (مصاحبه با ریحانه، ۱۸ ساله)،

«مهرداد و آيسان هم همیشه دوربين مخفی می‌ذارن، توی یکیش مهرداد به آيسان می‌گفت، برای یوتیوب همین الان باید بچه‌دار بشیم...» (مصاحبه با نرگس، ۲۰ ساله)،

«جمله‌های دپ می‌داشت که مثلاً حلالم کنید، شاید فردا نباشم و عکس خودزنی و این جور چیزا، کلاً از لحاظ روحی پاچید (پاشید)» (مصاحبه با ساره، ۲۰ ساله)،

«می‌دونید پت داشتن خیلی خرج داره، ماهی فقط دو تومن پول غذای خشکش می‌شه، همه‌اش هم خارجی، کلی وسیله می‌خواد، هر سه ماه چکاپ داره، واکسن می‌خواد، ضدانگل و ویتامین‌هاش هم گرونه» (مصاحبه با مامان لیا، ۲۶ ساله)،

«دلم می‌خواد شیطان پرست بشم، اون قدر جذابه لوسیفر، بعضی حرفاشم واقعاً حقه به نظرم، خدا واقعاً همون جور که لوسیفر می‌گه، خودخواه» (مصاحبه با مریم، ۱۹ ساله)،

«کلی بخوام از تغییراتم بگم، تحت تأثیر اینستا، تفریحاتم و مدل خرید کردنم، شبیه اروپایی شده و ترند رفتار می‌کنم» (مصاحبه با رؤیا، ۱۶ ساله)،

«اینستا سبب شده دیگه ما خودمون رو در این چارچوب‌ها حبس و خفه نکنیم، می‌بینیم، اگر پسندیدیم، انتخاب می‌کنیم، وگرنه، نه» (مصاحبه با غزاله، ۲۰ ساله)،

«بعد فروشنده گفت وایسید برنامه‌ها رو براتون نصب کنیم، یهو اون دوقلوهای ۵، ۶ ساله داد زدن، تلگرام و اینستاگرامم بریز!» (مصاحبه با روزان، ۱۷ ساله)،

«- بعد خودت توی همون سن ۸ سالگی می‌رفتی انواع مطالب مثبت ۱۸ رو می‌دید؟

آره، متأسفانه» (مصاحبه با مهسا، ۱۶ ساله)،

«از اینستا درباره این که داره فیلم جدید بازی می‌کنه یا مثلاً قدش چه قدره، چند کیلوئه، سگ داره یا نداره، اطلاع به دست آوردم» (مصاحبه با ترانه، ۱۵ ساله)،

«من توی اینستاگرام دیدم هم برای پسر هم برای دختر، می‌شه دوست دختر، دوست پسر اجاره‌ای گرفت» (مصاحبه با مهلقا، ۱۸ ساله)،

«هزار سال حاضر نیستم برم سراغ برنامه‌هایی مثل سروش که ابزارهای... و کنترل آدم‌ها هستن» (مصاحبه با علی، ۱۹ ساله)،

«کشور ما هیچ وقت هیچ چیزی برای ارایه به دنیا نداشته... کشور ما خیلی کشور ضعیف و عقب افتاده‌ایه و به نظر من مهاجرت لازمه خوشبختی و زندگی راحت» (مصاحبه با پگاه، ۱۷ ساله)،

«گاهی با خودم می‌گفتم که چرا من نمی‌تونم سفر آن‌چنانی برم؟ چرا من نمی‌تونم فلان وسیله رو بگیرم و اون بلاگر همه این کارا رو می‌کرد» (مصاحبه با فرشته، ۲۰ ساله)،

«همین باعث می‌شه، بچه ۴ ساله فامیل مون بگه، بچه توی اینستا چشماش آبی، منم لنز می‌خوام یا من غذا نمی‌خورم که بزرگ شدم لاغر باشم» (مصاحبه با زهرا، ۲۰ ساله)،

«اینستاگرام جذاب‌تر از یه کتابه، اینستا عکس باهاشه، صدا، جذابیت» (مصاحبه با آرشام، ۲۳ ساله)،

«همین که گلشیفته تابوشکنی کرد و خواست نشون بده اگر لخت بشی دنیا به آخر نمی‌رسه، برام قابل احترام» (مصاحبه با دُرُسا، ۱۷ ساله)،

«از جولیا و ابیگل خیلی خوشم میاد، خیلی کیوتن، از رافین و میکا و کاتیه و استف هم خیلی خوشم میاد» (مصاحبه با آلا، ۱۵ ساله)،

«اگه بچه ۶، ۷ ساله جی‌تی‌ای بازی کنه، دیگه خدا رحمتش کنه» (مصاحبه با راد، ۱۶ ساله)،

«در روز ده، پونزده ساعت بازی می‌کنم، البته بستگی به حاله هم داره، اگه حوصله‌ی بازی رو اون روز داشته باشم بیش‌تر» (مصاحبه با مهشید، ۱۶ ساله)،

«خب یه نکته‌ای که درباره نازنین هست، اینه که عادت ماهانه‌اش خیلی زود و از ۹ سالگی شروع شد» (مصاحبه با کوثر، ۲۴ ساله)،

«فصل ۶ پیکي بلایندرز رو توی همین اینستا فهمیدم کی میاد که البته هنوز نیومده، من عالاشق پیکي بلایندرز شدم» (مصاحبه با امیرعلی، ۱۸ ساله)،

«مثلاً بی‌بند و باری، ازدواج سفید، بارداری خارج از ازدواج و چیزای دیگه همه هست توی این سریالا، اما خب فان هم هستن دیگه» (مصاحبه با سمیه، ۲۱ ساله)،
«بازی‌های جرأت حقیقت و never have I ever حال می‌ده، همه رسوا می‌شن» (مصاحبه با مرجان، ۲۱ ساله)،

«قضیه بی‌پروایی جنسی، خیلی باعث شده پیج‌های مبتذل هم زیاد فالو بشن، حتی خود من هم یه سری از این پیج‌ها رو فالو داشتم» (مصاحبه با یوسف، ۲۱ ساله)،
«مثلاً یه دوست دارم تام بوی شده و دوست دختر هم داره، این برای من واقعاً عادیه... گرایششه دیگه، مگه دست خودش» (مصاحبه با زینب، ۲۰ ساله)،

«من فن پیج نیلوفر و ویدا و امیر ویکتور رو توی اینستاگرام ساختم» (مصاحبه با آریا، ۱۷ ساله)،
«دیدن سریال سکس اجوکیشن باعث شد که رابطه... با چند نفر برام عادی سازی بشه» (مصاحبه با صبا، ۲۲ ساله)،

«پروپلیرهای کال آف رو می‌شناسم، مثلاً توی پروپلیرهای بازی آبتین خیلی خوبه، امیر لینچ، مژگان، حمید وای-تی هم هستن، اینا خیلی خوبن» (مصاحبه با بهروز، ۱۸ ساله)،
«من دنیا جهان‌بخت، کیمیا تاج‌زاد و چندتا بلاگر مثل گل منگولی، مامان پانیز اسماعیلی، فاطمه خاله‌ی پانیز اسماعیلی و شل بیوتی رو دنبال می‌کنم» (مصاحبه با ریحانه، ۱۸ ساله)،
«مهرداد و آيسان هم همیشه دوربین مخفی می‌ذارن، توی یکیش مهرداد به آيسان می‌گفت، برای یوتیوب همین الان باید بچه‌دار بشیم...» (مصاحبه با نرگس، ۲۰ ساله)،
«جمله‌های دپ می‌داشت که مثلاً حلالم کنید، شاید فردا نباشم و عکس خودزنی و این جور چیزا، کلاً از لحاظ روحی پاچید (پاشید)» (مصاحبه با ساره، ۲۰ ساله)،

«می‌دونید پت داشتن خیلی خرج داره، ماهی فقط دو تومن پول غذای خشکش می‌شه، همه‌اش هم خارجی، کلی وسیله می‌خواد، هر سه ماه چکاپ داره، واکسن می‌خواد، ضدانگل و ویتامین‌هاش هم گرونه» (مصاحبه با مامان لیا، ۲۶ ساله)،

«دلم می‌خواد شیطان‌پرست بشم، اون قدر جذابه لوسیفر، بعضی حرفاشم واقعاً حقه به نظرم، خدا واقعاً همون جور که لوسیفر می‌گه، خودخواه» (مصاحبه با مریم، ۱۹ ساله)،

«کلی بخوام از تغییراتم بگم، تحت تأثیر اینستا، تفریحاتم و مدل خرید کردنم، شبیه اروپایی شده و ترند رفتار می‌کنم» (مصاحبه با رؤیا، ۱۶ ساله)،

«اینستا سبب شده دیگه ما خودمون رو در این چارچوب‌ها حبس و خفه نکنیم، می‌بینیم، اگر پسندیدیم، انتخاب می‌کنیم، وگرنه، نه» (مصاحبه با غزاله، ۲۰ ساله)،

«می‌لاد این‌جوری نیست و کلیپ‌هاش خب برای ماها نرماله، ولی ماما و بابام ببینند احتمال سخته‌شون می‌ره بالا که اینا چی هستن دیگه» (مصاحبه با نسترن، ۱۷ ساله)،

«یه پیج فیکم دارم که باهاش اکسم رو استاک می‌کنم» (مصاحبه با ترانه، ۲۱ ساله)،

«من همیشه خدا رو شکر می‌کنم که فن بلک پینک و بی‌تی‌اس شدم» (مصاحبه با ثنا، ۱۵ ساله)،

«قدیما که یه کار زشتی می‌کردم، عذاب وجدان شدید می‌گرفتم، از خدا می‌خواستم من رو ببخشه ... الان نه، عین خیالم نیست» (مصاحبه با امیرحسین، ۱۸ ساله)،

«حتی سگاشون رو مثل این مهدکودکا که بچه‌ها رو می‌برن، سگاشون رو همچنین جاهایی می‌برن، بهش می‌گن هتل سگ» (مصاحبه با رضا، ۱۸ ساله)،

«آرین راجع به مرلین منسون پست می‌ذاره، درباره ابعاد دنیا که با مصرف روان‌گردان می‌شه دیدش می‌نویسه. می‌گه اگر مصرف کنین، چیزایی می‌بینین که الان نمی‌بینین» (مصاحبه با اشکان، ۲۱ ساله)،

«من وقایع سیاسی- اجتماعی رو دنبال می‌کنم و گهگاهی هم درباره‌شون متن می‌نویسم. گاهی هم با دوستانم بحث‌های اجتماعی داریم که نتایج اون‌ها رو هم می‌نویسیم و ممکنه اون‌ها رو هم پست کنیم» (مصاحبه با مهدی، ۲۱ ساله)،

«من بیش‌تر در صفحه خودم کتاب‌های فلسفی و گاهی روان‌شناسی رو معرفی می‌کنم، و البته فقط محدود به کتاب هم نیستم و گاهی کلیپ‌های فلسفی هم می‌گذارم» (مصاحبه با الناز، ۲۴ ساله).

۳ جمع‌بندی و نتیجه‌گیری از مصاحبه‌های انجام شده

فصل اول: برخی از پیش فرض‌های موجود در مورد روان‌شناسی اجتماعی کاربران نوجوان و جوان قبل از ورود به اینستا (ضعف رسانه‌های داخلی در برابر قدرت رسانه‌های آن سوی آب، کاهش سن کاربری از فناوری‌های ارتباطی جدید، سواد رسانه‌ای اندک کاربران، تحقق یادگیری و آموزش فعال، پررنگ شدن نقش آموزش‌های غیرمستقیم، جذابیت کاربری از فناوری‌های ارتباطی پیشرفته، اثرات فرهنگ جمع‌گرای ایران، ارضای هیجان‌جویی کاربران، تربیت هیجان‌مدار کاربران فضای مجازی، تغییر فرهنگ مکتوب به فرهنگ بصری، افسردگی اجتماعی نوجوانان و جوانان، ایجاد زمینه برای بروز برخی از اختلال‌های روانی، نسل تجربه‌گرا، تحول‌های هویتی، گسست نسلی، تحول‌های فرهنگی- اجتماعی- عقیدتی برخی از خانواده‌ها، ترجیح محصولات فرهنگی و رسانه‌های خارجی به محصولات فرهنگی و رسانه‌های داخلی، تحقق جهانی‌اندیشیدن نوجوانان و جوانان، نقد سیاسی نظام -با مشاهده فروریز آرمان شهر انقلاب-، نقد دینی نظام -به تبع نقد سیاسی-).

فصل دوم: ورود به اینستا و اثرپذیری از آن (امکان برخورداری از ابعاد آموزشی اینستا به شکل رایگان یا با هزینه اندک، اطلاع‌رسانی‌های مفید، ارتقای دید زیست محیطی برخی از کاربران در جریان فرهنگ‌سازی‌های زیست محیطی، ارتقای فرهنگ کتاب‌خوانی، تبدیل قسمت‌هایی از اینستا به یک گالری هنری، پذیرش دیگر اقوام بشری، پذیرش تولید محتوای کاربران، اثرپذیری از سلبریتی‌ها، اثرپذیری از بلاگرها، اینفلوئنسرها و شاخ‌های مجازی - به عنوان منابع ارزشی جدید- پا به عرصه نهادن هویت‌های حاشیه‌ای در فضای مجازی، اثرپذیری از منادیان پاسداشت ارزش‌های غرب در داخل، استقبال از فرهنگ فمینیستی، گسترش نگاه ابزاری و تحقیر آمیز نسبت به زنان، کاربری از بازی‌های دیجیتال، کلیپ‌ها، فیلم‌ها و سریال‌های عرضه شده در فضای مجازی؛ کاربری از زیور آلات و وسایل نمایش داده شده در فیلم‌ها، سریال‌ها و گروه‌های موسیقی آن سوی آب؛ اثرپذیری از فرهنگ انتقالی از طریق موسیقی، استفاده از اینستا به مثابه ابزاری برای دور زدن محدودیت‌های اجتماعی، جهانی شدن و آمیختگی فرهنگی پدید آمده برای کاربران، آزادی عمل در انتخاب منابع فرهنگی مورد استفاده، اثرگذاری روی ذائقه و عادات غذایی کاربران، تحول‌آفرینی‌های نامناسب در زبان، جایگزینی فعالیت‌های فرهنگی سنتی با فعالیت‌های فرهنگی آن سوی آب، سرگرمی و گذران فراغت، مواجهه کاربران با فضایی مالا مال از هیجان در اینستاگرام، رقابت در جهت کسب هوادار، پسند، دیده شدن و دریافت اظهار نظر؛ کاهش شدید حریم خصوصی کاربران در فضای مجازی، انجام چالش‌های نامتعارف، دامن زدن به هرزه‌نگاری، استقبال از صور مختلف حیات جنسی، استقبال از روابط آزاد و ازدواج سفید یا مدنی، تحول‌یابی مقوله عشق، کم رنگ شدن مقوله خانواده در ذهن کاربران، پررنگ شدن مقوله شرط‌بندی و قمار در ذهن کاربران، کاهش حساسیت در برخورد با سوء‌مصرف مواد، سایه‌گستر شدن معیارهای لذت‌مدار و لاکچری در زندگی، نهادینه شدن تقلب در اذهان برخی از کاربران، مواجهه با نمایش ویتترین زندگی دیگران در اینستاگرام، ایجاد فضایی جهت تحقق خودشیفتگی برخی از افراد خودشیفته، بروز تبعات ناشی از فقدان سازوکارهای تهاجم شکن، جایگزینی رسانه‌های غربی به جای رسانه‌های داخلی، تشویق غیرمستقیم کاربران به تجربه همه چیز، اتکاء به منابع غیرموثق، سطحی شدن دانش افراد با اتکاء به هشتگ‌ها، محوریت یافتن مقوله اینستاگرام و فضای مجازی در مدارس پنهان، ضروری ندانستن طی مراتب آموزش عمومی، تنزل دید زیست محیطی کاربران، تبدیل فضای مجازی و اینستاگرام به یک مرجع اطلاعاتی برای نوجوانان و جوانان، تغییر مرجع فرهنگی نوجوانان و جوانان از خانه، محیط آموزشی و جامعه به اینستاگرام و فضای مجازی، دامن زدن به فرهنگ مبتنی بر جسم، گسست ارزشی و فرهنگی).

فصل سوم: ماحصل اثرگذاری‌های اینستا بر کاربران نوجوان و جوان: تغییر سبک زندگی از سبک زندگی تکلف‌مدار به سبک زندگی لاکچری و لذت‌مدار.

فهرست کتاب حاضر

۱- مقدمه.....	۱۳
۲- (ادامه) گزارش مصاحبه‌های میدانی.....	۱۹
مصاحبه با زهرا، ۲۰ ساله.....	۱۹
همین باعث می‌شه، بچه ۴ ساله فامیل مون بگه، بچه توی اینستا چشماش آبی، منم لنز می‌خوام یا من غذا نمی‌خورم که بزرگ شدم لاغر باشم.....	۱۹
مصاحبه با آرشام، ۲۳ ساله.....	۴۲
اینستاگرام جذاب‌تر از یه کتابه، اینستا عکس باهاشه، صدا، جذابیت.....	۴۲
مصاحبه با دُرُسا، ۱۷ ساله.....	۶۵
همین که گلشیفته تابوشکنی کرد و خواست نشون بده اگر لخت بشی دنیا به آخر نمی‌رسه، برام قابل احترامه.....	۶۵
مصاحبه با آلا، ۱۵ ساله.....	۸۳
از جولیا و ابیگل خیلی خوشم میاد، خیلی کیوتن، از رافین و میکا و گکاتیو و استف هم خیلی خوشم میاد.....	۸۳
مصاحبه با راد، ۱۶ ساله.....	۱۰۰
اگه بچه ۶، ۷ ساله جیتیای بازی کنه، دیگه خدا رحمتش کنه.....	۱۰۰
مصاحبه با مهشید، ۱۶ ساله.....	۱۱۹
در روز ده، پونزده ساعت بازی میکنم، البته بستگی به حال هم داره، اگه حوصله‌ی بازی رو اون روز داشته باشم بیشتر.....	۱۱۹
مصاحبه با کوثر، ۲۴ ساله.....	۱۳۲
خب یه نکته‌ای که درباره نازنین هست، اینه که عادت ماهانه‌اش خیلی زود و از ۹ سالگی شروع شد.....	۱۳۲
مصاحبه با امیرعلی، ۱۸ ساله.....	۱۵۵
فصل ۶ پیکو بلایندرز رو توی همین اینستا فهمیدم کی میاد که البته هنوز نیومده، من عاشق پیکو بلایندرز شدم.....	۱۵۵
مصاحبه با سمیه، ۲۱ ساله.....	۱۸۸
مثلاً بی‌بند و باری، ازدواج سفید، بارداری خارج از ازدواج و چیزای دیگه همه هست توی این سریالا، اما خب فان هم هستن دیگه.....	۱۸۸
مصاحبه با مرجان، ۲۱ ساله.....	۲۱۴
بازی‌های جرأت حقیقت و I ever have I never حال می‌ده، همه رسوا می‌شن.....	۲۱۴
مصاحبه با یوسف، ۲۱ ساله.....	۲۳۰
قضیه بی‌پروایی جنسی، خیلی باعث شده پیج‌های مبتذل هم زیاد فالو بشن، حتی خود من هم یه‌سری از این پیج‌ها رو فالو داشتم.....	۲۳۰
مصاحبه با زینب، ۲۰ ساله.....	۲۴۸
مثلاً یه دوست دارم تام بوی شده و دوست دختر هم داره، این برای من واقعاً عادیه... گرایش‌ه دیگه، مگه دست خودشه.....	۲۴۸

۱- مقدمه

در مقدمه جلد نخست این مجموعه از سایه‌گستر شدن فضای مجازی و ضرورت بسترسازی‌های فرهنگی لازم برای کاربری بهینه از آن یاد شد تا به این ترتیب با کاهش تهدیدهای آن، امکان بهره‌وری هر چه بیش‌تر از فرصت‌های آن فراهم آید. در ادامه، از تجربه تاریخی غرب یاد شد که در مواجهه با آمیزه فرصت‌ها و تهدیدهای فضای مجازی و فناوری‌های ارتباطی پیشرفته، کوشیده است تا با بسترسازی فرهنگی لازم و انجام اقدام‌هایی مانند: تولید ادبیات فاخر برای فضای مجازی، پاسخ مناسب به برخی از خلاءهای اجتماعی موجود (نظیر تهیه پویانمایی‌های جنسی برای کاربران متقاضی این دست از اطلاعات)، ارتقای سواد رسانه‌ای کاربران (تا جایی که در برخی از کشورهای غربی، بحث اخیر به صورت یکی از مباحث درسی نظام آموزش عمومی درآمده است)، انجام اطلاع رسانی‌های لازم به اولیا و کاربران، تهیه ابزارهای کنترل‌کننده (تبلت، تلفن همراه، اینترنت و ماهواره) برای اولیا، اعمال نظارت (در اتاق‌های گپ اینترنتی و مانند آن)، تدوین قوانین منع آسیب و ایذای کاربران فضای مجازی، تدوین قوانین خاص برای حمایت از کودکان، نوجوانان و جوانان کاربر فضای مجازی، ایجاد خطوط مستقیم برای تماس اضطراری با مسوولان برای ایجاد محیطی امن‌تر (در اتاق‌های گپ اینترنتی و مانند آن)، درجه‌بندی محتوای رسانه‌ای، تشویق سازمان‌های مدنی برای حضور، اعمال نظارت، مداخله و اثرگذاری فعال در فضای مجازی؛ ایجاد صندوق حمایت از مراکز پژوهش در حوزه رسانه‌های نوین جهت ارائه خدمات و به اشتراک نهادن دانش، منابع و امکانات مورد نیاز پژوهش‌گران؛ ایجاد کتابخانه، موزه و محصولات علمی جهت کاربران فضای مجازی و مانند آن، کوشیده است تا با بسیج امکانات لازم از پزشک و کتابدار گرفته تا وزارتخانه‌های مختلف (نظیر وزارت آموزش و پرورش، آموزش عالی، ارتباطات) و حتی کلیسا، روشنگری‌های لازم در جهت کاربری بهینه از فضای مجازی را در غرب پدید آورند.

اما برخلاف تجربه بشری اخیر که اکثریت قریب به اتفاق کشورهای جهان در برخورد با فرصت‌ها و تهدیدهای فضای مجازی با بسترسازی فرهنگی، تدوین قوانین لازم، مدیریت فضای مجازی و تولید محتوا، در صدد کاهش تهدیدهای فضای مجازی و افزایش فرصت‌های آن برآمده‌اند، اولیای فرهنگی ایران در مواجهه با فناوری‌های ارتباطی پیشرفته، به صرف آن که امکان کاربری نامناسب از این فناوری‌ها وجود دارد، به طور عمده با دیده نفی و انکار با این فناوری‌ها برخورد کرده‌اند و روند

ممنوعیت کاربری از ویدیو در اوایل انقلاب، به روند ممنوعیت کاربری از ماهواره و برخی از شبکه‌های اجتماعی تلفن همراه انجامیده است، و تأکید گردید، برخلاف تصور اولیای فرهنگی کشور، فناوری‌های جدید، انتخاب نبوده، تحمیل هستند و در شرایط اخیر باید برای کاهش آسیب فناوری‌ها و افزایش فرصت‌های آن‌ها، با استفاده از تجربه بشری، دست به بسترسازی فرهنگی لازم برای کاربری کاربران از آن زد.

به بیان دیگر، نفی فناوری‌های ارتباطی که از سوی برخی از مسوولان کشور ارایه شده و مورد تأکید قرار می‌گیرد، راهکار مؤثری نیست، همان‌گونه که به سبب کاهش قابل توجه سرمایه اجتماعی، دل بستن به جایگزین کردن «کامل» شبکه‌های اطلاع رسانی داخلی، برنامه موفقی نخواهد بود، اما در این میان می‌توان با بسترسازی‌های فرهنگی لازم، ضمن اطلاع رسانی به کاربران (اعم از کودکان، نوجوانان، جوانان، اولیا و اولیای آموزشی و فرهنگی جامعه)، در باب خطرهای بالقوه کاربری از فناوری‌های ارتباطی جدید، آنان را از سویی در جهت به حداقل رساندن آسیب‌های فناوری‌های ارتباطی جدید و از سوی دیگر به حداکثر رساندن منافع آن‌ها یاری رساند.

در ادامه مقدمه، پس از بررسی اجمالی ادبیات پژوهش درباره اثرات اینستا بر روی کاربران، از مواردی نظیر: کاربری‌های آموزشی اینستا، استفاده از اینستا در زمینه‌های پژوهشی، گسترش ارتباطات، کاربری از اینستا در جهت ایجاد موج‌های اجتماعی، اثرات هویتی اینستا برای نوجوانان و جوانان، استفاده از اینستا در جهت گذران فراغت، سلامت، مسایل حقوقی، اقتصادی، زیباشناختی، زیست محیطی، اثرات منفی آموزشی، اعتیاد به اینستاگرام، اثر منفی بر عزت نفس، کاهش سازگاری، کاهش رضایت از زندگی، احساس طرد اجتماعی، نوسان‌های عاطفی، تنیدگی، اثرات منفی هویتی، اثرات عقیدتی، اثرات منفی بر سلامت روان، افسردگی، اضطراب، احساس بدشکلی بدنی، اختلال‌های خوردن، اختلال خواب، ترس از دست دادن، مصرف سیگار و مواد مخدر، مصرف الکل، تحریک جنسی و دامن زدن به مسایل جنسی، افکار خودکشی، آزارگری و قلدری سایبری، کودک آزاری، بزه‌کاری، خودشیفتگی و بی‌توجهی به ارتقای سواد رسانه و امنیت اندک اینستا، یاد شد.

در فراز بعدی مقدمه، ضمن تأکید فضای اجتماعی متفاوت ایران و غرب، از خطمشی اینترنت پاک و به زبان امروزی‌تر، صیانت از فضای مجازی که در دستور کار مسوولان فرهنگی کشور است، سخن به میان آمد.

در توصیف فضای اجتماعی متفاوت ایران، باید خاطر نشان کرد، مواردی مانند: «کاهش سن کاربری از فناوری‌های ارتباطی پیشرفته»، «تحقق اندیشه و روش‌های حل مسأله هیجان‌مدار»، «تحقق جهانی اندیشیدن»، «بصری شدن فرهنگ مکتوب»، «خستگی ذهنی کاربران نوجوان و جوان در بمباران اطلاعاتی آنان در فضای مجازی»، «ایجاد نوسان‌های روانی در کاربران» و «اتخاذ

برخوردها و خطامشی‌های مبتنی بر صفر و یک»، در نسل جوان ایران قابل مشاهده است که این موارد در اتخاذ هر نوع تصمیم آنان ذی نقش و مؤثر ظاهر می‌گردند.

در ترسیم خطامشی مسوولان فرهنگی کشور در مواجهه با فضای مجازی هم بیان شد، توهمزدگی برخی از مسوولان فرهنگی، مانع از فهم درست مسایل برای آنان شده است و آنان تصور می‌کنند، با توسل به مواردی مانند فیلترینگ، توقیف و ممنوعیت در مقوله فضای مجازی و مانند آن، می‌توانند حرف آخر را بزنند، حال آن که چنین نیست و نمی‌توان علم را متوقف نگاه داشت و هیچ فیلتری در برابر پیشرفت علم امکان موفقیت نخواهد داشت. به تعبیر دیگر، اگر زمانی در سال ۱۳۷۴ با طرح ماهواره در ایران، برای گرفتن کانال‌های ماهواره، دیش‌های ۴-۵ متری لازم بود، در حال حاضر به دلیل پیشرفت‌های علمی، دیش‌هایی با یک صدم طول دیش‌های پیشین، عملکردی بهتر از دیش‌های بزرگ سابق را به معرض دید نهاده و در آینده‌ای نزدیک، با زیر پوشش قرار گرفتن تمامی کره زمین با ماهواره‌های ایلان ماسک، در عمل هر نوع فیلترینگی به حافظه تاریخ سپرده خواهند شد.

نوجوانان و جوانان کاربری که با پیش زمینه‌های اجتماعی و روانی پیش گفته، با فضای مجازی و خاصه شبکه اجتماعی تصویر محور اینستاگرام مواجه می‌گردند، رفته رفته جذب جذابیت‌های ظاهری محتوای اخیر شده، و به تدریج قانع می‌شوند که در جست‌وجوی جایگزین مورد نظر خویش، به لحاظ فیزیکی باید مهاجرت به کشورهای خارجی را در دستور کار خود قرار دهند و به لحاظ فرهنگی و اجتماعی هم باید هنجارها و ارزش‌های تبلیغ شده در فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی همچون اینستا را مدنظر خود قرار دهند.

در مورد ارزش‌های القایی شبکه‌های اجتماعی که جوانان خود را با آن‌ها مواجه می‌بینند، لازم به توضیح است که فضای مجازی در عمل عرصه گسترده‌ای را برای هویت‌های حاشیه‌ای، شاخ‌های مجازی، اینفلوئنسرها و بلاگرها گشوده و پدید آورده است که پیش‌تر در فضای فرهنگی و اجتماعی جوامع مختلف مطرح نبودند.

گذشته از موج آفرینی جدیدی که با سایه‌گستر شدن فضای مجازی، چهره‌های جدید برای کاربران پدید آورده اند و غالباً آنان را به سمت و سوی یک زندگی تجملاتی، مصرف‌زده، لذت‌مدار و مبتنی بر هوس سوق می‌دهند، عناصر مرسوم فرهنگ غرب نیز در دسترس کاربران فضای مجازی؛ از جمله شبکه اجتماعی اینستاگرام قرار می‌گیرند.

کلیپ‌ها، پویانمایی‌ها، بازی‌های رایانه‌ای، فیلم‌ها، سریال‌ها، سرگرمی‌ها، مدها، عرضه وسایل تزئینی (برگرفته از فیلم‌ها و سریال‌های غربی) و در کنار همه آن‌ها، طرح سلبریتی‌های غربی، عرصه گسترده‌ای را برای القائات فرهنگی - اجتماعی - عقیدتی - زیباشناختی کاربران رقم می‌زنند. آثار اخیر غالباً واجد ارزش‌هایی نظیر علم‌گرایی، مدنیت، دموکراسی و اقتصاد قوی که در غرب وجود

دارند، نبوده، بیش تر واجد ارزش‌هایی مانند مصرف‌زدگی، هیجان‌طلبی، روابط نامتعارف جنسی، اعتیاد، الکلیسم، شیطان‌پرستی و نظایر آن‌ها هستند که ذهن جوان ایرانی را در جریان کاربری از محتوای‌های اخیر، مخدوش می‌سازند.

بنابراین در فضایی که تولیدهای فرهنگی داخل (که عمدتاً با بودجه‌های دولتی تهیه شده اند و غالباً جنبه شعاری دارند)، در برابر انبوه تولیدهای فرهنگی غرب که با مطالعات علمی روان‌شناختی و جامعه‌شناختی اولیه و صرف بودجه‌های گزاف و پردازش‌های هنری و جذاب، خلع سلاح می‌گردند، کاربران نوجوان و جوان ایرانی عمدتاً تحت تأثیر انبوه کلیپ‌ها، پویانمایی‌ها، بازی‌های رایانه‌ای، فیلم‌ها، سریال‌ها و خاصه سلبریتی‌های غربی که بعضاً مبلغ موضوع‌هایی مانند لذت‌مداری و هوس‌پرستی و نظایر آن‌ها هستند، قرار می‌گیرند.

اثربخشی نوجوانان و جوانان کاربر فضای مجازی و خاصه شبکه‌های اجتماعی اینستاگرام سبب می‌شود، اقشار قابل تأملی از آنان، پس از مایوس شدن از تحول‌آفرینی در داخل کشور، به طور کامل متوجه خارج از مرزهای کشور شده، در این میان به لحاظ فیزیکی گریز از کشور و مهاجرت به کشورهای دیگر و به لحاظ روانی و ارزشی، به پذیرش ارزش‌های مادون فرهنگ غرب دست بزنند، به این معنا که آنان یا به حمایت از نهضت فمینیسم (در اشکال افراطی آن که مثلاً با شعار ضرورت له کردن مردان، در عمل مروج هم جنس‌گرایی زنان بوده یا ازدواج با مرد ایرانی را نفی می‌کنند) یا حمایت از جامعه اقلیت جنسی (ال‌جی‌بی‌تی)، شیطان‌پرستی، خرافه‌پرستی (نظیر پناه جستن به فلسفه فنگ‌شویی) پرداخته، به فضای ارزشی جدیدی گام نهند که در کنار تبلیغ مدام زندگی‌های لاکچری، در مجموع نوجوانان و جوانان را به سمت سبک زندگی جدیدی سوق می‌دهد که در تعارض عمیقی با سبک زندگی تکلیف‌مدار در جامعه و فرهنگ خودشان هست.

به تعبیر دیگر، هجمه فرهنگی، عقیدتی، سیاسی، اجتماعی، زیباشناختی اینستاگرام از سویی و توهم زدگی مسوولان فرهنگی جامعه و ضعف‌های مفرط نهادهای فرهنگی، اجتماعی، عقیدتی و اقتصادی آن از سوی دیگر، در عمل ضمن ایجاد تحول‌هایی نظیر از خودبیگانه کردن کاربران نوجوان و جوان، القای فرهنگ لاکچری به آنان، رقم زدن تحول‌های هویتی شدید در جوانان (نظیر تحقق یافتن هویت‌های کاذب، پنهان، دوپاره شده و معارض)، سبک زندگی کاربران را تغییر می‌دهد و البته تغییر اخیر به نوبه خود، تحول‌های عمیقی را در نوع نگاه زیباشناختی، اخلاقی، عقیدتی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی کاربران پدید آورده و رقم می‌زند، به این معنا که برخلاف غرب که از فلسفه‌ای انسان‌مدار (و بالطبع لذت‌مدار) تبعیت می‌کند، در این مرز و بوم در طول تاریخ، اندیشه خدامدار (و بالطبع تکلیف‌مداری انسان)، مطرح بوده است، اما در تحولات پدید آمده، اقشار قابل تأملی از نوجوانان و جوانان ایرانی با جابه‌جا کردن دید اولیه تکلیف‌مدار خویش با دیدی لذت‌مداری، در عمل تحولی اساسی را در زندگی فردی و اجتماعی خویش رقم زده و پدید می‌آورند.

با توجه به آن چه از آن یاد شد، نگارنده با ملاحظه رویکرد نادرست مسوولان امر در فضای مجازی از سویی و آسیب دیدگی سرمایه‌های انسانی کشور از سوی دیگر، برای کمک به اولیا و اولیای آموزشی کودکان، نوجوانان و جوانان در صدد روشنگری در این امر برآمد که در قسمتی از این اقدام‌ها، تهیه مجموعه قریب ۴۰ جلدی «اینستا از درون»، در جهت ترسیم فراز و فرودهای آثار زیستی، روانی، اجتماعی، فرهنگی، آموزشی، سیاسی، عقیدتی، اخلاقی، تربیتی، اقتصادی و زیباشناختی کاربری از شبکه اجتماعی اینستاگرام در سطح کاربران ایرانی در دستور کار نگارنده قرار گرفت که اکنون جلد دوم «چند مصاحبه با جوانان کاربر اینستاگرام درباره اثرهای فرهنگی کاربری از اینستاگرام»، فراروی شما است.

در جلد نخست این مجموعه، پس از مقدمه، مصاحبه‌های زیر آمدند:

«بعد فروشنده گفت وایسید برنامه‌ها رو براتون نصب کنم، یهو اون دوقلوهای ۵، ۶ ساله داد زدن، تلگرام و اینستاگرامم بریز!» (مصاحبه با روزان، ۱۷ ساله)،

«- بعد خودت توی همون سن ۸ سالگی می‌رفتی انواع مطالب مثبت ۱۸ رو می‌دید؟

آره، متأسفانه» (مصاحبه با مهسا، ۱۶ ساله)،

«از اینستا درباره این که داره فیلم جدید بازی می‌کنه یا مثلاً قدش چه قدره، چند کیلوئه، سگ داره یا نداره، اطلاع به دست آوردم» (مصاحبه با ترانه، ۱۵ ساله)،

«من توی اینستاگرام دیدم هم برای پسر هم برای دختر، می‌شه دوست دختر، دوست پسر اجاره‌ای گرفت» (مصاحبه با مهلقا، ۱۸ ساله)،

«هزار سال حاضر نیستم برم سراغ برنامه‌هایی مثل سروش که ابزارهای... و کنترل آدم‌ها هستن» (مصاحبه با علی، ۱۹ ساله)،

«کشور ما هیچ وقت هیچ چیزی برای آرایه به دنیا نداشته... کشور ما خیلی کشور ضعیف و عقب افتاده‌ایه و به نظر من مهاجرت لازمه خوشبختی و زندگی راحت» (مصاحبه با پگاه، ۱۷ ساله)،

«گاهی با خودم می‌گفتم که چرا من نمی‌تونم سفر آن‌چنانی برم؟ چرا من نمی‌تونم فلان وسیله رو بگیرم و اون بلاگره همه این کارا رو می‌کرد» (مصاحبه با فرشته، ۲۰ ساله).

در کتاب حاضر که جلد دوم «چند مصاحبه با جوانان کاربر اینستاگرام درباره اثرهای فرهنگی کاربری از اینستاگرام»، به شمار می‌رود، قسمت دیگری از مصاحبه‌های انجام شده با عناوین زیر آمده است:

«همین باعث می‌شه، بچه ۴ ساله فامیل مون بگه، بچه توی اینستا چشمش آبی، منم لنز می‌خوام یا من غذا نمی‌خورم که بزرگ شدم لاغر باشم» (مصاحبه با زهرا، ۲۰ ساله)،

«اینستاگرام جذاب‌تر از یه کتابه، اینستا عکس باهاش، صدا، جذابیت» (مصاحبه با آرشام، ۲۳ ساله)،

«همین‌که گلشیفته تابوشکنی کرد و خواست نشون بده اگر لخت بشی دنیا به آخر نمی‌رسه، برام قابل احترامه» (مصاحبه با دُرسا، ۱۷ ساله)،

«از جولیا و ابیگل خیلی خوشم میاد، خیلی کیوتن، از رافین و میکا و کاتیه و استف هم خیلی خوشم میاد» (مصاحبه با آلا، ۱۵ ساله)،

«اگه بچه ۶، ۷ ساله جی‌تی‌ای بازی کنه، دیگه خدا رحمتش کنه» (مصاحبه با راد، ۱۶ ساله)،
«در روز ده، پونزده ساعت بازی می‌کنم، البته بستگی به حال هم داره، اگه حوصله‌ی بازی رو اون روز داشته باشم بیش‌تر» (مصاحبه با مهشید، ۱۶ ساله)،

«خب یه نکته‌ای که درباره نازنین هست، اینه که عادت ماهانه‌اش خیلی زود و از ۹ سالگی شروع شد» (مصاحبه با کوثر، ۲۴ ساله)،

«فصل ۶ پیکی بلاینדרز رو توی همین اینستا فهمیدم کی میاد که البته هنوز نیومده، من عاشق پیکی بلاینדרز شدم» (مصاحبه با امیرعلی، ۱۸ ساله)،

«مثلاً بی‌بند و باری، ازدواج سفید، بارداری خارج از ازدواج و چیزای دیگه همه هست توی این سریالا، اما خب فان هم هستن دیگه» (مصاحبه با سمیه، ۲۱ ساله)،

«بازی‌های جرأت حقیقت و I ever have never حال می‌ده، همه رسوا می‌شن» (مصاحبه با مرجان، ۲۱ ساله)،

«قضیه بی‌پروایی جنسی، خیلی باعث شده پیج‌های مبتذل هم زیاد فالو بشن، حتی خود من هم یه‌سری از این پیج‌ها رو فالو داشتم» (مصاحبه با یوسف، ۲۱ ساله)،

«مثلاً یه دوست دارم تام بوی شده و دوست دختر هم داره، این برای من واقعاً عادیه... گرایش‌ه دیگه، مگه دست خودش» (مصاحبه با زینب، ۲۰ ساله)،

ادامه مصاحبه‌ها و جمع‌بندی آن‌ها، در سایر مجلدات بعدی این مجموعه آمده است.

۲- گزارش مصاحبه‌های میدانی

مصاحبه با زهرا، ۲۰ ساله

همین باعث می‌شه، بچه ۴ ساله فامیل مون بگه، بچه توی اینستا چشماش آبی، منم لنز می‌خوام یا من غذا نمی‌خورم که بزرگ شدم لاغر باشم.

- سلام زهرا جان.

سلام.

- خوبی؟

ممنون، خوبم.

- پیشاپیش از این که قبول زحمت کردید و برای مصاحبه وقت می‌گذارید، متشکرم. خواهش می‌کنم.

- زهرا خانم، شما چند سال تون هست؟

۲۰ سالمه.

- دانشجویی؟

آره، دانشجوی رشته طراحی لباس هستم.

- می‌شه به من بگی که شما چند ساله موبایل داری؟

من از ۱۰ سالگی موبایل دکه‌ای داشتم، از ۱۴ سالگی موبایل هوشمند دارم.

- چند وقت هست از اینستاگرام استفاده می‌کنی؟

حدوداً ۴، ۵ سال.

- به نظرت سن استفاده از اینستاگرام چه سنی هست؟

بر اساس تجربه‌ام به نظرم بهتره زیر ۱۵ سال ازش استفاده نکنه، البته منعش هم درست نیست،

چون فکر می‌کنند حالا چه خبر هست که اون‌ها اجازه استفاده ندارند، دقیقاً مثل خودمون که کوچیک

بودیم دیگه، منظورم اینه که از هر سنی شروع می‌کنند با مدیریت خانواده باشه، زمان‌بندی داشته

باشه و قبلش سواد استفاده ازش رو داشته باشه.

- گفتی بر اساس تجربیات این‌ها رو می‌گی، می‌شه پرسیم چه تجربه‌ای در این زمینه داشتی؟
بله، خانواده در زمینه استفاده از فضای مجازی خیلی من رو محدود می‌کردند و گیر می‌دادند که چرا خیلی زیاد از گوشی استفاده می‌کنی و از نظر من رفتارشون واقعاً درست نبود، چون من به شدت آدم لج‌بازی بودم و برعکس چیزی که می‌گفتند رو انجام می‌دادم، برای همین وقتی که خواهر کوچک‌ترم موبایل گرفت و همون گیرهایی که به من می‌دادند و به اون هم می‌دادند، خیلی جدی برخورد می‌کردم و نقش خواهر بزرگ فداکار رو داشتم و می‌گفتم بذارید هر کاری می‌خواد بکنه، بکنه و من حواسم هست، اما درگیر درس و اینا شدم و اون رو یادم رفت و نتیجه این شد که خیلی از گوشی استفاده می‌کرد و می‌تونم بگم تقریباً معتاد شده بود و الآن که کنکوریه، خیلی اذیت شد تا گذاشتش کنار.

- به نظرت استفاده از اینستاگرام الزامی هست؟

بین الزامی الزامی نیست، اما اگه یه نفر نداشته باشه، روی زندگیش خیلی اثر می‌ذاره.

- مثلاً استفاده از اینستاگرام چه اثرات مثبت و منفی روی شما گذاشته؟

خیلی اثرات زیادی گذاشته، مثلاً من کلاً آدمی هستم که توی جمع خیلی حرف می‌زنم و دلیل این که خیلی حرف می‌زنم، اینه که حرفی برای گفتن دارم، توی اینستا سلبریتی‌ها رو دنبال می‌کنم، فیلم‌های مختلف رو دنبال می‌کنم، اخبارهای مختلف درباره‌ی خواننده‌ها و بازیگرها رو دنبال می‌کنم و همین باعث می‌شه که دامنه‌ی لغاتم هم در فارسی و هم در انگلیسی افزایش پیدا کنه و راحت‌تر بتونم با بقیه صحبت کنم. از طرف دیگه من طراح لباسم و لازمه طراحی لباس اینه که از دنیای مد خیلی خبر داشته باشم، بدونم سلبریتی‌ها توی این بازه زمانی چه لباسی پوشیدن، چه رنگ لباسی بیش‌تر بین مردم هست یا حتی شاخ‌های مجازی چه لباس‌هایی می‌پوشند، چون به هر حال فارغ از درست و غلط بودنش، چیزیه که مردم می‌پسندند و دوستن این‌ها خیلی اثر می‌ذاره روی کار من، اما یک‌سری از اثرات منفی هم داشته، مثلاً ببین اینستا یه حالتی داره که زندگی همه توش پر زرق و برق نشون داده می‌شه، مردم اون‌جا خیلی پرفکت و عالی هستن، زندگی‌شون رو خیلی قشنگ و خفن نشون می‌دن، همه آدمای خوشگل و آرایش کرده و شیک‌ی هستند، غذاهاش خیلی خوش آب و رنگ و خوش طعم به نظر می‌رسند، یه زمانی بود من از مدرسه می‌اومدم خونه، ویدیوهای غذاهایی که پست شده بود رو نگاه می‌کردم و از یه زمانی به بعد متوجه شدم که من دیگه غذاهای خودم‌مون رو دوست ندارم، مثلاً قورمه سبزی حالم رو به هم می‌زد، همه غذاها به نظرم کوفت بود و فقط دلم از اون غذاهایی می‌خواست که دیده بودم، وقتی دیدم داره این‌قدر روم اثر می‌ذاره، دیگه ندیدم و دیگه درست شد. بقیه چیزها هم همین طور، مثلاً اگه خیلی برم مدل‌ها رو دنبال کنم، سلبریتی‌ها را دنبال کنم، درباره‌ی چهره خودم ممکنه چنین احساسی داشته باشم. کلاً توی اینستا همه خیلی خوشحال هستند، خیلی زندگی خوبی دارند و وقتی که آدم اون‌ها رو می‌بینه با خودش می‌گه، یعنی

فقط من این طوریم، یعنی فقط زندگی منه که خیلی داغونه و باور می‌کنه که زندگی همه عالیه به جز خودش و این می‌شه که برای ثابت کردن شادی زندگی خودش، اونم وارد این چرخه می‌شه که این کار رو انجام دادم، استوری کنم، امروز رفتم فلان رستوران، فلان غذا رو خوردم، فلان آرایش رو انجام دادم، فردا لباس خریدم رو استوری کنم و این چرخه همین طور ادامه پیدا می‌کنه و همه مردم می‌افتند توش و خیلی بده، چون همه مردم رو توی رقابت با هم می‌اندازه و از یه جا به بعدش دیگه زندگی واقعاً خیلی مسخره و خسته کننده می‌شه. برای همین دیگه آدم زیاد نباید تا این حد دنبال کنه، من وقتی که اثرات این چینی اینستا رو توی خودم دیدم، همون موقع استفاده ازش رو کم کردم.

- گفتی توی اینستاگرام فیلم‌های مختلف رو دنبال می‌کنی، اینستاگرام روی سلیقه‌ات در فیلم و سریال هم اثری داشته؟

آره، قبلاً فیلم‌های ایرانی و همین تلویزیون رو می‌دیدم و حتی ماهواره هم نداشتیم که فیلم خارجی ببینم، اما وقتی اینستا نصب کردم با فیلم و سریال‌های مختلف خارجی آشنا شدم و تیکه‌هایی ازشون رو می‌دیدم و خوشم می‌اومد و می‌رفتم دانلود می‌کردم و کلاً سلیقه موسیقی و فیلم تغییر کرد و الآن بیش‌تر آهنگ و فیلم‌های خارجی دنبال می‌کنم.

- چرا؟

تنوع بیش‌تری دارند، من به فیلم‌های زندگی نامه‌ای علاقه بیش‌تری دارم و فیلم‌های زندگی نامه‌ای ایرانی بیش‌تر درباره شهدا و این‌هاست و اصلاً جذاب نیستند، در حالی که فیلم‌های زندگی نامه‌ای خارجی، متنوعه و زندگی واقعی شخص رو و پستی و بلندی‌های زندگی رو نشون داده و جذابیت گرافیکی و موضوعی داره، فقط توی جنگ و شهید شدن و فداکاری خلاصه نشده و کلاً محتوای به درد بخوری ساخته شده.

- آیا علایق شما نسبت به قبل از اینستاگرام تغییری کرده؟

صد البته، اینستاگرام سلیقه موسیقی من رو عوض کرد، شروع کردم فیلم ببینم یا مثلاً یه چیزهایی مثل مدل لباس رو من خیلی بهش اهمیتی نمی‌دادم و شاید اصلاً برام مهم نبود که چی بپوشم، همین که لباس بپوشم کافی بود، اما بعد از استفاده از اینستاگرام، بیش‌تر روی مدل‌ها و لباس پوشیدنم حساس شدم، بیش‌تر روی هیکلم حساس شدم و انگار آدم ناخودآگاه وارد این جریان می‌شه که بقیه این‌جوری اند، پس من باید این‌جوری باشم. البته می‌دونی از زمانی که من اینستا نداشتم، حدود چهار، پنج سال می‌گذره و خیلی از این تفاوت‌ها شاید به خاطر سن باشه، اما به نظر خودم حتی اگه سن باعث این تغییرات شده باشه، اینستاگرام چیزی بود که من این تغییرات رو ازش می‌گرفتم.

- توی حرف‌ها گفتی که همون طور که دیدن پست‌های مربوط به غذا شما رو نسبت به غذاهایی که همیشه می‌خوردی دل زده کرد، دیدن سلبریتی‌ها هم باعث می‌شه حس بدی به خودت داشته باشی، می‌شه درباره‌اش توضیح بدی؟

بین خانوم‌ها توی اینستا خیلی خوشگل هستن، پوست‌شون صافه، شکم‌شون تخته، هیکل خیلی خوبی دارن، از خواب که بیدار می‌شن، استوری می‌ذارن، خیلی خوبن، اما من کلاً به مقدار هیکلم فرق داره، تپلم، پوستم زیاد سفید نیست، موهام فره و بعد از این که ۱۰ ساعت شونه می‌کشم، بازم اون جووری که یه سری موهاشون هست نمی‌شه، وقتی که آدم‌های خیلی خوش هیکل و خوشگل رو توی فضای مجازی و اینستا آدم می‌بینم، با خودش می‌گه این‌ها چه رمزی می‌زنند که این قدر خوشگل و خوب ان، چرا ما این جووری نیستیم. البته می‌دونم که خیلی‌هاشون با فیلتر و آرایش این جووری هستن، اما بازم باعث می‌شه که من نسبت به هیکل خودم و قیافه خودم احساس خوبی نداشته باشم و اعتماد به نفسم پایین بیاد و حس کنم زشتم، البته قبلاً بیش‌تر بود، الان کم شده.

- آیا اینستاگرام اعتقادات شما رو هم تحت تأثیر قرار داده؟

آره به شدت، اول‌ها که به مدت من رو کشونده بود سمت خرافات و فال‌گرفتن و این چرت و پرت‌ها، چون به سلبریتی تبلیغ کرده بود، من رفتم سمتش و تا مدت‌ها گیر همون فال و فال‌گیری بودم. از طرف دیگه من وارد یه سری فندوم‌ها و جریان‌هایی شدم که به شدت نگاه من رو به اون چیزی که هستم، چیزی که خانواده‌ام هست و عقایدی که داشتم، تغییر داد، من کلاً به آدم خیلی مذهبی بودم، آدم خیلی محجبه بودم، به شدت تحت تأثیر انقلاب و این صحبت‌ها بودم و بعد که وارد اینستاگرام شدم، عقاید من خیلی عوض شد، یه سری چیزایی که دین می‌گه یا مذهب می‌گه، کاملاً به نظرم مسخره اومد، تعصباتی که قبلاً روی یه سری از آدم‌های دینی داشتم، مثل رهبر و این جور چیزها، کاملاً از بین رفته و اگر الان بپرسی دلیلش چیه، واقعاً نمی‌دونم. اما برعکس یه سری چیزای جدید در من شکل گرفت، یه سری کشمکش‌های درونی داشتم و در نهایت این چیزی که الان هستم، ساخته شد.

- می‌شه درباره‌ی فندوم‌ها و جریاناتی که واردشون شدی بیش‌تر توضیح بدی؟

برای تو آره، ولی مناسب مصاحبه نیست.

- اسم شما توی مصاحبه نیاد و کسی نمی‌شناستت، راحت باش.

نه کاری به شناخته شدنش ندارم، موضوع مناسبی نیست، من می‌گم اگه خواستی حذفش کن، درباره‌ی نظر من راجع به هم‌جنس‌گرایی هست، قبل از استفاده از اینستا کلاً آدم هموفوبیکی بودم، یعنی هم‌جنس‌گراها را آدم‌های نجسی می‌دونستم، اما همین طور که الان می‌بینی، بنده دوست دختر دارم، یعنی به عقیده به اون بزرگی و با اون عظمت کاملاً عوض شد، طوری که دقیقاً نقطه مقابلشم و نه فقط به صورت اعتقادی، به صورت عملی و دیگه وارد این جریان شدم.

- چی شد که اعتقادات این‌طور تغییر کرد؟

زمانی که من وارد اینستا شدم، از یه چندتا سلبریتی‌های خارجی خوشم اومد و مطالب درباره‌ی اون‌ها رو دنبال می‌کردم و از قضا این چند نفر، یکی، دوتا شون هم‌جنس‌گرا بودن و همین خیلی خیلی اثر گذاشت روی اعتقاد من و گفتم این‌ها که آدم‌های خوبی هستند، پس چرا من فکر می‌کردم باید آدم‌های عوضی باشن، پس این گرایش‌ها خیلی بد نیست و اول نظرم مساعد شد نسبت به این افراد و دیگه هموفوبیک نبودم، بعد از اون کم‌کم پست‌های مختلف این‌جوری رو دیدم از ال‌جی-بی‌تی‌ها حمایت می‌کردند و حرف‌های دلشین داشتند و این شد که گرایش من به کلی تغییر کرد. می‌دونی حس کردم که عشق شکل خاصی نداره، جنسیت خاصی نداره و می‌تونه هر جوری باشه، هر چیزی که با اون راحتی می‌تونه هویت تو باشه و لازم نیست که این هویت رو مخفیش کنی، البته سوءتفاهم پیش نیادها، من هم‌جنس‌گرا نیستم، بایسکشوالم، یعنی به هر دو جنس گرایش دارم و رابطه با هر دو جنس رو تجربه کردم، اما در حال حاضر با یه دختری توی رابطه‌ام، خلاصه داشتم می‌گفتم، اینستا یکی از این طریق که من اگه آدم خوبی باشم، نیاز نیست، نماز بخونم یا هرکاری دین گفته انجام بدم، روی این اعتقادات اثر می‌ذاره، یکی از طریق بد نشون دادن افراد مذهبی، من بیش‌تر از اولیه اثر گرفتم و واقعاً معتقدم به خوب بودن، اما بدترین ضربه رو به اعتقادات مردم، اون بد نشون دادن مذهبی‌ها زد، به خصوص الان توی دوره‌ی کرونا که افراد مذهبی، خیلی‌ها شون سمت روغن بنفشه و داروی امام کاظم بودند برای درمان کرونا و با واکسیناسیون مخالف بودند یا به کل ماجرای کرونا رو قبول نداشتند، توی فضای مجازی زیاد روی وجهه‌ی اون‌ها اثر داشت یا مثلاً خیلی از افراد مذهبی یه جور مردسالاری رو قبول دارند و مخالف با نظر اغلب جامعه است و همین باعث شده مردم وقتی یه آدم مذهبی می‌بینند، ذهن‌شون بره سمت یه آدم این‌جوری و جامعه از نظر خیلی‌ها شده دو دسته، افراد غیرمذهبی و مذهبی که انگار همیشه باید با هم بجنگند و این دو دستگی واقعاً دیده می‌شه.

- چه طوری متوجه گرایش خودت شدی؟

من همون اول‌ها که اینستا رو نصب کردم، با یه پسری دوست شدم و بعد به دلایل خاصی دیگه با هم کات کردیم، بماند که چه قدر اذیت شدم سر این و چه مسایلی برام پیش اومد، اما بعدش دیگه رابطه‌ی ما با هم دیگه به صورت صمیمی شد، یعنی رابطه عاشقانه نبود، اما این‌جوری هم نبود که هیچ رابطه نباشه، به صورت دوتا دوست با هم دیگه چت می‌کردیم، از اون طرف من تازه با یه دختری توی اینستا آشنا شده بودم و به من پیشنهاد داد که با هم دیگه وارد رابطه جدی بشیم، من اصلاً باورم نمی‌شد که یک روز چنین اتفاق عجیبی برای من بیفته و اصلاً نمی‌دونستم که گرایشم چیه یا شاید من هم چنین گرایشی داشته باشم و برای همین کاملاً دچار پنیک شدم و رفتم

با همین پسره صحبت کردم و مشورت کردم، چون اون موقع کسی رو نمی‌شناختم که در این باره نظر بدی نداشته باشه و گفتم که باید چه کار کنم، چه کار نکنم، نظر تو چیه، اون بهم گفت اگه می‌بینی ازش خوشت میاد، با اون وارد رابطه شو، اتفاق خاصی نمی‌افته، نهایتش می‌فهمی که درست نبوده، از رابطه خارج می‌شی و همین برات تجربه می‌شه، منم گفتم باشه و رفتم جواب مثبت دادم و الان یک سال و ۲ ماه از اون روز می‌گذره و ما هنوز با هم در رابطه‌ایم و در همین جریان بود که من متوجه شدم که این گرایش‌ها در من هم بوده.

- به صورت مجازی با اون آشنا شدی؟

بله، اون آدمین یک پیج بود و به همین علت با هم آشنا شدیم و صحبت کردیم.

- آیا به جز همین دو نفر که گفتی با کس دیگه‌ای هم به صورت مجازی دوست شدی؟

دوستی و رابطه عاطفی نه، فقط اون دوتا بودند، اما تا دلت بخواد دوست‌های دیگه پیدا کردم، کلاً من دنبال این هستم که یه نفر رو پیدا کنم که با اون دوست بشم، حالا فضای مجازی و غیرمجازی اصلاً فرقی نداره.

- تا چه اندازه باهاشون صمیمی هستی؟

به اندازه متعادل، خیلی باهاشون گرم نمی‌گیریم و در حد متعادل باهم صحبت می‌کنیم، برای درد دل کردن یا همون دو نفری که قبلاً گفتم انتخاب می‌کنم یا دوستای واقعی، اما در کل اینستا خیلی باعث شده که من روابط اجتماعی رو بیش‌تر کنم، البته همین طور هم زیاد بود، اما دیگه الان از همه جای دنیا یه چندتا دوستی دارم، مثلاً چند وقت پیش با یک شخصی که مصری بود صحبت کردم و با هم آشنا شدیم و هنوز صحبت می‌کنیم، یا مثلاً یه بار برای مدرسه باید یه تحقیق درباره یکی از فرهنگ‌ها به جز فرهنگ‌های ایرانی می‌بردیم و من تصمیم گرفتم به جای این که از کتاب و اینترنت استفاده کنم، برم با یک فرد فرانسوی آشنا بشم و درباره فرهنگ‌شون ازش بپرسم و هنوز بعد از دو سال با اون ارتباط دارم و گاهی اوقات برای هم‌دیگه پیامی چیزی می‌فرستیم، این مسأله هم باعث شده که من زبان انگلیسیم قوی بشه، چون به هر حال به زبان انگلیسی باهاشون صحبت می‌کنم، از طرفی هم باعث شده که همین ارتباطات اجتماعی خیلی گسترده‌تر بشه و بعضی وقت‌ها هم از فرهنگ و زبان اون‌ها، یه سری چیزا رو یاد می‌گیرم و استفاده می‌کنم. مثلاً وقتی که دارم لباس طراحی می‌کنم، ایده‌هام رو از چیزهایی که از اون‌ها درباره‌ی فرهنگ‌هاشون شنیدم می‌گیرم، مثلاً با یه دختری صحبت می‌کردم که آلاسکا زندگی می‌کرد و درباره نوع پوشش مردم‌شون در قدیم توی اون مناطق که سرد بوده صحبت کردیم و آن درباره یک نوع پوشش خاص توضیح داد که می‌تونسته باعث گرم شدن‌شون بشه و منم توی اولین طراحی که بعد از اون داشتم، از این روش استفاده کردم یا با یه فردی صحبت می‌کردم که سندروم عجیب غریبی داشت و به خاطر همین به شکل عجیبی خیلی لاغر، اما قد بلند بود و گفت که من همیشه توی لباس خریدن مشکل دارم،

چون هیچ لباسی اندازه‌ام نیست و من این ایده به ذهنم رسید که لباس‌هایی برای افرادی که سایز خیلی کوچیک یا سایز خیلی بزرگ دارند، متناسب با سن‌شون طراحی کنم یا نمونه متفاوت‌تری، این که از این ویژگی‌های فرهنگی می‌تونم توی داستان‌های کوتاهی که می‌نویسم، استفاده کنم. چند وقته پیش شروع کردم یک داستانی بنویسم، درباره شخصی که شروع می‌کنه ماجراجویی کنه و در سرتاسر دنیا سفر کنه و باید فرهنگ و جغرافیای تمام کشورهای که از اون‌ها می‌گذشت را یاد می‌گرفتم تا بتونم بنویسم و می‌تونم بگم که اگه اینستا نبود، من نمی‌تونستم با افراد کشورهای دیگه صحبت کنم و تقریباً یه کار غیرممکن می‌شد، اما این‌جوری خیلی راحت توی اینستاگرام با افراد مختلف از کشورهای مختلف صحبت کردم و تونستم داستانم رو یه کم یکم پیش ببرم.

– اینستاگرام چه اثرات دیگه‌ای روی مهارت‌ها و روابط اجتماعی داشته؟

علاوه بر افزایش اطلاعات عمومی و دامن‌های کلماتم، چون من یک‌سری مطالب آموزشی و روان‌شناسی رو دنبال می‌کنم، مثلاً تیپ‌های شخصیتی و این‌جوری راحت‌تر می‌تونم با خودم و با دیگران ارتباط برقرار کنم، مثلاً یکی از مشکلاتی که من داشتم این بود که خیلی اورژینگ می‌کردم و روانی می‌کرد این مسأله، اما بعد متوجه شدم یکی از ویژگی‌های تایپ شخصیتی این اورژینگ داشته یا مثلاً تونستم با یک‌سری از راه‌کارهای افزایش اعتماد به نفس، مثلاً توجه کردن به ویژگی‌های مثبت خودم و دوست داشتن خودم، اعتماد به نفس خودم رو درباره‌ی چهره‌ام بالا ببرم و دیگه از خودم بدم نیاد.

– به نظرت برعکس هم می‌تونه پیش بیاد، مثلاً استفاده زیاد از اینستاگرام باعث بشه که فرد از حضور توی جامعه بترسه و تمایلی به روابط اجتماعی نداشته باشه؟

بله، خواهرم یه مدت شدیداً به اینستاگرام اعتیاد پیدا کرده بود، اون قدر که دلش نمی‌خواست بیاد بیرون و با آدم‌ها روبه‌رو بشه، از شرایط خونه و مدرسه‌اش پناه برده بود به اون‌جا و در مقابل جدا شدن ازش شدیداً مقاومت می‌کرد، به قدری که به وضوح می‌گفت من اینستا رو به خانواده ترجیح می‌دم، چون اونا حالم رو بد می‌کنند و اینستا حالم رو خوب می‌کنه یا مثلاً گاهی پیش میاد که وقتی که آدم می‌بینه توی جامعه، یه‌سری از اعتقاداتش یا یه‌سری از رفتارهای پذیرفته نمی‌شه، تصمیم می‌گیره که توی فضای مجازی این‌ها رو بیان کنه. مثلاً همان ماجرای رابطه خودم که گفتم، وقتی می‌بینم توی جامعه پذیرفته نمی‌شم، مجبورم با دوست‌های خودم درباره‌اش صحبت کنم که این مسأله را درک می‌کنند و این صحبت کردن توی فضای مجازی راحت‌تره، برای همین گاهی اوقات من هم اینستاگرام رو به ارتباط رو در رو با افراد ترجیح می‌دم، یکی از دلایل اینه که خیلی راحت

می‌تونن توی اینستا افرادی که شبیه خودت هستند رو پیدا کنی و باهاشون صحبت کنی و دیگه از قضاوت شدن هم نمی‌ترسی، چون اصلاً نمی‌شناسی‌شون و نمی‌شناسنت.

- آیا استفاده از اینستاگرام می‌تونه باعث افسردگی در افراد بشه؟

بله.

- می‌شه بیش‌تر توضیح بدی؟

مثلاً همون ماجرای دوستی من با اون پسر که گفتم، درسته که الان ازش گذشتیم و جفت‌مون حال‌مون خوبه، اما اون زمانی که من با اون کات کردم، تقریباً ۱۷ سالم بود و به شدت آسیب دیدم از این مسأله، در حدی که یه مدت صبح‌ها به زور از خواب بیدار می‌شدم و حس می‌کردم یه چیزی داره من رو خفه می‌کنه، از اون طرف شب‌ها خوابم نمی‌برد، کلاً برنامه زندگیم به هم ریخته بود، نمی‌تونستم درس بخونم، نمی‌تونستم کاری انجام بدم، تقریباً شش ماه به همین شکل گذشت، در حدی که اون زمان من نزدیک ۲۰ کیلو وزن کم کردم و خانواده‌ام بردنم پیش روان‌شناس و مشاور و کلی با خودم و بقیه کلنجار رفتم، اما هیچ فایده‌ای نداشت و این به خاطر این بود که واقعاً نمی‌خواستم به حالت اول زندگیم برگردم، یه جوری انگار می‌خواستم همین طوری بمونم، اما از شرایط راضی هم نبودم. تا این‌که دیگه از یه جایی به بعد به خودم گفتم بسته خودت رو جمع کن، بیا دیگه مشکل رو حل کنیم و کم‌کم بهتر شدم. اما اگه اینستاگرام و این رابطه مجازی و احمقانه آن زمان نبود، من اصلاً چنین حالت و احساسی را تجربه می‌کردم، البته بدم نبود، تجربه اون مسأله به من کمک کرد که دیگه خیلی راحت به آدم‌ها اعتماد نکنم توی فضای مجازی.

- آیا تا به حال شده در طی استفاده از اینستاگرام با شخصیت‌هایی رو به رو بشی که ازشون خوشت بیاد و سعی کنی از اون‌ها الگو برداری کنی؟

بله، شده. من زیاد سلبریتی‌ها رو دیدم که خیلی ازشون خوشم اومده و سعی کردم از اون‌ها الگو بگیرم، مثلاً جانی دپ یا جنیفر لوپز، من موفقیت‌هاشون رو دیدم و بهم انگیزه داده و کمک کرده که پشتکار بیش‌تری داشته باشم یا مثلاً نوع دوستی یه شخصی مثل آنجلینا جولی رو که دیدم، سعی کردم نسبت به افراد دیگه با نژادهای مختلف بهتر رفتار کنم و به افرادی که نیاز به کمک دارن، کمک کنم یا نژاد خاصی رو نژاد برتر ندونم، من قبلاً از عرب‌ها متنفرتر بودم، با هر ملیتی کنار می‌اومدم جز عرب و محله ما هم جاییه که عرب زیاد داشتیم، این‌قدر این‌ها روی مخم بودن که نگو، اما بعدش تحت تأثیر این قضایا یه کم بهشون حس خوبی پیدا کردم و پذیرفتم‌شون.



- نظرت درباره‌ی این الگو برداری‌ها چی هست؟

بین به نظرم این الگوبرداری‌ها از آدم‌های مشهور و سلبریتی‌ها سواد می‌خواد، مثلاً قرار نیست تو از یه شخصی الگوبرداری کنی و چهره و لباس پوشیدن رو شبیه‌شون بکنی، مثلاً یه سری از افراد می‌رن عمل‌های جراحی می‌کنند که چهره خودشون رو شبیه سلبریتی مورد علاقه‌شون دربیارند، این الگوبرداری غلطه، اما مثلاً یه شخص رو می‌بینی که توی مشکلاتش جنگیده و صبح تا شب کار کرده تا به نتیجه رسیده و تلاش اون شخص رو می‌بینی و ارزش خوست میاد، سعی می‌کنی شبیه به این فرد یه آدم موفق باشی و تو هم تلاش بکنی، خودت را بسازی. به نظرم در این صورت بد نیست از سلبریتی‌ها و اینفلوئنسرهای الگوبرداری کنی، البته منظورم یه سری آدم‌های به درد بخوره‌ها، نه آدم‌هایی مثل نیلی و پویان مختاری و نمی‌دونم این آدم‌های مزخرف و شاخ‌های مجازی، اما اگه شخصی درست باشه، آدم برجسته‌ای باشه، محترم باشه، حالا چه ایرانی چه خارجی، به نظرم قابلیت این رو داره که تو ازش الگوبرداری کنی.

- به نظرت اینستاگرام در ترویج استفاده از سیگار و مشروب و این جور مواد اثری داشته؟ البته.

- می‌شه توضیح بدی؟

خیلی از سلبریتی‌ها و الگوهای اینستاگرامی برای این که خفن نشون داده بشند، از مواد مخدر یا سیگار و مشروب استفاده می‌کند و یه جوریه که انگار هر کسی از چنین چیزهایی استفاده نکنه، از بقیه عقب‌تره، یعنی چنین چیزی نماد باکلاس بودن بعضی از آدم‌ها شده، از طرف دیگه هم اغلب مخاطب‌های این افراد و الگوها، نسل جوانند که همین طوری به صورت عادی دنبال اعتبار کسب کردن هستند و وقتی که می‌بینند با استفاده از این مواد، می‌تونند خودشون رو معتبرتر بین دوستانشون و اطرافیان‌شون نشون بدن، به استفاده از این مواد ترغیب می‌شند، حالا در حالت عادی این مواد و به خصوص مشروبات الکلی توی ایران، زیاد در دسترس مردم نیست، اما توی اینستا فضایی خرید و فروش‌شون فراهم شده و یه سری از پیج‌ها هستند که به صورت اینترنتی این‌ها را می‌فروشند و خیلی ساده به دست مردم می‌رسوند و همین باعث می‌شه که مردم استفاده بیش‌تری داشته باشند، من خودم یه زمانی خیلی تحت تأثیرشون بودم، به خصوص چون بازیگرها و خواننده‌های خارجی به صورت عادی از این جور مواد استفاده می‌کردند، اثر بیش‌تری روی من گذاشته بود، چون من زیاد کاری با اینفلوئنسرهای ایرانی نداشتم و بیش‌تر اینفلوئنسرهای خارجی را دنبال می‌کردم، اما کم‌کم متوجه شدم که این مواد و سیگار و اینا بد و مضرند و کلاً از ذهنم بیرون‌شون کردم.

- آیا تا به حال شده که تحت تأثیر استفاده از اینستاگرام هویت جدیدی برای خودت ایجاد کنی؟ آره، همون اوایل که وارد اینستاگرام شدم، حدود ۱۵ سالم بود، با اسم عسل یه اکانت ساختم و به چیزی که نیستم تظاهر می‌کردم و هی از این که خودم باشم فرار می‌کردم، اما یه کم که گذشت با خودم گفتم آخه این چه کاری که داری انجام می‌دی و تمام اکانت‌هایی که با اسم عسل بود رو حذف کردم و دیگه با اسم خودم وارد شدم.

- چرا چنین هویتی رو برای خودت ساخته بودی؟

بین خب حس امنیت می‌ده به آدم، یه جوریه که انگار تو لازم نیست بابت کارهایی که توی روزمره انجام می‌دی و بابت اعتقادات قضاوت بشی، می‌تونی جای یه نفری که خودت می‌خوای زندگی کنی و می‌تونی زندگی‌ای که دوست داری رو بسازی برای خودت، مثل هری پاتر بود، یه آینه‌ای داخلش بود که هر کس در اون انعکاس چیزی که از ته دل می‌خواست رو می‌دید، توی اینستا هم مثل اون آینه می‌تونی ساعت‌ها بشینی و چیزی که بیش‌تر از همه می‌خواستی رو توی اون ببینی و خوشحال باشی و رؤیا ببافی، ولی واقعی نیست و درست نیست واقعاً و یه جوریه که انگار از خودت جدا شدی و یادت می‌ره باید برای اونی که می‌خوای باشی، تلاش کنی و من تا

مدت‌ها همین جوری بودم و حس می‌کردم به جز وانمود کردن، کاری نباید بکنم یا حتی شاید کاری نمی‌تونم بکنم، اما کم‌کم به خودم اومدم.

- به نظرت اینستاگرام می‌تونه باعث ایجاد حسادت در افراد بشه؟

بله، مثلاً دبیرستان چندتا از دوستانم موبایل آیفون داشتن و با اون عکس می‌گرفتند، اما گوشی من جز گوشی‌های لمسی مدل پایین بود و همین یه کم باعث می‌شد، حسادت کنم یا مثلاً همین نوع لباسی که بعضی‌ها می‌پوشند یا آرایش‌شون یا چهره‌شون، وقتی که آدم می‌بینه یه نفر خیلی خوشگله، این جوری نیست که دچار حسادت نشه، البته این مسأله مطلق نیست.

یه نمونه دیگه‌اش هم این‌که هم‌کلاسی‌هام سر دوست پسرشون رقابت گذاشته بودند و هی از جاهایی که با هم می‌رفتند، توی اینستا عکس می‌گذاشتند و سعی می‌کردند که ثابت کنند، دوست پسر من خوشگل‌تره یا مال من پول‌دارتره و واقعاً یه رقابت مسخره ایجاد شده بود بین‌شون و هی سر این مسایل به هم حسادت می‌کردن و چند باری یادمه هی زیر آب هم رو پیش دوست پسرشون می‌زدند، این می‌رفت به دوست پسر اون می‌گفت، دوست دخترت با فلانی دوسته یا می‌رفتند به اصطلاح مخ اون دوست پسر یکی دیگه رو می‌زدن، البته بیش‌تر به خاطر این بود که کوچیک بودن و توی دو سال آخر دبیرستان کم‌تر شده بود این رفتار.

- به نظرت اینستاگرام می‌تونه باعث سرخوردگی افراد کم درآمد بشه؟

البته، اصلاً کم درآمد نه، کلاً هر چه قدر هم ثروتمند باشی، نمی‌تونی تمام چیزهایی که دیگران به نمایش می‌ذارند رو داشته باشی. من خودم قبلاً سر این‌که دوستانم موبایل‌شون چه برنده، خیلی اعصاب خردی داشتم یا همین الان داشتم می‌گفتم، چرا بعضی از مردم ماشین‌های تا این حد خفن دارند و ما نه و متأسفانه خیلی حس بدی داره.

- آیا اینستاگرام اخلاقت رو هم تحت تأثیر قرار داده؟

بله، اخلاقم رو عوض کرده و باعث شده که به نظر مردم اهمیت کم‌تری بدم و به دیگران اجازه دخالت توی زندگیم رو ندم و اگه مورد قضاوت بد مردم قرار بگیرم، به شدت عصبانی می‌شم. مثلاً اگه کسی درباره پوشش یا چهره‌ام نظری بده، بهش برمی‌گردم. چند وقت پیش مامانم بهم گفت خوبه ابروهاش رو جور دیگه‌ای درست کنی و متأسفانه من بهش برگشتم و خیلی بد گفتم، دخالت نکن، هر طور خودم بخوام انجامش می‌دم و گاهی اوقات اصلاً نمی‌فهمم، چرا این قدر سگ و عصبیم.

- به نظرت میزان استرس و اضطرابت از زمانی که از اینستاگرام استفاده می‌کنی، نسبت به قبل

تغییر داشته؟

نه خیلی زیاد و وحشتناک، اما یه برهه‌هایی از زمان بود که این اتفاق برای من افتاد، استرس این رو داشتم که الآن نکنه اگه این عکس رو پست کنم یا برای فلانی بفرستم یا این رو استوری بقیه مسخره کنند، چون اون‌ها بهتر از این رو دارند. بعد مثلاً چون من خانواده‌ام اینستا نداشتند، از یه زمانی به بعد شروع کردم، خیلی آزادانه توی اینستا درباره‌ی عقایدم حرف بزنم و گرایشم رو توی اینستا به فالواری که داشتم و البته خیلی زیاد نبودن گفتم، چون همه‌شون از قبل می‌دونستند، اما استرس و اضطراب رو داشتم که نکنه الآن به شکلی این چیزی که من گفتم، به دست خانواده‌ام برسه و مثلاً متوجه بشن، چون اگه چنین چیزی رو می‌فهمیدند، دیگه خیلی بد می‌شد، مامانم هنوز با نماز نخوندن من کنار نیومده، اگه بفهمه با یه دختر توی رابطه‌ام که واقعاً نمی‌دونم چی می‌شه، خیلی با خانواده تفاوت دارم، البته با مامان و بابام نه با خواهرام، خانواده کلاً درکی ندارند از من، خیلی دوست‌شون دارم، اما هم رو نمی‌فهمیم.

- آیا نسبت به قبل در ارتباط با استفاده از اینستاگرام، نظرت راجع به حریم شخصی تغییری نکرده؟

نه، من یک‌سری چیزها رو واقعاً شخصی می‌دونم، مثلاً بچه و بدنم و خانواده‌ام، یه‌سری حس‌های درونیم، من یه پیجی دارم که گفتم توی اون روزمرگی‌هام رو می‌نویسم و اول چندتا دوستانم فالو داشتنش، اما وقتی دیدم می‌خوام احساسات درونیم و خاطرات و چیزایی که می‌خوام برای بعد بمونه رو توش بذارم، اما دلم نمی‌خواد کسی از اون‌ها با خبر بشه، همه رو آنفالو کردم، چون واقعاً دلم نمی‌خواست که همه از مهمونی و سفرها و غذاهام خبر داشته باشند.

- به نظرت جز این تفاوت‌های اعتقادی که با خانواده‌ی خودت داری، استفاده از اینستاگرام چه اثرات خانوادگی دیگه‌ای برای شما داشته؟

اول این که باعث تفاوت خیلی زیادی بین من و خانواده‌ام شده، از هر لحاظی، هم از نظر اعتقادی، هم از نظر برخوردی و هم از نظر اخلاقی، من خانواده‌ی خیلی صبوری دارم، اما خودم دیگه اون صبر قبلی رو ندارم و یه مقدار عصبی شدم و یه اثر دیگه‌ای هم که داشته، درباره‌ی خواهر کوچیکمه، من یه خواهر ده ساله دارم و چون مامان و بابام جفت‌شون معلم هستن، من می‌رفتم از مدرسه می‌آوردمش خونه و می‌نشستیم پای صحبت و ناهار خوردن و یه کم با اون بازی می‌کردم که حوصلش سر نره و کمکش می‌کردم مشق‌هاش رو بنویسه تا مامان بیاد و تقریباً بیش‌تر از این که مامانم نقش مادر براش داشته باشه، من این نقش رو داشتم، اما یه مدت بود از وقتی که خیلی شروع کرده بودم از اینستا استفاده کنم، وقتی از مدرسه می‌آوردمش خونه، ناهار می‌کشیدم و وقتی که داشتیم ناهار می‌خوردیم، سرم توی گوشی بود و توی اینستا بودم و می‌دیدم این بنده خدا خیلی ناراحته و هی می‌خواد حرف بزنه، اما چون من سرم توی گوشیه، حرفش رو می‌خوره و خلاصه که ناهارش رو نصفه ول می‌کرد و می‌رفت پای تکالیفش و من نمی‌فهمیدم مشکل چیه، بعد از اون یه

بار به اون یکی خواهرم گفته بود که من جدیداً به اون محل نمی‌دم و همه‌اش پای گوشیم و تازه فهمیدم که این از چی این‌قدر ناراحت بوده و سعی کردم رفتارم رو درست کنم.

- آیا کاربری از اینستا اثرات دیگه‌ای هم ممکنه در زمینه‌ی مسایل خانوادگی داشته باشه؟

درباره‌ی خودم چیز دیگه‌ای پیش نیومده، اما زیاد دیدم این جور موارد رو هم توی فامیل، هم توی اینستا، بچه از اول که به دنیا میاد، در مقابل یه سری دوربین قرار می‌گیره، دایم بهش می‌گن این رو بیوش تا لایکت بیش‌تر بشه، اون رو نیوش، این رو بگو، اون رو نگو، این جوری رفتار کن، اون جوری رفتار نکن. در کل از بچه‌داری یه لایک گرفتن توی اینستا رو یاد گرفتند، یه پدر و مادر که انگار فقط محض لایک گرفتن بهش اهمیت می‌دن و براش غذاهای خوب می‌خرند و همین باعث می‌شه، بچه ۴ ساله فامیل مون بگه، بچه توی اینستا چشم‌اش آبی، منم لنز می‌خوام یا من غذا نمی‌خورم که بزرگ شدم لاغر باشم، نه مثل الان چاق.

- آیا خط‌مشی اخیر ممکنه اثرات دیگه‌ای هم روی بچه بگذاره؟

این بچه از اولین لحظه‌ی زندگیش توی رقابت با اینفلوئنسرهای اینستاگرامیه، توی آرایشش، لباس پوشیدنش، بانمک‌بازیش، اندامش، توی همه چیز احتیاج به تأیید اینستاگرام داره و اعتبار خودش رو توی اینستا می‌خواد ثابت کنه. چندان کامنت منفی چه کار می‌تونه بکنه با روحیه‌ی این بچه؟ توی سنین بالاتر هم احتیاج به تأیید اینستاگرام داره، اگه یه روز لایک‌اش بیاد پایین، حس می‌کنه خانواده-اش رو ناامید کرده و دست به هرکاری برای برگردوندنش می‌زنه، به نظرم واقعاً خانواده‌ها بهشون ظلم می‌کنند.

دیگه این‌که هنگام استفاده بچه‌ها از اینستا، چه چیزایی رو با اون رو به رو می‌شند به کنار.

- مثلاً چه مطالبی؟

محتوای پورنو، محتواهای شامل چالش‌های خطرناکی مثل زدن و آسیب زدن به هم‌دیگه یا مواد مخدر قاطی مصرف کردن، شکستن انواع میوه‌ها با سر، خود زنی با چاقو و تیغ و بدتر از همه اون‌ها محتواهایی با فرهنگ‌سازی‌های غلط درباره‌ی مسایل و چیزهایی مثل روابط با جنس مخالف و...، کسایی که تولید محتوا می‌کنند، اصلاً انگار نمی‌دونند با چه قشری طرف هستند.

- برای خودت پیش اومده؟

برای خودم نه، اما زیاد پست‌های این چنینی دیدم، اما اثر فرهنگ‌سازی‌های غلط درباره روابط با جنس مخالف رو روی یکی از اطرافیان خودمون دیدم.

- می‌شه توضیح بدی؟

هر روز با یکی بودن و توقع زیاد داشتن از پارتنر، این باعث شده دخترها به دنبال پول پارتنرشون باشن و پسرها دنبال زیبایی و رابطه‌ی جنسی و هر ماه روابط جدیدی شکل بدن که تعهد در اون

معنی نداره، در حالی که انسانیت و اخلاق و این‌ها هیچ اهمیتی براشون نداره، یکی از دوست‌هام ملاک انتخاب دوست پسرهای شده ثروتمند و من خودم اولین بار تحت تأثیر همین موارد قرار گرفتم و اون پسری که با اون، اولین بار رابطه داشتم به خاطر این انتخاب کردم که فکر می‌کردم پول‌داره، اما از بعد اون علاقه جدی شد و پول دیگه مطرح نبود یا از موارد دیگه هم که گفتم، مثلاً یه سری از افراد برای جذب مخاطب توی لایو، اقدام به خودکشی می‌کنند یا مواد مختلف رو قاطی می‌کنند بخورند و جراحی‌های زیبایی خیلی زیادی می‌کنند، در حدی که دیگه هیچ شباهتی به خودشون ندارند، کلاً کاری ندارند که سن مخاطب‌شون چنده و یا اثرشون روی مخاطبین تا چه حد می‌تونه زیاد باشه.

- توی اطرافیان کسی رو دیدی که از چنین مسایلی اثر پذیره؟

آره، بعضی از بچه‌های فامیل رو می‌بینم که از ده، دوازده سالگی دوست جنس مخالف دارند یا خیلی راحت از روابط جنسی صحبت می‌کنند و دنبال گریم و میکاپ و این‌جور چیزها هستند، این مسایل خودشون بد نیستند، اما این‌که از طریق اینستا به فردی با اون مواجه بشه نادرسته، مثلاً رابطه جنسی و صحبت کردن درباره‌اش از ۱۰ سالگی کاملاً طبیعیه، اما این آشنایی باید از طریق مدرسه یا خانواده باشه، نه محتوای پورنو، مشکل بچه‌ها اینه که از سنین خیلی کم، می‌فهمند که می‌تونند توی اینستاگرام با جهان ارتباط برقرار کنند، در حالی که نمی‌دونند جهان چه طوری قرار بهاشون برخورد کنه و گرفتار مسایلی می‌شنند که حتی خودشون هم نمی‌دونند خوبه یا بد.

- آیا نسبت به قبل از استفاده از اینستاگرام، اهداف جدیدی برای خودت شکل دادی؟

بله، من توی دوره دبیرستان، اول رفتم رشته تجربی، اما حس خوبی نداشتم، به خاطر همین کلاً درس خوندن و این‌جور چیزا رو گذاشتم کنار و وارد اینستا شدم، اما اون‌جا متوجه شدم که به رشته انسانی علاقه دارم و خلاصه تغییر رشته دادم رفتم انسانی، اما رتبه‌ام اون‌جوری نشد که بتونم برم دانشگاه فرهنگیان، برای همین موندم برای سال بعد، یه روز که توی اینستا داشتم تاب می‌خوردم، رسیدم به پستی درباره‌ی طراحی لباس و مد و این‌جور چیزها و اون‌جا بود که فهمیدم که کلاً تمام این راهی که اومدم اشتباه بوده و من عاشق رشته طراحی لباسم و رشته طراحی لباس رو هدف خودم گذاشتم. قبل از این که هدف برای خودم مشخص کنم، شاید توی هفته کلاً نیم ساعت هم درس نمی‌خوندم، اما همین که فهمیدم می‌خوام برم رشته طراحی لباس و چنین رتبه‌ای باید بیارم، شروع کردم بخونم، حتی روزی ۱۰ ساعت این‌جورا می‌خوندم.

- آیا از زمانی که شروع به استفاده از اینستاگرام کردی از کمپین‌های مختلف حمایت کردی؟

بله، تا حدی مثلاً فمینیسم رو، حمایت نه، اما یه سری از مطالب و مواردشون، مثل برابری زن و مرد و... رو تأیید می‌کنم، یا مثلاً همین کمپین ال‌جی‌بی‌تی رو حمایت می‌کنم و به شدت دنبال می‌کنم.

- به نظرت این کمپین‌ها روی رفتار مردم اثر گذاره؟

بله، به نظرم به شدت اثر گذاره، اینستاگرام مثل کتاب خوندن، می‌تونه روی مردم اثر بذاره، یعنی به این شدت، حالا فکر کن کتاب خوندن کار سختیه و هر کسی در روز، مثل نهایتاً بتونه صد صفحه کتاب بخونه، اما همین که توی اینستاگرام باشه، در یک ساعت می‌تونه ۱۰۰ هشتک و موضوع مختلف رو دنبال کنه و نسبت به صدتا موضوع اطلاع پیدا کنه که همین اطلاع پیدا کردن، می‌تونه اثر گذار باشه روی باورهای فرد و آبخوری باشه برای اعتقادات یک شخص، البته ممکنه گاهی اوقات یک‌سری از این کمپین‌ها نادرست هم باشند و نمی‌شه گفت ۱۰۰ درصد این مطالب درست هستند. مثلاً فمینیسم رو مثال بزنم، یه‌سری از شاخه‌های اون تبدیل شده به مرد ستیزی، اما به هر حال اثر خودش رو می‌ذاره و فکر می‌سازه، رشته فکری می‌سازه، جهت می‌سازه و آدم رو به سمتی که اون جریان فکری تأیید می‌کنه، هدایت می‌کنه.

- کمپین‌های محیط زیست چه طور؟

آره، اون‌ها رو هم حمایت می‌کنم، اصولاً پست‌های این‌جوری رو زیاد اد استوری^۱ می‌کنم، به نظرم خیلی اثر گذار بودند این کمپین‌ها، دیگه کم‌تر آدمی پیدا می‌شه، زباله بریزه توی طبیعت و برعکس افراد زیادی هستند که توی طبیعت زباله‌ها رو جمع می‌کنند، حداقل توی شهر ما که این طوری بوده، چون پیج شهرمون توی این زمینه خیلی تلاش و فعالیت می‌کنه واقعاً و مردم رو هدایت می‌کنه.

- آیا تا به حال به کسب درآمد از طریق اینستاگرام فکر کردی؟

یه مدت بود آره، دنبال این بودم فالورام رو بالا ببرم که تبلیغات کنم، اما زود ولش کردم، چون مسخره بود و الآن دیگه نه.

- به نظرت استفاده از اینستاگرام در زمینه اقتصادی چه اثراتی روی شما داشته؟

به خودی خود اثر خاصی نداشته، فقط این که به دنبال مد و لباس و این‌ها بودم و همین باعث شده که یه مقدار بیش‌تر از قبل هزینه کنم، یا این که چون اینستاگرام خیلی اینترنت می‌کشه، بسته اینترنتم هی زود تموم می‌شه و سر این مسأله با خانواده خیلی جنگ و جدال داریم. در کل تمام مسایلی توی خانواده‌ی ما، می‌رسه به این که من و خواهرم سرمون توی گوشیه و توی اینستا چرخ می‌زنیم و اینترنت رو تموم می‌کنیم. یه مشکل دیگه‌ای هم که شاید برای یه‌سری از افرادی که ناآگاه هستند، پیش بیاد، کلاهبرداری هست. مثلاً پیج‌های قمار و شرط‌بندی، پیج این شاخه‌های مجازی مثل ساشا و ندا و پویان تبلیغ می‌شه، من زیاد باهاشون روبه‌رو نشدم، اما از یه‌سری از دوست‌هام شنیدم که خیلی پول مردم رو می‌چاپند. یه نمونه دیگه از کلاهبرداری که خودم با اون

1 Add story: اضافه کردن به استوری

روبه‌رو شدم، پیج‌های فروشگاهی، چند وقت پیش یک کیف خیلی شیک دیدم که قیمتش خیلی مناسب بود و سفارش دادم، الآن سه، چهار ماه می‌گذره، ولی خب هنوز برام نیومده و اون پیج هم من رو بلاک کرده، تا حالا خیلی تجربه خرید اینترنتی داشتم و چند باری سرم بی‌کلاه مونده، اما تقصیر خودمه که از پیج‌های نامعتبر خرید می‌کنم.

- بیا درباره‌ی اون پیج‌های شرط‌بندی که گفتی حرف بزنیم، کسی رو می‌شناسی که با اون درگیر شده باشه؟

بله، یکی از دوستان می‌گفت که چند بار توی پیج پویان مختاری و نیلی دیده بودم و بالاخره رفته بود شرط‌بندی کرده بود. می‌گفت دو، سه بار اول هر دفعه برنده می‌شده و پول خوبی در می‌آورده، برای همین بار چهارم، پنجم گفته که بذار دیگه حسابی بتراکونم و طلاهاش رو فروخته بود و شرط‌بندی کرده بود و این بار ضرر کرد و دیگه سمتش نرفت.

- گفتی که علاقه‌ات به مد باعث شده بیش‌تر از قبل لباس بخری، می‌شه بگی چه میزان افزایش پیدا کرده؟

ماهی ۱ لباس، البته خیلی‌ها رو نمی‌پوشم و نگه داشتم برای روز مبادا، یک‌سری این‌قدر خوشگلند که دلم نمیاد بپوشم متأسفانه.

- به نظرت اینستاگرام می‌تونه باعث افزایش فرهنگ لذت‌گرایی بشه؟

بله، هم لذت‌گرایی و هم مصرف‌گرایی، مثلاً همین لباس خریدن من و خودمم قبولش دارم یا مثلاً یه عادت بدی که برای من و خواهرم ایجاد کرده، غذا خوردنه، دل‌مون غذاهای متنوع می‌خواد، برای همین وقتی می‌خوایم غذا درست کنیم، ۳، ۴ نوع غذا درست می‌کنیم که از هر کدام بتونیم بخوریم و این می‌شه که همیشه زیاد میاد غذا.

- بیش‌تر چه مطالبی رو توی اینستاگرام به اشتراک می‌گذاری؟

قبلاً فقط چیزای خنده‌دار و طنز و مطالب مربوط به سلبریتی‌ها و آهنگ‌های خارجی رو شیر می‌کردم، اما الآن جدیداً شروع کردم کارای خودم رو، مثلاً طراحی لباس‌هام رو استوری و پست می‌کنم که نظرات بقیه رو هم درباره‌اش بشنوم. خیلی‌ها نظرات خیلی خوبی می‌دن، مثلاً این که این لباس چنین رنگی داشت بهتر بود یا فلان چیز فلان طور بود و بهتر می‌شد و همین باعث می‌شه که کارم خیلی بهتر بشه و پیشرفت کنم.

- روزی چند ساعت از اینستاگرام استفاده می‌کنی؟

متغییر، یه وقتایی ۴، ۵ ساعت، یه وقتایی نیم ساعت.

- چرا به سمت اینستاگرام جذب شدی؟

پست‌های وایرال شده، سلبریتی‌ها، مجمع دوستانم اون‌جا و این که هی بهم می‌گفتند تو هم بیا و چرا نمیای و اصرار اون‌ها، یعنی یه جورى که انگار چون همه دارن و اون‌جان، منم می‌خوام داشته باشم و البته برای خودمم سرگرمی و تفریح و جذابیت داره، یه چیزیه توی مایه‌های به روز بوده.

- به نظرت چرا اینستاگرام جذاب هست؟

چون یه جورایی آدم رو در جریان همه چیز قرار می‌ده، حرف و اخبار جدید رو می‌تونه دنبال کنه.
- می‌شه مثال بزنی؟

می‌دونی شاید اصلاً مهم نباشه‌ها، اما وقتی که آدم با دوستاش و رفیقاش می‌ره بیرون یا وارد یک جمعی می‌شه، اونا درباره‌ی یه سری چیزا، مثل سلبریتی‌ها، خواننده‌ها، چالش‌ها و فیلم‌های جدید صحبت می‌کنند و این جوریه که اگه اینستاگرام نداشته باشی و توی فضای مجازی نباشی، نمی‌تونی باهاشون همراه باشی و یه جورى که انگار از هیچی خبر نداری و از دنیا عقبی، به نظر من خبر داشتن از این چیزها، یکی از بزرگ‌ترین جذابیت‌هاشه، حداقل برای من.

- آیا در اینستاگرام اخبار سیاسی- اجتماعی رو دنبال می‌کنی؟

من کلاً به اخبار این مدلی زیاد اعتقادی ندارم و اعتماد ندارم، اما خب به هر حال توی اینستاگرام با بعضی از خبرها رو به رو می‌شم، بیش‌تر که خبر سلبریتی‌ها و بازیگرهای فیلم و سریال و آهنگ و این‌ها رو دنبال می‌کنم، اما اخبار اجتماعی و سیاسی و این‌ها رو هم گاهی اوقات ناخواسته باهاشون روبه‌رو می‌شم. مثلاً ماجرای خرم‌دین یا اون خبرنگاره که چند وقت پیش فوت کرد یا اعتراضات و این‌ها رو از طریق اینستا، باهاشون رو به رو می‌شم.

- چرا به اخبار اعتقادی نداری؟

چون دروغ زیاد می‌گند، هر نظامی بر اساس ارزش‌های اساسیش اخبار خودش و جهان رو نشون می‌ده، ایران هم همین‌طور، کلاً اگه یک بار شبکه‌های خبری رو یا پیج‌های خبری رو بررسی کنی، متوجه می‌شی که چی می‌گم، بر اساس نظر اون‌ها، ایران گل و گلابه، همه چیز عالیه، از آسمون گل می‌باره، زمین پر از سبز و چمنه و دور تا دور شهر، پر از چه چه قناری‌هاست و از طرف دیگه، کل جهان به خصوص آمریکا و انگلیس پر از جنگ و خون‌ریزی و بدبختی و فقر و فلاکتند که البته کاملاً طبیعی که این جورى باشه، به هر حال شبکه‌های خبری باید چیزی را پوشش بدن که به ضرر نظام و ارزش‌هاش نباشند، همه‌ی این‌ها باعث می‌شه که من کلاً اعتقادی به اخبار نداشته باشم و اصلاً علاقه‌ای هم ندارم.

- آیا نسبت به قبل از استفاده از اینستاگرام، نظرت درباره‌ی اوضاع سیاسی و اجتماعی کشور

تغییری داشته؟

همون طوری که گفتم، من قبل از استفاده از اینستاگرام اعتقاداتم کاملاً منطبق با ارزش‌های اسلام و انقلاب بود، هم از نظر اعتقادی، هم از نظر سیاسی و هم از نظر اجتماعی، اما بعد که وارد همون جریاناتی که بهت گفتم شدم و دیدم که قوانین کشور، چه قدر برای یه سری از افراد ناعادلانه است، طبیعتاً یه کم یه کم اعتقاد و اعتمادم رو نسبت به حکومت از دست دادم و الآن هم که اوضاع اقتصادی جامعه رو می‌بینم، کاملاً ناامید شدم و نظرم درباره اوضاع سیاسی نسبت به قبل خیلی تغییر کرده و دیگه به حرف مسوولین نه گوش می‌دم و نه اعتمادی به صحبت‌هاشون دارم.

– چرا چنین نظری داری؟

اینستاگرام چشم و گوش آدم رو باز می‌کنه، مثلاً محتوای‌های ضدنظام و اجتماعی رو که می‌بینی، مثل صحبت افرادی مثل سینا ولی‌الله، درباره‌ی شرایط کشور یا تیکه‌هایی از سخنرانی کسری ناجی، از افراد کوتاه بین حکومتی، متوجه شرایط می‌شی.



– آیا به مهاجرت فکر می‌کنی؟

بله، خیلی زیاد.

– چرا؟

چون فکر می‌کنم من در قالب رشته‌ام توی کشورهای دیگه می‌تونم موفقیت و پیشرفت بیشتری داشته باشم و می‌خوام جزو طراحان برتر مد باشم یا حداقل کاری فراتر از طراحی یه سری لباس‌های ساده داشته باشم و بتونم هنرم رو توی جهان عرضه کنم، قصدم این نیست که تولیدی داشته باشم و برند خودم رو بسازم، بلکه بیش‌تر قصدم اینه که برای یک برند خوب، طراحی کنم و لازمه این

کار، قطعاً خروج از کشور هست. از طرف دیگر یکی از دلایل این که می‌خوام برم، اینه که دوست دارم آزادی داشته باشم و علاوه بر همین موفقیتی که گفتم، مستقل باشم از خانواده، توی ایران هم می‌تونم مستقل باشم، اما مسایلی که گفتم، مثلاً همین کار و گرایش و این جور موارد، باعث می‌شه که خیلی زیاد به مهاجرت کردن فکر کنم و تقریباً وقتی که به آینده خودم نگاه می‌کنم، دو حالت داره، یا به شخص موفق و خوشحال رو می‌بینم که داره خارج از کشور زندگیش رو می‌کنه یا این که به آدم افسرده بدبخت بی‌کار می‌بینم که توی ایران نشسته و داره به مهاجرت فکر می‌کنه.

- اینستاگرام تا چه حد روی نظر اخیرت اثر داشته؟

خیلی زیاد، اولاً که من با رشته‌ام از طریق اینستا آشنا شدم و علاقه‌ام به مد از طریق اینستا ایجاد شد، از طرف دیگه این که از طریق اینستا آدم افرادی رو می‌بینم که فکر نمی‌کرده بتونن از کشور خارج بشن و دقیقاً شرایطش مثل ما بوده، اما خیلی راحت مهاجرت کرد و داره زندگی خوبی رو سپری می‌کنند و همین باعث می‌شه که زیاد ناامیدانه به آینده و مهاجرت کردن فکر نکنم و بدونم که امکان پذیره.

- آیا نظرت نسبت به قبل از استفاده از اینستاگرام، درباره‌ی به شهرت رسیدن تغییری کرده؟
می‌شه گفت آره، من خیلی قبل‌تر، واقعاً دوست داشتم که مشهور بشم، اما وقتی شروع کردم از اینستا استفاده کنم و دیدم که چه آدم‌های مسخره و داغونی الکی الکی به شهرت رسیدند و چه کارای جلف و مزخرفی انجام می‌دن، علاقه‌ام به شهرت از دست رفت، اما بعدش که وارد عرصه مد و طراحی لباس شدم و برای خودم هدفی پیدا کردم که در چارچوب اون موفقیت کسب کنم، دوباره این شهرت خواهی‌ه برگشت.

- به نظرت اینستاگرام چه اثرات فرهنگی روی شما داشته؟

به نظر من بزرگ‌ترین اثر فرهنگی اینستاگرام روی من و کلاً روی مردم جامعه، این بود که با وجود این که اینستا یکی از قصدهایی که داره اینه که خودمون باشیم، باز سعی داره به آدم‌ها القا کنه که باید به بهترین وجه خودشون رو نشون بدن و چهره شما فقط با آرایش قشنگه یا بدن‌تون در حالی تأیید می‌شه که چنین فرمی داشته باشه و خودتون زشتید و برید آرایش کنید و عمل زیبایی انجام بدید تا من توی فضای خودم، بهتون اجازه رشد بدم و مردم رو با هم توی رقابت انداخته. خیلی‌ها تحت تأثیر همین مسایل آرایش یا عمل زیبایی انجام می‌دن، من کنکورم رو که دادم و بعد رفتم دورهمی با دوستانم، حدود ۳۰ نفر بینی‌هاشون رو عمل کرده بودند و آرایش هم که دیگه همه دارند، حتی خود من.

- به نظرت اینستاگرام می‌تونه باعث افزایش هنجارشکنی‌ها بشه؟

بله، قطعاً، بین من کاری به درست و غلط بودن هنجارها ندارم، اما توی جامعه می بینم که دیگه خیلی از کارها انگار انجام دادنش اشکالی نداره، مثلاً آرایش کردن یا مو بلند کردن پسرها یا لباس پسرانه پوشیدن دخترها، جزو ارزش ها و هنجارهاییه که اینستا در قبولوندن اون ها به مردم، واقعاً خوب عمل کرده و موفق بوده و خیلی ها و حتی من، از طریق این ها هنجارها رو شکستیم و این موارد رو قبول کردیم. البته نه این که صد در صد اثر داشته باشه ها، اما باز همین یه مقدار تفاوت ایجاد کردن خودش خیلی خوبه، در کل یه جوریه که انگار آدم ها دارن با ارزش های اینستاگرام همراه می شنند که ممکنه یک سری از این ارزش ها درست باشه، یک سری نباشه. اینستاگرام شده منبع دریافت ارزش ها و هنجارها، قبلاً کتاب می خوندی دوتا چیز یاد می گرفتی، حالا سه دقیقه می ری اینستا، دتا چیز یاد می گیری، ۳ تا ارزش جدید در تو شکل گرفته، ۴ تا از هنجارهایی که توی جامعه بوده، زیر سوال می ره.

من قبلاً خوره کتاب بودم، کتابی نبود که نخونده بذارم و خلاصه که هر هفته یه کتاب تموم می کردم، اما حالا اینستا نمی ذاره یه کتاب رو تموم کنم، چه برسه به چندتا، البته کاری به اینستا نداره، خودم وقتم رو اون جا صرف می کنم و باید بگم، سرگرمیم عوض شده، اما این عوض شدنه خوب نیست.

- برای هنجارهایی که فکر می کنی ممکنه نادرست باشه، می شه مثال بزنی؟

مثلاً باعث شده اون حس خوب خانواده بودن از بین بره و نوجوون ها رو در مقابل خانواده ها قرار می ده و یه جوریه که انگار باید با هم بجنگند و در جدال باشن همیشه، مثلاً خواهرم یا خودم یا دوستانم کلاً نسبت به خانواده و با خانواده بودن، حس خوبی نداریم، تفاوت هامون زیاد شده به خاطر استفاده از اینستا و انگار هر کاری بکنند، ما ناراضیم بازم.

- آیا اینستاگرام می تونه باعث رواج فحاشی در افراد بشه؟

کلاً اینستا سبک حرف زدن مردم رو تغییر داده، هم انواع فحش ها جز لغات روزانه آدم ها شده، هم لغات زبان های دیگه، کلاً زبان متحول شده. همین الان تا این جا خود من، می تونم بگم بیش از ۵۰ تا کلمه ای که انگلیسی بوده به کار بردم یا همون فحشی که گفتم رو شاید همه جا استفاده نکنم، اما تبدیل شده به ادبیات عامیانه ام و با دوستانم با اون ادبیات حرف می زنیم.

- آیا از نظر جسمی نسبت به قبل از استفاده از اینستاگرام تغییری داشتی؟

بله، چون چاق بودم با ورزش ها و پیچ های بدن سازی سعی به کم کردن وزن کردم و الان لاغر شدم، به یوگا علاقه مند شدم و وارد یوگا شدم، از بس گوشی دستم می گیرم و گردنم خمه، دست درد و گردن درد گرفتم، چشمم ضعیف شده، برنامه خوابم کلاً پیچیده توی هم، چون شب ها می رم سراغ اینستا و متوجه گذر زمان نمی شم.

- مرسی از هم کاریت، سوالات من تموم شد.

خواهش می کنم.

تأملی دوباره:

زهر ۲۰ ساله، در مصاحبه خود درباره اثرهای کاربری از شبکه اجتماعی اینستاگرام، به مباحثی حول محورهای اثرهای آموزشی، اجتماعی، اخلاقی - تربیتی، اقتصادی، خانوادگی، روان‌شناختی، زیباشناختی، زیستی، زیست محیطی، سیاسی، عقیدتی و فرهنگی اشاره داشته است.

زهر ۲۰ در مصاحبه خود در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در مسایل آموزشی کاربران، به مواردی مانند: آشنایی با فرهنگ‌های مختلف، اخذ بازخورد از مخاطبان، سطحی شدن افراد در اثر اخذ اطلاعات سطحی (که به میزان زیادی امکان تعمق و تحلیل داده‌ها را از افراد می‌گیرند)، در سطح خود و دوستانش اشاره داشته است.

زهر ۲۰ در مصاحبه خویش در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در رفتار اجتماعی کاربران، به مواردی مانند: اعتبار اجتماعی بودن قرار گرفتن در قبیله اینستا، مهم شدن اعتبار اجتماعی مجازی، جهانی اندیشیدن، جایگزینی روابط مجازی با روابط رو در رو، علاقه به تجربه‌گرایی، علاقه به مهاجرت، الگوبرداری از الگوهای خارجی، الگوبرداری از سلبریتی‌های خارجی، رسیدن به انفصال، گسست نسلی و نظایر آن، در سطح خود و دوستانش اشاره داشته است.

زهر ۲۰ در مصاحبه خویش در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در رفتار اخلاقی کاربران، به مواردی مانند: نودوستی، اینستا به مثابه منبع ارایه هنجار و ارزش، تحولات ارزشی، وارد شدن به روابط مبتذل بین فردی، عادی شدن فحاشی و نظایر آن، اشاره داشته است.

زهر ۲۰ ساله، در مصاحبه خویش در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در مسایل اقتصادی کاربران، به مواردی مانند: اخذ راهنمایی (بدون پرداخت هزینه)، ترغیب به شرط‌بندی و قمار و نظایر آن، اشاره داشته است.

زهر ۲۰ در مصاحبه خویش در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در مسایل خانوادگی کاربران، به مواردی مانند: کاهش روابط عاطفی و تعامل‌های خانوادگی، نارضایتی از خانواده، کودک‌آزاری دیجیتال توسط خانواده‌ها، در سطح خود و دوستانش اشاره داشته است.

زهر ۲۰ در مصاحبه‌اش در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در مسایل روانی کاربران، به مواردی مانند: افزایش اعتماد به نفس، شکل‌دهی اهداف جدید، انگیزه بخشی، ورود در دنیای تخیلات، عصبی شدن، اضطراب‌های نوپدید، احساس بد شکلی بدنی خستگی ذهنی، افسردگی، بی‌اشتهایی روانی، اعتیاد به اینستاگرام، از خودبیگانگی، جادوی تصویری اینستا، نازل شدن مقام عشق، عشق به همجنس، در سطح خود و دوستانش اشاره داشته است.

زهره در مصاحبه‌اش در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در علایق زیباشناختی کاربران، به غوغای عمل زیبایی، استقبال از عمل‌های زیبایی، اشاره داشته است.

زهره ۲۰ ساله، در مصاحبه خود در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در مسایل زیستی کاربران، به کم‌اشتهایی ناشی از دیدن غذاهای لاکچری، اشاره داشته است.

مصاحبه‌شونده در مصاحبه خود در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در مسایل زیست محیطی کاربران، به اسراف، اشاره داشته است.

زهره در مصاحبه خویش در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در رفتار سیاسی کاربران، به مواردی مانند: رسیدن به انفعال سیاسی، در سطح خود و دوستانش اشاره داشته است.

زهره در مصاحبه‌اش در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در مسایل عقیدتی کاربران، به مواردی مانند: کم‌رنگ شدن ابعاد معنوی در غوغای مسایل جسمانی، تحولات اعتقادی، تضییع اعتقادات دینی، کم‌رنگ شدن مسأله حجاب، خرافه‌گرایی، بریدن از دینی که بد ترسیم شده است، افتادن در مسیر تجربه کردن همه چیز، در سطح خود و دوستانش اشاره داشته است.

زهره ۲۰ ساله، در مصاحبه خویش در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در علایق فرهنگی کاربران، به مواردی مانند: آشنا شدن با فرهنگ‌های دیگر، پذیرش دیگر اقوام بشری، جهانی شدن، تحول‌گزاران فراغت، اثرگذاری روی معیارهای فرهنگی - اجتماعی - عقیدتی - سیاسی کاربران، اثرگذاری روی معیارهای زیباشناختی کاربران، القای ضرورت انجام عمل‌های زیبایی، دامن زدن به فرهنگ مبتنی بر جسم، استقبال از عمل‌های زیبایی، اثرگذاری روی ذائقه فیلم و سریال، ترجیح محتوای جذاب‌تر خارجی، اثرگذاری روی علایق موسیقایی و زیباشناختی کاربران، اثرگذاری روی ذائقه و عادات غذایی کاربران، اثرگذاری روی اندیشه جنسی کاربران، نگاه مثبت به تغییر گرایش‌های جنسی، بصری شدن فرهنگ مکتوب، تحول زبانی، اخذ اطلاعات سطحی از اینستا، ترغیب شدن به استفاده از سیگار و مشروبات الکلی و مواد مخدر توسط تحولاتی که در الگوهای کاربران تحقق یافته است، نقش پر رنگ بلاگرها و اینفلوئنسرها در اینستا، گسست فرهنگی، در سطح خود و دوستانش اشاره داشته است.

اگر در زمینه مباحث مطرح شده در مصاحبه زهره ۲۰ ساله، با ارجاع سایر محورهای مطرح شده به دیگر کتاب‌های مجموعه حاضر، توجه خود را صرفاً معطوف به ابعاد فرهنگی (که مورد بحث اثر حاضر است) کنیم، می‌توان بیان داشت، در درجه نخست، مواجهه کاربران با حجم انبوهی از داده‌هایی که اینستا در اختیار آنان قرار می‌دهد، اسباب خستگی ذهنی آنان را فراهم خواهد آورد و این مسأله در عمل سبب خواهد شد که کاربران از آستانه تحمل پائینی برخوردار شوند و در پی این امر، احساس سردرگمی نسبی در مواجهه با تعارض‌های فضای مجازی و فضای واقعی و جا به جا شدن از دنیای مجازی - که در آن قضاوت تقریباً نیست - به دنیای واقعی - که در آن قضاوت هست -، کاربران را

سردرگم کرده، سبب می‌شود، کاربرانی که در مواجهه با حجم عظیمی از اطلاعات به لحاظ ذهنی خسته شده‌اند، در تحلیل اطلاعات دریافتی به خوبی عمل نکرده و به جای تفکر و تأمل درونی و شخصی، به پذیرش تحلیل‌های ارایه شده از سوی رسانه اکتفا کنند.

در درجه بعدی اهمیت باید بیان داشت، زهرا در مصاحبه خویش، پس از نقد اجتماعی و بیان رسیدن به انفعال سیاسی، در فضای جهانی شده، اینستا را به عنوان منبع ارزشی خویش انتخاب کرده است و در پی این امر، گزارش می‌دهد که اینستا در ابعاد مختلفی از جمله: اثرگذاری روی معیارهای فرهنگی- اجتماعی- عقیدتی- سیاسی کاربران، اثرگذاری روی ذایقه فیلم و سریال کاربران، اثرگذاری روی علایق موسیقایی و زیباشناختی کاربران، اثرگذاری روی اندیشه جنسی کاربران، اثرگذاری روی ذایقه و عادات غذایی کاربران و ترغیب کردن کاربران به استفاده از سیگار و مشروبات الکلی و مواد مخدر روی وی و دوستانش اثرگذار واقع شده است.

مصاحبه با آرشام، ۲۳ ساله

اینستاگرام جذاب‌تر از یه کتابه، اینستا عکس باهاشه، صدا، جذابیت.

- سلام آرشام!

سلام.

- از وقتی که می‌خوای برای این پژوهش بگذاری، متشکرم.

خواهش می‌کنم، باعث خوشحالی‌مه.

- اجازه می‌دی مصاحبه خودمون رو شروع کنیم؟

بله. بفرمایید.

- در ابتدا شما متولد چه سالی هستی؟

۱۳۷۷.

- بعد از چه سالی کاربر اینستاگرام هستی؟

من از سال ۲۰۱۳ کاربر اینستاگرامم، یعنی یه چیزی حدود تقریباً ۸ سال.

- می‌تونی به صورت دقیق به من بگی چه قدر از این برنامه استفاده می‌کنی؟

اجازه بدین یه لحظه ببینم، میانگین در روز، زده یک ساعت و بیست دقیقه، کم‌ترین میزان در

هفته‌ام شده پنجاه دقیقه، بیش‌ترین هم، دو ساعت و بیست دقیقه بوده.

- می‌شه به من بگی چندتا صفحه داری؟

من دوتا پیج شخصی دارم، یه پیج معماری زدم که البته هنوز استارت نزدم و تقریباً سه تا پیج

فیک هم دارم.

- علت این که پیج فیک زدی، چی بوده؟

اولش به خاطر سرگرمی و سرکار گذاشتن آدما بود، ولی بعد کسایی که روم نمی‌شه با پیج شخصی

خودم فالو بکنم، با پیج فیکم فالوشون می‌کنم تا از سر کنجکاوی بدونم چه چیزایی می‌ذارن، مثلاً

دوست پسر جدید دوست دختر قبلیم رو این طوری فالو کردم.

- اون پیج‌های فیکی که داری از جنس پسر هستند؟

دوتاشون خیر، یکی شون بله.

- از پیج‌های فیکی که به عنوان دختر درست کردی، دقیقاً چه استفاده‌هایی داری؟

بعضی اوقات از روی سرگرمی، البته حقیقتاً من جلو نمی‌رفتم، پسرا بهم پیام می‌دادن، چون عکس

دختر داشتم و اینا، بعد منم بعضی اوقات که حوصله‌ام سر می‌رفت، باهاشون صحبت می‌کردم، حتی

رابطه برقرار می‌کردم.

- اگه یک شخصی این کار رو با شما می‌کرد، چه حسی بهتون دست می‌داد؟
من هیچ وقت مثل اون پسرها برخورد نمی‌کردم، اگه یه خانومی این برخورد رو با من می‌کرد...
من معمولاً در پیچ فیکم، با پسر خیلی تند رفتار می‌کردم، چون حس می‌کردم زشته این کار، گاهی مستقیم می‌گفتم پیام ندین بهم، ولی اونا هی ادامه می‌دادن.
- به صورت جنسی هم با شما صحبت می‌کردن؟
بله، خیلی وقتا، منم می‌خواستم راهشون رو ببندم، اینم بگم من یکی از هدفام اینم بود که یه فرهنگ جا بندازم.
- چه فرهنگی رو؟
مثل آداب معاشرت با خانوم، مثل مطالعه کردن و فیلم دیدن.
- چه طور این کار رو می‌کردی؟
وقتی از علایق خودم به عنوان یک دختر می‌گفتم، انگار روشون تأثیر می‌داشت یا مثلاً وقتی جنسی صحبت می‌کردن، بهشون تذکر می‌دادم که نباید با یه دختر محترم این شکلی صحبت کرد.
- می‌توننی بگی چرا دوتا پیچ شخصی داری؟
یه پیچ برای خانواده‌مه، یه پیچ برای دوستانمه، دوستانم به خاطر این که بهشون نزدیک‌ترم و احساس صمیمیت می‌کنم، عکس‌هایی می‌ذارم که می‌دونم مورد قضاوت و مورد صحبت قرار نمی‌گیرم. برای همین توی اون پیچ دوستانم بیش‌تر فعالیت می‌کنم و خود واقعیم هستم، پیچ فامیلی رو به خاطر خود خانواده زدم، یعنی خودشون خواستن که هی این رو نذار، زشت می‌شه و این داستان... برای همین یه پیچ هم برای خانواده زدم و مطالبی که برای اونا مرتبط هست رو می‌ذارم.
- مثلاً در پیچ خانواده چی می‌گذاری؟
مثلاً چیزی که می‌دونم به آگاهی بیش‌تر براشون نیاز داره، مثل مشکلات جامعه، سیاسی، دینی، چون می‌دونم بیش‌تر فراخور حال‌شونه.
- در پیچ دوستان خودت چه طور؟
اون‌جا دقیقاً خود خودم هستم، مثلاً عکس‌هایی که با دوستای دخترم هستم، توی جمع و مهمونی هستم و اینا یا مثلاً سیگار دسته‌مه، چون می‌دونم مورد قضاوت قرار نمی‌گیرم.
- اگه این جور عکس‌ها رو توی پیچ فامیلیت بگذاری، چه اتفاقی می‌افته؟
خب متأسفانه قبول نمی‌کنن خانواده، خانواده مذهبی و سنتی دارم و اینا باعث می‌شه که ناراحت بشن و همین که زبان‌زد دیگران بشم و خب به خاطر خواهشی هم که کردن، دیگه نمی‌ذارم این چیزا رو.
- اگه خانواده خواهش نمی‌کرد، این عکس‌ها رو می‌گذاشتی؟

بله، قبلاً هم می‌داشتم تا خودشون گفتن.

- توی فامیل تون افرادی هستن که در پیج‌هاشون، خود واقعی‌شون باشن؟

یکی از این اشخاص پسر عموی بنده هست که خود واقعی‌اش رو می‌ذاره، در حالت‌هایی هم که هست فیلم و استوری می‌ذاره، ولی همون طور که عرض کردم، مورد قضاوت قرار می‌گیره. مثلاً همه‌اش استوری با ماشین‌هایی که برای خودش نیست می‌ذاره، هفته‌ای پنج دفعه این کار رو می‌کنه یا مثلاً از صورت خودش فیلم بگیره که داره با آهنگ می‌خونه.

- چه طور مورد قضاوت قرار گرفته؟

خانواده قضاوت خوبی ندارن ازش، یک فردی که همه چیزشون رو در اینترنت می‌ذاره، خانواده خوشش نمیداد از این چیزا، از نظر خانواده‌ی ما کار جالبی نیست هی با ماشین دیگراستوری بذاری، چون عزت نفس اون خیلی پایین میاد.

- در مورد اشخاص دیگه فامیل هم می‌گی؟

پسر عمه‌ام هم یک پیج داره، البته ایشون خیلی کم فعالیت می‌کنه، ولی خود واقعیش، اما خیلی کم استوری می‌ذاره، خیلی محتاطانه عمل می‌کنه که مورد قضاوت خانواده قرار نگیره.

یک نفر دیگه‌ام هست از فامیلای دورمون که قبل از این که صفحه اینستاگرام داشته باشه، ما فکر می‌کردیم خیلی پسر آقا و متین و خانواده دوسته، اما وقتی پیج زد، تازه عمومی و پابلیک هم گذاشت، کم‌کم نظر خانواده روی اون فرد عوض شد، یه جورایی زبان‌زد فامیل شد، چون همه‌اش عکس با سیگار و دختر می‌داشت، اظهار نظرهایی که فضای مجازی بهش اجازه داده بود، آزادانه نظر بده، می‌داشت و این یک مقدار از نظر شخصیتی جایگاهش اومد پایین در خانواده، خانواده فهمیده این آدم دیگه با خانواده‌اش همسو نیست و نظر خوبی راجع بهش نداره.

- شما این طوری می‌پسندی؟

نه، به نظرم رفتار محتاطانه عاقلانه‌تره، چون نباید همه چیزمون رو در اینترنت قرار بدیم، نباید همه چیزمون رو همه بدونن و این فضای مجازی متأسفانه چیزی که زیاد کرده، قضاوت در مورد دیگرانه.

- می‌تونم ازتون بپرسم به چه کسانی اجازه می‌دی، فالوت کنن؟

اکثر دوستان دانشگاهم هستن یا کسانی که آشنای دوستانم هستن، اکثراً این جوری‌ان، ولی بعضی افراد هستن که با هم توی اینستاگرام آشنا شدیم، شاید برسید چرا با هم آشنا شدین، چه فرقی با بقیه افراد دارن؟ به خاطره اینکه این اشخاصی که دارم، توسط اون دوستای مشترک که اینستا پیشنهاد می‌ده، با هم آشنا می‌شیم، مثلاً ممکنه که اصلاً هم رو ندیده باشیم یا خارج از فضای مجازی رابطه نداشته باشیم، اما چون دوستای مشترک داریم هم‌دیگه رو فالو می‌کنیم و متوجه می‌شیم ایشون دوستِ دوستِ دوست‌مونه، خیلی از روابط رو این طوری دارم، بعضیا هم هستن،

چون من باهاشون عقاید مشترک دارم، مثلاً با یکی از افراد این طور آشنا شدم که زیر پست خواننده مورد علاقه‌ام، یعنی شاهین نجفی، کامنت گذاشته بود، بعد فهمیدم به کتاب خوندن علاقه داره و هم رو فالو کردیم، حتی وارد رابطه‌ی عاطفی شدیم و دو سالی با هم در رابطه بودیم.

- از کجا فهمیدی علایق مشترک دارید که فالوش کردی؟

این شخصی که می‌گم به خاطر اون کامنت‌ها بود، اولش دروغ چرا، اول عکس پروفایلش رو دیدم و بیوی زیبایی داشت، فالوش کردم، بعد کم‌کم فهمیدم چه کسانی رو فالو کرده و علایق نزدیک داریم.

- آیا رابطه رفاقتی هم داشتی یا فقط رابطه عاطفی بوده؟

بله داشتم، چندین سال پیش، نزدیک به سال ۲۰۱۵ بود که یادم نمیاد چه جوری، ولی همین جوریا بود که فالو کردم، دو، سه‌تا دختر بودن و دو، سه‌تا پسر و بعد از این‌که در اینستاگرام دوست شدیم، در فضاها‌ی مجازی دیگه با هم گروه تشکیل دادیم که یه اکپ دختر و پسری بود، بعد از این همه سال هنوز که هنوزه هم‌دیگه رو ندیدیم، ولی با هم در ارتباطیم توی فضای مجازی، یه بارم یادمه یکی از این پسرا رو به صورت اتفاقی توی خیابون انقلاب دیدم، با هم سلام اینا کردیم، ولی در همین حد بود.

- چرا رابطه‌ات رو باهاشون واقعی نمی‌کنی؟

خب اونا دو، سه نفرشون که مهاجرت کردن، ولی اونا که موندن شاید علایق مشترک نداشتیم یا حتی علاقه‌ها و عقایدمون متفاوت شده.

- چه تفاوتی به وجود اومده؟

دقیق نمی‌تونم بگم، ولی انگار مدل تفریحاتمون فرق داره. اونا همه‌اش مسافرت‌های خارج می‌رن، من به خاطر خانواده‌ام نمی‌تونم برم.

- حالا که دیگه اشتراکی ندارین، چرا آنفالوشون نمی‌کنی؟

خب چند ساله دوستیم با هم، ارتباط داریم بالاخره.

- می‌تونم پرسم ملاکت برای پذیرش و اکسپت کردن غریبه‌ها چی هست؟

اول اگه کسی من رو فالو بکنه، قبل از این‌که اکسپتش کنم، خودم فالوش می‌کنم که ببینم حقیقه یا فیکه، اگه ببینم حقیقی هست و علاقه‌های مشترک داشته باشیم، اکسپت می‌کنم، اگه نداشته باشیم اکسپت نمی‌کنم و خودم آنفالو می‌کنم.

- به من می‌گی چه افراد معروفی رو فالو کردی و ملاکت برای فالو کردن چی هست؟

من بلاگرهای خیلی معروفی رو یا همون شاخ‌ها رو خیلی فالو نمی‌کنم، البته خیلی از بلاگرها رو فالو کردم که هم عقیده و هم نظر با من هستن، مثل امیر پارسا، بلاگریه که مطالب روان‌شناسی

باحالی می‌ذاره یا کسی هست که مطالب طنز می‌ذاره و باعث خنده می‌شه یا بعضی از بلاگرهایی که هنری هستند و سبک زندگی‌شون هنریه، اینا رو فالو کردم.

- نظرت راجع به شاخ‌های مجازی مثل دنیا، تتلو و امثال اون‌ها چی هست، چرا فالوشون نکردی؟ چون مطالبی که می‌داشتن، برام خیلی مفید نبود، من سعی می‌کنم از اون دو ساعتی که توی اینستا، استفاده مفید بکنم، چیزی باشه که یاد می‌گیرم، اونایی که بیش‌تر فالو کردم، متناسب با رشته‌م که کارای معماری‌شون رو می‌بینم یا شاعرای که دوست داشتم. شاخ‌های مجازی چیزی به من یاد نمی‌دادن که بخوام دنبال‌شون کنم.

- بیا اول در مورد اون بلاگرهای هنری صحبت کنیم، چرا این‌ها رو فالو کردی؟ یک شخصی هست به نام خانم ستوده، اول همسرشون رو فالو کردم که خیلی معروف نبود، همین جوری داشتم توی اینستاگرام می‌چرخیدم که دیدمشون، پیج‌شون عمومی بود، اون موقع دبیرستان بودم، دیدم چه قدر شغل‌شون برام جذابه، طراحی صنعتی بود کارشون که من خیلی علاقه‌مند شدم، اول بهشون پیام دادم، ایشون من رو حتی اون موقع فالو کرد، با هم صحبت کردیم و خیلیم آدم متشخصی بودن و اینا، خیلی کمکم کردن توی انتخاب رشته و برای همین معماری رو انتخاب کردم.

به جز این از سبک زندگی‌شون خیلی خوشم اومد.

- چه سبک زندگی داشتن؟

رابطه‌ی عاشقانه‌شون با همسرشون بود که خیلی دوست داشتم.

- رابطه‌شون چه شکلی بود؟

مثلاً متن‌هایی که برای خانومش می‌نوشت، عکسایی که می‌داشتن.

- دوست داشتی رابطه‌ی عاشقانه مثل ایشون داشته باشی؟

آره. خیلی آرزوم بود.

- به نظرت این رابطه عاشقانه واقعی بود؟

بله، حدس می‌زنم همین طور باشه، بعد یه چیز جالب اینه که این دو نفر هم توی فضای مجازی با هم آشنا می‌شن و ازدواج می‌کنن، این رابطه به نظرم خیلی ایده‌آله.

- دیگه چه چیزهایی از زندگی‌شون رو دوست داشتی؟

این‌که دغدغه‌شون هنر بود، این که زن و مرد در کنار هم کار می‌کردن، نه این‌که یک نفرشون فقط کار بکنه، سبک لباس پوشیدن‌شون، سبک مسافرت‌هاشون، سبک شادی کردن‌شون.

- مثلاً سبک شادی‌شون چه طوری هست؟

مثلاً تولد همسرشون بوده، توی یک خونه کوچولو زندگی می‌کنن، ولی این قدر این خونه پر از زیباییه خیلی به آدم حس خوبی می‌ده، اینا توی خونه‌شون یه کیک می‌گیرن و در کنار هم شادی می‌کنن و می‌رقصن، خیلی قشنگه واقعاً.



- دوست داری تفریحات و جشن‌ها مثل این‌ها باشه؟
بله، قطعاً، مثلاً دوست دارم شمال که می‌رم، مثل اینا با رفیقام برم، آتیش درست کنم لب دریا، قهوه ببرم اون‌جا، در صورتی که هیچ وقت این چیزا پیش نمیداد با مسافرت با خانواده.
- دوست داری رفیق‌های این‌ها رو داشته باشی؟
دوست دارم کلاً سبک زندگی اینا رو داشته باشم دیگه، از نظر شغل، دوست، تفریح، حتی می‌گم خونه‌شون این قدر کوچولوعه، ولی دوست دارم یه خونه مثل اینا داشته باشم، خیلی این افراد تأثیر

گذاشتن روی زندگی من، حتی نوع لباس پوشیدن شون، حتی نوع برخورد با جنس مخالف، حتی برخورد با دوستان شون.

- چه طور لباس می پوشیدن؟

هنری بودن، لباس های رنگی می پوشیدن.

- شما وقتی این ها رو دیدی، مدل لباس پوشیدنت فرق کرد؟

بله، زیاد، مثلاً منی که همیشه لباسای تیره می پوشیدم، شاید تأثیر اینا بوده که یک جوراب قرمز رنگ بخرم، جوراب سبز و زرد بگیرم، قطعاً تأثیرگذار بوده توی منی که همیشه یه جور دیگه لباس می پوشیدم، حتی الان یه لباس بلند می پوشم که پدر بزرگم هی گیر می ده بهش می گه مثل مانتوعه این، من خیلی لباس های ساده و بی شیله پيله می پوشیدم، مثلاً یه شلوار کتان، شلوار پارچه ای با یه پیرهن مردونه، شاید اون زمان هیچ وقت به این فکر نمی اقم که یه تیشرت بیوشم بعد یه پیرهن و دگمه هاش باز باشه یا مثلاً پاچه شلوارم رو مدل بدم بالا یا مثلاً الان یه پیرهن دارم، قرمز و آبی و مشکیه، چهارخونه طور، هیچ وقت به این فکر نمی کردم یه پیرهن این شکلی بیوشم، همیشه ساده می پوشیدم یا مثلاً الان یه کفش زرد رنگ خریدم یا مثلاً من هیچ وقت به کفش سفید اعتقاد نداشتم، می گفتم کفش سفید دخترانه هست، ولی از وقتی پای اینا دیدم، دو، سه تا کفش سفید خریدم.

- ساختار خانواده شون چه طور هست، بچه دارن؟

نخیر، ولی سگ دارن.

- شما چه حیوان خانگی دوست داری؟

منم دوست دارم سگ بخرم، اما خب خانواده نجس می دونه.

- در مورد این صحبت کردی که این ها با هم برابری جنسیتی دارن، به نظرت فمینیسم در سبک زندگی این ها رعایت می شه؟

چیزی که توی فضای مجازی نشون می ده، بله.

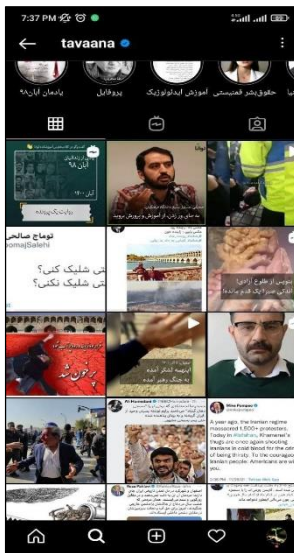
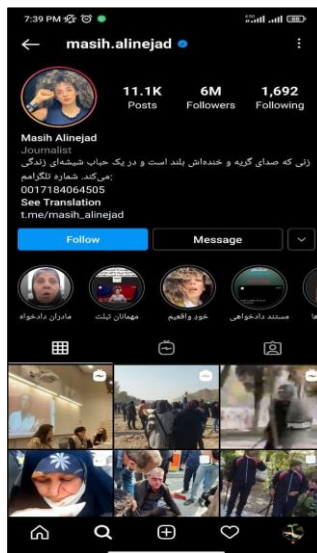
- قبل از این که وارد اینستاگرام بشی، به فمینیسم اعتقاد داشتی؟

من اینستاگرام رو الان به قصد سرگرمی نگاه نمی کنم، می خوام یه چیزی یاد بگیرم، البته فضای مجازیه و هیچ سندی اون رو تأیید نخواهد کرد، اما با توجه به عقلی که دارم، مطالبی که توی اینستاگرام می خونم، قبول می کنم، اگه به عقلم بخوره، رشد عقاید فمینیستی در من در نتیجه کاربری از همین اینستاگرام بوده، من هیچ کتابی در این مورد نخوندم، ولی توی فضای مجازی یاد می گیرم یا حتی خیلی از مباحث سیاسی که مطالعه می کردم از فضای مجازی بوده.

- پس هیچ کتابی از فمینیسم نخوندی، ولی بهش اعتقاد داری؟

بله، هیچ کتابی نخوندم، از اینستاگرام یاد گرفتم و کاملاً بهش اعتقاد دارم.

- از فمینیسم پیچ خاصی رو دنبال می‌کنی؟
توی یک دوره‌ای یه پیچ بود ازش و من می‌خوندم، الانم پیچ مسیح علی‌نژاد و توانا رو دنبال می‌کنم که مطالب این شکلی می‌دارن.





- با همه مطالبی که می گذاشتن موافق بودی؟

خیر، ولی با اکثرشون موافق بودم، بعضاً به جاهایی برمی خوردم که قضیه ضد مرد بود، ولی من با عقلی که داشتم اونا رو قبول نمی کردم و فقط اون مسایلی که احساس می کردم مربوط به برابریه قبول می کردم.

- عقاید سیاسی و مذهبیت بعد از کاربری از اینستاگرام تغییری کرد؟

بله، صد در صد تغییر کرده، من عقاید سیاسی و هم چنین مذهبی که داشتم بعد از اینستا دگرگون شد، یعنی یه چیز کاملاً مقابلش شد، هم از لحاظ سیاسی و هم مذهبی، می تونم بگم تأثیر مستقیم این فضای مجازی بوده، فضای مجازی یه خوبی که داشت این بود که خیلی از حقایق رو روشن کرد، خیلی از مطالبی که سانسور می شد، خیلی از مطالبی که به ما گفته نمی شد از طریق فضای مجازی گفته شد و بعضی وقتا ما رو به فکر فرو برد، از جمله حرفای سیاسی و مذهبی.

- می تونی مصداقی به من بگی؟

مثلاً در مورد بعضی از احادیث، تحلیل می کردن بعضی از اونا رو و می گفتن ببینید، چه قدر با عقل جور درنمیاد.

- تو می رفتی توی کتابها در مورد اون احادیث تحقیق کنی؟
خیر.

- پس به اینستاگرام اکتفا می کردی؟
بله.

- راجع به این که گفתי عقایدت عوض شد، آیا شخص خاصی باعث جرقه اش شد؟

خب یه خواننده مورد علاقه‌ام، آقای شاهین نجفیه، ایشون از نظر سیاسی و مذهبی، خیلی مطالب خوبی می‌گفت و در موردشون صحبت می‌کرد، خب قطعاً این تأثیرگذار بود در زندگی بنده.

- تا حالا دوست داشتی شبیه شاهین نجفی باشی؟
صدددد در صددد.

- توی چه چیزهایی دوست داشتی شبیهش باشی؟
از جمله، علم و آگاهی و مطالعه‌ای که داشته، خود سبک زندگی ایشون رو می‌پسندم که با نوهی آقای بازرگان آشنا شده بود و عاشق هم بودن، یا کنسرت‌هایی که می‌ذاره رو یا تیپ ظاهری و اینا رو همه رو می‌پسندم.

- آشنایی با این فرد باعث شده کار خاصی انجام بدی؟
بله، مثلاً کتاب خوندن، مثلاً هر چند وقت یک‌بار کتاب معرفی می‌کنه یا مثلاً فیلم معرفی می‌کنن و منم پیگیری می‌کنم.

- تا حالا شده تیپ اون رو بزنی؟
بله، مثلاً از روی تأثیر ایشون، من عینکی نبودم، اما چون ایشون عینک می‌زد، من عینک گرد می‌زدم مثل ایشون، یا مثلاً توی یک دوره‌ای لباس بلند می‌پوشید، منم رفتم چندتا لباس بلند خریدم که شکل شنله یا مثلاً بوت‌هایی که می‌پوشید، مثلاً من هیچ وقت شال گردن نمی‌پوشیدم که از روی ایشون یکی مثلش رو خریدم.



- دیدن تفریحات این آدم‌های معروف باعث شده شما هم دلت بخواهد؟
بله، قطعاً، چون فضای مجازی فقط روی خوش نشون داده می‌شه و این خب تأثیر می‌گذاره
دیگه، مثلاً منم دلم می‌خواد مثل یک بلاگری که هند یا ترکیه می‌ره، دوست دارم به صورت تفریحی
اون جاها برم.

- بعد از این که تفریحات این‌ها رو دیدی، از تفریحات خودت رضایت داشتی؟
نه واقعاً، می‌گفتم که چیه آخه، بازم شمال، مشهد.

- کارهای خاص بلاگرها باعث شده دلت بخواهد یک چیزهایی رو نتونی داشته باشی؟
آره خب، مثلاً همین هی گوشی عوض کردن‌هاشون، مسافرتاشون، با دوستاشون کافه رفتن، جمع
شدن‌هاشون، مهمونی‌هاشون، ما همه‌اش مهمونی‌هامون با خانواده هست متأسفانه و اصلاً خوش
نمی‌گذره، همه اینا باعث شده دلم بخواد خب، ولی توانش رو نداشته باشم.

- دوست داشتی جای این‌ها باشی؟

در لحظه، واقعاً می‌گم کاش جای این بودم.

- من می‌بینم آیفون ۱۳ داری، قبلش چی داشتی؟

قبلش آیفون ۱۱ داشتم. خب آیفون ۱۳ جدیدتر از آیفون ۱۱ هست، نمی‌دونم دست کسی دیدم
یا نه توی اینستاگرام، ولی خب دوست داشتم عوضش کنم، قرض گرفتم از خانواده روش گذاشتم.

- چه قدر قرض کردی؟

نزدیک ۸ میلیون.

- برات ضرری هم داشت؟

بین ضرر مالی خب که نه! البته تا چند ماه زندگیم سخت می‌شه دیگه، آخه حقوقم زیاد نیست،
باید قرضم رو بدم تا تموم بشه.

- همیشه گوشت رو عوض می‌کنی؟

تا جایی که بشه دوست دارم گوشتی جدید دستم بگیرم، توی سن نوجوونی هم که بودم، دوست
داشتم اپل دستم باشه.

- وقتی آیفون دست می‌گیری، از خودت عکس هم توی اینستاگرام می‌گذاری؟

اون که صد در صد، اون هم در جلو آینه.

- دلت می‌خواهد بلاگر بشی؟

آره، خیلی دوست دارم بلاگر بشم.

- شخص خاصی توی ذهنت داری؟

با توجه به رشته‌ام اگه بلاگر مهندس معمار بشم، می‌تونه برام جذاب باشه، یه پیج دیدم به نام آقای علاءالدین، یه پسر هم‌سن و سال من که بلاگر شده، یعنی می‌ره به پروژه‌ها سر می‌زنه و فیلماش رو می‌ذاره و اینا.

- از خودش هم فیلم می‌گذاره؟

آره، در کل دوست دارم بلاگر معمار بشم.

- چرا هنوز اقدام نکردی؟

ام...، کمبود اعتماد به نفس.

- مگه اون پسره چی داره که شما ندارید؟

پول.

- پول چه کمکی بهش می‌کنه؟

ایشون با پول... امممم...، یعنی با پول می‌تونن بری یه ساختمون رو بازدید کنی، وقتی یه پولی بدی یا می‌تونن وسایل مهندسی بخری و نشون بدی، می‌تونن یه پروژه بسازی و ازش فیلم بذاری.

- اگه پولش رو داشتی، باز هم مشکل اعتماد به نفست بود؟

اینم هست، قطعاً نمی‌تونم مثل اون‌ها صحبت بکنم، اون اعتماد به نفسی که توی ارتباطه رو هم ندارم، حتی یه کلاس سخنوری هم رفتم، اما فایده خاصی نداشته.

- به نظرت قیافه خودت برای بلاگری مناسب هست؟

بله، حتی صدامم خوبه، اما اعتماد به نفسش رو ندارم.

- به نظرت چرا این بلاگرها معروف شدن؟

والا به نظرم این مردمون هستن که به این سمت می‌رن، یعنی مثلاً یکی مثل دنیا جهان‌بخت واقعاً هیچی برای عرضه نداره، ولی مردم بهش توجه دارن، واقعاً نمی‌دونم چرا مردم فالوشون می‌کنن، شاید فقط برای سرگرمی باشه.

- تا حالا از این شاخ‌ها رو فالو کردی؟

آره، یه مدت ساشا سبحانی بود، به خاطر این بود که دخترا رو می‌آورد توی لایو، لخت می‌کرد، به خاطر این بود. یه دوره‌ای به خاطر ماشین‌هایی که می‌آورد، آخه من ماشین خیلی دوست دارم، نگاه می‌کردم، یه وقتا به خاطر دعوایی که راه انداخته بود با پویان مختاری و تتلو نگاه می‌کردم.

- چه چیزش برات جذاب بود؟

خب پول داره، برام جذاب بود این قدر چیزای گرون گرون می‌خره راحت.

- از اون دخترهایی که می‌آورد، لذت جنسی می‌بردی؟

آره، خب جذاب بودن، می‌رقصیدن، البته من دوست داشتم ببینم با چه مردمی دارم زندگی می‌کنم.

- به نظرت چی باعث می‌شه دخترها جذب ساشا سبحانی بشن؟
خب اون زندگی که داره، این قدر لاکچری، یه ویلای بزرگ، استخر و مشروب، به نظرم برای ما جذابه.

- دوست نداشتی ویلاهای اون رو داشته باشی؟
چرا، خیلی.

- به نظرت ویلاهای خودتون جذاب‌تره یا ویلاهای اون؟
من به نظرم ویلاهای ساشا سبحانی خیلی جذاب‌تر از ویلاهای خانوادگی ما بود خب، یعنی وقتی اون ویلاها رو می‌دیدم واقعاً دیگه ویلاهامون به چشمم نمی‌اومد، با این که چهار، پنج تا ویلا داریم تو شهرای خوب ایران.



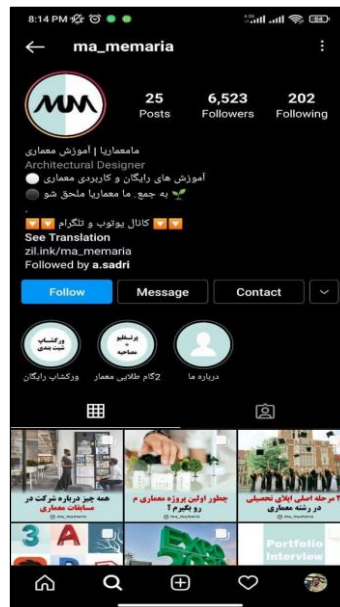
- تا حالا شده محصول خاصی رو به خاطر تبلیغ بخری؟
چرا، مثلاً یه کیف خاصی بود از سریال فرندز که یک بلاگری تبلیغ کرد، من خریدم.
- به نظرت برای زیاد شدن فالورها چه کارهایی می‌شه کرد؟
یه جمله معروفی هست که می‌گه «مهم نیست ببیننت به دید چی، فقط مهم اینه که شنیده شی».

بعضی از این افراد که توی اینستاگرام هستند، هر کاری می‌کنن تا دیده بشن، نمونه‌اش خانوم ندا یاسی، ایشون لخت می‌شد توی حموم که دیده بشه، راجع به عادت ماهانه‌اش صحبت می‌کرد که دیده بشه، به قول معروف هر کاری که کرد که دیده بشه، این قدر خودش رو آورد پایین، همین

خانوم دنیا جهان‌بخت، جلوی دوربین خودکشی کرد و این شد که به این معروفی رسید، اصلش اصلاً از این جا بود.

- شده یک بلاگری ورزش بکنه شما هم بری ورزش کنی؟
مثلاً یه بلاگری رو می‌شناسم، صبح‌های زود می‌ره باشگاه انقلاب و می‌دوعه، ساعت پنج صبح، خیلی دوست دارم مثل ایشون باشم، البته هنوز نشده اقدام کنم، حالا به خانواده گفتم بلیط باشگاه انقلاب بگیرن بریم.

- در مورد پیج‌های آموزشی که داری می‌گی؟
من خیلی پیج معماری دارم که ازشون تأثیر می‌گیرم.
- تا حالا شده سلیقه‌ات در مورد معماری به خاطر این‌ها عوض بشه؟
آره، مثلاً در مورد رنگ ساختمانها، خب خیلی یاد می‌گیرم ازشون.
- بیش‌تر مسایلی که از معماری یاد گرفتی، دانشگاه و کتاب مؤثر بوده یا اینستاگرام؟
قطعااااا اینستاگرام.



- اینستاگرام نقشی در کارگاه‌های معماری که می‌ری داره؟
آره، مثلاً دیدم بلاگرها دارن کار اتوکتی می‌کنن، منم خب خواستم برم یاد بگیرم، رفتم.
- اینستاگرام چه تأثیراتی روی سبک زندگی شما گذاشته؟
مشوق این بوده خب که چه کتاب خوبی بخونم، چه آهنگی گوش کنم، چه فیلم خوبی رو ببینم، چه فیلم بدی رو نبینم یا مثلاً توی معماری فهمیدم چه طراحی خوبه، چه طراحی بد.

- قبل از این که وارد اینستاگرام بشی چه حسی به حکومت داشتی؟
قبلش حس مثبت داشتم واقعاً، ولی الآن از حکومت بدم میاد.
- پیچ خاصی روی شما تأثیر گذاشته؟
آره، توانا، گندکاری‌های اینا رو کامل نشون می‌ده.
- چه قدر از نظر خبری به اخبار اینستاگرام اعتماد داری؟
مثلاً جریان هواپیمای اوکراینی، همون اولش که اینستاگرام خبرش دراومد که هست، صدا و سیما هم گفت نیست، من به اینستاگرام اعتماد کردم، این اتفاق برام چندین بار افتاده و دیدم که اینستاگرام درست می‌گه، به خاطر تجربه واقعاً، من اصلاً به صدا و سیما و این حکومت اعتماد ندارم توی اخبار.

- شخص خاصی هست که اخبار رو توی اینستاگرام بگه و شما خیلی باورش داشته باشی؟
آره، مثلاً شاهین نجفی، وقتی مثلاً آقای قاسم سلیمانی رو زدند، اول شاهین نجفی گفت، بعد توی صدا و سیما خبرش دراومد.

- در مورد مهاجرت نظرت چی هست؟
بین خب، زندگی رؤیایی که می‌بینم توی آمریکا هست، مثلاً یه بلاگر ایرانی هست که آمریکا زندگی می‌کنه، از مزیت‌های اون کشور می‌گه، مثلاً یه ویدیو دیدم که با صد دلار آمریکا که حقوق یک روزه یک کارگره، چه قدر خرید می‌شه کرد، خرید یک ماه خونه رو اقل می‌شه کرد، واقعاً اینا هم باعث شد من ترغیب بشم، خب آدم هی با کشور خودش مقایسه می‌کنه دیگه.
- راستی سطح توقعت فرقی نکرده؟

چرا خب، بعد از وارد شدن به اینستاگرام، خیلی دوست دارم رابطه عاطفی داشته باشم، هی عکس دو نفره می‌ذارن.

- نظرت در مورد فرهنگ خودت تغییر نکرده؟
چرا، مثلاً یه پیجی دارم که در مورد فرهنگ صحبت می‌کنه، مثلاً نباید به دخترا تیکه انداخت و اینا، می‌گه چه کارهایی نباید انجام بدیم، خب اینا واقعاً مؤثر بوده روی منم.
- ممنونم از وقتی که گذاشتی.
قربان شما.

مصاحبه دوم:

- سلام، ممنونم که دوباره به من وقت دادی.
سلام، خواهش می‌کنم.
- قبل از این که شما کاربر اینستاگرام بشی، عقاید مذهبی‌تون چه طور بود؟

من توی یه خانواده مذهبی به دنیا اومدم و مدرسه‌هایی هم که می‌رفتم فقط مدرسه‌های مذهبی بوده، برای همین خیلی مذهبی بودم، همه‌ی خانواده هم مذهبی بودن.

- این که می‌گی مذهبی بودی، یعنی دقیقاً چه کار می‌کردی؟

مثلاً نماز و روزه‌ام مرتب بود، حتی سخنرانی و هیأت می‌رفتم، گاهی هم دعای کمیل و اینا می‌خوندم، تیمم کلاً تیپ مذهبی بود، پیرهن آستین بلند می‌پوشیدم، اکثراً هم شلوار پارچه‌ای پام بود.

- بعد از این که وارد اینستاگرام شدی، چه طوری شد؟

بین کم‌کم بود، اولین استارت تغییرات من شاهین نجفی و صادق هدایت بود، یعنی اول با شاهین نجفی آشنا شدم، بعدشم که ایشون صادق هدایت رو بهم معرفی کردن و دیگه کم‌کم فهمیدم که دینی وجود نداره، یعنی شاید خدا باشه، اما دین واقعاً خرافه است.

- چه طوری به این نتیجه رسیدی که دین خرافه است؟

خب وقتی داستان‌های هدایت رو خودنم، حرفای شاهین نجفی و آهنگاش رو گوش دادم و خودم هم کلی فکر کردم، متوجه شدم که دین برای پول درآوردن ساخته شده.

- دیگه نماز نمی‌خونی؟

نماز نه، ولی روزه می‌گیرم هنوز.

- چرا، مگه به دین اعتقاد داری؟

نه دیگه، اما خب یه جورایی تعصبه! یعنی با این چیزا بزرگ شدم، سخته برام ول کردن روزه، انگار تأثیرات خانواده هست، البته شایدم به خاطره اینه که روزه برای سلامتی خوبه، اما نماز و بقیه چیزا نه! - داشتی راجع به شاهین نجفی می‌گفتی، به نظرت چه علتی داشته که این فرد این قدر روی شما تأثیر گذاشته؟

امم...، خب قطعاً شخصیتش و آهنگاش.

- یعنی چی شخصیتش، مگه چه ویژگی داشته؟

بین بذار اول بگم من با آهنگاش جذبش شدم، یعنی وقتی هم که آدم مذهبی بودم، آهنگ پاپ گوش می‌کردم، بعد شاهین نجفی رو گوش دادم و توی فضاهای مجازی دنبالش کردم، بعد هم راجع به شخصیتش بگم که خیلی با فرهنگ بود، دغدغه‌هاش رو دوست داشتم، برای ظلم و نابرابری می‌جنگید، برای خرافه پرستی و اینا.

- مثلاً چی می‌گفت؟

مثلاً یه آهنگ خونده برای زن‌ها که چه قدر ظلم به‌شون می‌شه توی این فرهنگ زن ستیز یا مثلاً یه آهنگ خونده به اسم شعبان که چه قدر یه کارگر باید اذیت بشه، ولی با وعده‌های دینی، باید ساکت بمیره.

- توی اینستاگرام چه کارهایی می‌کرد که جذب کرد؟
- عرض کردم دیگه، حرفاش، مثلاً لایو می‌داشت مکاتب فلسفی رو بررسی می‌کرد، به صورت کاملاً بی‌طرفانه! نظرات جامعه شناسی رو می‌گفت، چون می‌دونید که ایشون جامعه شناسی خونده اصلاً، دیگه لایوهاش رو منم گوش می‌دادم و وقتی با عقم بررسی کردم، دیدم حرفاش خیلی درست‌تر از حرفای آخوندا بود.
- چرا فکر می‌کنی حرف‌هایی که می‌زنه درسته، مگه مطالعه‌ای توی این حوزه داشتی؟
- گفتم دیگه، با عقم می‌سنجم و البته مطالعه هم می‌کنم، مثلاً کتاب‌های هدایت یا کتاب‌هایی مثل انسان خردمند رو هم مطالعه کردم.
- برای مطالعه، بیش‌تر وقت می‌گذاری یا برای اینستاگرام؟
- قطعاً اینستا.
- دلیلش چی هست؟
- دلیلش اینه که چون سر کار می‌رم و خسته می‌شم، دیگه کم‌تر توان برای مطالعه دارم، از طرفی هم اینستاگرام جذاب‌تر از یه کتابه، اینستا عکس باهاشه، صدا، جذابیت.
- این وضعیت رو دوست داری؟
- خب قطعاً دوست دارم بیش‌تر مطالعه کنم، اما عرض کردم خسته می‌شم.
- شاهین نجفی چه تأثیراتی توی زندگیت گذاشته؟
- این که توی نوجوونی سیگار رو شروع کردم، شاید یکی از اون مسایل باشه.
- مگه ایشون سیگاری هست؟
- نه، سیگاری نیست، یعنی قبلاً عکس با سیگار می‌داشت، ولی بیش‌تر به خاطر فضای آهنگاش بود، شاید ربطی به اون نداشته اصلاً، به خاطر هورمون و نوجوونی!
- به نظر خودت ممکنه برای این که شبیه اون بشی باشه؟
- نمی‌تونم دقیق بگم، ولی ممکنه مربوط باشه، یعنی نه به خاطر این که شبیه باشم، یه جورى توی اون دوران نوجوونی آدم می‌ره توی فاز اونا... .
- راجع به بلاگرهای دیگه می‌خواهم ازتون بپرسم، در مصاحبه قبلی گفتی که روابط ستوده و همسرش رو خیلی می‌پسندی، به نظرت دلیل اون چی می‌تونه باشه؟
- ببینید، رابطه عاطفی خب برای آدمی‌زاد جذابه دیگه و وقتی که یه زوج آدم می‌بینه که با هم مهربون هستن و توی یه خونه نقلی کلی دارن خوش می‌گذرونن، خب خوشش میاد دیگه.
- خوب چه طوری به چیزی که یقین نداری درسته، جذب می‌شی؟
- من نمی‌دونم دروغ می‌گن یا نه! ولی چیزی که برام روشنه اینه که این تصویر رو دوست دارم که یه دوست دختر یا حالا همسر مثل ستوده داشته باشم، هم فکر باشیم و زندگی‌مون به اون قشنگی باشه.

- تا حالا شده اقدامی کنی که رابطه‌ای مثل اون‌ها داشته باشی؟
- بله، من با یه خانومی دوست شده بودم که اتفاقاً خیلی شبیه ستوده بود، هم زیباییش و هم شخصیتش! هنری بود و تیپش هم همون شکلی بود.
- قبل از این که ستوده رو ببینی، دختری مثل اون رو می‌پسندیدی؟
- دقیق یادم نیست، چون مربوط به خیلی قبله، اما حتماً تأثیر گذاشته دیگه، فهمیدم دخترای این تیپی رو چه قدر دوست دارم.
- خانواده اگه بخواهند برات همسری انتخاب کنن، چه تیپی انتخاب می‌کنن؟
- خب خانواده مذهبی بنده، زن چادری دوست دارن برام بگیرن.
- شما خودت زن چادری رو دوست داری؟
- خیر.
- قبل این که وارد اینستاگرام بشی، نظرت چی بوده؟
- فکر می‌کنم اون موقع با چادری اوکی بودم.
- به نظرت چه دلیل می‌تونه داشته باشه؟
- خب شما در نظر بگیر یه آدمی که فقط زن چادری دیده، هیچ اطلاعی نداره دیگه که تیپ‌های دیگه هم می‌تونن باشن.
- خوشحالی از این که سلیقه‌ات عوض شده؟
- بله واقعاً، اصلاً دوست نداشتم توی جهالت بمونم.
- چرا جهالت؟
- خب وقتی آدم یه گزینه رو دیده باشه، همون رو انتخاب می‌کنه دیگه، ولی وقتی چندتا گزینه رو ببینی و اون وقت یه گزینه رو انتخاب کنی، اون ارزشمند.
- الان چه مشکلی داری با این که زن چادری بگیری؟
- عرض کنم که مشکل ندارم، خب من عوض شدم، باید هم تیپ خودم پیدا کنم دیگه.
- خوب می‌تونم در مورد عقاید سیاسیت بیش‌تر بپرسم که چرا عوض شدن؟
- من قبل از این که وارد اینستا بشم، خیلی با حکومت خوب بودم، یعنی حتی همه جا بحث می‌کردم با مخالف‌ها، حتی جالبه...، من عکس رهبر رو گذاشته بودم روی میزم، توی بسیج عضو هم بودم، ولی کم‌کم آگاهی پیدا کردم.
- نسبت به چی آگاهی پیدا کردی؟
- فهمیدم که حکومت چه خبره دیگه، صدا و سیما که حرف راست تحویل نمی‌ده، توی این فضاها
- مجازی خصوصاً اینستا، اخبار رو می‌دارن.

- مثلاً چی می‌گذارن؟

مثلاً چندتا فیلم دیدم از برخورد حکومت اسلامی ایران با دخترها، با معترضین.

- چه کار می‌کردن؟

توی تظاهرات که کاملاً تیراندازی‌های مستقیم‌شون رو نشون می‌دادن، چه قدر خون ریختن اینا...، از اون‌ور هم مثلاً فیلمایی دیدم که چه طوری گشت ارشاد خانوم‌ها رو کتک می‌زد و اینا...، اصلاً راه دور چرا...، همین برخورد این حکومت رو با زندانی‌های سیاسی...، جای تأسف داره واقعاً... - قبلاً این‌ها رو نمی‌دونستی؟

نه واقعاً، فکر می‌کردم این حکومت به نفع مردم، ولی حالا که حقیقت رو دیدم متوجه شدم که ضد مردمه.

- چرا ضد مردم هست؟

چون فقط آدم... می‌کنه، اتفاقاً یه دفعه توی اینستا پیج توانا بحثش رو کرده بود که آقای خمینی معتقد بوده برای حفظ نظام همه کار می‌شه کرد، اینا حاضرین همه آدما رو...، ولی نظام‌شون سرپا بمونه! - خوشحالی که تغییر پیدا کردی؟

بله، حتی به اون دوران حماقت خودم تأسف هم می‌خورم.

- به نظرت همه‌ی این چیزها که توی اینستاگرام گذاشته می‌شه، راسته؟

برخلاف این که خیلی وقتا خانواده می‌گه، به نظرم اکثر اینا راسته، آخه چیش دروغ باشه، صحنه مستقیم داره خیابون رو نشون می‌ده، تیراندازی‌شون رو، خون و قتل رو... - با خانواده بحث می‌کنی؟

خیلی زیاد.

- چرا؟

چون وظیفه خودم می‌دونم آگاه‌شون کنم، رفقام همه‌اش بهم می‌گن تو مثل شاهین نجفی می‌مونی، مدل اون بحث می‌کنی.

- خودت نسبت به این موضوع آگاه هستی؟

آره، یه مقدارش، ولی خب بخشی از اون هم واقعاً عمدی نیست، یه وقتا می‌فهمم توی بحثا شبیه اون حرف می‌زنم.

- خانواده شما توی بحث‌ها قانع می‌شن؟

نه، اصلاً، در جهل خودشون پافشاری می‌کنن.

- پس بعد از اینستاگرام رابطات هم با خانواده به مشکل خورده؟

ببینید نمی‌شه گفت مشکل، ولی خب بحث‌هایی که می‌کنیم، بخشیش به خاطر آگاهی منه که از این فضا بوده.

- خانواده‌ات از اینستاگرام استفاده می‌کنن؟
بله.

- پیج‌هایی که شما دنبال می‌کنی رو دنبال می‌کنن؟
نه.

- به نظرت اگه اون پیج‌ها رو دنبال کنن ممکنه نظرشون مثل شما بشه؟
خیلی بعید می‌دونم، چون اینا واقعاً نمی‌خوان تغییر کنن، روی چهل خودشون تعصب دارن، اصلاً اجازه نمی‌دن حرف دیگه‌ای به جز تعصب‌های خودشون رو بشنون، اگر هم بشنون باز تعصب دارن.
- پس چرا این چیزها روی شما اثر گذاشته؟
خب من مثل اونا نبودم، ذهنم به حقیقت بازه.
- اگه بعداً بفهمی عقاید الانت اشتباه بوده، نظرت رو عوض می‌کنی؟
بله، صد در صد.

- در مورد پیج‌های معماری که گفتی دنبال می‌کنی، تا حالا اثر خاصی روی شما گذاشته؟
نمی‌شه گفت به خاطر اینستا بوده یا چی...، ولی خب این علاقه به معماری که من دارم، مدیون همسر ستوده هستم دیگه.

- الان شغلت چه طور هست؟
توی یک شرکت مهندسی کار می‌کنم، یعنی کار ساخت و سازه.
- به نظرت ممکنه دلیل جذبت به این شغل اینستاگرام باشه؟
بله، امکانش هست، به قولی یه چیزایی توی ناخودآگاهمون ممکنه باشه، ولی ما بهشون آگاهی نداریم.
- چه طوری به نظرت ممکنه روی شما تأثیر گذاشته باشه؟
خب این پیج‌ها و بلاگرهایی که دنبال می‌کنم، همه‌اش راجع به ساختمان سازی و اینا بوده دیگه، منم وقتی اینا رو می‌دیدم، شاید به خاطر این علاقه‌مند شدم، دقیقاً نمی‌تونم بگم تنها این علتش بوده، چون یه فامیل هم داشتیم که معمار بوده.

- قبل از اینستاگرام دوست داشتی چه کاره بشی؟
دوست داشتم معلم بشم، یکی از معلم‌هامون رو خیلی دوست داشتم و دوست داشتم شکل اون بشم.
- پس انگار اینستاگرام یک ربط‌هایی توی انتخاب شغلت داشته؟
خب آره... ببخشید، من حقیقتاً خیلی خسته شدم، فکر می‌کنم در مورد همه چی صحبت کردیم دیگه!
- ممنون ازت که وقت گذاشتی.

تأملی دوباره:

آرشام ۲۳ ساله، در مصاحبه خود درباره اثرهای کاربری از شبکه اجتماعی اینستاگرام، به مباحثی حول محورهای اثرهای آموزشی، اجتماعی، اخلاقی- تربیتی، اقتصادی، خانوادگی، روان‌شناختی، زیباشناختی، زیستی، زیست محیطی، سیاسی، عقیدتی و فرهنگی اشاره داشته است.

آرشام در مصاحبه خود در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در مسایل آموزشی کاربران، به مواردی مانند: تغییر ملاک‌های علمی، اعتماد کردن به آموزش‌های الگوهای مخالف نظام، اشاره داشته است. آرشام در مصاحبه خویش در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در رفتار اجتماعی کاربران، به مواردی مانند: ایجاد امکان عمل‌های جدید و یافتن فردی همسو با علایق خویش، نقد بلاگرهای غیر متخصص، الگوبرداری از افراد مطرح در اینستاگرام (از الگوبرداری در پوشش گرفته تا الگوبرداری رفتاری و حتی ارزشی -نظیر سلیقه و معیارهای همسریابی)، احساس مسوولیت زیاد در فضای مجازی (بر مبنای اصل توزیع مسوولیت در روان‌شناسی اجتماعی)، شکل‌گیری هویت‌های جدید در سطح کاربران فضای مجازی (هویت جعلی و کاذب، هویت پنهان، هویت دو پاره، هویت لاکچری)، کاهش شدید حریم خصوصی در فضای اینستا و نظایر آن، در سطح خود و دوستانش اشاره داشته است.

آرشام در مصاحبه خویش در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در رفتار اخلاقی کاربران، به مواردی مانند: تغییر ملاک‌های ارزشی، نقد بلاگرهای غیر متخصص، گسترش فریب و نیرنگ در اینستا، کم رنگ شدن اخلاقیات، به نمایش نهادن ویتترین زندگی، زیر پا نهادن اخلاقیات برای افزایش فالور، توهم بسترسازی فرهنگی در عرصه‌ای شهوی و نظایر آن، اشاره داشته است.

آرشام ۲۳ ساله، در مصاحبه خویش در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در مسایل اقتصادی کاربران، به مواردی مانند: افزایش توقعات اقتصادی، اقدام کردن بر طبق توقعات ایجاد شده و نظایر آن، اشاره داشته است.

آرشام در مصاحبه خویش در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در مسایل خانوادگی کاربران، به مواردی مانند: ایجاد تغییر افکار و سلايق نسبت به خانواده، احساس تعارض با خانواده، اخذ الگوی روابط زن و شوهر از اینستا، اشاره داشته است.

آرشام در مصاحبه‌اش در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در مسایل روانی کاربران، به دعوت غیر مستقیم به عشق ورزیدن توسط برخی از الگوهای غربی، اشاره داشته است.

آرشام در مصاحبه‌اش در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در علایق زیباشناختی کاربران، به معیار قرار گرفتن زیبایی در غرب، در سطح خود و دوستانش اشاره داشته است.

آرشام ۲۳ ساله، در مصاحبه خود در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در مسایل زیستی کاربران، به آثار منفی جسمانی کژکاری از اینستا، اشاره داشته است.

مصاحبه شونده در مصاحبه خود در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در مسایل زیست محیطی کاربران، به ترغیب برخی از کاربران و صفحات اینستاگرامی مبنی بر ضرورت عطف توجه به مسایل محیط زیست، اشاره داشته است.

آرشام در مصاحبه خویش در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در رفتار سیاسی کاربران، به مواردی مانند: عوض شدن باورهای سیاسی، تغییر باورهای بنیادین سیاسی نسبت به حکومت، در سطح خود و دوستانش اشاره داشته است.

آرشام در مصاحبه‌اش در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در مسایل عقیدتی کاربران، به مواردی مانند: تضعیف اعتقادات، عوض شدن باورهای دینی، تغییر باورهای بنیادین عقیدتی، در سطح خود و دوستانش اشاره داشته است.

آرشام ۲۳ ساله، در مصاحبه خویش در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در علایق فرهنگی کاربران، به مواردی مانند: تحول گذراندن فراغت، پایین آمدن سطح رضایت از امکانات تفریحی داخل و افزایش توقعات در زمینه‌های سرگرمی و فراغت، ضعف تولیدهای نهادهای فرهنگی داخل، اخذ محصولات فرهنگی از جریان‌های غیر رسمی و آن سوی آب، دور زدن فرهنگ جمع‌گرای ایران، بصری شدن فرهنگ و کاهش مطالعه، کم رنگ شدن سبک زندگی مبتنی بر ساده زیستی و پر رنگ شدن سبک زندگی لاکچری، چرخش از رسانه‌های داخلی به سمت رسانه‌های خارجی، اعتماد به مطالب سطحی و بدون عمق و ریشه، بروز جلوه‌های جدیدی از مسایل انسانی در پرتو فقدان سازوکارهای تهاجم شکن و ناشناس ماندن در فضای مجازی، ارتقای خشونت و پرخاش و امیال شهوی در فضای مجازی، کاهش شدید حریم خصوصی در فضای اینستا، اخذ دیدگاه فمینیستی از فضای مجازی، در سطح خود و دوستانش اشاره داشته است.

اگر در زمینه مباحث مطرح شده در مصاحبه آرشام ۲۳ ساله، با ارجاع سایر محورهای مطرح شده به دیگر کتاب‌های مجموعه حاضر، توجه خود را صرفاً معطوف به ابعاد فرهنگی (که مورد بحث اثر حاضر است) کنیم، می‌توان بیان داشت، آرشام در مصاحبه خویش ضمن تأکید بر پایین آمدن سطح رضایت از امکانات تفریحی داخل و افزایش توقعات در زمینه‌های سرگرمی و فراغت و ضعف تولیدهای نهادهای فرهنگی داخل، از چرخش خود از رسانه‌های داخلی به سمت رسانه‌های خارجی، یاد کرده است.

اتکا به منابع بعضاً نامعتبر و سوگیرانه در اینستا از سویی و اعتماد به مطالب بعضاً سطحی و بدون عمق و ریشه رسانه‌های خارجی از سوی دیگر، مسایل مهمی هستند که آرشام در بیانات خود بدان

اشاره می‌کند. به این معنا که سطحی شدن ویژگی مهم کاربری از اینستا به شمار می‌رود، زیرا افرادی که داریم در معرض بمباران اطلاعاتی هستند، به لحاظ ذهنی خسته شده و غالباً در تحلیل مسایل مختلف، در سطح مسایل مطروحه باقی می‌مانند و نمی‌توانند به عمق مباحث فکری فرو رفته و به تحلیل انبوه داده‌های فراویشان پردازند. به تعبیر دیگر باید بین ورودی داده‌ها به ذهن و تحلیل بایسته آن‌ها نسبت معینی وجود داشته باشد، در غیر این صورت، با افزایش حجم داده‌ها، فرد از تحلیل مناسب داده‌ها باز می‌ماند.

از این رو در افرادی که دچار کژ کاربری از اینستا (و اصولاً فضای مجازی) هستند، انتظار می‌رود، این افراد که به نوعی به ساده اندیشی و ابتدال اندیشه گرفتار آمده‌اند، در صدد پذیرش موارد پر آب و رنگی برآیند که تنها ظواهر جذاب آن‌ها، اقناع ذهنی مخاطبان را در پی داشته‌اند.

مصاحبه با دُرسا، ۱۷ ساله

همین که گلشیفته تابوشکنی کرد و خواست نشون بده اگر لخت بشی دنیا به آخر نمی‌رسه، برام قابل احترامه.

- سلام درسا جان.

سلام.

- خوبی خانم؟

ممنون، مرسی خوبم، شما خوبین؟

- منم خوبم عزیزم.

- از این که قبول زحمت کردی که با هم مصاحبه داشته باشیم، متشکرم. هر وقت که احساس کردی خسته شدی به من بگو باشه؟
خواهش می‌کنم، باشه.

- در ابتدا دورنمایی از زندگی خانوادگی خودت می‌دی؟

باشه. من هفده سالمه، کلاس یازدهم هستم و هنرستان می‌رم. مادرم رو توی بچگی از دست دادم و الآن با پدرم زندگی می‌کنم. وضعیت اقتصادی خانواده ما هم متوسط هست.

- متشکرم. درسا جان شما اینستاگرام داری؟
بله.

- چند وقت هست؟

پنج سال.

- یعنی از دوازده سالگی؟

بله.

- شما از همون دوازده سالگی بلد بودی با اینستاگرام کار کنی؟

اول که گوشی نداشتم گاهی با گوشیه عمه‌ام می‌رفتم، تا خودم گوشی خریدم و خودم یاد گرفتم.

- کی خودت گوشی خریدی؟

تقریباً سه سال و نیم پیش.

- از دوازده سالگی تا الآن چه فعالیت‌هایی داشتی؟

اول زیاد بلد نبودم و اون پیجی که اون موقع داشتم رو دیگه ندارم.

- چرا؟

چون بچه بودم پس‌وردش یادم رفته، من تا الآن سه تا پیج عوض کردم.

- وقتی کوچیک بودی، کی برات اولین پیج رو درست کرد؟
عمه‌ام.

- چرا برات پیج درست کرد؟
خودم بهش گفتم منم می‌خوام مثل شماها اینستاگرام داشته باشم، اونم دید با اینستاگرام سرگرم می‌شم، خیالش راحت که حوصله‌ام سر نمی‌ره.
- الان این پیجی که داری پیج اصلیت هست؟
بله.

- چند وقته این پیج رو داری؟
سه سال، از وقتی گوشی گرفتم.
- الان فقط همین رو داری؟
نه، دوتا پیج دارم، یکی دیگه هم دارم.
- هر دو مال خودت هست؟
بله.

- می‌شه بگی اون یکی چی هست؟
اون یکی پیجیه که نقاشیام رو توش می‌ذارم، این یکی پیج اصلیمه.
- نقاشی می‌کشی؟
بله. از بچگی به نقاشی علاقه داشتم.
- در مورد پیج نقاشیت به من بگو.
نقاشی‌هایی که می‌کشم، ازشون عکس می‌گیرم، بعد می‌ذارم توی پیجم.
- نقاشی‌هایی رو که می‌کشی برای فروش در پیج خودت می‌گذاری؟
هدف اصلیم اینه که بتونم بفروشم، اما هنوز حرفه‌ای نشدم.
- تا حالا چیزی فروختی؟
بله.

- از همین نقاشی‌هایی که توی پیج گذاشته بودی؟
خود اون نقاشی که توی پیج گذاشته بودم نبود، یه نفر کارام رو دیده بود، توی دایرکت سفارش داد.

- چه‌جوری، بیش‌تر توضیح می‌دی؟
بله، ببینید یه پسری دایرکت داد و یه عکس از نامزدش فرستاده بود، گفت اگر بخوام این طرح رو برام بکشین چه قدر می‌شه و چه قدر طول می‌کشه؟ من توضیحات لازم رو دادم، اول نصف پول رو کارت به کارت کرد، بعد از این که نقاشی رو کشیدم، بقیه‌اش رو پرداخت کرد.

- نقاشی رو توی اینستاگرام براش فرستادی؟
نه، براش پست کردم، اصل کار رو می‌خواست.
- همین یک بار بود؟
آره، حالا نقاشی‌های بیش‌تری توی پیج گذاشتم که زیاد بشه، دارم تبلیغ هم می‌کنم تا معروف‌تر بشم.
- چه جوری تبلیغ می‌کنی؟
این جوریه که پیج‌های معروف اینستاگرام یه پولی می‌گیرن، پیج من رو استوری می‌کنن و تبلیغ می‌شه برام.
- عکس پیجت رو نشون می‌دن؟
آره، بستگی به نوع تبلیغ و پیجش داره، بعضی‌ها عکس پیج و عکس کارهام رو می‌ذارن، بعضی وقت‌ها هم صاحب پیج که آدم معروفیه، یک ویدیوی چند ثانیه‌ای درست می‌کنه و در مورد پیج من توضیح می‌ده و حرف می‌زنه، تعدادیه.
- یعنی چی تعدادی؟
مثلاً چند بار بخوای تبلیغ و معرفی شه، قیمتش متفاوت، یه هفته سه بار، چند هفته‌ای و این مدلی.
- الان این تبلیغی که کردی تأثیری هم داشته؟
آره، تعداد ویو و فالورام رفت بالا، چندتا هم دایرکت برای آموزش آنلاین گرفتم، چند نفر برای بچه‌هاشون خواستن، قراره هماهنگ کنیم.
- آموزش نقاشی به صورت آنلاین هم می‌دی؟
تازه شروع کردم، یعنی قراره به دوتا بچه با ویدیو کال یاد بدم.
- پس درآمد کسب می‌کنی؟
آره، زیاد نیست، ولی همین هم خدا رو شکر برای سن من خوبه.
- درسا جون روزی چه قدر توی اینستاگرام وقت می‌گذاری؟
متفاوته.
- به طور متوسط چه قدر؟
اگر برای پیج نقاشیم بخوام پست بذارم که خیلی طول می‌کشه، چون باید چند بار از نقاشی عکس بگیرم، ادیت کنم، بعد با اپلیکیشن براش قاب بذارم، زیرش کپشن بنویسم.
- چه توضیحی؟
توضیحات نقاشی، تکنیک کار شده، ابعاد نقاشیم.

- همه‌ی این‌هایی که گفتی روی هم چه قدر زمان می‌بره؟
چند ساعت.
- چه قدر برای پیج اصلیت زمان می‌گذاری؟
من هر دوتا اکانتم روی گوشیم فعاله، راحت از این پیج به اون پیج سوئیچ می‌کنم، یک ثانیه زمان می‌بره، معمولاً پیج اصلیم روی گوشیم بازه که هر وقت بی‌کار می‌شم، می‌رم بهش سر می‌زنم.
- جمعاً چه قدر زمان می‌بره؟
پیج اصلیم سه ساعت، دوتا پیج با هم پنج، شش ساعت.
- با پیج اصلی چه فعالیت‌هایی می‌کنی؟
توی اکسپلور می‌گردم، استوری دوستانم رو می‌بینم، پیج‌هایی که فالو دارم رو نگاه می‌کنم.
- چه پیج‌هایی فالو داری؟
پیج‌های نقاشی رو که خیلی دوست دارم، پیج بازیگرها، پیج بلاگرها و دوستانم.
- توی پیج بلاگرها چی برات جالب‌تر هست که دنبال می‌کنی؟
سرگرم می‌شم، خیلی جالبه دیگه.
- مثال می‌زنی؟
از بلاگرا مثال بزنم؟
- نه، از این‌که چه جووری سرگرم می‌شی، چی می‌بینی که برات جالب هست؟
بلاگرها زندگیشون رو نشون می‌دن.
- چه چیزی توی کارهای زندگی اون‌ها برای شما جالب‌تر هست؟
مثلاً معرفی‌هایی که می‌کنن.
- مثال می‌زنی چه معرفی‌هایی؟
تبلیغ می‌کنن دیگه، لباس، مزون، آرایشگاه، مرکز لیزر، همه اینا رو معرفی می‌کنن، اینا جالبه برام.
- از نحوه‌ی زندگی‌شون چی جالب هست؟
جاهایی که می‌رن.
- مثلاً بیش‌تر از همه کدوم بلاگرها برات جالب هستن؟
رکسانا که دنسره!



- خوب؟

- رکسانا اول توی تیک‌تاک^۱ فیلم می‌داشت، بعد اونا رو توی اینستاگرام پست می‌کرد.

- ویدیوهای رقصش رو می‌بینی؟

آره، من عاشق رقصشم.

- ایرانی هست؟

آره، الان ترکیه زندگی می‌کنه.

- خودت هم می‌رقصی؟

نه.

- ورزش نمی‌کنی؟

نه.

- خوب پس رقص رکسانا رو می‌بینی؟

آره.

- کلاً ورزش نمی‌کنی؟

نه، تنبلم توی ورزش.

- دیگه کی برات جالب هست؟

نبات، هلیا گل‌بین راد.



- توی پیج این‌ها چه چیزی برات جالب هست؟

بامزه‌اند، خوشگل‌ان، فان هستن، کیوت‌ان.

- از اینستاگرام چیزی هم یاد گرفتی؟

۱ - Tik Tok یک شبکه اجتماعی که به کاربران اجازه می‌دهد موزیک ویدیوهای بسیار کوتاه ۳ تا ۶۰ ثانیه‌ای بسازند

پیج‌های نقاشی که مربوط به استاد‌های نقاشی معروف هست رو نگاه می‌کنم، مثلاً من از بچگی کلاس رنگ‌روغن رفتم و تکنیک رنگ‌روغن کار می‌کردم، پاستل گچی هم دوست داشتم، اما کلاس نرفتم، بابام هم گفت، بسه دیگه، همین خوبه، واقعاً حق داره، کلاس‌ها گرون شدن. خودم از سوی اینستاگرام پیج استاد پناه‌زاده و چندتا پیج پاستل گچی دیگه هم فالو کردم و خیلی ازشون یاد گرفتم، باید حتماً یه دوره کلاس برم، حالا بابام دیده خیلی استعداد دارم و خودم خیلی خوب یاد گرفتم، گفته می‌فرستم تکنیک پاستل گچی رو هم یاد بگیرم.



- تا حالا شده توی اینستاگرام باشی و از درس خودت عقب بیفتی؟
نه.

- شده که خانواده بگن چه قدر توی اینستاگرام می‌ری؟
نه، اونا کاری به این چیزها ندارن، خودشونم سرشون توی گوشیه همیشه.

- خودت توی پیج اصلی چه چیزهایی می‌گذاری؟
از خودم عکس می‌ذارم و استوری و پست.

- هر چند وقت یک‌بار عکس و استوری می‌گذاری؟
هر روز استوری می‌ذارم.

- چی می‌گذاری؟

عکس قشنگ، جوک بامزه، کلیپ خنده‌دار، از خودم سلفی می‌گیرم یا از نقاشی کردنم فیلم‌برداری می‌کنم، مثلاً این جوریه که آهنگ ملایم می‌ذارم دوربین رو می‌کارم یه جای ثابت، نقاشی می‌کشم و فیلم می‌گیرم.

- عکس‌ها و فیلم‌ها با حجاب هستن یا بی‌حجاب؟

بی‌حجاب.

- فالورهای چه کسانی هستن؟

بیش‌تر دوستان یا فامیل‌های نزدیک خودمون.

- غریبه هم داری؟

آره.

- پسر هم توشون هست؟

آره، هست چندتا.

- عکس‌ها رو می‌بینن؟

آره دیگه، معلومه می‌بینن.

- پسرها عکس بی‌حجاب شما رو هم می‌بینن؟

آره.

- برای شما اشکالی نداره؟

نه.

- یعنی مهم نیست که غریبه‌ها و پسرها عکس‌ها رو ببینن؟

نه، همه‌شون آدم حسابی هستن.

- می‌شناسی شون؟

توی اینستا دیدم، از پست‌ها و عکس‌ها می‌شه فهمید آدمه چه جوریه.

- چه طوری؟

عکسای خانوادگی شون رو می‌ذارن می‌بینم، خانواده دارن، اهل خلاف نیستن، آدم حسابی هستن.

- یعنی شما به حجاب اعتقادی ندارن؟

نه، اصلاً.

- همیشه بی‌اعتقاد بودی؟

آره، ما هیچ کدومون حجاب نداریم.

- شما یعنی چه کسانی؟

خانواده‌ام و فامیل‌مون، به غیر از جایی که مجبور باشیم.

- یعنی خانم‌های دیگه فامیل هم مثل شما هستن؟

بله، فقط یکی از مامان بزرگام روسری می‌ذاره، بقیه نه.

- ممکنه اینستاگرام هم روی این عقیده‌ی شما مؤثر بوده باشه؟

نه، اصلاً.

- به محیط زیست هم علاقه مند هستی؟

بله، خیلی زیاد.

- مثلاً چه جوری؟

طبیعت رو دوست دارم، عاشق دریا، مخصوصاً آرامش دریا، دلم می‌خواد بشینم توی ساحل ساعت‌ها نقاشی بکشم و به هیچی فکر نکنم.

- خوب حالا که محیط زیست رو دوست داری، نظرت در مورد حفاظت از محیط زیست چی هست؟

اتفاقاً من خیلی حرص می‌خورم که مردم به محیط زیست آسیب می‌زنن.

- بیش‌تر توضیح می‌دی؟

آره، مثلاً توی ساحل، خیلی آشغال می‌ریزن یا توی جنگل و کوه آشغال می‌ریزن یا می‌رن کوه پلاستیک می‌اندازن توی طبیعت.

- خوب می‌شه قدم مثبتی برداشت؟

آره.

- به نظرت توی این قدم اینستاگرام هم مؤثر بوده؟

بله، اون موقع که تهران زندگی می‌کردیم، جمعه‌ها می‌رفتیم کوه، اون‌جا چندتا دوست پیدا کردیم که کارشون حفظ محیط زیست بود، اتفاقاً اونا توی اینستاگرام از کارهای خوبی که برای طبیعت انجام می‌دادن، عکس می‌فرستادن.

- مثلاً چه کارهایی؟

مثلاً یک گروه تشکیل می‌دادن، توی همون پیج‌شون بعد یه روزهای قرار می‌داشتن که برن آشغال‌هایی که مردم ریختند توی کوه جمع کنن.

- خوب شما هم با اون‌ها رفتی؟

من یه بار با یکی از دخترعموهام رفتیم، یه بار هم این‌جا یه عده‌ای توی اینستاگرام قرار گذاشتند که منطقه‌ای رو پاک‌سازی کنن، من اون روز نرفتم، چون کار داشتم.

- پس اینستاگرام تأثیر مثبتی داشته؟

بله، حتماً.

- دوستان خودت چه طور، اون‌ها هم از طریق اینستاگرام دنبال حفظ محیط زیست هستند؟

بله، همون دفعه که گفتم، چندتا از دوستانم در منطقه‌ای رفتن پاک‌سازی زباله، عکس هم گرفتن از قبل و بعد تمیزی، خیلی خوب شده بود، کاشکی مردم شعورشون می‌رسید، آشغال نمی‌ریختن، نه؟

- بله، پیج دیگه‌ای هم در مورد محیط زیست فالو می‌کنی؟

- نه، فقط همونی که گفتم، مال اون دوستم بود.
- خوب درسا جون شما گفتی خانوادگی حجاب ندارید، اعتقاد مذهبییت چه طور هست؟
- توی اکثر خانواده‌های ایرانی یک مقداری اعتقاد مذهبی هست.
- یعنی نماز می‌خونی؟
- نه، الآن نه.
- قبلاً می‌خوندی؟
- کوچک‌تر که بودم، آره.
- می‌توننی بهم بگی دلیلش چی هست؟
- حوصله‌ام نمی‌گیره.
- به نماز اعتقاد داری، ولی حوصله‌ات نمی‌گیره؟
- بله.
- فقط بی‌حوصلگیه یا اعتقادات هم کم‌تر شده؟
- راستش رو بخوای کم‌تر شده، یعنی چه جوری بگم، اصلاً زیاد بهش فکر نمی‌کنم، این قدر کار دارم که یادم نمی‌مونه.
- چه مدتی که این جوری شدی؟
- چند ساله.
- قبلاً که نماز می‌خوندی چه حسی داشتی؟
- سمن کم‌تر بود، فکرم درگیر نبود، الآن واقعاً زیاد برام مهم نیست.
- اطرافیان چه طور، اون‌ها نماز می‌خونن؟
- بابام بعضی وقت‌ها، عمه‌ام نه.
- دوستان چی؟
- نه، هیچ‌کدوم.
- اون‌ها هم مثل شما قبلاً می‌خوندن؟
- نمی‌دونم، نه نمی‌خوندن، چندتا رو که می‌دونم نمی‌خوندن و مامان و باباهاشون هم نمی‌خوندن.
- خوب در مورد شما ممکنه که این موضوع تأثیر اینستاگرام هم باشه؟
- نه، اصلاً، چون از قبلش نماز نمی‌خوندم.
- حالا می‌خوام نظرت رو در مورد ایران بدونم، به نظرت ایران چه جور جایی هست؟
- ایران کشور خوبیه، ظرفیت این رو داره که خیلی جای بهتری بشه، حیف که آزادی نداریم.
- آزادی چی؟

هیچی نداریم، فقط مجبوریم بریم رستوران، تنها تفریح ما شده خوردن.

- دلت می‌خواست چی داشته باشی؟

اول از همه این که روسری نمی‌داشتیم، چارقد به سر و لچک به سر نبودیم، هر لباسی که می‌خواستیم می‌پوشیدیم، این جا توی این هوای گرم جنوب، باید مانتو و روسری بپوشیم، خب ظلمه دیگه.

- دیگه چی؟

مثلاً دریای به این خوبی داریم، اما زنونه، مردونه جداست، می‌خواهی بری پلاژ، صدفار می‌گردنت که موبایل نبوی یه وقتی عکس نگیری.

- چه عکسی؟

از آدما توی قسمت زنونه که با مایو هستن عکس نگیری.

- خوب به نظرت اشکالی نداره که آدم عکس بگیره؟

نمی‌گم عکس بگیریم، ولی این قدر محدود کردن، همه منتظرن یه عکس از استخر و دریا یا باشگاه زنونه لو بره، توی کشورهای دیگر عادی، هیشکی نگاه نمی‌کنه

- این رو از کجا می‌دونی؟

واقعیتشه اینه.

- توی اینستاگرام همین چیزها رو دیدی؟

دقیقاً، همون جا دیدم مردم راحت می‌رن دریا، با هر کی دل شون می‌خواد یا با عشق شون می‌رن دریا، با خواهر و برادر با هم میان استخر خانوادگی، با بچه‌هاشون میان استخر.

- این رو مثلاً کجا دیدی؟

پیج آدم‌هایی که فالو دارم، بلاگرهایی که ایران نیستند و ترکیه، کانادا یا جاهای دیگه جهان.

- نظر خانواده‌ها هم در این مورد مثل شما هست؟

نه، این یکی رو دیگه خوش شون نمیاد.

- شما خودت همیشه موافق بودی که استخر و دریا زنانه و مردانه قاطی باشه؟

یادم نمیاد از کی این جور بودم.

- یعنی تأثیر اینستاگرام و دیدن دریا رفتن همین بلاگرها و مردم کشورهای دیگه بوده یا نه؟

بوده، ولی فقط به خاطر اینستا نبوده، ببینید، درسته که من می‌بینم اونا می‌رن، می‌بینم که آزاد هستن، ولی فقط دیدن هم نبوده، چه جوری بگم، فقط به این دلیل که می‌دونم بقیه اون جوری

می‌رن، نمی‌گم ما چرا نمی‌ریم، به نظر من این موضوع یک چیزی فراتره.

- خوب این نظر فراتر رو می‌تونم بدونم؟

بله، ببینید من می‌گم فرقی بین زن و مرد نیست که زن‌ها مجبور هستن برن یک قسمت کوچیک از دریا که دور تا دورش حفاظ و پرده زدن، ولی مردها آزاد باشن، بدن بدنه، مرد و زن نداره.

- نظرت در مورد جذابیت‌های جسمانی بدن چی هست؟

دقیقاً، دارم می‌گم اگر جذابیت وجود داره، برای بدن هر دو نفر وجود دارد، چه فرقی داره، یه جنس خودش رو بیوشونه یه جنس آزاد باشه، اگر از اول این قدر بین شون فرق نمی‌داشتن، همه‌ی مردها حریص و هیز نمی‌شدند.

- پس می‌گی زن و مرد باید عین هم باشن؟

من خیلی به برابری حقوق زن و مرد اعتقاد دارم.

- یعنی به نظرت عیبی نداره لباس شنا بیوشی و در کنار مردهای غریبه باشی؟

نه، چه اشکالی داره، باید عادی‌سازی بشه، اگر هم مردی براش عادی نبود، تقصیر خودشه، بدن منه، حالا با دیدن اون چیزی از من کم نمی‌شه.

- این حرف‌هایی که شما الان داری به من می‌زنی از کجا توی ذهنت پیدا شدند؟
با مطالعه و تفکر.

- اینستاگرام هم سهمی داشته؟

بله، داشته.

- توضیح می‌دی چه جوری؟

اینستاگرام مثل یه کتاب پر عکسه که می‌تونی ساعت‌ها توش بچرخ و چیزهای مختلف رو ببینی.

- خوب بیش‌تر توضیح می‌دی؟

خیلی از آدم‌های دیگه نظر من رو دارن، تقریباً می‌شه گفت بیش‌تر آدم‌ها نظر من رو دارن، به جز مردم کشور خودمون.

- پس از این مواردی که در ایران هست، راضی نیستی؟

درسته، دلم می‌خواد از ایران برم.

- کجا بری؟

هر جایی که آزاد باشم، به حق و حقوقم احترام گذاشته بشه و به‌عنوان یک دختر هنرمند، قدرم رو بدونم.

- این‌جا به یک دختر هنرمند احترام نمی‌گذارند؟

نه، همه باید پزشکی و مهندسی بخونن، هر کی رو می‌بینی، می‌گه درسا دانشگاه چی می‌خوای بخونی؟ دغدغه همه شده دانشگاه.

- شما دوست نداری دانشگاه بری؟

دوست دارم برم دانشگاه هنر بخونم، ولی همه می‌گن هنر رشته تحصیلی نیست، این همه دختر هنرمند و نقاش توی کشورهای مختلف گالری می‌ذارن و پول درمیارن.

- توی ایران گالری نمی‌ذارن؟

امکانات می‌خواد، اونم برای یکی مثل من که هیچ کسی ساپورت نمی‌کنه.

- حالا از کجا می‌دونی که اگر بری خارج موفق می‌شی؟

تحقیق کردم، توی همین اینستاگرام هم تحقیق کردم، پیج‌های هنرمندان رو فالو می‌کنم، می‌بینم موفق هستند.

- خوب اگر از ایران بری، برات دوری از عزیزان راحت‌ه؟

قطعاً خیلی سخته، ولی این بهایی هست که برای خوشبختی می‌دم.

- مسوولیت اجتماعیت چی می‌شه؟

من مسوولیتی در قبال اجتماعی که حمایت نمی‌کنه، ندارم.

- رابطه عاطفی و عشقی نداری؟

داشتم که الآن تموم شده، اون تهران بود و من این‌جا، از راه دور نمی‌شد، دور باشی، تعهد هم نباشه سخته، من حدس می‌زدم که اون خیانت می‌کنه.

- چه جوری با اون دوست شدی؟

اومده بودن جزیره، دم اسکله همدیگه رو دیدیم و حرف زدیم، شماره‌اش رو بهم داد، اما فهمیدم شیطونی می‌کنه.

- از کجا فهمیدی؟

خیلی می‌پیچید، بعضی وقت‌ها جواب تلفن نمی‌داد، دخترها زیر عکساش چند بار قلب و بوس گذاشتن، فهمیدم که این آدم، آدم اهلی‌ای نیست.

- پس از طریق اینستاگرام هم این موضوع رو فهمیدی؟

هم از طریق تلفن جواب دادنش، شک کرده بودم، هم از اینستا، بهش گفتم ادامه ندیم، بهتر هم شد، من نمی‌خواستم برای خودم دلبستگی اضافی ایجاد کنم که اگر خواستم برم، غصه دوری خانواده‌ام رو دارم، غصه دیگه‌ای هم اضافه بشه.

- در مورد نوع پوشش و آزادی لباس پوشیدن، نظر دوستان شما هم همین هست؟
بله، همه شون.

- همه هم مثل شما می‌گن که بدن خودمونه و این حرف‌ها؟

آره، همه روشن فکر شدن و طرفدار حقوق خانم‌ها.

- دوستان شما از اول نظرشون همین بوده یا این که دچار تغییر شدن؟

از اول اونا خبر ندارم، اما این موضوع، یک جریان رو به جلوئه که پیشرفت می‌کنه و افراد بیش‌تری رو آگاه می‌کنه.

- منظور من هم این هست که این پیشرفت و این آگاه شدن که می‌گی، از کجا اومده؟
از هم‌فکری و هم‌صحبتی که باعث شده ذهن انسان‌ها برای پذیرش حقایق، ظرفیت بیش‌تری پیدا کنه.

- اینستاگرام هم برای پذیرش این مطالب به نظرت تأثیر داشته؟
آره، اون‌جا که فوران اطلاعاته.

- به قول خودت فوران اطلاعاته، از کجا می‌دونی کدوم درسته و کدوم غلط؟
ما عقل داریم و تفکر داریم و می‌تونیم بفهمیم.

- پس یعنی تو گفتی اینستاگرام روی این عقیده‌ی شما و دوستانت که می‌گین باید برای پوشش آزادی باشه، تأثیر داره؟

بله، ما دقیقاً همین رو می‌گیم.

- یک مثال هم می‌تونی بزنی؟

مثال می‌شه دیدن پیج‌هایی که روشنگری می‌کنن، مطالبی می‌نویسند که ما آگاه بشیم و حتی ساده‌تر از اون دیدن زندگی افرادی که همین عقیده‌ی ما رو دارند و چه قدر از این که دارن طبق خواسته خودشون آزاد زندگی می‌کنن، لذت می‌برن.

- مثلاً چه افرادی، چه کار می‌کنن، می‌تونی بیش‌تر توضیح بدی؟

یه عده‌ای هستند که معروف نیستن، اسم‌شون بگم هم شما نمی‌شناسید، اگر بخوام از معروف‌ها بگم، گلشیفته فراهانی واقعاً دوست داشتنی و قابل احترامه.



- توی گلشیفته فراهانی چه نکته‌ای برای شما قابل احترام هست؟
همین که گلشیفته تابوشکنی کرد و خواست نشون بده اگر لخت بشی دنیا به آخر نمی‌رسه، برام قابل احترامه، ریحانه پارسا هم برای پیدا کردن حس آزادی، از شغلش توی ایران دست کشید تا بتونه خود واقعیش باشه.



- به نظرت گلشیفته از پدر و مادرش خجالت نکشید؟
نه، حمایتش کردن.
- به نظر خود شما خجالت نداره؟
باید خیلی قوی باشی، باید به جایی رسیده باشی که نظر دیگران برات اهمیتی نداشته باشه، اون موقع خجالت نمی‌کشی، بلکه با قدرت می‌گی، این منم، منه واقعی.
- خوب باز هم نظرت رو ادامه بده؟
واقعاً دلم می‌خواد روزی برسه که ما دخترها به جایی برسیم که هیچ وقت زیر بار ظلم نرییم.
- خوب عزیزم برای امروز دیگه تمومش کنیم و اگر اشکالی نداره من فردا دوباره با شما صحبت کنم؟
خواهش می‌کنم، حتماً.

مصاحبه دوم:

- عزیزم آماده‌ای صحبت‌های دیروز رو ادامه بدیم؟
بله، حتماً.
- درسا جان برات پیش اومده که به دلیل کار کردن با اینستاگرام دچار حالات هیجانی بشی؟
اگر منظورتون اینه که هیجان‌زده بشم، باید بگم بله، با دیدن یه سری پست‌ها خیلی خوشحال می‌شم یا برعکس ناراحت و عصبی می‌شم.
- می‌تونم بگی از چه چیزهایی ناراحت و عصبی می‌شی؟
الآن حضور ذهن ندارم، بذارید فکر کنم.
- من صبر می‌کنم عزیزم هر وقت یادت اومد بگو.

مثلاً آمار مرگ‌ومیر کرونا، توی پیک‌های اولیه خیلی ناراحت‌م کرد، یا مرگ انصاریان و ضجه‌های مادرش خیلی ناراحت‌کننده بود و عصبانی بودم که مسوولان هنوز واکسن وارد نکرده بودن و مردم داشتن پرپر می‌شدن.

- این‌ها رو توی پیج خاصی دیدی؟

اون موقع هم جا پر شده بود، یه مدتی هست تصمیم گرفتم زیاد اخبار ناراحت‌کننده رو دنبال نکنم، چون از دست من که کاری بر نیامد، فقط افسرده می‌شم.

- خوب دیگه چی یادت اومد؟

آهان من پیج‌های حمایت از حیوانات و پناهگاه‌های سگ رو خیلی دنبال می‌کردم، اما دیگه نگاه نمی‌کنمش اصلاً.

- چرا؟

چون طاقت دیدن حیوون آزاری رو ندارم.

- مگه پیج‌های حمایتی، حیوان‌آزاری رو نشون می‌دن؟

بله، حیوونایی رو که مورد آزار انسان‌های روانی قرار گرفتن، میارن تا حال‌شون رو خوب کنن، آدم دلش کباب می‌شه، اصلاً فکرشم حال آدم رو بد می‌کنه، مثلاً گوش حیوون بیچاره رو می‌برند، پوست گربه بدبخت رو می‌کنن، بقیه‌اش قابل گفتن نیست، نمی‌گم که شما هم ناراحت نشید.

- آره، ممنون مرسی.

من اینا رو آنفالو نکردم، فقط عکس و فیلم‌ها رو نگاه نمی‌کنم، چون خیلی آزار می‌دیدم، چند بار هم بهشون کمک ناچیزی کردم.

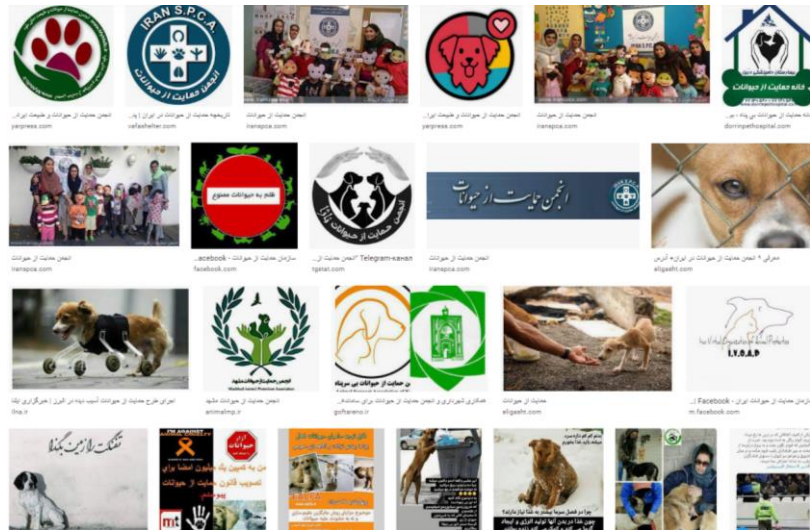
- چه کمکی، می‌شه بگی؟

اینجا شماره حساب می‌دن، می‌گن هر کی می‌تونه یه پولی واریز کنه، هزینه‌ی درمان و غذای این بیچاره‌ها را فراهم می‌کنن، به بابام و عمه جونم گفتم، خودمم پول کمی روش گذاشتم و براشون کارت به کارت کردم، مبلغ زیادی نبود، ولی کمی دلم آروم شد، این حیوونا به صدتا انسان‌های بی‌شرف برتری دارن.

- دوستان هم پیج‌های حمایت از حیوانات رو دنبال می‌کنن؟

بله.

۸۰/ چند مصاحبه با جوانان کاربر اینستاگرام درباره اثرهای فرهنگی کاربری از اینستاگرام جلد ۲



- اون‌ها هم کمک کردن؟

بله، چند بار، من اطلاع‌رسانی کردم برای یه گربه مریض که باید عمل می‌شد، پول جمع کردیم و خدا رو شکر خوب شد، خیلی با دوستانم حس خوبی داشتیم، تعدادمون خیلی زیاد شده بود، همه عضو پیج حامیان بودیم که اون‌جا تصمیم گرفتیم برای این گربه پول جمع کنیم، از اون موقع چند بار دیگه همین کار رو کردیم.

- با همون اعضای پیج؟

بله، از اون موقع توی یه گروه اینستاگرامی با هم در ارتباطیم و خیلی دوست شدیم، اگر کمکی از دستمون بر اومد، انجام می‌دیم، ولی باز هم سعی می‌کنم فیلم و عکس‌های حیوون آزاری رو نبینم، امیدوارم این اطلاعات دیگه براتون کافی بوده باشه.

- خیلی هم ازت ممنونم، متشکرم که باز هم وقتت رو گذاشتی.

خواهش می‌کنم.

- متشکرم، خدا نگاه‌دار.

خواهش می‌کنم، خداحافظ.

تأملی دوباره:

درسای ۱۷ ساله، در مصاحبه خود درباره اثرهای کاربری از شبکه اجتماعی اینستاگرام، به مباحثی حول محورهای اثرهای آموزشی، اجتماعی، اقتصادی، خانوادگی، روان‌شناختی، زیباشناختی، زیستی، زیست محیطی، سیاسی، عقیدتی و فرهنگی اشاره داشته است.

درسا در مصاحبه خود در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در مسایل آموزشی کاربران، به مواردی مانند: آموزش فعال، آموزش هنری کاربران، فنی شدن کاربران، در سطح خود و دوستانش اشاره داشته است.

درسا در مصاحبه خویش در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در رفتار اجتماعی کاربران، به مواردی مانند: افزایش نقد اجتماعی، شکل دادن به دوستی‌های مجازی، اعتماد به دوستان مجازی و افراد ناشناس در فضای مجازی، سطحی شدن قضاوت‌ها، ورود پر رنگ دختران در عرصه شکستن هنجارها، احساس سرخوردگی اجتماعی و نظایر آن، در سطح خود و دوستانش اشاره داشته است.

درسای ۱۷ ساله، در مصاحبه خویش در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در مسایل اقتصادی کاربران، از تحول‌آفرینی در اندیشه کارمند مآب شدن نسل جدید (برخلاف نسل گذشته)، اشاره داشته است.

درسا در مصاحبه خویش در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در مسایل خانوادگی کاربران، از تحولات ارزشی خانواده‌ها، یاد کرده است.

درسا در مصاحبه‌اش در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در علایق زیباشناختی کاربران، به مواردی مانند: فراگیری گسترده‌تر کارهای هنری و مخاطبان آن در فضای مجازی، تبدیل قسمت‌هایی از اینستاگرام به یک گالری هنری، در سطح خود و دوستانش اشاره داشته است.

درسای ۱۷ ساله، در مصاحبه خود در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در مسایل زیستی کاربران، به مواردی مانند: دردهای جسمی و ناراحتی‌های بینایی، اشاره داشته است.

مصاحبه شونده در مصاحبه خود در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در مسایل زیست محیطی کاربران، به مشارکت در برخی از فعالیت‌های زیست محیطی و شرکت در پویش‌های حمایت از زیست محیط، اشاره داشته است.

درسا در مصاحبه خویش در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در رفتار سیاسی کاربران، به کاهش عرق ملی، در سطح خود و دوستانش اشاره داشته است.

درسا در مصاحبه‌اش در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در مسایل عقیدتی کاربران، به نقد قرائت دینی مرسوم و تحول قرائت دینی، در سطح خود و دوستانش اشاره داشته است.

درسای ۱۷ ساله، در مصاحبه خویش در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در علایق فرهنگی کاربران، به مواردی مانند: تحول‌آفرینی فراگیر شدن فعالیت‌های اقتصادی در فرهنگ جامعه، کاهش سن ورود در اینستا، عمده شدن برخی از مسایل فرهنگی - اجتماعی مانند توجه به زیست محیط، عرضه نسبتاً ارزان‌تر آموزش‌های هنری در فضای مجازی، تغذیه از فمینیسم، تأیید هنجارشکنی برخی از زنان ایرانی، در سطح خود و دوستانش اشاره داشته است.

اگر در زمینه مباحث مطرح شده در مصاحبه درسای ۱۷ ساله، با ارجاع سایر محورهای مطرح شده به دیگر کتابهای مجموعه حاضر، توجه خود را صرفاً معطوف به ابعاد فرهنگی (که مورد بحث اثر حاضر است) کنیم، می‌توان بیان داشت، درسای در مصاحبه خویش ضمن تأکید تحول‌آفرینی‌هایی که اینستا در ابعاد آموزشی، زیست محیطی و اقتصادی جامعه داشته است، اما به استناد برخی از مسایل حل نشده اجتماعی و تبعیضی که بین زنان و مردان در جامعه شاهد آن است، تحت تأثیر دیدگاه‌های فمینیستی قرار گرفته است و با تبعیت از این دیدگاه‌ها در عمل به انعکاس مواضع فمینیستی در رفتار و زندگی خود پرداخته، حتی هنجارشکنی افرادی نظیر گلشیفته فراهانی (که برهنه در برابر دوربین‌ها حاضر شد) و ریحانه پارسا (که داعیه بازی کردن در فیلم‌های هرزه‌نگار و پورن را دارد) را نیز با افتخار مورد تأیید خویش قرار می‌دهد.

مصاحبه با آلا، ۱۵ ساله

از جولیا و ابیگل خیلی خوشم میاد، خیلی کیوتن، از رافین و میکا و کاتیه و استف هم خیلی خوشم میاد.

سلام آلا جان!

سلام.

- آلا جان، خوبی؟

خوبم مرسی، تو چه طوری؟

- منم خوبم، ممنون.

- از همکاریت برای مصاحبه متشکرم. اجازه می‌دی مصاحبه خودمون رو شروع کنم. بفرمایید.

- اول یک دورنمای خانوادگی از خودت می‌دی؟

بله. من ۱۵ سالمه و دانش‌آموز هستم. پدر و مادرم از هم طلاق گرفتن و من الان با پدرم زندگی می‌کنم که البته ازدواج مجدد کرده. مادرم هنرمنده و پدرم هم شغل آزاد داره. وضع مالی پدر و مادرم هم خوبه. متشکرم.

- می‌شه بگی که از چه سنی پیچ شخصی داری؟

از ۱۰ سالگیم پیچ داشتم.

- از همون سن هم موبایل داشتی؟

از کلاس سوم تبلت داشتم، سه سال قبل هم بابام برای کادوی تولدم موبایل خرید.

- الان کلاس چندم هستی؟

کلاس هشتم.

- مادر و پدرت هر دو موافق بودن که شما موبایل شخصی داشته باشی؟

توافقی نکردن، چون مامان و بابام از هم جدا شدن و من پیش بابام زندگی می‌کنم، بابام هم چون دید من دوست دارم موبایل داشته باشم، مثل بقیه‌ی بچه‌ها برام خرید، مامانم هم حرفی نزد.

- با پدرت زندگی می‌کنی یا مادرت؟

من با بابام می‌مونم، ولی مامانم رو هم می‌بینم.

- خوب پدرت زمان خرید موبایل، نظر مادرت رو در این باره نپرسید؟

نه، نظر خودم رو پرسید، مگه مامانم می‌خواد استفاده کنه از موبایل من که نظر اون رو بخواد، وسیله‌ی شخصی منه (می‌خندد).

- والدینت در جریان پیج شخصیت هستن؟

بله، دیدن، فالو می‌کنن.

- در جریان محتوای پیجت و فعالیتت در اون هستن و از شما در موردش چیزی می‌پرسن؟
می‌دونن دارم ولاگ‌هام رو می‌سازم و می‌ذارم توی پیجم، چون دارن من رو فالو می‌کنن، از من چیزی نمی‌پرسن در مورد پیجم، آخه پیج منه، سوالی داشته باشن کامنت می‌ذارن، فقط بعضی اوقات مثلاً مامانم می‌پرسه، فلان ولاگ رو کی گرفتی و کجا بود رفتی و اینا.

- محتوای پیجت اصولاً چه موضوعاتی رو شامل می‌شه؟

من بیوتی بلاگرم، روتین‌های پوست و مو و آنباکسینگ و آموزش و ترندها و چالش‌ها رو بیشتر توی پیجم دارم، دوست دارم آموزشای جالب بذارم توی پیجم که به درد بخور باشه برای همه.

- خوب از این کار، خودت هم سودی می‌بری؟

صرفاً از پست گذاشتن که نه، ولی خب وقتی چیزای مفیدی که به درد همه بخوره، دیگه آدمای بیشتر تری من رو فالو می‌کنن و لایک و کامنت و فالو هام بیشتر می‌شه، این طوری چون محتوای خوب دارم تولید می‌کنم، بعد بلاگرای ایرانی همه‌اش از هم تقلید می‌کنن، ولی من می‌رم بلاگرای خارجی رو می‌بینم، ویدیوهاشون رو ترجمه می‌کنم یا از اونا الگو می‌گیرم، برای همین چیزایی که می‌ذارم جدید و خوب و یو می‌گیره.

- خوب این که یو و لایک و کامنت‌ها بیشتر بشه، چه فایده‌ای برای شما داره؟

خب این جواری معروف تر می‌شم، آدمای بیشتر تری من رو می‌بینن، طرفدار پیدا می‌کنم، آدما بهم توجه می‌کنن، برندا وقتی ببینن پیجم خوبه، میان باهام هم‌کاری می‌کنن، بهم تبلیغ می‌دن یا با هم کارای خودم ارتباط بیشتر می‌شه و می‌تونیم با هم کار کنیم و بهم کمک کنیم، این جواری از شهرت بقیه هم می‌تونی استفاده کنی.

- تا حالا با کسی از این هم کارهای خودت شده آشنا بشی و کار کنی؟

خیلیا هستن که باهاشون حرف می‌زنم، فالوشون می‌کنم و برای هم لایک و کامنت می‌ذاریم، ولی یه چندتا هستن که دیگه باهاشون دوست شدم، اولش توی کامنتا و اینا حرف می‌زدیم، بعدش دایرکت و واتساپ، دیگه وقتی دیدم باحالن، با هم قرار گذاشتیم، هم رو دیدیم و الآن دوستیم با هم، ولی هم‌کاری اون جواری نبوده، فقط یه بار که با آوینا می‌خواستیم بریم سوشی بخوریم، اون روز رو ولاگش رو گرفتیم و گذاشتیم توی پیج جفت‌مون.

- در هفته یا ماه چندتا پست می‌گذاری؟

نمی‌شه حساب کرد، بعضی وقتا هفته‌ای دوتا پست هم دارم، ولی بعضی وقتا، مثلاً دو هفته یه بار، شاید یه پست بذارم، بستگی به کارام هم داره آخه، اگه کارام کم‌تر باشه، پستام بیش‌تر می‌شه، ولی خب همیشه پیجم رو فعال نگه می‌دارم، اگر نتونم خودم پست بذارم، استوری می‌ذارم حتماً هر روز چندتا یا دیگه اگر خودم هم نتونم، چیزی برای استوری بذارم، از تیک‌تاک و پینترست و اینا یه چیز پیدا می‌کنم می‌ذارم، چون پیج رو نباید ول کنی، اگه ولش کنی افت می‌کنی سریع.

- چه کارهایی شما رو در طول هفته درگیر می‌کنه؟

مثلاً یکیش درس و مدرسه، آنلاینیم فعلاً، ولی همونم چند ساعت وقت آدم رو می‌گیره الکی، بقیه‌اش هم که مشغول کارای پیجم یا با دوستم قرار می‌ذاریم که بریم بیرون و خرید و جایی برای گشتن و ولاگ گرفتن، همین.

- در طول هفته مادرت رو هم می‌بینی؟

آره، اگه کار نداشته باشه و سر کار نباشه، آخر هفته‌ها میاد دنبالم و می‌رم خونه‌اش و دو روز اون‌جام.

- خوب وقت‌هایی که اون‌جایی چه کار می‌کنی؟

فرقی نداره، اون‌جا باشم هم همین کارها رو می‌کنم، ولی مثلاً از آشپزی با مامانم استوری می‌گیرم و اینا یا مثلاً با هم می‌ریم بیرون و اینا.

- اوقات فراغت و استراحتت رو بیش‌تر چه کار می‌کنی؟

اگه از کارای پیج بگذریم، بیش‌تر موبایل دسته و با دوستم چت می‌کنم و بقیه‌اش هم یا با همون دوستم قرار می‌ذارم بریم بیرون یا اون میاد خونه‌ی ما یا من می‌رم خونه‌شون.

- با دوستت خیلی صمیمی هستی؟

آره، خیلی، دو ساله که باهاش دوستم و خیلی با هم جوړیم و خیلی هم هم‌دیگه رو دوست داریم.

- از مدرسه با هم دوست شدید؟

نه بابا، اون ۴ سال از من بزرگ‌تره.

- والدینت مشکلی از این بابت ندارن که شما با اون در ارتباط هستی؟

(می‌خندد) نه، مشکلی ندارن، فکر کردید پسره؟

- بله.

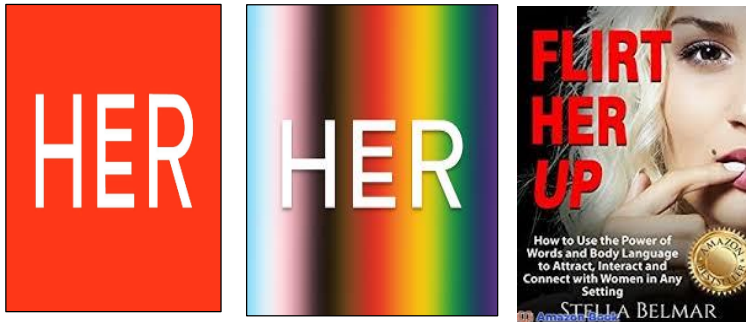
نه بابا، دختره، دوست دخترمه، تازه اگه پسر هم بود، باز هم مشکلی نبود، مامان و بابای من فکرشون بازه، می‌گن هر کسی یه گرایشی داره و این‌که تو با دختر باشی یا پسر مسأله‌ای نیست، مهم اینه که خوشحال باشی، خودشون دوست دارن که من با یه نفر دوست باشم و باهاش حرف

بزنم، چون می‌دونن که من با اونا حرفی ندارم، برای همین خوشحالم هستن که یه نفر رو دوست دارم و باهاشم.

- یعنی هیچ وقت پیش نیامده که از شما در مورد ارتباطت با دوستت سوالی کنن و یا کنجکاو بشن؟

بعضی وقتا، بابام ازم پرسیده که دوستت اذیت نمی‌کنه یا مثلاً با هم اوکی هستین؟ منم گفتم آره، مامانم هم می‌گه هر جور که فکر می‌کنی ذهنت آروم‌تره، همون کار رو انجام بده و به حرف هیچ کس گوش نکن، اگر که کاری خوشحالت می‌کنه. منم همیشه می‌خوام کاری بکنم که قلبم دوست داره و به کار هیچ کسی کاری ندارم، مهم نیست دیگران در مورد من چی فکر می‌کنن، چون بقیه عادت‌شونه توی زندگی دیگران دخالت کنن و فضولی کنن و نظر بدن، بدون این که ازشون کسی بخواد.

- خوب چه طوری با این دوست آشنا و دوست شدی؟
تو هر با هم دوست شدیم.



۱ - هر اپلیکیشن دوست‌یابی موجود برای هم‌جنس‌گرایان زن یا همان لژیون‌ها است که با اپلیکیشن مقابل آن گرایندر که برای گی‌ها است، رقابت می‌کند. نمونه‌های دیگری نیز وجود دارند، ولی در ایران زیاد مورد استفاده قرار نمی‌گیرند یا فقط در سیستم عامل اپل موجود هستند، مانند داج. این اپلیکیشن هم مانند برنامه تیندر که برای افراد دگرجنس‌گرا مورد استفاده قرار می‌گیرد، بر اساس فیلترهای مشخص شده، افرادی را که فرد فیلتر می‌کند، برای وی به نمایش در می‌آورد و فرد می‌تواند با لایک کردن آن‌ها تمایل خود برای برقراری به ارتباط با آن‌ها را اعلام کند تا اگر شخص مذکور وی را لایک کند، با هم مرتبط شوند. فیلتر اصلی برنامه برحسب فاصله است و از روی لوکیشن کار می‌کند و کاربر می‌تواند فاصله را کم یا زیاد کند، یعنی تنها افرادی را برای وی نشان دهد که در بازه فاصله‌ای که خودش مشخص کرده است. این برنامه فیلترهای دیگری مانند سن و جنس نیز دارد. افراد مجاز برای استفاده از این برنامه افراد بالای ۱۸ سال و با جنسیت زن و زن ترنس، کوئیر و نان باینری با گرایش‌های جنسی هم‌جنس‌گرا، دوجنس‌گرا، همه جنس‌گرا و ... (هر گرایشی که گرایش به هم‌جنس را هم شامل شود) هستند. در ایران این برنامه با فیلترشکن کار کرده، برخی از افراد از آن استفاده می‌کنند.

- گفتی چند وقت هست با اون دوست هستی؟
دو ساله.

- خوب یعنی شما لزیبن هستی؟
آره.

- این رو از کجا می‌دونی و مطمئن هستی؟

نه خب، الان دیگه فهمیدنش خیلی سخت نیست، کلی مطلب خوندم و با آدمای مختلف حرف زدم و تحقیق کردم و فهمیدم که هیچ کششی به پسرا ندارم.

- می‌تونی بگی مثلاً با کی حرف زدی و چه طوری تحقیق کردی؟

خب الان دیگه خیلی فکر مردم باز شده، اطلاعات زیاد شده، کلی پیج و کانال تلگرامی هست که اطلاع رسانی می‌کنن و برای بچه‌های ال‌جی‌بی‌تی، من توی اونا عضو شدم، توی گروه‌ها رفتم، با آدمایی که مثل خودم هستن دوست شدم و اون‌جا حرف زدیم و اینا، در مورد تحقیقات هم کلی چیز میز هست، توی اینستاگرام و یوتیوب رفتم اون ویدیوها رو دیدم.



- شما از چه سنی احساس کردی که کشش و میل به سمت آدم‌های هم‌جنس خودت داری؟
از سن ۱۲ سالگی تقریباً فهمیده بودم که وقتی حرف پسر و جنس مخالف می‌شه، من خیلی علاقه‌ای ندارم و برام جالب نیست، ولی در مورد دخترها اصلاً این طوری نبود، بیش‌تر دنبال دخترای جذاب بودم و رفتار دخترا برام خیلی مهم‌تر و باارزش‌تر بود، کلاً پسرا من رو جذب نمی‌کنن.

- خوب می‌تونی به من بگی چرا این فکر رو می‌کنی، یعنی چرا دخترها برایت جذاب هستن و پسرها نیستن؟

خب من پسرای زیادی دور و برم دیدم، هیچ جاذبه‌ای واسم ندارن، پسرا احمق ان، بعدش می‌خوان چه کار کنن واسم، می‌خوان یکی باشن مثل بابام، زندگیم بشه مثل زندگی مامان و بابام؟

بعدشم پسرا ریش و سیبیل دارن، اصلاً وقتی می‌خوره به پوستت بدت میاد، ولی خب دخترا قشنگ و لطیف ان و حس خوبی دارن، بعدشم خب دخترا خیلی بهتر دخترا رو می‌فهمن.

- خوب فکر نمی‌کنی این که بگی دخترها هم‌دیگه رو بهتر می‌فهمند، ملاک خوبی برای این روابط نیست؟ خوب هر جنسیتی نسبت به خودش آگاهی بیش‌تری داره، اما مکمل شما نیست و این که مردها هم می‌تونن آگاهی‌شون رو افزایش بدن و شما رو درک کنن، این عدم آگاهی که باعث عدم درک می‌شه، نه جنسیت.

من اصلاً این حرفا رو قبول ندارم، مکمل دیگه چیه، این تفکرات مال هزار سال پیشه، الان دیگه این‌جوری نیست، من قبول می‌کنم درک و آگاهی رو، اما در نهایت این یه کشش طبیعی، ربطی به این چیزا نداره، حتی توی حیوونا هم هم‌جنس‌گرایی دیده شده، نکنه اونا هم به خاطر عدم آگاهی می‌رن با هم‌جنس‌شون؟

- خوب یعنی حیوونا با آدم‌ها هیچ فرقی ندارن؟

چرا، دارن، اما این چیزیه که طبیعی و ربطی به انسان و حیوون بودن نداره، میل طبیعی.

- چند ساله که با دوستت آشنا شدی؟

دو ساله.

- قبل از اون، آیا با کسی حالا چه پسر یا دختر هم آشنا شده بودی؟

نه خیلی، یکی دوتا دختر بودن که یک کم ازشون خوشم می‌اومد، ولی نه من جرأت داشتم بهشون بگم، نه اونا می‌اومدن جلو، از دور روی هم کراش داشتیم شاید. پسر هم که گفتم خوشم نمی‌اومد اصلاً که بخوام دوست بشم.

- در این دو سال اتفاق افتاده که با هم‌دیگه به مشکل بخورید؟

آره، مثل بقیه، عادیه، مثل هر کس دیگه که توی رابطه هستن، من و اونم به مشکل می‌خوریم، با هم قهر می‌کنیم، دعوا می‌کنیم، بحث می‌کنیم، مثل دوتا آدم عادی، چیز عجیبیه؟ (با تمسخر می‌خندد).

من فقط دارم از نوع روابط سوال می‌کنم، اگر برات ناراحت کننده هست می‌تونم ادامه‌اش ندم، بعد هر جایی که دوست نداشتی، می‌تونی اصلاً جواب ندی و سکوت کنی.

نه، برای من مشکلی نداره، آخه نمی‌دونم، انگار ما از فضا اومدیم این‌جا که نباید کارامون شیهه بقیه باشه. تازه اگه نگاه کنید، می‌بینید که ما از خیلی از آدمای دیگه که فکر می‌کنن دارن خوب زندگی می‌کنن، شاید بهتر و معمولی‌تر زندگی می‌کنیم.

برای من این مدت دیگه عادی شده این مدل رفتار، انگار شاخ داریم ما، نمی‌تونن تفاوت‌ها رو بفهمن، برای همین هم می‌خوان، کسی که باهاشون متفاوت رو پاک کنن از دور و برشون. من که نمی‌مونم این‌جا، همین که کارم درست بشه، می‌رم با دوستم از این جهنم (عصبانی است و کلافه جواب می‌دهد).

- با دوست دخترت رابطه‌ی جنسی هم داشتی؟

این خیلی خصوصیه، دوست ندارم در موردش صحبت کنم.
- باشه.

- دوست‌های دیگه‌ای هم داری که به شما نزدیک باشند؟

آره دارم، زیاده، دوستای مدرسه‌ام، دوستای خودم از قبل و دوستایی که از طریق اینستاگرام پیدا کردم، خلاصه دوست زیاد دارم، ولی کسی که خیلی بهم نزدیک باشه، نه، فقط دوست دختر خودمه که خیلی بهم نزدیکه.

- دوست‌های دیگه‌ات می‌دونن که شما با یک دختر در ارتباط نزدیک هستی؟

آره، یه سری می‌دونن و شاید اونایی که می‌دونستن رفتن به بقیه گفتن، ولی واسم مهم نیست.

- عکس‌العمل‌شون برای اولین باری که از شما شنیدن چی بود؟

(می‌خندد) بعضی‌هاشون همون اول خشک‌شون می‌زنه و چشم‌هاشون چهارتا می‌شه (می‌خندد). بعضی‌هاشون هم دفعه‌ی بعدی که این رو شنیدن، دیگه ندیدم توی دوره‌می‌های خودمون، بعضی‌ها هم براشون اهمیت نداره و مثل قبل باهام هستن، ولی خب تعدادشون کمه، یه سری دیگه سعی می‌کنن رابطه‌شون رو کم کنن یا کلاً یه جور رفتار می‌کنن باهات، انگار کرونا داری (می‌خندد)، می‌ترسن ازت و باهات کات می‌کنن، برای من عادی شده این کارهاشون، این‌جا این جوریه، نمی‌تونن بفهمن، مغزشون هنگ می‌کنه، فکر می‌کنن، فقط باید یه دختر و پسر عاشق هم باشن، نمی‌تونن حالت دیگه‌ای رو فرض کنن، ذهن‌شون همین قدر رو می‌کشه فقط.

- با دوستت در مورد پیجت مشورت می‌کنی؟

آره، خیلی، اون خیلی نظرات خوبی می‌ده، ایده‌های خوبی داره همیشه، چون چند سال از من بزرگ‌تره، تجربه‌ی بیش‌تری هم داره، من رو راهنمایی می‌کنه، منم از فکرش استفاده می‌کنم.

- مثلاً در چه مواردی ازش ایده می‌گیری؟

مثلاً چند وقت پیش گفت بیا از روتین‌های پوستیت از آخر به اول فیلم بگیر، یعنی برعکس، منم دیدم خوب شد و همین کار رو کردم و همه خوش‌شون اومد.

- قصد داری به کدوم کشور مهاجرت کنی؟

می‌رم کانادا به احتمال زیاد، بابام وکیل گرفته برام، داره کارام رو درست می‌کنه، همین که کارهام جور شد با دوستم می‌رم و تا آخر عمرمم برنمی‌گردم این‌جا، حالم به هم می‌خوره از زندگی این‌جا.



- دوستت هم به اندازه‌ی شما دوست داره که از ایران مهاجرت کنه؟
آره، معلومه، برای چی باید بمونه این‌جا؟ این‌جا چی داره که باید براش موند؟ اونم وکیل گرفته
و داره کارهایش رو درست می‌کنه.

- مادرت هم با شما میاد؟
نه، اون این‌جا مامان و باباش هستن و از اونا نگاه‌داری می‌کنه و نمی‌تونه بیاد، تازه خودش هم
نوازنده هست و همه‌اش در حال کاره و سرش شلوغه، نمی‌تونه با من بیاد، خودش می‌گه چند وقت
دیگه میاد پیش من، ولی فکر نکنم راست بگه، مادرم به این‌جا و دوستاش و خانواده‌اش وابسته
هست و نمی‌تونه این همه چیز رو ول کنه یه دفعه و با من بیاد اون‌جا.
- پدرت چه طور، اون هم نمیاد؟

نه، اون هم این‌جا کار داره و نمی‌تونه بیاد، اون این‌جا دوباره ازدواج کرده و نمی‌تونه با من بیاد.
- از این موضوع که قراره خودت به تنهایی بری اون‌جا، ناراحت نیستی؟
نه، قراره یه مدت پیش عمومی من که کانادا زندگی می‌کنه باشیم و بعد مستقل بشیم، تا اون
موقع زبان‌مون بهتر می‌شه و می‌تونیم راحت‌تر ارتباط برقرار کنیم، دوستم می‌خواد ادامه تحصیل
بده اون‌جا و منم درس رو بخونم و برم دانشگاه.
- می‌خواهی چه رشته‌ای بخونی؟

احتمالاً وکالت بخونم، نمی‌دونم هنوز مطمئن نیستم، شاید هم خواننده شدم، هنوز نمی‌دونم
دقیق، دارم فکر می‌کنم که چه کاری رو بهتر می‌تونم انجام بدم.

- شما ساز می‌زنی؟
بله، گیتار و پیانو می‌زنم.
- چند وقت هست؟
حدوداً هشت ساله.
- صدات هم خوب هست؟

بقیه که می‌گن خوبه، به نظر خودم هم بد نیست، دارم می‌رم کلاس سولفژ و خوانندگی که بهتر
بشه.

- اگه قرار باشه اون جا خوانندگی رو دنبال کنی، دوست داری در کارت از کی الگو بگیری؟
من عاشق بیلی آیلش و شان مندز و سم اسمیت^۱ و لوئیس کاپالدی و آریانا گراند هستم و خیلی‌های دیگه، اینا رو بیشتر می‌شنوم و سعی می‌کنم ازشون الگو بگیرم، چون خیلی خوب می‌خونن.



- از کدوم‌شون بیش‌تر خوشت میاد؟
بیلی آیلش، چون استایل خاص خودش رو داره و خیلی هنجارشکنه.
- به من می‌گی منظورت از هنجارشکن بودنش، چی هست؟
یعنی تظاهر نمی‌کنه به چیزی که نیست و این که از قوانین هالیوود و اینا پیروی نمی‌کنه که زن باید این‌جوری باشه، اون‌جوری باشه، خودش استایل و سلیقه خودش رو داره.
- توی چه سنی فهمیدی که صدات برای خوانندگی خوب و مناسبه و کلاً دوست داری که بخونی؟

من حدوداً از چهار، پنج سالگی بود که علاقه پیدا کردم به ساز زدن، مامانم ویولن و پیانو می‌زنه، البته ویولنش خیلی خیلی حرفه‌ایه، من از بچگی عاشق گیتار و پیانو بودم و می‌زدم، مامانم بهم یاد می‌داد و معلم هم داشتم، کم‌کم که بزرگ شدم، مامانم گفت که تو صدات خیلی خوبه و می‌تونی بخونی و صدات عالی‌تر بشه، منم خوشم اومد و شروع کردم به تمرین با استاد و الان خیلی بهتر شدم.

- پدرت هم در این زمینه‌ها تشویقت می‌کنه؟
بله، تشویقم می‌کنه، البته اون خیلی علاقه‌ای به موزیک نداره، ولی همیشه به من می‌گه که کاری که واقعاً از ته دل دوست داری رو ادامه بده و هیچ وقت از کار مورد علاقه‌ات شرمند نیاش، حتی اگه دیگران بخوان اذیت کنن و بگن که کار اشتباهی می‌کنی، برای بابام مهم نیست که هر آدمی چی کاره هست، می‌گه هر کسی باید کارش رو در جای خودش، خیلی خوب انجام بده.

^۱ - ساموئل فردریک سم اسمیت خواننده و آهنگساز بریتانیایی است. او تاکنون برنده جوایزی هم چون جایزه گرمی و جایزه بریت شده است. او در مصاحبه‌ای در سال ۲۰۱۴ اعلام کرد که هم‌جنس‌گرا است.

- گفتی در پیجت، پست‌های مربوط به پوست رو می‌گذاری، درسته؟
بله.

- می‌شه توضیح بدی؟

گفتم اول مصاحبه، پست‌های من در مورد آرایش متناسب با سن و مراقبت از پوست و آنباکسینگ‌هام و روتین و از این جور چیزاست، اما خب توی استوری‌هام چیزای مختلف، مثل ساز زدنم و اینا رو هم می‌ذارم.

- هر روز آرایش می‌کنی؟

اگه بخوام برم بیرون، یه کم آرایش می‌کنم، توی خونه کم‌تر پیش میاد آرایش کنم، ولی شاید هم بعضی وقتا آرایش کنم، خیلی راستش اهل آرایش زیاد و سنگین روی پوستم نیستم، بیش‌تر در مورد مراقبت‌های پوستی و موادی که برای پوست مفیدن، ویدیو و مطلب می‌ذارم که به درد بخور باشه، مثلاً روش درست کردن ماسک‌های طبیعی رو می‌ذارم، مثل ماسک‌های گیاهی یا میوه‌ای یا روش‌های ساخت اسکراب‌ها و لایه بردارهای آسون یا انواع ماساژ پوست صورت، از این جور چیزا...

- وقتی پست جدید می‌گذاری، چه جور اظهار نظرها و کامنت‌هایی می‌گیری؟

همه جور کامنتی، هم مثبت و تشویق کننده و هم بد و منفی و فحش، یه سری میان و می‌گن به، به، چه عالی، یه سری هم میان می‌گن، مزخرفه و تکراریه و این چه کار... هست، خلاصه همه جور نظری هست.

- از خوندن اظهار نظرها چه احساسی پیدا می‌کنی؟

من دیگه خیلی اهمیت نمی‌دم به نظرات، اوایل بیش‌تر برام مهم بود حرفاشون، ولی کم‌کم دیدم یه مشت حرفای تکراری هستن که به درد من هم نمی‌خورن، تو باید کار خودت رو پیش ببری و نظر کسی برات اهمیت نداشته باشه.

چه کسی که ازت کلی تعریف می‌کنه و می‌گه عاشقتم و چه کسی که میاد و فحش می‌ده و می‌گه آشغالی و کارت به درد... می‌خوره!

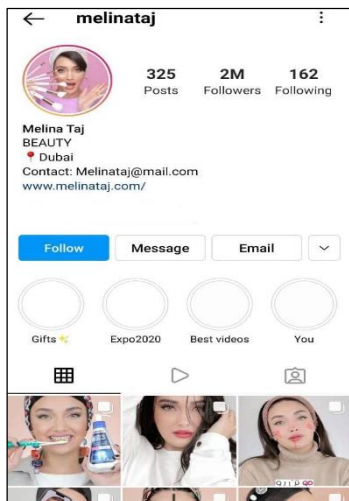
- برای گذاشتن پست‌ها، از چه کسانی بیش‌تر الهام می‌گیری؟

من کارای الناز گلرخ رو دنبال می‌کنم، دوست دارم استایلش رو.



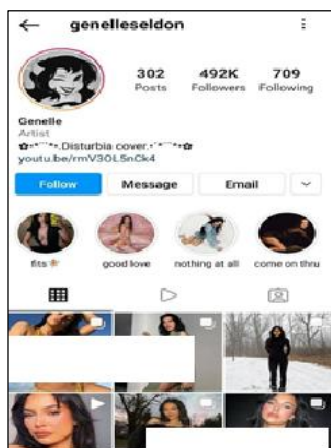
۹۴/ چند مصاحبه با جوانان کاربر اینستاگرام درباره اثرهای فرهنگی کاربری از اینستاگرام جلد ۲

صدف و ملینا رو هم می‌بینم، کارای هدی رو هم دوست دارم، توی مراقبت پوستیا هم زیبا و میترا رو خیلی دنبال می‌کنم از ایرانیا.





از خارجیا همین طوری توی یوتیوب می‌بینم، الان چیز خاصی توی ذهنم نیست. آهان از جنل سلدون او جیمز چارلز خیلی خوشم میاد، کلاً کارای مختلف رو می‌بینم و ایده می‌گیرم، فرقی نمی‌کنه که معروف باشن یا نه، اگه کارشون تمیز باشه خوشم میاد و ایده می‌گیرم، ترندهای تیک‌تاک رو می‌بینم، فرقی نداره برام.



۱ - جنل سلدون اینفلوئنسر مد و هم زیبایی است. دنبال کننده‌های او در اینستاگرام ۴۹۲ هزار نفر هستند. او جدیدترین مدها را به مخاطبانش معرفی کرده و تولید محتوا انجام می‌دهد و با برندهای بزرگی هم‌کاری می‌کند. جنل سلدون جزو ۱۰۰ نفر برتر اینفلوئنسر اینستاگرام محسوب می‌شود و علت آن هم این است که ارتباط بسیار قوی با دنبال کنندگانش دارد و توانسته است در کوتاه‌ترین زمان ممکن دنبال کننده‌های زیادی به دست بیاورد.

۲ - جیمز چارلز، بیوتی بلاگر و رقاص متولد ۱۹۹۹ اولین بیوتی بلاگر مرد دنیا است. او در سال ۲۰۱۵ کانال یوتیوب خود را راه‌اندازی کرد. در حال حاضر او ۲۴ میلیون مشترک دارد و هم‌اکنون او به دنبال شده‌ترین کانال زیبایی در یوتیوب تبدیل شده‌است. به او اتهامات جنسی از جمله آزار جنسی کودکان و ارسال عکس‌ها و پیام‌های صریح جنسی زده شده است که این پرونده در حال بررسی است.



- به جز آدمایی که توی مسایل مربوط به زیبایی و پوست فعالیت می‌کنن، کسان دیگه‌ای هم هستن که دنبال شون کنی و از شون خوشت بیاد و برات الهام بخش باشن؟
 اهوم از جوجو سیوا خیلی خوشم میاد، چون جسارت داشت و به خاطر حرف بقیه خودش رو قایم نکرد و کام اوت کرد و با دوست دخترش همه جا می‌رفت و توی کارش هم خیلی خوبه، یه سری کاپل لزیبن هم هستن که دنبال شون می‌کنم و واسم خیلی الهام بخش ان، دوست دارم وقتی از ایران رفتیم با دوست دخترم پیچ بزنیم و مثل اونا باشیم.



- اسماشون رو می‌گی؟
 مثلاً از جولیا و ایگل خیلی خوشم میاد، خیلی کبیوتن، از رافین و میکا و کاتیه و استف هم خیلی خوشم میاد، ولی کاپل مورد علاقه‌ام ابی و جولیانن.



- خوب به من می‌گی از چی این افراد خوشت میاد؟
- چون خیلی بامزه اند، خیلی عشق‌شون واقعیه، با هم ازدواج کردن، بچه‌دار هم شدن.
- خوب از کجا واقعی بودن عشق‌شون رو تشخیص می‌دی؟
- نمی‌دونم، مشخصه دیگه.
- خوب در حال حاضر پیجت چه قدر فالور داره؟
- حدوداً ۷ هزارتا.
- برای این که مخاطب بیش‌تری پیدا کنی در پیجت، باید چه ایده‌هایی داشته باشی؟
- ایده و فکرهای جدید، همیشه می‌تونه آدم‌ها رو جذب کنه، ولی الان خیلی سخت شده کار جدید و جالب کردن، باید فکر کنی که کارت تکراری نباشه و کم‌تر دیده شده باشه حداقل... .
- در روز چند ساعت با گوشی کار می‌کنی؟
- بستگی داره، اگه بخوام وقت بگذرونم الکی ۱۰، ۱۲ ساعت هم می‌شه تقریباً، ولی بعضی روزا اصلاً سراغ گوشی نمی‌رم، یعنی وقت نمی‌کنم، این قدر کار دارم یه روزایی که فرصت گوشی ندارم و اصلاً چک نمی‌کنم، روزایی که حال و حوصله‌ی کاری رو ندارم و ساز نمی‌زنم یا با دوستم بخوام چت زیاد بکنم، مصرف نتم می‌ره بالا، ولی اگه کار داشته باشم و بیرون باشم، زیاد سراغ گوشیم نمی‌رم.
- وقتی هم برای صحبت کردن با پدر و مادرت می‌گذاری؟
- اگه پیش بابام باشم که خیلی نمی‌بینمش در روز، سرش شلوغه، شبا میاد خونه دیگه، ولی خب مثلاً با زن بابام خوبم، با هم غذا اینا می‌خوریم، بالاخره حرفم می‌زنیم، ولی خب بیش‌تر من توی اتاقم یا بیرونم، اگه هم پیش مامانم باشم یکی، دو روز، با هم حرف می‌زنیم هر وقت فرصت بشه، ولی کلاً حرف خانوادگی، زیاد نداریم با هم بزنینم، هر کی سرش توی کار خودش.
- ولی فکر نمی‌کنی خیلی از مسایل و مشکلات با صحبت کردن می‌تونه مشخص بشه؟
- من می‌گم هر کسی آخرش کاری که خودش فکر می‌کنه درسته رو انجام می‌ده، پس حرف زدن و پند و نصیحت‌های یکی دیگه هیچ وقت به درد کسی نمی‌خوره، در ظاهر ممکنه اولش قبول کنه، ولی آخر هم کار خودش رو انجام می‌ده، پس دلیلی نداره خودمون رو خسته کنیم و الکی مخ هم‌دیگه رو بخوریم.
- خوب گفتمی می‌خوای مهاجرت کنی، زبانت خوب هست؟
- زبانم بد نیست، چند ساله که می‌رم کلاس زبان.
- متن آهنگ‌های انگلیسی زبان رو وقتی می‌شنوی، متوجه می‌شی؟

بله، می‌فهمم مقدار خیلی زیادش رو، اکثر آهنگ‌هایی که می‌خونم انگلیسی هستن، آهنگ‌هایی که خودمم تا حالا ساختم، بیش‌ترشون انگلیسیه.

- پس زبانت خیلی خوبه، موزیک ایرانی هم می‌شنوی؟

بله، ولی خیلی کم، بیش‌تر رپ‌های ایرانی رو می‌شنوم، خیلی کلاسیک‌ها رو نمی‌شنوم، راستش خیلی علاقه‌ای ندارم به اون مدل موزیک، اما بیش‌تر موزیک غیرایرانی می‌شنوم، با سبک این موزیکای سنتی ایرانی اصلاً حال نمی‌کنم و به روحیاتم نمی‌خوره.

- خوب آلا جان ممنونم از این که وقتت رو گذاشتی و به من اعتماد کردی.
خیلی ممنونم، خواهش می‌کنم، شما هم همین طور.

تأملی دوباره:

آلای ۱۵ ساله، در مصاحبه خود درباره اثرهای کاربری از شبکه اجتماعی اینستاگرام، به مباحثی حول محورهای اثرهای آموزشی، اجتماعی، اخلاقی- تربیتی، اقتصادی، خانوادگی، روان‌شناختی، زیباشناختی، زیست محیطی، عقیدتی و فرهنگی اشاره داشته است.

آلا در مصاحبه خود در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در مسایل آموزشی کاربران، به امکان بهره‌برداری آموزشی از اینستا و فضای مجازی اذعان دارد.

آلا در مصاحبه خویش در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در رفتار اجتماعی کاربران، از گسترش روابط ارتباطی در پرتو کاربری از اینستا، در سطح خود و دوستانش اشاره داشته است.

آلا در مصاحبه خویش در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در رفتار اخلاقی کاربران، به نسبیت‌گرایی ارزشی که ماحصل کاربری از اینستا است، در سطح خود و دوستانش اشاره داشته است.

آلای ۱۵ ساله، در مصاحبه خویش در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در مسایل اقتصادی کاربران، به ترغیب ورود کاربران به فعالیت‌های اقتصادی در فضای مجازی، اشاره داشته است.

آلا در مصاحبه خویش در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در مسایل خانوادگی کاربران، به مواردی مانند: تحولات خانواده، تحولات ارزشی خانواده و ضرورت والدگری الکترونیک برای فرزندان، اشاره داشته است.

آلا در مصاحبه‌اش در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در مسایل روانی کاربران، از پذیرش و دفاع از مقوله هم‌جنس‌گرایی، در سطح خود و دوستانش یاد کرده است.

آلا در مصاحبه‌اش در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در علایق زیباشناختی کاربران، به اثرگذاری اینستا در مقوله زیباشناختی کاربران، اشاره داشته است.

مصاحبه شونده در مصاحبه خود در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در مسایل زیست محیطی کاربران، به ترغیب برخی از کاربران و صفحات اینستاگرامی مبنی بر ضرورت عطف توجه به مسایل محیط زیست، اشاره داشته است.

آلا ۱۵ ساله، در مصاحبه خویش در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در علایق فرهنگی کاربران، به مواردی مانند: کاهش سن کاربری در اینستا، تولید محتوا از سنین پایین، دیدن فضای مجازی به عنوان فضایی برای دور زدن موانع فرهنگی - اجتماعی و ایجاد ارتباطهای غیرمتعارف، رکاکت کلامی در پی فقدان سازوکارهای تهاجم شکن، اثرپذیری از فرهنگ غرب و یافتن دید مثبت به پدیده اقلیت جنسی، در سطح خود و دوستانش اشاره داشته است.

اگر در زمینه مباحث مطرح شده در مصاحبه آلا ۱۵ ساله، با ارجاع سایر محورهای مطرح شده به دیگر کتابهای مجموعه حاضر، توجه خود را صرفاً معطوف به ابعاد فرهنگی (که مورد بحث اثر حاضر است) کنیم، می‌توان بیان داشت، آلا در مصاحبه خویش نشان می‌دهد که به طبع به دست آوردن دیدی نسبی‌گرا در مسایل اخلاقی در فضای اینستاگرام، نسبت به پذیرش دید غرب در مورد پدیده اقلیت جنسی نیز به تبعیت از این دید برخاسته است و خود را ملزم به دفاع از گرایش‌های گی، لزبین، کوئیر و مانند آنها می‌داند.

مضاف بر آن چه از آن یاد شد، آلا با بیان ستایش الگوهای هم‌جنس‌گرایی که دارد، از تمایل هم‌جنس‌گرایی خود یاد کرده، اظهار می‌دارد که دنبال مهاجرت به خارج با دوست دختر خودش است تا به این ترتیب همسان با الگوهای مورد علاقه‌اش، به زندگی ایده‌آل خویش بپردازد.

مصاحبه با راد، ۱۶ ساله

اگه بچه ۶، ۷ ساله جی تی ای بازی کنه، دیگه خدا رحمتش کنه.

- سلام راد!

سلام.

- خوبی؟

ممنونم.

- قرار بود درباره ی فضای مجازی حرف بزنیم.

بله.

- شما ۱۶ سالتون هست؟

آره.

- گوشی که داری؟

آره، دارم.

- الان بیشترین استفاده ها از گوشت چی هست و چه برنامه هایی روی گوشت داری؟

من همه چی دارم.

- می تونی چندتا از این همه چیز رو به من بگی.

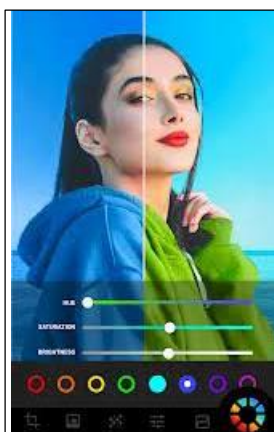
از اینستا گرفته تا واتساپ، به علاوه یه سری برنامه های کاربردی مثل ورد و پاورپوینت که به

درس مربوط ان و برنامه های دیگه که به درس مربوط نیست.



- برنامه هایی که به درس مربوط نیستن چی هستن؟

برنامه های ادیت و برش ویدیو، برای اینستا مورد نیاز.



- عکس و ویدیو ادیت می‌کنی و در اینستاگرام می‌گذاری؟
- آره، هم برای ادیت، هم حجم‌شون رو کم و زیاد می‌کنم.
- چه طوری ادیت می‌کنی؟
- اون عکس و فیلم رو بخوام کات می‌کنم یا روشن فیلتر می‌ذارم، برای این که رنگ‌شون بهتر بشه، جذاب‌تر بشه.
- اول بریم سراغ اینستاگرام، توی اینستاگرام بیش‌تر چه کار می‌کنی؟
- من همه کار می‌کنم.
- می‌تونی چندتااش رو به من بگی؟
- اگه یه گوشی کامل و فول شارژ رو بدن دستم، سریع به صفر می‌رسونمش (می‌خنده).
- این قدر به اینستاگرام علاقه داری؟
- آره.
- یعنی می‌شه گفت به جای علاقه به اینستا، اعتیاد داری؟
- آره، البته دارم کمش می‌کنم، چون به چنخ رفتم.
- چنخ یعنی چی؟

یعنی سرویس شدم (می‌خنده)، نشنیدی می‌گن چخ عظمی.

- یعنی این قدر سرت توی گوشی بود؟

آره.

- خوب چی بیش تر شما رو به این فضا علاقه‌مند کرده بود؟

یه بخشی هست توی اینستا به اسم اکسپلور، تو هر چیزی که علاقه داشته باشی سرچ کنی، بعد

یه مدت نمونه‌های مشابهش می‌ره توی اکسپلور، کلاً پره شده از علاقه‌مندیم بیش تر توی قسمت اکسپلورم.

- علاقه‌مندی‌ها ت چه چیزهایی هستن؟

تایپوگرافی، آهنگ، ویدیو و کلیپ از آهنگای مختلف، ویدیو از گیم آنالین، استوریم زیاد می‌ذارم

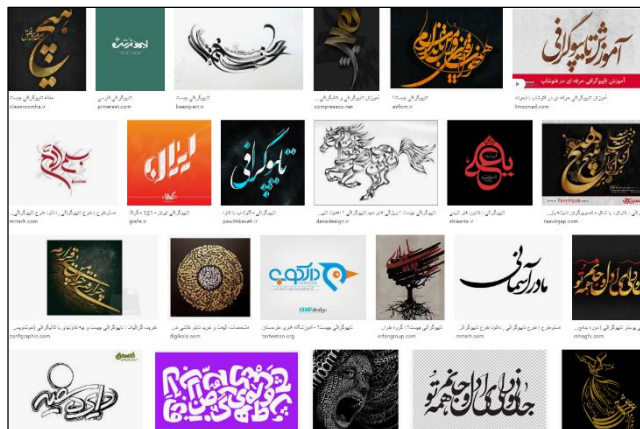
از همین چیزایی که علاقه دارم.

- تایپوگرافی چی هست؟

مثلاً من استوری از آهنگایی می‌ذارم که روشن نوشته دارن یا خودم اضافه می‌کنم و یه چیزایی

تایپ می‌کنم که با صدای خواننده هماهنگ شه، اینا رو بهش می‌گن تایپو، گوشیم داره می‌ترکه

اون قدر توش تایپو هست.



- چرا این قدر به تایپو علاقه داری؟

در واقع یه جوریه که حسرت رو به اون آهنگ با متن و استیکر می‌تونی بیان کنی، الان از نظر

من نمی‌تونی یه ویدیوی خالی از آهنگ مورد علاقه‌ات بذاری.

- چه متنی روشن می‌گذاری؟

همون متن خود آهنگ، با فوتتای باحال و استیکر.

- یعنی متن روشن باشه بهتر حس رو منتقل می‌کنه؟

این که هم بخونی هم گوشش بدی هم زمان، از نظر من حس رو بهتر منتقل می‌کنه و وقتی متن باشه، درکش راحت‌تره، یا به جز این ری‌اکشن هم خیلی دنبال می‌کنم.

- می‌تونی برای من یک مثال بزنی؟

مثلاً آهنگ یاکوزای خلسه، یه تیکه‌اش می‌گه می‌خوام موهای رؤیام رو ببافم، همه چی زیادی واقعی شده، الان این خداییش دوتا معنی داره، خوب وقتی آهنگ رو با متن گوش کنی متوجه می‌شی قشنگ.

- الان دوتا معنی این جمله چی هست؟

وارد جزئیات نشو (می‌خنده)، نمی‌شه گفت، درکل خواستم بهتر متوجه بشی که این مثال رو زدم.

- نمی‌خواهی واضح‌تر توضیح بدی؟

نه.

- چرا؟

هر چیزی رو نباید گفت، معنی خوبی نداره (می‌خنده)، نه حالا جدی اون تشبیه بود و دهه‌ی ما توی مخفی کاری استاده‌ها، چیزی رو نخوایم کسی بفهمه، نمی‌فهمه.

- چرا مخفی کاری؟

چون هر چیزی رو همیشه نمی‌شه گفت.

- دیگه چی رو مخفی می‌کنید؟

بعضی چیزا رو که نشه گفت (می‌خنده).

- معلومه وقتی چیزی رو نخواهی بگی اصلاً نمی‌گی.

آره، دقیقاً می‌گم که استادیم توی این چیزا.

- گفتی ری‌اکشن هم دنبال می‌کنی؟

آره.

- منظورت از ری‌اکشن چی هست؟

مثلاً یه آهنگ گوش می‌دی، چیز خاصی ازش نمی‌فهمی، اگه این طوری باشه من از اون آهنگ زود خسته می‌شم، برای همین ذهنم درگیر می‌شه که برم دنبال اون یه تیکه‌ی آهنگ و اون تیکه‌اش رو درآرم، این جا می‌رم سراغ تایپو، یعنی متن روی آهنگ که منظورش رو متوجه بشم، ولی بوده بعضی وقتا با یه آهنگ خیلی حال می‌کنی و چه قدر با روحیت سازگاره، دوست داری ببینی بقیه حس شون به اون آهنگ چیه و چه طوریه ری‌اکشن کارام، کارشون همینه، یکی هست من دنبالش می‌کنم که ببینم نظر اون راجع به آهنگا چیه، یه سری اطلاعات می‌ده حتی.

- چه اطلاعاتی؟

مثلاً می‌گه این‌جا از بیت شیش و هشت استفاده کرده یا مثلاً اصطلاحاتی که توی آهنگ استفاده می‌شه رو می‌گه، وقتی یه سری آهنگ رو گوش می‌دم، متوجه نمی‌شم، می‌رم سراغ اینا که متوجه بشم.

- یکی از این اصطلاح‌ها رو می‌گی؟

توی آهنگ یا کوزا یه جاش می‌گه تاسی هم می‌کنه، پولو پُرش، بعضیا تصورشون از این آهنگ غلطه، فک می‌کنن پول یعنی پول خودمون، در حالی که منظوروش استخره، ری اکشن یعنی این چیزا رو فهمیدن بهتر.

- چرا علاقه داری به این چیزها و این‌که اصلاً چه طوری باهاشون آشنا شدی؟

علاقه دارم، استوری زیاد می‌ذارم خودمم از این چیزا، این طوری حسم رو بهتر بیان می‌کنم از طریق آهنگ، این‌که چه طوری باهاش آشنا شدم، از طریق همین اینستا که یه کلیپ دیدم خیلی خوشم اومد، بعد رفتم دنبالش ببینم چیه و بهش چی می‌گن.

- پس اینستاگرام توی زیاد کردن اطلاعات درباره‌ی موسیقی و آهنگ نقش داشته؟

تأثیر که داشته، آره اطلاعاتم درباره‌ی آهنگا و خواننده‌ها بیش‌تر شده، می‌فهمم خواننده‌ها چه آهنگای جدیدی دادن بیرون یا اگه یه کلمه‌ای به کار می‌برن، منظورشون چیه، ولی کلاً علاقه ندارم به این‌که خودم موسیقی کار کنم، ساز زدن یاد بگیرم، این چیزا رو دنبال نمی‌کنم.

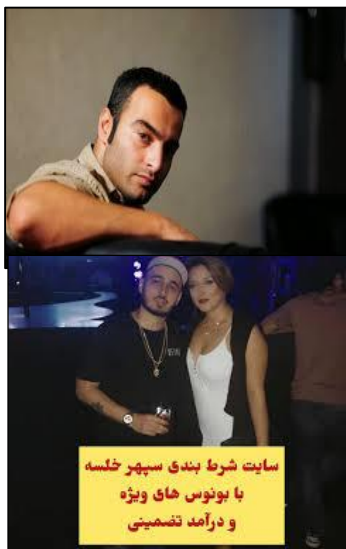
- گفتی توی استوری زیاد آهنگ می‌گذارم و احساساتم رو بیان می‌کنم، چه طوری بیان‌شون می‌کنی؟

وقتایی که ناراحتم، آهنگای غمگین با متن می‌ذارم، خوشحال باشم آهنگ شاد، کلاً با آهنگ حس اون لحظه‌ی خودم رو بیان می‌کنم و می‌گم من الان توی این فازم و دوست دارم به اشتراکش بذارم.

- چه سبک آهنگ‌هایی گوش می‌دی؟

هیپاپ و رپ بیش‌تر، خواننده‌های مورد علاقه‌ام هم هیدن، یاس و خلسه است، البته بعضی آهنگای تتلو رو هم دوست دارم.





- بیش‌تر چه مفاهیمی توی آهنگ برایت جذاب هست؟ انگیزشی و مثبت یا چیزهای دیگه...
همه جور مفاهیمی گوش می‌دم، هم راجع به زندگی، امید به زندگی، حس خوب و انگیزشی، هم مفاهیمی که راجع به شکست عشقی باشه، آهنگای فحش‌دار.
- آهنگ‌های فحش‌دار هم گوش می‌دی؟
آره، تتلو رو برای همین گوش می‌دم دیگه و پیگیرشم (می‌خنده).



- به عنوان کسی که تتلو گوش می‌ده، نظرت راجع بهش چی هست؟
خیلیا مخالفشن واقعاً، ولی تتلو جدا از شخصیتش، آهنگاش رو دوست دارم، آدم رو آروم می‌کنه، واقعیتاً رو می‌گه، هر چند اگه خشن و با فحش بیانش کنه، از تتلوام زیاد استوری می‌ذارم، چون پر حسه آهنگاش، ولی خوب وقتی استوری ازش می‌ذارم، باید بیش‌تر فالورام رو هاید کنم.
- از دید شما چرا این‌قدر مخالف داره؟

می‌گن آهنگاش خیلی بده، پر فحشه، شخصیت درستی نداره، تازه مخالف تتوهاشم هستن، از نظرشون چندشه و رد داده، در حالی که بدن خودشه، می‌تونه گند بزنه توش به کسی ربطی نداره، فقط برای همینه.

- یعنی کسانی که ازش بدشون میاد، دلیل منطقی‌ای ندارند؟

دقیقاً، به نظرم خیلی الکی باهاش درافتادن.

- شما خودت واقعاً با فحشی که می‌ده یا تتوهاش مشکلی نداری، منظورم این هست که با این که نرمال نیست، مشکل با اون نداری؟

بین تعصبی ندارم روش، ولی مشکلی ندارم، چون زندگی خودشه، شاید من شکل اون نباشم و هیچ وقتم نشم، ولی هر آدمی اختیار خودش رو داره، به کسی هم مربوط نیست و نباید قضاوتش کنن.

- توی پیجت مخالف‌های تتلو زیاد هستن که استوری‌ها رو پنهان می‌کنی؟

من یه مدت هاید نمی‌کردم، خیلیا پیام می‌دادن، تتلو چیه آخه، از تو بعیده، یه جور فکر می‌کنن که هر کی تتلو گوش بده، دیگه از دست رفته و دیدشون عوض می‌شه، طرز فکرشون قبلاً خیلی برام مهم بود، الآن نه.

- طرز فکرشون اذیت می‌کنه؟

آره، مخصوصاً مشاوره داندانشون، نصیحت کردناشون، به همه چی کار دارن، چیز دیگه‌ای که اذیت می‌کنه، این که فکر می‌کنن من بی‌ادبم، در حالی که من آدم بی‌ادبی نیستم واقعاً.

- مگه کسی به شما همچین چیزی گفته؟

آره، هستن کسانی که می‌گن، چون اون شخص توی آهنگش فحش می‌ده، هر کسی آهنگش رو گوش بده، پس مثل خودش بی‌شخصیته، من خودم فحش می‌دم، آهنگ فحش‌دار هم گوش می‌دم، ولی واقعاً بی‌تربیت نیستم، اینا اذیت می‌کردن، ولی الآن سعی می‌کنم اهمیت ندم.

- پس برای همین پنهان می‌کنی؟

آره، اینستا واقعاً اینش بده که همه سرشون توی کار هم‌دیگه هست، فقط باید هاید کرد یا اجازه ندی نظر بدن واست.

- شده خانواده‌ی خودت رو هم پنهان کنی؟

آره، خیلی.

- برای چه استوری‌هایی اون‌ها رو پنهان و هاید می‌کنی، همین آهنگ‌هایی که فحش دارن؟ آره، دقیقاً برای همینا.

- مگه خانواده‌ات از علاقه‌ات به این آهنگ‌ها یا تتلو خبر ندارن؟

نه، نمی‌خواهم بدونن.

- چرا؟

چون هر کس علاقه‌ای داره و نیاز نیست به همه توضیح بده.

- تا حالا یک‌دونه از استوری‌هات رو هم ندیدن؟

نه، این‌جور آهنگا رو نداشتیم ببینن، البته فقط فحش دارم نبوده، مثلاً آهنگای خلسه و هیدن که

اونا زیاد مشکلی نداشتیم، نداشتیم ببینن، چون اونا درکی ندارن.

- از کجا می‌دونی درکی ندارن؟

دیدم رفتاراشون یا حرفاشون رو درباره‌ی این‌جور خواننده‌ها.

- مثلاً چی می‌گن؟

می‌گن اینا چه جوری خواننده شدن، کی آخه تتلو گوش می‌ده، کی رب گوش می‌ده، اصلاً تا

حالا یه آهنگ کامل از خلسه، هیدن یا تتلو گوش ندادن، معنیش رو نمی‌دونن، فقط می‌گن تأثیر بد

می‌ذاره.

- به نظرت تتلو روی شما یا حتی هم‌سن‌هات تأثیری داشته؟

این انتخاب خود طرفه، بستگی داره به جنبه‌ی طرف.

- یعنی انتخاب شما نیست که روی شما تأثیر بگذاره؟

من بیش‌تر آهنگاش رو گوش دادم، حتی بدتریناش رو، مثل خانوم وزیری، ولی روی من به اونا

شدت تأثیری نداشته، گفتم شده از فحش استفاده کنم، ولی به جاش، این اصلاً ربطی به آهنگ و

خواننده مورد علاقه‌ام نداره.

- یعنی آهنگ‌هایی مثل آهنگ‌های تتلو تأثیری توی حرف‌هایی که می‌زنی نداره؟

آره، ربط دادنش به آهنگ و فیلم و خواننده مسخره است، این چیزیه که الان هستش، بین

هم‌سنای من و همه با هم راحتیم و به جاش استفاده می‌کنیم.

- به جاش استفاده می‌کنید، یعنی چی؟

یعنی من با مامانم یه جور صحبت می‌کنم، با دوستانم یه جور دیگه، اصطلاحاتی که پیش رفیق

صمیمی استفاده می‌کنم، هیچ وقت جلو مامانم این‌طوری صحبت نمی‌کنم.

- این اصطلاحاتی که توی جمع دوستان‌تون به کار می‌برید، می‌تونن یکی، دو موردش رو به

من بگی؟

نمی‌شه گفت، مثلاً مؤدبانه بخوام بگم، چیز شر نگو، من به مه‌بد دوستم می‌گم، چیز شر نگو

بشین سر جات، ولی به خونواده بگم بیرونم می‌کنن (می‌خنده).

- این اصطلاحات رو از کجا یاد گرفتین؟

بین صد در صد آهنگ تتلو، اصلاً کلیپی که توی اینستا دیدیم تأثیری نداشته، من خودم رو می‌گم بیش‌تر، بچه نیستم طرف یه چیزی می‌گه منم تکرار کنم و ازش تقلید کنم، ولی محیط و جامعه الان این‌طوری می‌طلبه و چشم باز می‌کنیم، می‌بینیم توی جامعه همه این‌طورین با هم، این‌طوری برخورد می‌کنن، مخصوصاً مدارس امروزی.

- فضای مدارس امروزی چه طوری هست؟

فضاش بد شده، اصلاً نباید بدونن بچه مثبتی و نباید رفتارت اون‌جا با بقیه جاها یکی باشه.

- اگه بفهمند شما بچه مثبتی، رفتارشون با شما چه طوری می‌شه؟

فحشت می‌دن، توام باید متقابلاً فحش بدی، فحش ندی، اونا بیش‌تر فحشت می‌دن و هر کی بگه نه، من این‌طوری نیستم، دروغ گفته، اگه با تربیتم باشی، باید با توجه به شرایط، توی مدرسه بذاریش کنار.

- در مدرسه چه طور هست؟

مدرسه جوّش این‌طوری بود که باید بخوری تا خورده نشی، توی اینستا می‌توننی جواب ندی، ایگنور کنی، ولی در مدرسه و جامعه باید جواب بدی. مثلاً اگه توی اینستا یه استوری می‌ذاری، من پام رو دراز کردم، می‌گن چه قدر بی‌شخصیت و تباهه، ولی توی مدرسه و جامعه باید گرگ باشی، توی مدرسه و جمع دوستا که هر چی پات رو دراز کنی و فحش بدی، نمی‌گن بی‌شخصیته، کلی هم باهات حال می‌کنن.

- به جز همه‌ی این‌هایی که گفتی، می‌خواهم استفاده‌ای بیش‌تر شما از اینستاگرام رو بدونم، کار

خاص دیگه‌ای هست که انجامش بدی؟

یه چیز دیگه هم که علاقه دارم به دیدنش توی اینستا، رول پلی نگاه می‌کنم.

- رول پلی چی هست؟

بازی کردن به صورت آنلاین رو می‌گن بهش رول پلی، یه کاراکتری رو خلق می‌کنی و وارد

بازی می‌شی، مثل جی‌تی‌ای، رول پلی که خیلی باحاله.



- پس جی‌تی‌ای هم بازی کردی؟

نه، بین منظوم این نبود که بازی می‌کنم، جی‌تی‌ای رول پلی کساین که گیمر هستن، میان دور هم بازی می‌کنن، ضبط می‌کنن فیلم رو، توی اینستا لود می‌کنن و کاملش رو می‌ذارن توی یوتیوب، رول پلی برای هر بازی‌ای هستش، ولی من جی‌تی‌ای رو می‌بینم، بیش‌تر آنلاین ایرانیا یا حتی از سراسر دنیا می‌تونن بازی کنن، اون‌ی که من می‌دیدم یه سری ایرانی گروه تشکیل داده بودن، هم‌زمان بازی می‌کردن، صحبت می‌کردن، مسخره بازی درمی‌آوردن، یه تیکه‌هایش رو توی اینستا گذاشته بودن.

- خودت هم جی‌تی‌ای بازی می‌کردی؟

خودم قبلاً جی‌تی‌ای سن اندریاس رو بازی می‌کردم، ولی توی اینستا جی‌تی‌ای وی بود، فکر کنم بازی می‌کردن که پیشرفته‌تره.

- فرق شون با هم چی هست؟

جی‌تی‌ای توی لس آنجلسه، بازیش توی جی‌تی‌ای جدید، شهر خیلی خوب طراحی شده، سن اندریاس گرافیک زیاد خوبی نداشت، ولی هر کاری که دلم خواست توش انجام دادم.

- سری جدید تنها فرقی این هست که شهر رو توش بهتر طراحی کردن؟

آره، گرافیکش فوق‌العاده است، انگار تو واقعاً توی کالیفرنیا، داری راه می‌ری.

- گفتی توی سری قبلی هر کاری دلم می‌خواست می‌کردم، چه کارهایی می‌تونستی توش انجام بدی؟

همه کار می‌شه انجام داد، از حموم کردن، پول درآوردن، خونه خریدن تا کارای خاک بر سری.

- کارهای خاک بر سری منظورت چی هست، همه چی رو واضح نشون می‌داد؟

کارای خاک بر سری که من انجام دادم، مخ زدن و دختر سوار کردن بود، ولی توی سری جدید که توی اینستا دیدم، خیلی کارای خاک بر سری بیش‌تری می‌تونن انجام بدی، مثلاً کازینو می‌رفتن، اونایی که گروهی بازی می‌کردن، یه سری رقص، رقص میله می‌کردن، بعد همه‌شون قرار می‌داشتن که هر کی زودتر مخ زد برنده است، من که خودم یکی، دوبار تهش مخ زدم، بیش‌تر دنبال کارای خشن بودم، حتی این سری جدید قشنگ توش رابطه دارن و نشون می‌ده.





- توی اینستاگرام همون گروهی که گفتی بازی می‌کردن گذاشته بودن؟
آره، یه تیکه‌هایش رو گذاشته بودن، ولی کاملش توی یوتیوب بود که دیدم خیلی خفن بود، البته شطرنجی کرده بودن (می‌خنده).



- شما این چیزها رو از کجا می‌دونی؟ درباره این کارهای خاک بر سری که گفتی.
این رو دیگه همه می‌دونن، همه.
- از کجا یاد گرفتی؟
بیش‌تر از دوستانم، ولی از همه جا می‌شه یاد گرفت دیگه الآن.
- می‌نشینید درباره‌ی این چیزها حرف می‌زنید؟
نه بابا، ولی می‌دونیم دیگه، اصلاً یادم نیست کی بود فهمیدم و این که چه طوری دقیقاً فهمیدم، به خودم اومدم دیدم می‌دونم (می‌خنده).
- گفتی دنبال کار خشن بودی، چه کار خشنی منظورت هست؟
اذیت و آزار مردم، مثلاً می‌زدم بهشون با ماشین زیرشون می‌کردم.
- حالا چرا مردم رو اذیت می‌کردی؟
طبیعت بازی همینه، دزدی ماشین، زدن مردم و با ماشین از روشون رد شدن.



- چون طبیعتش این هست، شما هم باید این طوری بازی کنی؟
 حال می‌ده، حالا توی واقعیت که این کار رو نکردم، حتی بین کاراکتر مورد علاقه‌ام هم قاتل حرفه‌ای بود.

- کاراکتر مورد علاقه‌ات کی بود؟
 اسمش سی جیه، خودش می‌گفت من یه قاتل سریالیم، البته برای محافظت از محله‌اش.



- برای محافظت از محله‌اش آدم می‌کشت؟
 آره، دشمناش رو می‌کشت، از هر زاویه نگاه کنی، سر تا پای بازی منفیه.
 - می‌دونی منفیه و بازی می‌کنی! دلیل علاقه‌ات به همچین بازی‌ای چی هست؟
 هیجان داره این بازی، رده‌بندی سنیم داره، بچه ۶، ۷ ساله جی‌تی‌ای بازی کنه، دیگه خدا رحمتش کنه، دیگه آدم سابق نمی‌شه، ولی بهتره بالای ۱۴، ۱۵ سال بازی کنن، ولی اصلاً خداست هیجانش.

- پس برای سن خودت بد نمی‌دونیش؟

نه، چون من می‌دونم این فقط بازیه، من نمی‌رم آدم بکشم و نمی‌ذارم روی روحیم تأثیر بد بذاره، ولی خون و خون‌ریزش برای سن پایین، آره می‌تونه بد باشه، خود منم این روزا زیاد بازی نمی‌کنم، درگیر درس، ترجیح می‌دم آنلاین نگاه کنم فقط.

- مادر و پدرت می‌دونن چه بازی‌هایی می‌کنی؟

می‌دونستن بازی می‌کنم، ولی نمی‌دونن دقیقاً چه جوریه بازی، سر درنمیارن، فکر می‌کنن فقط رانندگیه، چون من بازیای رانندگیم زیاد داشتم، اینم خب رانندگی و دزدی توش هست، برای همین دیگه دقیقش رو نمی‌دونن.

- یعنی نظارت ندارن یا اصلاً نپرسیدن؟
نه.

- چند ساعت رو به اینستاگرام اختصاص می‌دی؟

کلاس داشته باشم در حد یکی، دو ساعت، ولی گاهی شده که ۷، ۸ ساعت هم گوشی دستم بوده و توی اینستا بودم (می‌خنده)، گفتم خیلی زیاد بود قبلاً، الان کم‌ترش کردم تازه.

- انجام بازی جی‌تی‌ای تأثیری توی خوابت داشته؟

شبا توی جام گوشی که دسته، وقتی یه کلیپ، دوتا کلیپ می‌بینم، ساعت رو نگاه می‌کنم، می‌بینم ساعت ۳، ۴ شده، آره تأثیر داشته، چون اصلاً نمی‌دونم چه طوری ساعت می‌گذره، ولی شباییم که خوابم بیاد، می‌خوابم، نمی‌ذارم مزاحم خوابم شه.

- فرد خاصی هم هست توی اینستاگرام دنبال کنی؟

آره، تهی، یاس، هیدن همون خواننده‌هایی که گفتم دنبال می‌کنم، ولی بیش‌تر توی پیج مه‌راد هیدنم.

- بیش‌تر به اون علاقه داری؟
آره.

- چرا، دلیل این همه پیگیری چی هست؟

صداش فوق‌العاده هست، لایف استایلش فوق‌العاده هست، خودش رو به چالش می‌کشه، برای خودش چالش تعیین می‌کنه، یه آدم نرمالیه که زندگی فوق‌العاده‌ای داره.

- سبک زندگی‌ش چه طوری هست و چه چیزی توی اون جذبت کرده؟

ورزش می‌کنه، آهنگ می‌نویسه، یوتیوب کار می‌کنه، برای همه‌ی کاراش برنامه‌ریزی دقیقی داره، توی یکی از ویدیوهاش می‌گفت، آدم همیشه باید تلاش کنه که چیز جدید یاد بگیره.

- چه چالش‌هایی انجام می‌ده؟

یه مسابقه بود که شرکت کرده بود، یه مسیر ۴۲ کیلومتری رو دویده بود، ذهن باز و خوبی داره، فازش هم خاصه.



- به عنوان طرف‌دارش، این کارهایی که می‌کنه، تأثیری روی شما داشته؟

آره و سعی کردم کپی کنم ازش.

- از چه کاریش دقیقاً کپی کردی؟

نظمی که داره برنامه‌ریزی‌هاش، سعی کردم توی هر چیزی برنامه داشته باشم، مثلاً برای درسام و ورزشم چسبوندمش بالای تختم که چشم بخوره و بعضی وقتا مثل اون می‌رم می‌دوم، پیاده‌روی می‌کنم.

- به عنوان یک نوجوان کی رو الگوی خودت قرار می‌دی؟

هیدن رو الگو قرار می‌دم، چون همه چیزش خداس، تیپش، استعدادش، زندگیش که درباره‌اش گفتم، ولی هیچ جوهره توی کتم نمی‌ره هم‌سنای من، گروه بی‌تی‌اس رو الگو قرار می‌دن.

- از شون بدت میاد؟

آره، خیلی، هر کسم دورم باشه، فن‌شون باشه، بلاکه، از چیه این دخترنماها خوش‌شون میاد.



- چرا این قدر از شون بدت میاد؟

طرف دار زیاد داره، یه مشت دهه نودی، طرف هنوز دهنش بو شیر می ده، طرف دار ایناس، آخه ژاپنی (کره ای) سرتون می شه شماها، واقعاً بعضی چیزا خیلی بهم زور داره.

- اون بعضی چیزها که بهت زور داره، چی هست؟

این که توی خواننده های خودمون خیلی بهترشم هست که قیافه دارن، استعداد دارن، بعد می رن سراغ بی تی اس، نه مفهوم خاصی داره، نه صدا دارن.

- آهنگ های گروه بی تی اس رو گوش دادی؟

قبلاً یه کم گوش دادم، از نظر من بی معنی و بدون مفهوم بود، تازه یکی از اقوام مال طرف دارشونه، یه دختر ۱۵ ساله است، فالو داشتمش، استوری می داشت یکی از یکی داغون تر، منم پوکر بودم کلاً.

- از گروه بی تی اس می گذاشت؟

آره.

- چی بود که از دیدنش تعجب می کردی؟

یکی از اعضا رو گذاشته بود، نمی دونم کدوم شون بود، نوشته بود همسر آینده من، یه ساعت کامل داشتم می خندیدم، منم یه چند بار حالش رو گرفتم.

- چه کار کردی؟

من بیش از حد تنفر دارم از گروه بی تی اس، به خواسته همه احترام می دارم، ولی اینا رو نمی تونم، دیدم نمی شه با پیج خودم چیزی بگم، خوب فامیله، پیج فیک زدیم، با دوستم مهبد رفتم بهش پیام دادم.

- چی بهش گفتی؟

شوهرش رو مسخره کردم (می خنده)، گفتم از این برای تو شوهر درنمیاد، خودش زن زندگیه.

- اون چی گفت؟

کل کل کردیم، بعد بلاک کرد.

- شناختت؟

نه بابا، عکس یه پسر دیگه رو گذاشته بودم روی پروفایلم، از کجا بشناسه.

- عکس کی رو گذاشته بودی؟

توی اینستا پره، ولی من از عکس یکی از بچه های کلاس مون استفاده کردم.

- خودش می دونست؟

کی؟

- دوستت که عکسش رو برداشتی؟

نه، اگه می فهمید، دیگه هیچی.

- خوب چرا از عکس اون استفاده کردی؟

فامیل مون خوب من رو می‌شناسه، مه‌بدم می‌شناسه، چند بار با مه‌بید عکس گذاشته بودم، دیده بودش، مجبور شدم از عکس اون یکی دوستم استفاده کنم.

- اگه متوجه می‌شد چی؟

نه، الان همه این کار رو می‌کنن، کار بدی که نکردم، با عکسش در حد یه پیام بود، بعد پاک کردم، از اون پیجم دیگه استفاده نکردم، دوباره پیج زدم.

- یعنی این کار رو درست می‌دونی؟

کاری نمی‌خواستم بکنم، برای کارای بد که نمی‌خواستم و سریع پاک کردم پیج رو.

- پس پیج‌های دیگه‌ای هم داری؟

۲ تا دارم، با دوستم شریکی استفاده می‌کنیم.

- چه استفاده‌ای داره؟

واسه وقتی که می‌خواهیم از کسی اطلاعاتی درآریم، با پیج فیک می‌ریم جلو.

- اطلاعاتشون به چه درد می‌خورد؟

مثلاً درباره چیزی کنجکاو می‌شدم، این کار رو می‌کردم، مثلاً دختر پسرای که تازه باهاشون آشنا می‌شدیم، با پیج فیک پیگیرشون می‌شدیم، ببینیم کیا رو فالو کرده، چه جور آدمیه، یا با همون پیج پیام می‌دادیم، فاز دوستی برمی‌داشتیم باهاش که شخصیتش بیش‌تر بیاد دست‌مون.

- چرا با پیج خودت فالوشون نمی‌کردی و سعی نمی‌کردی باهاشون آشنا بشی؟

نمی‌شد، مثلاً مه‌بید با یه دختره آشنا شده بود، خوشش می‌اومد ازش، نمی‌تونست با پیج خودش بره دختره رو زیر نظر بگیره، امتحانش کنه، با پیج فیک راحت می‌تونی امتحانشون کنی.

- برای خودت پیش اومده بخواهی کسی رو امتحان کنی؟

آره.

- کی بود؟

یه دختره توی کلاس زبان‌مون، با پیج فیک بهش پیام دادم، ولی آدم درستی نبود.

- چه طوری متوجه شدی آدم درستی نبود؟

دوتا پیج فیک دارم دیگه، با دوتاش پیام دادم، با دوتاش گرم گرفت.

- این سری از عکس کی استفاده کردی؟

توی اینستا برداشتم عکس رو، نمی‌شناختمش، ولی سریع کارم که تموم می‌شه، برش می‌دارم.

- از پیج فیک فقط برای امتحان کردن و جمع کردن اطلاعات استفاده کردی یا با اون کارهای

دیگه هم کردی؟

نه، خدایی همینا بود، ولی دیدم که خیلی استفاده‌ها می‌شه کرد از پیج فیک.

- مثلاً چه کارهایی؟

بین دوستای مدرسم دیدم، پیج فیک زدن، از یکی که خوش شون نمی‌اومده آبروش رو بردن.

- چه طوری آبروش رو بردن؟

از عکساش استفاده می‌کردن، پیامی بد به این و اون می‌دادن، به بچه‌های مدرسه از طرفش پیام می‌دادن، همه فکر می‌کردن که اونه.

- به بچه‌های مدرسه پیام می‌دادن، از زیون اون چی می‌گفتن که آبروش بره؟

نمی‌دونم، حرفای زشت، فحش.

- چه طوری خودش خبردار نشد؟

فهمید، بعد چند روز من و مهبد بهش گفتیم، ولی دیگه پیجه رو پاک کردن بچه‌ها، از این کارا می‌کنن بقیه.

- پس شما رفتی بهش گفتی؟

آره، گناه داشت.

- شده خودت ناخواسته یا خواسته از این کارها بکنی، یعنی آبروی یکی رو توی اینستاگرام ببری؟

نه، دلم نمی‌خواد آبروی کسی رو ببرم، برای همین رفتم فوری بهش گفتم، ولی متأسفانه بچه‌های

ما بعضیاشون این‌طورین، اذیت می‌کنن و افتخارم می‌کنن.

- تا حالا شده توی اینستاگرام با یکی دوست بشی یا توی ارتباطات تأثیر داشته باشه؟

نه، من خوشم نیاد با یکی که ندیدمش دوست شم، فقط کسانی که از قبل می‌شناختم، توی

اینستا دارمشون، باهاشون چت می‌کنم.

- با دوستان خودت گروه دارید؟

آره، توی واتساپ و تلگرام گروه داریم.

- زیاد چت می‌کنی؟

آره، زیاد.

- توی روز مثلاً چند ساعت چت می‌کنی؟

بیش‌تر روز بیرون برم نت دارم، چت می‌کنم باهاشون، توی خونه هم کاری داشته باشم، کنارش

چت می‌کنیم.

- بیش‌تر درباره چی حرف می‌زنین؟

درباره‌ی همه چی، از هوا گرفته تا غذا، درباره‌ی امتحانای مدرسه‌مون، معلمون، الکی همه‌اش

حرف می‌زنیم، من اینترنت نداشته باشم سمت گوشی نمی‌رم، چون یا توی اینستا یا در حال چت.

- از وقتی که به من اختصاص دادی متشکرم.

خیالی نیست. خدافظ.

تأملی دوباره:

راد ۲۱ ساله، در مصاحبه خود درباره اثرهای کاربری از شبکه اجتماعی اینستاگرام، به مباحثی حول محورهای اثرهای آموزشی، اجتماعی، اخلاقی- تربیتی، اقتصادی، خانوادگی، روان‌شناختی، زیباشناختی، زیستی، زیست محیطی، سیاسی، عقیدتی و فرهنگی اشاره داشته است.

راد در مصاحبه خود در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در مسایل آموزشی کاربران، به مواردی مانند: تحقق آموزش فعال (نظیر یادگیری شخصی ادیت و ویرایش عکس‌ها و فیلم‌ها در اینستا)، افزایش آسیب‌زایی محیط مدارس و شکل‌گیری مدارس پنهان در بطن مدارس رسمی، در سطح خود و دوستانش اشاره داشته است.

راد در مصاحبه خویش در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در رفتار اجتماعی کاربران، به مواردی مانند: آزمون یکدیگر در فضای مجازی، وقوع شکاف بین نسلی، استقبال از نوعی از عصیان اجتماعی و شکل‌گیری هویت‌های جدیدی نظیر هویت پنهان، هویت جعلی و هویت دوپاره شده و نظایر آن‌ها، در سطح خود و دوستانش اشاره داشته است.

راد در مصاحبه خویش در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در رفتار اخلاقی کاربران، به مواردی مانند: تحولات ارزشی جامعه، نسبیت‌گرایی اخلاقی، افتخار کردن به از بین بردن آبروی دوستان و نظایر آن، اشاره داشته است.

راد ۲۱ ساله، در مصاحبه خویش در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در مسایل اقتصادی کاربران، به مواردی مانند: فضای کسب و کار موجود در اینستا و افزایش مصرف‌گرایی کاربران اینستا و نظایر آن، اشاره داشته است.

راد در مصاحبه خویش در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در مسایل خانوادگی کاربران، به مواردی مانند: مخفی کاری و دور زدن خانواده و خودسانسوری خویش در محیط خانواده، در سطح خود و دوستانش اشاره داشته است.

راد در مصاحبه‌اش در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در مسایل روانی کاربران، از بروز خلاقیت‌ها، تحقق عشق تخیلی در فضای اینستا، رخ نمودن اضطراب‌های نوپدید، فشار وارده بر خودسانسوری خویش در خانواده، یادگیری حل هیجان مدار مسایل، تبعات حذف سازوکارهای تهاجم شکن فضای مجازی، آسیب‌زایی روانی کاربری از اینستا و خاصه آسیب‌زایی روانی کژکاربری از این برنامه اشاره داشته است.

راد در مصاحبه‌اش در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در علایق زیباشناختی کاربران، به مورد توجه قرار گرفتن معیارهای زیبایی تبلیغ شده در غرب، اشاره داشته است.

راد ۲۱ ساله، در مصاحبه خود در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در مسایل زیستی کاربران، به مواردی مانند: اثرات آسیب‌زای استفاده مفرط از برنامه موبایل بنیان اینستا یاد کرده است.

مصاحبه شونده در مصاحبه خود در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در مسایل زیست محیطی کاربران، به ترغیب برخی از کاربران و صفحات اینستاگرامی مبنی بر ضرورت عطف توجه به مسایل محیط زیست، اشاره داشته است.

راد در مصاحبه خویش در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در رفتار سیاسی کاربران، به عدم تمایل به عطف توجه به مسایل سیاسی جامعه در سطح خود و دوستانش اشاره داشته است.

راد در مصاحبه‌اش در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در مسایل عقیدتی کاربران، به بی‌توجهی به مسایل عقیدتی، در سطح خود و دوستانش اشاره داشته است.

راد ۲۱ ساله، در مصاحبه خویش در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در علایق فرهنگی کاربران، به مواردی مانند: القاءات ارزشی بازی‌ها، اثرپذیری کاربران از القاءات مستقیم و غیرمستقیم بازی‌ها، رکاکت کلامی و تغییر واژگان مورد استفاده کاربران و در نهایت رنگ پر رنگ ناسزاگویی در بین جوانان که تداعی‌گر عصیان آنان در کلامشان است، در سطح خود و دوستانش اشاره داشته است.

اگر در زمینه مباحث مطرح شده در مصاحبه راد ۲۱ ساله، با ارجاع سایر محورهای مطرح شده به دیگر کتاب‌های مجموعه حاضر، توجه خود را صرفاً معطوف به ابعاد فرهنگی (که مورد بحث اثر حاضر است) کنیم، می‌توان بیان داشت، راد در مصاحبه خویش ضمن طرح مسأله القاءات ارزشی بازی‌ها، اثرپذیری کاربران از القاءات مستقیم و غیرمستقیم بازی‌ها را مورد تأکید خویش قرار داده است و از بازی‌های ویدیویی و دیجیتالی به عنوان عامل جدیدی در فرهنگ نوجوانان و جوانان یاد کرده است که آنان را تحت تأثیر خود قرار داده، معادلات فرهنگی آنان را بهم ریخته، معادلات جدیدی را به لحاظ فرهنگی فراروی آنان مطرح کرده و بدان‌ها دیکته می‌کند.

مصاحبه با مهشید، ۱۶ ساله

در روز ده، پونزده ساعت بازی می‌کنم، البته بستگی به حال هم داره، اگه حوصله‌ی بازی رو اون روز داشته باشم بیش تر.

- سلام.

سلام.

- حالت خوبه؟

متشکرم.

- اجازه می‌دی چند سوال از شما درباره‌ی چگونگی کاربری شما و دوستان تون از فناوری‌های ارتباطی جدید داشته باشم؟

باشه.

- اسم شما چی هست؟

مهشید.

- کلاس چندم هستی؟

کلاس دهم دبیرستانم.

- مهشید خانم برای من می‌گی که چند ساله که گوشی داری؟

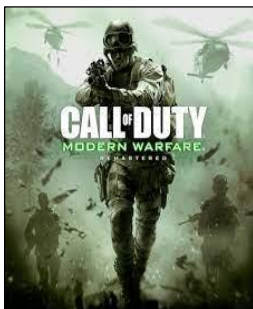
من ۴ ساله که گوشی دارم، البته قبلش تبلت داشتم.

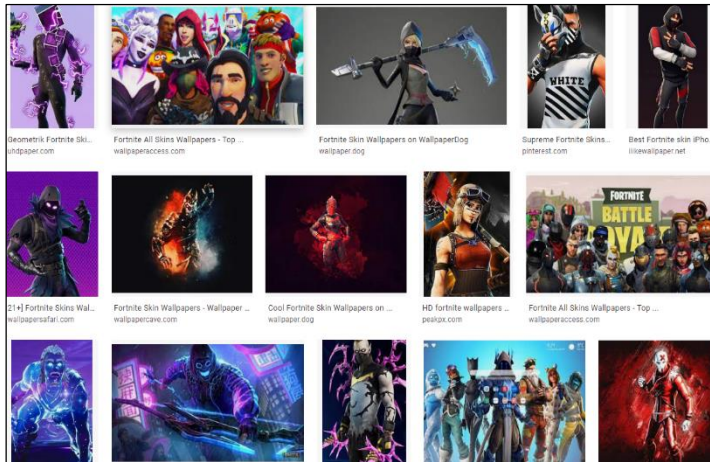
- روزی چند ساعت با گوشی کار می‌کنی؟

نمی‌دونم روزی چند ساعت باهاش کار می‌کنم، بعضی وقتا کم، بعضی وقتا هم زیاد، بستگی به مودم و حال هم داره (می‌خندد)، اگه نخوام هی اینستا رو چک کنم و منتظر پیامی نباشم، کم‌تر می‌رم توی اینستا و بیش‌تر بازی می‌کنم.

- چه بازی‌هایی می‌کنی؟

بیش‌تر کال آف و فورتنایت و رین بو سیکس، بازی می‌کنم.





- چند ساعت در روز بازی می‌کنی؟

(می‌خندد) در روز ده، پونزده ساعت بازی می‌کنم، البته بستگی به حالم هم داره، اگه حوصله‌ی بازی رو اون روز داشته باشم بیش‌تر، اگه با بچه‌ها بیرون برم و کار داشته باشم و مشغول اینستا باشم، کم‌تر وقت بازی دارم، من گیمر خوییم، قوی‌ام، چندتا اکانت فروختم تا حالا، من استریم هم هستم آخه، پول درمیارم از این راه.

- می‌شه توضیحش بدی؟

استریم کردن یعنی تو بازی کنی و در زمان بازی از خودت و نوع بازی و حرف‌ها و کارای فانت فیلم‌گیری و بذاری توی کانالت در توییچ و دیگران بیان و ببینن و خوش‌شون بیاد از گیمینگ تو. یه مدل هم هست که پولیه، من و بقیه بازی می‌کنیم و یه سری می‌بینن و اگه اونا خوش‌شون بیاد، برامون کارت به کارت می‌کنن، مثلاً من هدف می‌ذارم روی یه قیمتی، یه چالش راه می‌افتم که اون استریم به مبلغ مورد نظر باید برسه تا برم سراغ استریم بعدی، مثلاً یکی میاد می‌گه فلفل بخور توی بازی که ما تصویرت رو با وب کم ببینیم یا یه کار جالب بکن تا پولی رو که می‌خوای رو واریز کنیم.

منم اون کار رو انجام می‌دم تا پول رو بگیرم و برم استریم بعدی، توی پیجم خبر استریم رو می‌ذارم و بقیه میان و اون ساعت تماشا می‌کنن.

- الان پسر و دخترهای هم‌سن و سال، علاقه‌مند به این نوع بازی‌ها هستند؟
آره، اونایی که خورهای بازی ان، می‌رن دنبال استریم، الان خیلی‌ها معروفن توی ایران برای استریم‌هاشون، مثل کوروش و میاپلیز^۱ که الان کانادان، اونا هم استریم فارسی رو می‌رن، هم استریم‌های انگلیسی رو، میا چند ساله که موقع بازیش ویدیو می‌گیره از گیم پلی خودش و می‌ذاره توی توئیچ^۲. از پرتفردارترین کانال‌های استریم توئیچ، میا و کوروش توی یوتیوب هم خیلی فعالن و کلی ویدیو می‌ذارن اون‌جا هم، من دنبال شون می‌کنم و عاشق شونم. بازی مورد علاقه‌ی میا فورتناйте.



- پس به گفته‌ی شما خیلی از نوجوان‌ها هستند که دنبال بازی‌ها هستند، این کسانی که از شون اسم بردی کار و شغل شون همینیه و از این راه کسب درآمد می‌کنن؟
بله، مثلاً آریا کئوکسر^۳ که الان ترکیه هست ماهی ۵۰، ۶۰ میلیون تومان درآمد داره، کانال توئیچش خیلی پربازدید، ویدیوهاش کلی ویو می‌خوره و کاراش عالیه.



-
- ۱ - کوروش و میا زوج ایرانی ساکن کانادا هستند که بازی می‌کنند و از صفحه بازی خود فیلم می‌گیرند و استریم خود را در یوتیوب و توئیچ منتشر می‌کنند.
- ۲ - توئیچ یک پلتفرم برای پخش زنده‌ی بازی است. تمرکز اصلی این پلتفرم بر روی بازی‌های ویدیویی است. اما علاوه بر بازی می‌توان از پخش زنده‌ی موسیقی یا ابزار چت کردن با کاربران دیگر استفاده کرد. این پلتفرم از سال ۲۰۱۱ به صورت رسمی از کمپانی مادر خود جدا شد و به عنوان یک سرویس پخش زنده فعالیت خود را ادامه داد.
- ۳ - آریا رحمتی معروف به آریا کیوکسر یوتیوبر موفق ۲۴ ساله ایرانی است که ساکن ترکیه است. او درآمدی بالغ بر ۴۰ هزار دلار در ماه و تقریباً ۴۰۰ هزار دلار در سال دارد.

تاکسیک گرل اولین دختر استریم ایرانیه، هم خیلی حرفه‌ایه که بازی فورتنایت و رین بو سیکس رو بازی می‌کنه و استریمش رو می‌ذاره توی کانال و خیلی طرفدار داره.



اینایی که گفتم اکثرشون یوتیوبر هم هستن، مثلاً تاکسیک گرل و آریا با هم میان و استریم می‌کنن و بازی رو معرفی می‌کنن و در کل خیلی باحال‌ان.

- به نظر شما این روش خوبی برای کسب درآمد هست؟

آره، خیلی، الان دیگه مثل قدیم نیست که مادر و پدرها به بچه‌شون بگن اینقدر بازی نکن، بازی مگه به دردت می‌خوره؟ چیه این بازی که هیچ چی تهش نیست و از این حرفا...، الان گیمینگ یه صنعت بزرگه توی دنیا و همه دارن از این راه پول درمیارن و این خیلی خوبه که تو هم به بازی و عشقت برسی و هم به پول، کجاش بده؟ الان گیمینگ وقت تلف کردن نیست، شغله، کاره، مثل بقیه‌ی کارها، تازه خیلی هم سخته، چون خیلی‌ها توی دنیا دارن هر روز بازی می‌کنن و تو باید با همه‌شون رقابت کنی تا خوب و آماده باشی.

- به نظرت نمی‌شه از طریق ادامه تحصیل و کار کردن به پول رسید؟

مگه همه باید با درس خوندن به پول و شغل و امکانات برسن، کی گفته؟

همین کیودی پای^۱ فوق دیپلم دامپزشکی داشت، ولی درسش رو ول کرد و رفت، شش سال پیش از بلاگری شروع کرد و بعد یوتیوبر شد و خیلی خیلی معروف شد و از همین راه درآمد داشت، چند وقت که گذشت به خاطر تحریم‌های یوتیوب و گوگل برای کاربرای ایرانی، به مشکل خورد.

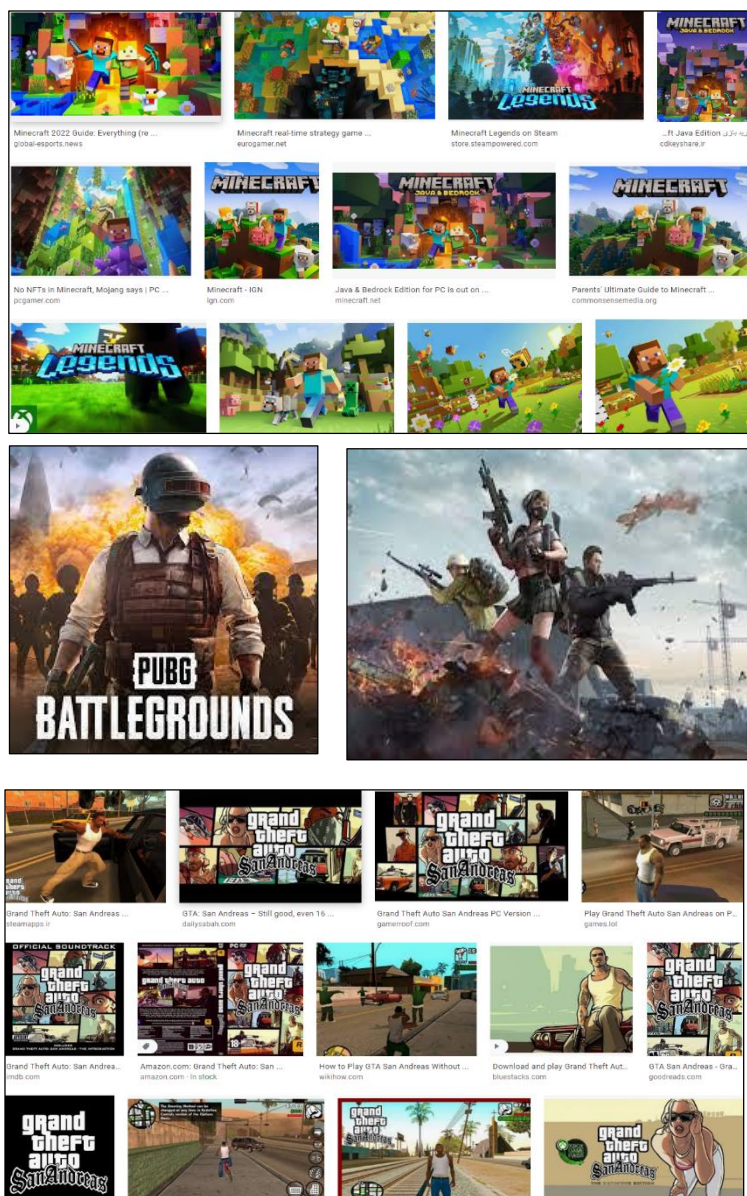


۱ - کوثر عزیزی ملقب به تاکسیک گرل متولد سال ۱۳۷۳ در ایران است. وی اولین دختر استریم ایرانی است و اکنون ساکن ترکیه است و قصد مهاجرت به کانادا را دارد. کوثر جزو ۵۰۰ بازیکن برتر بازی اورواچ است.

۲ - کیان سولقانی ملقب به کیودی پای یوتیوبر موفق ایرانی است که با تولید محتوای فان و گیمینگ با توجه به سلیقه مخاطبانش، به موفقیت‌های زیادی رسیده است.

یوتیوب پیج بیچاره رو به خاطر محتوای بالای هجده سال ردیسترکتند کرد و دیگه امکان پول درآوردن با تبلیغات رو ازش گرفت، ولی با این حال اون هنوز داره عالی ادامه می‌ده و براش مهم نیست، همیشه و هر هفته میاد و هفت تا ویدیو در هفته توی پیج یوتیوبش می‌ذاره که در مورد گیم و ری‌اکت‌های فان و خیلی چیزای بامزه‌ی دیگه هست.

توی توئیچ هم ۳۰۰۰ تا فالور داره و استریمینگ‌های عالی داره، توی بازی ماینکرفت و پابجی و جی‌تی‌ای، خیلی هم عالیه توی این بازی‌ها.



- اگر کسی بخواهد در صنعت استریمینگ مشغول بشه، باید ساعت‌های زیادی رو بازی کرده باشه و حرفه‌ای باشه. درسته؟

آره، صد در صد، البته هم گیمر باشه و هم مثلاً مثل کیو دی پای، باید توانایی‌هاش رو استریم کنه که جالب باشه و برای بقیه که می‌بینن فان باشه و جالب باشه و ادیت خوبی داشته باشه که سرگرم کننده باشه و سابسکرایبر زیاد توی یوتیوب داشته باشی، اگه ویدیوهاش بک‌گراند خوب و صدا و میکروفون و تصویر جالب نداشته باشه، کارت دیده نمی‌شه، چون الان رقابت خیلی زیاده باید حواست جمع باشه، وگرنه باختی.

- با این حساب باید وقت زیادی رو صرف یوتیوب و سایت‌های مختلف توی رسانه‌های اجتماعی کنی تا گیمرها و استریمرها و... رو دنبال کنی، وقت می‌کنی به کارهای روزمرهات برسی؟ (می‌خندد) درس‌هام که توی این دو سال آنلاین شده، البته خیلی به نفعمه، چون وقت کم‌تری می‌گیره و می‌تونم بیش‌تر بازی کنم، البته درس هم می‌خونم، ولی زمان کم‌تر، سر کلاس‌هام هم که آنلاینم، بقیه‌ی روز هم یا بازی می‌کنم یا با دوستانم چت می‌کنم.

- دوست‌های شما هم به استریم کردن مشغول هستن؟ نه خیلی، من خیلی با دوست‌هام در ارتباط نزدیک نیستم راستش، مخصوصاً توی این کرونا کم‌تر می‌ریم بیرون، بیش‌تر خونه و مشغول بازییم و استریم.

- با خانواده‌ات فرصت صحبت کردن و ارتباط رو داری؟ (می‌خندد) من مامان و بابام و برادرم رو اصلاً نمی‌بینم، هر کی توی اتاقشه و مشغول کار خودشه، کسی توی خونه‌ی ما به کار اون یکی کاری نداره خدا رو شکر، همه سرشون توی کار خودشونه، بابام که کلاً نیست و همه‌اش نمایشگاهه، مامانم هم که با دوستاش توی سفر و کویرگردی و صحراگردی و نجات محیط زیسته، می‌رن آشغال‌ها رو از محیط زیست جمع می‌کنن تا ایران رو از نابودی نجات بدن.

یه روز کمپین حمایت از حیوانات خانگی راه می‌اندازن، یه روز هم می‌رن خودشون رو می‌بندن به درختای جنگل که جنگل خوارها قطع‌شون نکنن و ساختمون نسازن، آخرشم یا باید با وثیقه از کلانتری و زندان این شهر و اون شهر درش بیاریم یا میان کتک‌شون می‌زنن و خفت‌شون می‌کنن و می‌فرستن شون خونه، (می‌خندد) بی‌کاره دیگه، باید وقتش رو پر کنه بالاخره.

برادرم هم دنبال مخ زنی دختر است توی اینستا و توئیتر و این‌ور و اون‌ور، فکر می‌کنه خیلی هم زرنگه، همیشه هم، همه قالش می‌ذارن و بهش... نشون می‌دن.

برای همین چون هر کدوم‌مون تخصص خودمون رو داریم، دنبال فضولی توی کار هم‌دیگه نیستیم، الان هر چی با بقیه ارتباط کم‌تری داشته باشی، توی خونه راحت‌تر می‌گذره برات روزا.

- در کارت چه قدر حرفه‌ای شدی؟

من خوبم، قوی‌ام توی فورتنايت و کال آف و بقیه‌ی بازی‌ها، تخصصم کال آفه.

- چه مدته داری کار می‌کنی؟

من الان دو ساله که حرفه‌ای استریم می‌کنم و پیجم هم داره به هزار نفر می‌رسه، توی یوتیوبم هم سابسکرایبر دارم همون قدر تقریباً، من حالا سنم کمه به نسبت غولای استریم، کم‌کم راه می‌افته دستم، من می‌خوام برم ترکیه اون‌جا کار کنم، الان اکثراً می‌رن ترکیه برای پیشرفت کارشون، این‌جا همه چی تحریمه، به درد نمی‌خوره کار کردن این‌جا، اون‌جا به دلار پولت رو می‌گیری، وقتی داری این همه زحمت می‌کشی.

- تا حالا شده کسی بیاد به شما پیشنهادهای خوب بده و بگه بیا فلان کشور تا کار کنی؟

آره تا دلت بخواد، بعضی‌ها تا قیافه‌ات رو ببینن سریع میان دنبالت، خیلی پیشنهاد داشتیم تا حالا برای کشورهای مختلف، مثلاً طرف سرمایه‌دار بوده، کارخونه‌دار بوده، گفته بیا این‌جا ساپورت می‌کنم از همه لحاظ. همه جوړه تأمینی اگه بیای این‌جا، من خیلی پیشنهادهای خوب رو رد کردم به خاطر سنم، مامانم نداشت، تقصیر اونه، وگرنه تا حالا صد باره رفته بودم، الانشم چندتا موقعیت خیلی عالی دارم، هم ترکیه و هم کانادا.

- پس خودت دوست داری بری، حتی تنها و بدون خانواده‌ات؟

آره، معلومه، با کله می‌رم، من این‌جا نمی‌مونم، این‌جا هیچ خبری نیست تهش، آره که تنها می‌رم، من ۱۶ سالمه، دو سال دیگه به سن قانونی می‌رسم، کسی نمی‌تونه برای من تعیین تکلیف کنه، خودم می‌گم باید با آینده‌ام چی کار کنم، زندگی و سرنوشت خودمه، خودم باید تصمیم بگیرم، مگه من می‌رم بگم که هر کسی باید چه جوړی زندگی کنه؟! این‌جا این جوړیه که همه تا... توی زندگی بقیه اند، وگرنه اون‌جا از این خبرا نیست، هر کی بخواد... بخوره می‌زنن توی دهنش.

- فکر می‌کنی کسانی که به شما، پیشنهادهای یک کار خوب و عالی رو می‌دن، همه‌شون قابل

اعتماد هستن؟

آره بابا، ته توی داستان‌شون رو درمیارم خودم همیشه، بودن یه‌سری هم که علاف بودن و... گفتن، ولی من خودم با واسطه‌هام پرونده‌شون رو کشیدم بیرون، من خر کسی نمی‌شم، چون توی بچه‌ها و دوستانم زیاد بودن کسانی که زود خر شدن و پا شدن و رفتن و هیچی به هیچی آخرش، من از دوستای نزدیکم، پا شد الکی الکی رفت خودش رو ضایع کرد، چه قدر هم استریم باحالی بود، هیچ چی دیگه آخرش خودکشی کرد اون‌جا و مُرد، برای هیچ چی، برای یه مُشت... .

- پس شما نمی‌خواهی بی‌گدار به آب بزنی، فکر می‌کنی اگه چند سال دیگه بگذره و سنت

بیش‌تر بشه همین نظرات رو داشته باشی؟

آره، تازه اون موقع با تجربه‌تر هم هستم توی کار و زندگیم و می‌تونم راحت‌تر و آزادتر باشم. من راهم رو پیدا کردم و می‌خوام همین جوری زندگی کنم، وقتی چند سال دیگه سنم بیش‌تر بشه و به بیست سالگی برسم، می‌خوام ببینم که تلاشم رو کردم برای موفقیت و هیچ وقت ناامید نشدم.

- تا حالا در فضای مجازی پیش اومده که کسی پیشنهاد دوستی به شما بده؟
منظورت پسره؟

- بله.

آره، زیاد بودن، از اون اول که پیجم رو راه انداختم، شروع کردن به دایرکتم پیام دادن، توی یوتیوب هم همین‌ها تا می‌بینن یه دختری داره کار می‌کنه و کارش داره می‌گیره، شروع می‌کنن به گیر دادن، منم به بعضی‌هاشون که می‌خوان... دربیارن، محل نمی‌ذارم. اما یه‌سری هم هستن که راه و هدف و کارشون مثل منه و منم خودم دوست دارم باهاشون حرف بزنم، فقط از روی بی‌کاری حرف زدن با یه نفر و وقت‌گذرونی و دوست شدن الکی، فرق می‌کنه با کسی که دوست داره از نقشه‌ها و مسیرت و قلبت بدوننه، من همیشه با کسی دوست می‌شم که بعدش حالم از حرف زدن باهاش به هم نخوره و پشیمون نشم از این‌که چرا باهاش حرف زدم. اکثراً الان پسرا دنبال یه چیزن، آدم حالش به هم می‌خوره که دنیا رو فقط توی یه چیز می‌بینن.

من می‌گم خوبه آدم حال کنه و خوش باشه و غصه‌ی چیزای الکی رو نخوره، ولی دیگه... قضیه رو درنیاره آدم، تا می‌گی بهشون سلام، می‌گن...، دیگه حالم بهم می‌خوره ازشون، به خاطر همین من این‌جور آدم‌ها رو سریع بلاک می‌کنم، اگه کسی مثل آدم خواست از استریم‌هام و کارم ایراد بگیره و حرف درست حسابی داشت، به حرفش گوش می‌دم و نظرم رو بهش می‌گم، ولی اگه خواست دهنش رو نگه نداره و... دربیاره، منم ریپورتش می‌کنم.

- در کارت از نقدهای مخالف استفاده می‌کنی؟

من اوایل که بچه‌تر بودم از انتقاد خیلی ناراحت می‌شدم، ولی الان یاد گرفتم، منطقی‌تر باشم و بدونم نظر مخالف ایده‌ی منم می‌تونه به درد بخور باشه، البته اگه حرف درستی توش باشه، یه وقتایی طرف فقط میاد و به ظاهر و آرایش و هیكلت گیر می‌ده و اصلاً کارت واسش مهم نیست، این‌جور آدم‌ها... دارن، ولی یکی هم میاد می‌گه استریمت توی این قسمت و این قسمت مشکل داره یا این‌جا رو درست نگفتی یا اطلاعات ناقصه یا فلان کلمه رو اشتباه تلفظ کردی و از این‌جور چیزا. من اینا رو راحت قبول می‌کنم، ولی اون دسته‌ی اول رو نه، بهم فحش بدن، بدترش رو بهشون برمی‌گردونم و بعد هم بلاک، من زیاد از این داستان‌ها داشتم (می‌خندد).

- شما خودت چه قدر با این بحث که آیا می‌شه که در سن کم برای بچه‌ها موبایل تهیه کرد یا نه، موافق هستی؟

به نظر من الآن دیگه با این وضع همه‌ی بچه‌ها توی کل دنیا و توی هر سنی می‌تونن موبایل داشته باشن، چون اگه نداشته باشن، مثل اینه که پای راه رفتن ندارن. البته الآن بچه‌ی دو ساله هم تبلت و گوشی داره این‌جا، ولی به نظر من از همون ۶ سالگی که می‌خواد بره مدرسه، لازمه که داشته باشه، چون همه کارهامون رو داریم با گوشی و نت انجام می‌دیم.

- وقتی چند سال قبل والدینت می‌خواستن برایت تبلت یا گوشی بخرن، حد و مرزی هم برایت تعیین کردن که چه طور و چه قدر ازش استفاده کنی؟

(می‌خندد) نمی‌دونم... نه، فکر نکنم، چرا البته، مامانم روزای اول می‌گفت مهشید روزی ۱ ساعت بازی کن با تبلت، منم گفتم باشه و روزی یک ساعت شد ۱۰ ساعت، پیشرفت کردم توی ساعت، آخه یک ساعت چیزی نیست که، من اون موقع فکر کنم ۶ سالم بود که برام تبلت خرید مامانم، تازه شروع کرده بودم به بازی کردن، ماینکرفت بازی می‌کردم، برای این‌که دستم راه بیفته ۱۰ ساعت هم کم بود، آویزون تبلتم بودم اون موقع‌ها، یادمه غذا نمی‌خوردم یا سریع یه چیزی می‌خوردم که سریع برم دنبال بازی، یه عالمه وزنم کم شد بعد از چند ماه (می‌خندد)، من از این خوره بازی‌ها بودم، دوستانم بهم می‌خندیدن، می‌گفتن تو اصلاً هیچ چی حالت نیست غیر از بازی، ولی برای من مهم نبود حرفای کسی، اگه به حرفاشون اهمیت می‌دادم، الآن این‌جا نبودم.

- از جایگاهی که الآن داری راضی هستی؟

آره، خوبه حالم الآن، ولی بازم دنبال پیشرفتم، اما می‌دونم با ۱۶ سال سن، جای خوبیم.

- احساس خوشبختی و آرامش داری؟

احساس خوشبختی زیادی نمی‌کنم فعلاً این‌جا، چون این‌جا نمی‌شه به هدفی که می‌خوام برسم. آرامش هم، یه روزایی دارم، یه روزایی ندارم، اصلاً مگه می‌شه این‌جا با این چیزایی که می‌شنوی و می‌بینی هر روز آرامش داشته باشی، جهنمی که همه می‌گن، همین جاست که ما داریم توش دست و پا می‌زنیم، هر کی این‌جا می‌مونه مجبوره، هیچ کس نمی‌خواد همچین جای آشنایی زندگی کنه که عین زندانه و تو هم زندانی‌شی.

- فکر می‌کنی روزی که از ایران بری حس بهتری می‌شه؟

آره، حتماً، معلومه که بهتر می‌شه، من تا حالا با خانواده‌ام زیاد رفتیم مسافرت و کشورهای مختلف رو دیدم از بچگی، توی کوچیک‌ترین کشورها هم که امکانات خیلی زیادی نداشتن هم، مثل این‌جا بدبخت و بیچاره نمی‌بینی، این‌جا آدم پول‌دارش هم داره با اعصاب خراب زندگی می‌کنه، چه برسه به اون بیچاره‌ای که نداره، هیچ کشوری به داغونی این‌جا ندیدم من.

این‌جا پر از استعداد و هوشه، ولی کسی اهمیت نمی‌ده، الآن فقط سود خودشون و زندگی خودشونه که مهمه، نه مردم.

- دوست نداری که خانواده‌ات هم با شما مهاجرت کنن و در کنارت باشن؟

اگه خودشون بخوان می‌تونن بیان، اگه هم دوست نداشته باشن که من نمی‌تونم مجبورشون کنم به اومدن، هر کسی آزاده خودش تصمیم بگیره برای زندگیش، من خودم می‌تونم زندگیم رو بچرخونم و به کسی احتیاج ندارم، همه فکر می‌کنن، چون من ۱۶ سالمه، پس خرجم رو بابا و مامانم می‌دن و منم نشستم توی خونه و بازی می‌کنم و بی‌کارم، نمی‌دونن که من دارم با بازی کردنم، پول درمیارم و هزارتا دوست و آشنا با همین بازی کردن، همه جای دنیا پیدا کردم، من همین الان هم می‌تونم، بدون این که مامان و بابام کمکم کنن و پولی خرج کنن و وکیل بگیرن برام، برم هر کشوری که دلم می‌خواد زندگی کنم.

بابام هم حرفی نداره، مامانم نمی‌ذاره من برم، می‌گه صبر کن سنت بیش‌تر بشه، فکر می‌کنه دو سال دیگه من پشیمون می‌شم از رفتن، من چند ساله که می‌گم می‌خوام برم، اینا فکر کردن من بچه‌ام و شوخی می‌کنن، حرفم رو جدی نگرفتن، الان دیگه فهمیدن من کوتاه نیام، من امروز، فردا که کارم رو ردیف کنم می‌رم، هر چی بیش‌تر این‌جا بمونم، حالم بدتر می‌شه.

- فکرت رو کردی اگه بری اون‌جا به تنهایی و بی‌نی اوضاع جواری نبوده که شما فکرت رو می‌کردی، چی می‌شه؟

آره، فکرت رو کردم، اگه رو دست بخورم از کسی و شرایطم اون‌جوری که الان فکرت رو می‌کنم، اون‌جا پیش‌نره، خیلی راحت زنگ می‌زنم به بابا و مامانم و می‌گم پول می‌خوام برای زندگیم و اونا هم چون من بچه‌شونم مجبورن ساپورت‌م کنن، به همین راحتی (می‌خندد). چون من اون‌جا کلی دوست و رفیق هم دارم، هیچ وقت تنها نمی‌مونم خلاصه، همیشه یکی هست پیشم، الانم می‌خوام به احتمال زیاد با دوست پسرم برم اون‌جا.

- دوستت هم مثل شما خانواده‌ای داره که ازش حمایت مالی بکنن؟

آره، مشکلی ندارن خانواده‌اش، اونم گیر سربازیشه، وگرنه تا حالا رفته بود، خانواده‌اش همه‌شون اون‌جان،

غیر از خودش و خواهرش که کارشون گیره، ولی دارن کاراشون رو ردیف می‌کنن که برن، منم منتظر اونم بیش‌تر که کارای خودش رو ردیف کنه تا با هم بریم، وگرنه من می‌تونم جدا برم و اونم جدا بیاد، ولی قرارمون اینه که با هم بریم.

- خانواده خودت در جریان هستن که با دوستت قصد داری بری، مشکلی از این بابت ندارن؟

آره، در جریان ان، مشکلی ندارن.

- اون‌جا ادامه تحصیل می‌دی؟

آره، می‌خوام کامپیوتر بخونم یا یه رشته‌ی مربوط به طراحی بگیرم.

- در حال حاضر داری چه رشته‌ای در دبیرستان می‌خونی؟

کامپیوتر می‌خونم.

- به رشته خودت علاقه‌مند هستی؟

آره، رشته‌ام رو که دوست دارم، ولی این‌جا کشش نداره این رشته‌ها، این‌جا بهت کار یاد نمی‌دن، یه مشت تئوری به درد نخور، عملی خیلی ساعتی کمی کار می‌کنیم، کافی نیست، اما وقتی برم اون‌جا همین رشته رو که بخونم کلی کار وجود داره، در هزار زمینه که بخوام برم و مشغول بشم.

- دوست داری ۵ سال دیگه در چه موقعیتی باشی؟

۵ سال دیگه کشور مورد علاقه‌ام زندگی عالی داشته باشم و شغلم رو هم داشته باشم، پیجم میلیونی سابسکرایبر داشته باشه، از استریم‌رای خیلی خیلی معروف باشم که کلی طرفدار داره، با دوستم البته، چون اونم خیلی خوبه توی استریمینگ و با دوستم زندگی کنیم و خلاصه حال کنم.

- حرفی داری که دوست داشته باشی بگی؟

این‌که همه ما یه روز می‌میریم و نمی‌دونیم اون روز چه وقتی، پس بهتره جوری زندگی کنیم که بهمون خوش بگذره، همین.

- ممنونم مهشید برای وقتی که گذاشتی، موفق باشی.

مرسی، شما هم.

تأملی دوباره:

مهشید ۱۶ ساله، در مصاحبه خود درباره اثرهای کاربری از شبکه اجتماعی اینستاگرام، به مباحثی حول محورهای اثرهای آموزشی، اجتماعی، اخلاقی - تربیتی، اقتصادی، خانوادگی، روان‌شناختی، زیباشناختی، زیستی، زیست محیطی، سیاسی، عقیدتی و فرهنگی اشاره داشته است.

مهشید در مصاحبه خود در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در مسایل آموزشی کاربران، ضمن ضروری ندانستن تحصیل و طی دوره آموزش عمومی، به نقش آموزشی اینستا، اشاره داشته است. مهشید در مصاحبه خویش در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در رفتار اجتماعی کاربران، به مواردی مانند: جهانی‌اندیشیدن، نقد اجتماعی، کاهش تعاملات اجتماعی، نقد روابط دختر و پسر در جامعه، تمایل به مهاجرت و نظایر آن، در سطح خود و دوستانش اشاره داشته است.

مهشید در مصاحبه خویش در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در رفتار اخلاقی کاربران، از بی‌بهاء بودن اخلاق در جامعه، یاد کرده است.

مehشید ۱۶ ساله، در مصاحبه خویش در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در مسایل اقتصادی کاربران، به مواردی مانند: کارآفرینی، ایجاد مشاغل جدید در بستر مجازی و امکان کسب درآمد از اینستا، اشاره داشته است.

مehشید در مصاحبه خویش در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در مسایل خانوادگی کاربران، به مواردی مانند: تحولات ارزشی خانواده، کاهش تعاملات خانوادگی، تقلیل خانواده به جایی برای حضور فیزیکی اعضای خانواده و جایگزین کردن دوست پسر به جای خانواده، در سطح خود و دوستانش اشاره داشته است.

مehشید در مصاحبه‌اش در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در مسایل روانی کاربران، به مواردی مانند: ارتقای اعتماد به نفس، ارضای هیجان‌جویی در بستر اینستا، وابستگی و اعتیاد به بازی‌های دیجیتالی، پرخاشگری الکترونیکی و وابستگی و اعتیاد به بازی‌های دیجیتالی، در سطح خود و دوستانش اشاره داشته است.

مehشید در مصاحبه‌اش در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در علایق زیباشناختی کاربران، از کپی‌برداری از الگوهای مطرح در فضای مجازی یاد کرده است.

مehشید ۱۶ ساله، در مصاحبه خود در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در مسایل زیستی کاربران، به مواردی مانند: بد شدن تغذیه و کاهش وزن خویش، اشاره داشته است.

مصاحبه شونده در مصاحبه خود در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در مسایل زیست محیطی کاربران، به تمسخر دغدغه‌های محیط زیستی، طرح برخی از واقعیات زیست محیطی و ترغیب برخی از کاربران و صفحات اینستاگرامی مبنی بر ضرورت عطف توجه به مسایل محیط زیست، اشاره داشته است.

مehشید در مصاحبه خویش در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در رفتار سیاسی کاربران، در چند مورد دست به نقد سیاسی نظام زده است.

مehشید در مصاحبه‌اش در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در مسایل عقیدتی کاربران، از پذیرش اندیشه لذت‌طلبی در زندگی توسط خودش، یاد کرده است.

مehشید ۱۶ ساله، در مصاحبه خویش در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در علایق فرهنگی کاربران، به مواردی مانند: عرصه سرگرمی شدن اینستا، القای ارزش‌های فرهنگی، عقیدتی و سیاسی توسط بازی‌ها و رکاکت کلامی برخی از کاربران (از جمله خودش)، اشاره داشته است.

اگر در زمینه مباحث مطرح شده در مصاحبه مهشید ۱۶ ساله، با ارجاع سایر محورهای مطرح شده به دیگر کتاب‌های مجموعه حاضر، توجه خود را صرفاً معطوف به ابعاد فرهنگی (که مورد بحث اثر حاضر است) کنیم، می‌توان اظهار داشت، مهشید در مصاحبه خویش بیان داشته است، وی با علاقه به بازی‌های دیجیتالی، در اندیشه استریم شدن و کسب درآمد از این طریق است.

مehشید که با بیان صرف وقت‌های ۱۰، ۱۵ ساعته برای بازی و ترجیح بازی به غذا خوردن (که باعث کاهش وزن وی شده است)، در عمل علایم بارزی از اعتیاد و وابستگی به بازی‌های دیجیتالی را در خود نشان می‌دهد، هم‌زمان با نقدهای جدی که به خطامشی‌های نظام در زمینه‌های فرهنگی، اجتماعی و سیاسی دارد، رکاکت کلامی گسترده‌ای را در بیانات خویش به معرض دید می‌نهد که ماحصل نفرت وی از شرایط فرهنگی - اجتماعی موجود کشور و همین طور کاربری بی‌حد و حصر وی از بازی‌های دیجیتالی است که فحش و ناسزا، قسمت مهمی از آن را تشکیل می‌دهند.

مehشید در فراز دیگری از طرح افکار خویش، دوست پسرش را جایگزین خانواده می‌داند و در اندیشه مهاجرت با وی به کشور دیگری است تا توأمان ضمن تحقق استریم شدن، از فضای فرهنگی - اجتماعی ایران معاصر بگریزد.

مصاحبه با کوثر، ۲۴ ساله

خب به نکته‌ای که درباره نازنین هست، اینه که عادت ماهانه‌اش خیلی زود و از ۹ سالگی شروع شد.

- سلام کوثر.

سلام.

- چه مدته از اینستاگرام استفاده می‌کنی؟

حدود ۵ ساله، از همون اول که توی ایران معروف شد، منم نصب کردم.

- چی باعث شد که سمت اینستاگرام بری؟

جذابیت بالایی داره و عمده جذابیتش هم به خاطر اینه که از نوع مدیای تصویری کوتاهه و خیلی سرگرم کننده هست.

- تقریباً روزی چند ساعت ازش استفاده می‌کنی؟

درست‌تر اینه که پرسی روزی چند ساعت استفاده نمی‌کنم. قبلاً کم‌تر بود، اما به از بعد کنکور ارشدم و این مدت که منتظر نتایج بودم، روزی ۷ الی ۸ ساعت اون‌جا هستم و دیگه بهش معتاد شدم.

- این استفاده زیاد در روز چه اثراتی روی شما داشته؟

وقتم رو خیلی می‌گیره، گاهی به کارهام نمی‌رسم، اما خیلیم خارج از کنترلم نیست.

- به نظرت سنی که کاربری از اینستاگرام رو شروع کردی، زمان مناسبی بود؟

آره، به نظرم زمان مناسبی بود، چون دقیقاً موقع ورودم به دانشگاه بود و زمان کسب تجارب جدید و شناخت آدم‌ها. اما خب از یک جهت بد بود، من دبیرستان چون موبایلم ساده بود، زیاد درگیر موبایل نبودم و زیاد درس می‌خوندم، اما توی دانشگاه به خصوص ترم‌های اول زیاد به درس کاری نداشتم و حواسم بیش‌تر به اینستا بود، عملکرد درسیم اومد پایین.

- به نظرت استفاده از اینستاگرام، امروزه از یک سنی به بعد ضروری هست؟

می‌شه گفت ضروری نیست، حتی نبودش مفید هم هست. اما خب بازم گاهی اوقات عدم استفاده ازش یک جورایی تو رو پشت کوهی معرفی می‌کنه، البته خیلی این مشکل اساسی نیست، اما خب به هر حال برای ارتباط با اجتماع یک مدیای قدرتمنده، به نظرم استفاده ازش برای والدین خیلی مفیده، چون با دیدن مطالب متوجه جو غالب بر جامعه می‌شن، در نتیجه رابطه‌هاشون با بچه‌ها صمیمی‌تر و هم‌دلانه‌تر می‌شه.

- نظر خانواده‌ات اون موقع که شروع به استفاده از اینستاگرام کردی، درباره‌ی اینستاگرام چی بود؟

نظری نداشتند، چون هنوز کامل آشنا نبودند با اینستاگرام، اما کلاً توی اون سن، کم پیدا می‌شه خانواده‌ای که خودش رو درگیر این جور مسایل کنه، در کل سن استقلال از خانواده هست اون زمان، اما در کل چه اون زمان، چه الآن، نظرشون به استفاده کم‌تر از گوشیه، ولی با اینستا مستقیم کاری ندارن.

- نظر خودت درباره‌ی اینستاگرام چی هست؟

به نظرم خیلی سرگرم کننده و اعتیادآور، جنبه مفید خاصی نداره، خیلی مواردش آسیب‌زا هست و حتی احتمال درست بودن بعضی اطلاعاتش ۵۰، ۵۰ هست، چون مرجع دهی به منبع اطلاعات درست انجام نمی‌شه و عموماً منبع قابل دسترسی نیست.

- یعنی می‌گی ممکنه این اطلاعات اشتباه و آسیب‌زا باشه، خودت نمونه‌ای دیدی؟

بله، رواج اخبار زرد و دروغ، شایعات، تجمل‌گرایی شدید، مصرف‌گرایی، پرخوری، استفاده از کودکان برای نمایش محصولات و تبلیغات، سوءاستفاده از شرایط بحرانی به اسم خیریه‌ها و صد مدل دیگه، به نظرم افراد زیادی بدون این که بدونن تحت تأثیرش قرار می‌گیرند.

- خوب بیا یکی یکی بررسی‌شون کنیم، نظرت درباره اخبار زرد چی هست؟

درسته که بی‌معنی هستند اغلب اوقات، اما بازم سبک فکر آدم‌ها رو تحت تأثیر خودشون قرار می‌دن و باعث بدگمانی به مسایل مختلف می‌شه.

- می‌تونی مثال بزنی؟

بله، مثلاً صحبت‌هایی که از کلاه‌برداری‌های اینترنتی می‌شه، کاملاً نظر افراد رو به خرید اینترنتی بد می‌کنه یا مثلاً روان‌شناسی زرد که جدید رواج پیدا کرده و خیلی مخربه، الآن دقیق یادم نیست، اما در زمینه روابط زناشویی انواع و اقسام مشاوره‌ها داده می‌شه که اگه کسی واقعاً ازشون نتیجه خوب بگیره عجیبه.

- کسی رو می‌شناسی که زندگیش به خاطر این مشاوره‌ها دچار مشکل شده باشه؟

یک‌سری پست‌های مثلاً انگیزه بخش هستند که می‌گن مشکلاتت رو به فراموشی بسپار، جدیش نگیر و با وجود مشکلات بهشون بخند و فلان فلان فلان. من یه دوستی دارم که ازدواج کرده و سال پیش بچه‌اش را سقط کرد، یه مدت حالش خوب نبود، اما افسردگی نداشت. به پیشنهاد یه نفر برای این که حالش خوب بشه یه‌سری زده بود به مطالب یک چنین پیجی، با دیدن این مطالب این‌طور بهش القا شده بود که این مشکلش مشکل خاصی نیست و این شلوغش کرده، مشکلش و کنار نیومدنش به خاطر اینه که آدم سست و ضعیفیه و این جور حرف‌ها، این تلقینات باعث شده شدید حالش بد بشه و افسردگی شدید بگیره. اگه یه کم دور رو برش رو خالی کرده بودن خانواده‌اش و از نظر روحی ازش حمایت نکرده بودند، ممکن بود حتی دست به خودکشی بزنه.

- تا به حال خودت یا کسی از اطرافیانت با کلاهبرداری‌ها روبه‌رو شدین؟

بله، موردی پیش اومد که حتی جنس رو ارسال نکردند و جواب‌گو هم نبودند بعد از واریز پول. یک بار هم لباسی کاملاً متفاوت از آن‌چه سفارش داده شده بود ارسال شد، همین‌ها باعث می‌شه مردم به اصل خرید اینترنتی بی‌اعتماد بشن، در حالی که به خصوص توی شرایط الان جامعه خیلی می‌تونه این نوع خرید خوب باشه.

- درباره شایعات چه طور؟

شایعات بیش‌تر در زمینه سیاسی و اقتصادی آثار زیادی داره، مثلاً یهو یه خبری پخش می‌شه که فلان کالا یا خوراکی از فردا گرون می‌شه، مردم هجوم می‌برن سمت اون کالا که تا گرون نشده بخرن و همین مسأله تعادل عرضه و تقاضای اون کالا رو کاملاً بهم می‌زنه، قیمت خواهی نخواهی بالا می‌ره یا مثلاً در زمینه بنزین، هفته‌ای یک بار خبر گرون شدنش پخش می‌شه، صف پمپ بنزین در عرض یک ساعت پر می‌شه، البته ممکنه اهداف سیاسی هم پشت این موارد باشه، مثلاً خود دولت برای افزایش قیمت محصولاتی مثل بنزین و گاز و... که انحصار فروشش دست خودشه، این‌ها رو راه اندازی کنه.

- در زمینه اجتماعی و فرهنگی شایعات اثر گذار نیستند؟

فکر نکنم چنین اثراتی داشته باشه یا حداقل من باهاش روبه‌رو نشدم، شاید در زمینه زندگی اجتماعی فردی که شایعه درباره اون هست اثر گذار باشه، اما اثر خاص دیگه‌ای نداره. مثلاً شایعه می‌شه، فلان فرد با فلان فرد رابطه داشته و فلان و بهمان شده، البته اغلب درباره افراد مشهور این اتفاق می‌افته و ممکنه زندگی اجتماعی یک فرد بهم بخوره و حریم شخصیش از بین بره. البته از یک سمت دیگه هم می‌شه بررسیش کرد، این شایعات درباره روابط به اصطلاح نامشروع افراد با هم یا تجاوز فلان بازیگر به فلان شخص، باعث عادی نمود پیدا کردن این مسایل توی جامعه می‌شه و افراد ناآگاه و صد البته کوچک‌تر ممکنه این رفتار رو الگوبرداری کنند.

- در اطرافت چنین مسایلی رو دیدی؟

این‌که روابط جنسی بین دختر و پسر عادی شده رو بله دیدم. خیلی از دوستان هستن که خیلی عادی این روابط رو برقرار می‌کنند.

- نظر شما درباره این روابط چی هست؟

به نظرم اگه در جامعه پذیرفته بشه خیلی عالیه، اما تا زمانی که پذیرفته نشه نباید اتفاق بیفته، چون حقیقتاً تنها فردی که آسیب می‌بینه این وسط دختره، نمی‌دونم ربطی به صحبت‌مون داره یا نه، ولی یه اتفاق بامزه در همین موارد چند روز پیش، پیش اومد. ما دوره دبیرستان یه اکیپی بودیم سه‌تا از بچه‌ها دوست پسر داشتند و با هم عتایی زیاد بیرون می‌رفتند، کلاً دو سال هر شب بیرون بودند با هم، بعدم هر کدوم دونه دونه کات کردند رفتند سر زندگیاشون. چند روز پیش برای یکی از

همون دوستام خواستگار اومده بود، از شانس دوست من خواستگارش دوست پسر اون یکی دوستم دراومد، خلاصه که دوست من گفت چنین کاری درست نیست و می‌خواست جواب منفی بده، ولی مامان پسر زودتر زنگ زده بود گفته بود، پسر من گفته با دختری که از قبل با کسی رابطه داشته ازدواج نمی‌کنه، البته دیگه چنین آدمایی کم پیدا می‌شه و تقریباً نسل جدید با این مسایل کنار اومدن، ولی بازم پیدا می‌شه این مدل آدم.

- الان گفתי نسل جدید با این مسایل کنار اومده و به هر حال این یک نوع تغییرات در طی نسل‌ها هست، به نظرت تغییرات و گسست نسلی تا چه میزان از اینستاگرام اثر گرفته؟

خیلی زیاد، چون ما از طریق اینستا اطلاعات و موارد جدید رو خیلی سریع دریافت می‌کنیم و از چیزای مختلف خیلی راحت مطلع می‌شیم، همین اطلاعات زیاد باعث می‌شه ما تا حد زیادی نسبت به مسایل مختلف دور و برمون بازتر و پذیراتر باشیم. اما خانواده‌هامون تقریباً زیاد با فضای مجازی و اینستا کاری ندارن و خب همین باعث تفاوت‌ها می‌شه، این عقب بودن زیاد بین خودمون و خانواده‌هامون حس می‌شه، این گسست هر روز زیادتر می‌شه، چون هی چیزای جدید میاد که ما سریع خبردار می‌شیم ازش، اما اونا نه.

- آیا این مسایل مشکلی در رابطات با اون‌ها به وجود میاره؟

میل به ارتباط با اون‌ها در من کم شده، چون می‌بینم واقعاً چیز مشترکی با هم نداریم که راجع بهش صحبت کنیم.

- از اثرات اینستاگرام بر تجمل‌گرایی هم صحبت کردی، می‌شه این مورد رو بازتر کنی؟

اینفلوئنسرها و افراد مشهور سبک زندگی شون رو در اینستا به نمایش می‌ذارن و اغلب این سبک زندگی تجملاتیته. سالی دو الی سه بار سفر خارجه می‌رن، غذاهای جدید و متنوع و جور واجور می‌خورن، هر روز لباس‌های جدید و یا حتی وسایل بی‌مصرف جدید رو به نمایش می‌ذارن، البته بسیاری از این‌ها طبیعیه چون کارشون تبلیغاته. ولی خب به هر حال روی مخاطب‌ها اثر می‌ذاره، فکر می‌کنن زندگی خوب و شاد یعنی یک چنین چیزهایی، از طرف دیگه هم پیج‌های فروش کالا این قدر زیاده که با کوچک‌ترین تلاشی می‌تونی هر آن‌چه که می‌خوای رو داشته باشی، همین باعث می‌شه افراد به سمت تجمل‌گرایی برن و لازمه این تجمل‌گرایی هم مصرف‌گراییه. یه جوکی بود می‌گفت این روزا همه مدل بالاترین گوشی رو می‌خرن، اما لنگ شارژ پولی اون گوشی ان، واقعاً چنین چیزی هست. ما تابستون رفتیم یکی از روستاهای دور و بر اصفهان، باورت نمی‌شه اگه بگم آدم‌ها از ما شیک‌تر بودن، همه لباس شیک و کاملاً غیرسنتی پوشیده بودن، جالب‌تر از همه یه مردی بود که داشت با الاغ می‌اومد، ولی گوشی آیفون داشت. البته نمی‌گم همه این‌جوری ان، من نیستم، کلاً سبک زندگی آدم‌ها تغییر کرده، من خودمم همین‌طورم، اطرافیانم هم همین‌طور. به هر

حال چیزیه که واقعاً روی جامعه اثر زیادی داشته و به عنوان مد روز بهش نگاه می‌شه و هر روزه در حال تغییر هست.

- به پرخوری هم به عنوان یکی از اثرات اینستاگرام اشاره کردی، می‌تونی شرحش بدی؟
یک سری پیج‌هایی جدیداً اومدن مثل مستر فود و مستر تیستر و اینایی که می‌رن این طرف اون طرف و چیزهای عجیب غریب و متنوع و زیاد می‌خورن، آدم رو وسوسه می‌کنه بره اون‌جا و اون غذاها رو بخوره، از طرف دیگه هم یک سری ویدیوهایی چند وقته زیاد دیده می‌شه، یه نفر یه عالمه غذا می‌خوره و صدای دهن‌شون میاد که برای بعضیا اشتها آورده، خب دنبال این خوراکی‌ها می‌گردن و اینا. همین مسایل باعث پرخوری می‌شه و به خصوص توی شش ماه اول قرنطینه که آدم‌ها خونه‌نشین بودن، اولاً بیش‌تر اینا رو می‌دیدن و خوراک‌شون بیش‌تر شده بود، از طرف دیگه فعالیت بدنی کمی داشتن و خلاصه که اضافه وزن زیاد شد اون دوره در اطرافیان من.



- به یک مسأله جالب اشاره کردی، گفتی از کودکان برای تبلیغات و نشون دادن خودشون استفاده می‌کنند، می‌شه درباره‌اش یک کم توضیح بدی؟

بین در این زمینه نظرم خیلی گسترده است، مثلاً ما همه دوست داریم عکس بچه‌های همدیگه رو ببینیم و ذوقش رو می‌کنیم، دوست داریم عکس بچه‌هامون رو به بقیه نشون بدیم، ولی از یه جایی به بعد با همون عکس‌های بچه‌ها و فیلم‌ها و این جور موارد، شروع می‌کنند به درآمدزایی و تبلیغات و اون جایی مسأله خطرناک می‌شه که بچه‌ها رو مجبور به انجام اون کارها می‌کنند، مجبورشون می‌کنند توی تولید محتوا باهاشون هم‌کاری کنند و انواع لوازم آرایشی رو روی بچه‌ها استفاده می‌کنند، خب این واقعاً باعث اذیت شدن بچه می‌شه. البته فقط محدود به اینستا نیست، توی تبلیغات تلویزیون هم چنین اتفاقی می‌افته و این‌ها همون سوءاستفاده به شکل جدیدتره، یه شکل متفاوت‌تر هم هست و اون هم به این شکله که از عکس بچه‌های بیمار می‌ذارن و به اسم اون‌ها پول جمع می‌کنند برای خیریه و این‌ها همه استفاده‌ها نا به جا از بچه‌ها هست.

- درباره‌ی خیریه‌های دروغین بیش‌تر توضیح می‌دی؟

خودم شخصاً ندیدم، اما از دیگران زیاد شنیدم.

- درباره‌ی اثر اینستاگرام بر رواج این موارد می‌گی؟

اینستا باعث می‌شه هر کس بخواد به راحتی بتونه دیده و حمایت بشه، خیلیا از این شرایط سوءاستفاده می‌کنند و به خصوص توی دوران بحران‌ها مثل سیل و... خیلی‌ها شماره حساب می‌دن تا پول جمع بشه برای کمک، اما زیاد معتبر نیست و خیلی احتمالش وجود داره که کلاهبرداری باشه، گاهی هم یک پیجی به اسم خیریه باز می‌شه در حالی که کلاً اون خیریه نیست، من این رو از خود اخبار شنیدم، راست و دروغش رو نمی‌دونم.

- آیا خودت از طریق اینستاگرام درآمد کسب کردی؟

نه، اما اطرافیانم زیاد از طریق اینستا درآمد کسب می‌کنند. یک نمونه‌اش داداشم که از طریق اینستا فروش اینترنتی زیورآلات و طلا داره، یکی از فامیلامون هم عسل‌های تولیدیش رو از این طریق اینستا به فروش می‌رسونه، یکی از دوستانم طراحی دوخت خونده، قبلاً لباس‌هایی که می‌دوخت رو برای فروشگاه‌ها می‌فرستاد که از اون طریق فروش برن، اما سود زیادی نمی‌کرد، بعد یه مغازه اجاره کرد برای فروش لباس‌ها، اما بازم سودش شدیداً کم بود، حالا از این طریق این قدر فروشش راحت شده که نگو. البته تا پیجش معروف شد خیلی سختی کشید، اما بازم ارزشش رو داشت، در عرض چند ماه کسب و کارش رونق گرفت، این چند وقته که حرف فیلترینگ اینستا بود، بیچاره خیلی اعصابش خرد شده بود.

- نظرت درباره‌ی فیلترینگ اینستاگرام چی هست؟

روی ماها اثری نداره، افرادی که معتاد اینستا باشن که با فیلترشکن ادامه می‌دن، اوناییم که استفاده عادی دارن برنامه‌ای رو جایگزینش می‌کنن، اما افرادی که درآمدزایی می‌کنن، باهاش آسیب می‌بینن، چون بیش‌تر دنبال کننده‌هاشون رو از دست می‌دن.

- آیا اهداف و انگیزه‌ها تحت تأثیر استفاده از اینستاگرام تغییری داشته؟

منحصرأ مربوط به اینستا نبوده، اما خب کاملاً جدا از هم هم نبوده. مثلاً دیدن افرادی که با وجود شرایط سخت زندگی به اهداف بزرگ خودشون رسیدن، بهم امید و انگیزه می‌ده تا در مسیر اهدافم استوارتر قدم بردارم.

- چه جور مطالبی رو برای بقیه به اشتراک می‌گذاری؟

اهل شیر کردن نیستم، اما گاهی اگه از چیزی خوشم بیاد برای بقیه می‌فرستم.

- بیش‌تر چه مطالبی رو در اینستاگرام دنبال می‌کنی؟

پیج‌های عکاسی و هنر و فشن و سفر.

- اصلاً هیچ کاربری آموزشی ازش نداری؟

نه که مطلقاً نداشته باشم، به هر حال بعضی اساتیدمون رو فالو دارم، گاهی اوقات نمونه کارهاشون یا تجاربشون رو اونجا به اشتراک می‌گذارن و من می‌بینم یا حتی مطالبی درباره آموزش نرم افزارهای مربوط به رشته‌ام رو دنبال می‌کنم، گاهی هم کارهای هنری و تزئینی و دستور پخت غذاهای جدید و این جور موارد رو می‌بینم. اما مهم‌ترین استفاده آموزشیم از اینستا می‌شه گفت تقویت زبان انگلیسی از طریق ویدیوهاست که چون کوتاه و سرگرم کننده هست اثر بیش‌تری داره، اما در کل برای ویدیوهای آموزشی یوتیوب بهتره.

- آیا به صورت کاربردی از این مطالب استفاده کردی و نتیجه بخش بوده؟

بله، گاهی یک سری موارد رو به صورت هدفمند دنبال کردم و ادامه‌اش دادم، خب نتیجه هم داشته، مثلاً تقویت زبان، اما این موارد برام قابل قیاس با کل استفاده از اینستا نیست، یعنی نمی‌تونم بگم تمام وقتی که گذاشتم نتیجه خوبی داشته و یا مثلاً بگم اگه اینستا نبود این موارد رو اصلاً یاد نمی‌گرفتم.

- به نظرت اینستاگرام بر روابط اجتماعی شما و مردم جامعه اثری داشته؟

قطعاً، اول این که نه گفتن توی اینستا راحت‌تر از دنیا واقعیه، یک جور تمرین به حساب میاد. از طرف دیگه هم خیلی اوقات رابطه فیزیکی و رو در رو با خیلی از آدم‌ها خیلی سخته، اما داخل اینستا راحت‌تر می‌شه با اون افراد مچ شد و از طریق کامنت و اینا باهاشون هم صحبت شد، بعد توی ملاقات‌های حضوری باهاشون حس راحتی بیش‌تری داری.

- چنین تجربه‌ای برای شما تا به حال پیش اومده؟

بله، من برای پایان نامه‌ام می‌خواستم یک دوره کارورزی بگذرونم، از طریق یکی از استادها به یکی از مهندس‌های معروف برای این کار معرفی شدم، من رفتم پیجش رو توی اینستا پیدا کردم و چندتا از پست‌هاش رو دیدم، خیلی شخص باسوادی به نظر می‌رسید و البته واقعاً هم بود. همین باعث شد من کوچک‌ترین اعتماد به نفسی برای روبه‌رو شدن باهاش نداشته باشم، خیلی از این بابت استرس داشتم. حتی قرارم رو باهاش یک ماه دیرتر گذاشتم که یک جورایی خود به خود کنسل بشه، یک هفته قبل از زمان مصاحبه‌ام بهش دایرکت دادم و پرسیدم طرح‌هایی که برای مصاحبه باید ببرم چه چیزهایی هستن و بهم گفت برای این که سخته حمل و نقل‌شون از طریق اینستا و تلگرام براش طرح‌ها رو بفرستم و توی ملاقات حضوری چیزی نبرم، منم طرح‌هام رو فرستادم و درباره‌شون توضیحاتی دادم، طی صحبت‌هایی که داشتیم تمام اضطرابم تموم شد و راحت برای جلسه آماده شدم. اما اگه به صورت مجازی باهاش صحبت نمی‌کردم، احتمال زیاد اصلاً برای مصاحبه نمی‌رفتم از بس استرس‌زا بود و اعتماد به نفس نداشتم.

- به نظرت اینستاگرام در زمینه روابط اجتماعی اثر منفی نداشته؟

تنها اثر منفیش کم شدن روابط فیس توی فیس آدم‌ها بود که با وجود کرونا دیگه اثر منفی محسوب نمی‌شه، این هم وارد ابعاد مثبتش شد. الآن که فکر می‌کنم شاید یکی از اثرات منفی اینستا در روابط اجتماعی افزایش حسادت باشه، می‌دونی در کل اینستاگرام باعث ایجاد یک‌سری از علایق جدید بین مردم شده، مثلاً خود من از زمانی که شروع به استفاده از اینستاگرام کردم خیلی از علایقم تغییر کرده، فیلم‌های جدید و آهنگ‌های خارجی رو ترجیح می‌دم یا حتی نوع لباس پوشیدنم متفاوت شده، فیلم‌ها و لباس‌ها و وسایل مختلف از طرف بلاگرها و اینفلوئنسرها یا حتی در بین خود دوستان توی اینستاگرام ناخواسته تبلیغ می‌شه و این‌ها همه‌گیر می‌شه و خب شاید کاربرهای کوچک‌تر فضای مجازی، مثلاً دبستانی‌ها تحت تأثیر شدید باشن، چون هنوز قدرت درک زیادی ندارند، این مسایل رو تبدیل به ارزش‌های خودشون بکنند و در صورت نداشتن اون وسایل پیش دوستاشون حس حسادت یا بدتر از اون حقارت کنند، اعتماد به نفسشون رو از دست بدن، این مسأله خیلی اثرات بدی می‌تونه در آینده‌شون داشته باشه.

– آیا در اطرافیان کسی رو می‌شناسی که درگیر چنین مسأله‌ای باشه؟

بله، توی اطرافیان مون چنین مواردی رو زیاد می‌بینم، یکی از اقوام نزدیک مون یه پسر حدود ۱۳ ساله داره که دو، سه ساله وارد اینستا شده، چند وقت پیش که دیدمش علاوه بر رفتارش و گفتارش که شبیه یکی از بلاگرها بود، موهاش رو هم شبیه اون کوتاه کرده بود و نوع لباس پوشیدنش هم شبیه اون شده بود. از صحبت‌های مامانش متوجه شدم وقتی مدرسه‌اش تغییر کرده، توی اینستا دوستاش رو هم رو فالو کرده و خلاصه که اینم با دیدن دوستاش که این‌جوری و اون‌جوری ان و فَن فلان شخص هستن، کلی دعوا و گریه زاری کرده که من این‌جوری نمی‌پوشم، مسخره‌ام می‌کنن و این حرف‌ها. حتی می‌گفت سر کلاس‌های آنلاین که باید با تصویر وصل می‌شدن با بهونه‌های مختلف تصویرش رو وصل نمی‌کرده، چون باباش اجازه نمی‌داده موهاش رو اون مدلی که می‌خواد کوتاه کنه، خلاصه که همه این شرایط باعث شده بود مامانش با مدل مو و لباس کنار بیاد و بعد از اون به زندگی عادی برگشته بود.

– به نظرت این مشکلات فقط توی نسل جدید هست یا نسل‌های قبل هم باهاش درگیر هستند؟

نسل جدید چون دید انتقادی به مسایل ندارند بیش‌تر درگیر می‌شند، اما نسل‌های قبل و حتی هم‌سن و سال‌های خودمون هم این موارد درشون هست. مثلاً همین انواع عمل زیبایی و تزریق ژل و آرایش و فلان و بهمان یک نمونه‌اش هست. افراد از چهره‌های واقعی‌شون وحشت دارن انگار، بعد تمام تلاش‌شون رو می‌کنن که این چهره رو بپوشونن، مشکل اینه که تعریف از زیبایی محدود شده به اون مواردی که در اینستا قابل مشاهده است، پوست صاف بدون لک و بینی‌های کوچیک و عمل کرده و گونه‌های فلان و موهای بور و لنز و چشم رنگی، این باعث شده آدم‌ها خود واقعی‌شون

رو زیبا ندونن، جوری به نظر می‌رسه که انگار اون‌هایی که چسبیدن به خود واقعی‌شون مشکل دارن و غیرطبیعی هستن، می‌شه گفت این فیلترها و میکاپ‌ها هستند که چنین توهمی رو برای ما ایجاد کردند که مای واقعی مشکل داریم.

- خودت هم تحت تأثیر این موارد قرار گرفتی؟

نمی‌گم صد در صد نه یا صد در صد آره، به هر حال اثر پذیری ویژگی هر آدمیه، من هم آرایش می‌کنم گاهی اوقات، بعضی وقت‌ها حس می‌کنم خیلی کامل و خوشگل و بی‌نقص نیستم، اما این احساس زندگی‌م رو سیاه و تباه نمی‌کنه.

- کلاً نظرت درباره الگوبرداری افراد از اینفلوئنسرها و به اصطلاح شاخ‌های مجازی در اینستاگرام

چی هست؟

به نظرم اگه بخوای به طور کلی نگاه کنی بیش‌تر اثراش به شکل منفیه، چون کم پیش میاد کسی آدم حسابی باشه، این همه دنبال کننده داشته باشه، چیز به درد بخور هم ارایه بده و بقیه یه مشت آدم علاف بی‌کار هستن و الکی معروف شدند. خب قطعاً الگوهایی هم که ارایه می‌دن، الگوهای خوبی نیست، من در کل باهاشون مخالفم، همون طور که گفتم کاربرهای کوچیک‌تر، بیش‌تر تحت تأثیر این موارد قرار می‌گیرن و ازشون تقلید می‌کنند. اما بعضی از آدم‌های درست حسابی هم هستند که فالورهای زیاد دارن، خب سبک زندگی‌شون رو در اینستا به اشتراک می‌ذارن و الگوبرداری از اون‌ها به نظرم خوبه.

- جز اون مواردی که گفتی، افراد دیگه هم دیدی که از افراد مثبت و منفی اثر پذیرفته باشن؟
والا در زمینه مثبت نه زیاد، اما یک نمونه دیگه الگوبرداری از اینفلوئنسرها اینه که زیاد دیدم تیکه کلام‌های اون‌ها رو تقلید می‌کنند، حالا یا آگاهانه یا غیر آگاهانه، مثلاً صدف بیوتی می‌گفت بوس به کله‌تون و من زیاد کاربرد این عبارت رو شنیدم.

- فکر می‌کنی چرا اینفلوئنسرها روی افراد کم سن‌تر اثر بیش‌تری دارن؟

چون توی اون سن اولاً آگاهی زیاد نیست، دوماً اثر پذیری بالاتره، بچه‌ها فکر می‌کنند برای پذیرفته شدن و خفن جلوه دادن خودشون، باید از این افراد که به نظرشون خفن میان تقلید کنند، با این کار اون‌ها می‌تونن خاص باشن، گاهی هم اصلاً نمی‌فهمند که دارن چنین اثری می‌گیرن یا فلان فرد رو الگو قرار دادن، توی بعد ناهشیارشونه.

- فکر می‌کنی این مسأله رو چه طور می‌شه کنترلش کرد؟

به نظرم با گذشت زمان حل می‌شه، به هر حال خانواده تا یه سنی می‌تونن جلوی بچه‌ها رو بگیرند، بعد از اون دیگه خانواده کنترلی نداره، بعد از اون ممکنه این مسایل پیش بیاد، اما با بزرگ شدن و آگاه شدن، مسأله حل می‌شه، کار خاصی در کل نمی‌شه کرد، روندیه که باید طی بشه.

- به نظرت این افرادی که از سن کم وارد اینستاگرام می‌شن و به نوعی در اینستاگرام بزرگ می‌شن، در آینده چه اثراتی بر اون‌ها مترتب می‌شه؟

خیلی زیاد، این‌ها به شدت دچار وابستگی به اینستاگرام می‌شن، دسترسی نداشتن به اینستا شرایط بدی رو براشون به وجود میاره، خیلی زیاد تحت تأثیر مطالب قرار می‌گیرن، چون اینستا نقش مادر و پدرشون رو داره و هر چی که اینستا می‌گه، از نظرشون درست تلقی می‌شه. من زیاد دور و برم از این جور آدم‌ها دیدم که الآن هنوز بزرگ نشدن، اما تا همین جا اثرات زیادی روشون داشته، خیلی رفتار پرخاشگرانه دارن، واقعاً زندگی پوچی دارن انگار و ناراضین از زندگی‌شون.

- نظرت درباره‌ی استفاده اولیا از اینستاگرام و اثراتش در شیوه‌ی فرزند پروری‌شون چی هست؟
خب گاهی توی اطرافیانم دیده شده، استفاده از فضای مجازی و اینستا باعث می‌شه از بچه‌ها غافل بشن و بچه‌ها خودشون تنها بزرگ بشن، اما اثرات مثبتم داره، مثلاً یه پیج‌هایی هستن که درباره تربیت فرزندان اطلاعاتی می‌دن به خانواده‌ها که البته ممکنه اطلاعات غلطی داشته باشه، اما بازم گاهی مطالب درست توش پیدا می‌شه.

- گفتی ممکنه یک‌سری مسایل باعث ایجاد حسادت در افراد بشه، می‌شه مثال بزنی؟
واضح‌ترین مثالش درباره خودمه، ما یه چندتا فامیل داریم آمریکا هستن و همه واکسن کرونا رو زدن، عکس شروع دانشگاه و فلان و بهمان می‌ذارن. توی اینستا پست‌های افراد دیگه هم توی کشورهای مختلف می‌بینیم که به حالت عادی برگشتن و دانشگاه‌ها از سر گرفته شده، ما هم‌چنان با وجود زدن واکسن، کرونا می‌گیریم. حقیقتاً به اونا حسودیم می‌شه، همه‌اش هم به دلیل بی‌کفایتی مسوولینه، حقیقتاً من به هر کسی که توی کشوری زندگی می‌کنه که مسوولینش فقط به فکر جیب خودشون نیستن و یه کم به مردم بهاء می‌دن، حسودیم می‌شه.

- ارتباط این مسأله و اینستاگرام رو بیش‌تر باز می‌کنی؟
من قبل از نصب اینستا فکر می‌کردم کشور گل و بلبله، حتی الانم می‌بینم اونایی که اینستا ندارن، حداقل اگه از شرایط ناراضین، فقط شرایط ایران رو دیدن و حداقل ایران رو با جای دیگه مقایسه نمی‌کنند. هی پشت سر هم زندگی آدم‌ها رو می‌بینی، شرایط اقتصادی‌شون رو می‌بینی، بعد با خودت مقایسه می‌کنی، می‌بینی تو هم به اندازه اون‌ها حتی بیش‌تر داری تلاش می‌کنی، ولی هیچی. حتی گاهی اوقات خارج از کشور رو نه، اختلاف طبقاتی مردم جامعه خودت رو می‌بینی، شاخ درمیاری، انگار کشور روی هواست. دو ماه کار کردم پول جمع کردم یه لپ‌تاپ بخرم برای کارم، همین که پولم جمع شد لپ‌تاپ گرون شد. این مسأله هر کسی رو آزار می‌ده، اما اگه اون فرد وضعیت دانشجوهای کشورهای دیگه یا طبقات اجتماعی بالاتر رو از طریق اینستا ندیده باشه، داغون نمی‌شه.

- یعنی می‌گی شرایط اجتماعی اقتصادی کشورهای دیگه عالی و بدون مشکل هست؟ نه بدون مشکل، اما حداقل توان زندگی هست، جامعه و کشور از طریق سینمای اون قابل تشخیص، شاید اغراق شده باشه، اما تقریباً نشون دهنده‌شه. تو ده‌تا فیلم خارجی ببین، کدوم جوونا نشون چنین معضلاتی دارند؟ موبایل‌شون خراب می‌شه نهایت یک ماه کار کنند می‌تونند عوضش کنند، ما چی؟ بابای من بازنشسته فرهنگیان، ۳۰ سال کار کرده برای دولت، ماهی ۵ تومن حقوقشه، اگه گوشیش خراب بشه، دو ماه باید هیچی خرج نکنه که بتونه موبایل بخره، تازه ما پایین‌ترین قشر نیستیم، اون‌هایی رو در نظر بگیر که کارگرن، کجای دنیا این قدر وضع داغونه؟! اینستا شرایطی ایجاد می‌کنه که آدم‌ها در سطح جهان تعاملاتشون گسترده‌تر بشه و از وضع دنیا باخبر بشن، این خبردار شدنه، باعث می‌شه فرد دست به مقایسه کشور خودش با کشورهای دیگه بزنه، این مقایسه هم باعث حسادت می‌شه، هم فشار روانی، هم حتی افسردگی.

- نظرت درباره مهاجرت چی هست؟

کاملاً مثبت.

- چرا؟

اگه آدم بتونه شرایط زندگیش رو بهتر کنه، چرا نباید این کار رو بکنه؟! و اگه آدم شرایطش رو داشته باشه که بتونه در محیطی بهتر زندگی کنه، خب قطعاً باید مهاجرت کنه، چرا بمونه جایی که زندگیش تباه بشه. اصلاً توی قرآن آیه‌ای داریم که می‌گه روز قیامت فرشته‌ها خطاب به افرادی که می‌گن جامعه و بزرگان اون‌ها باعث فسادشون شدند می‌گن: «مگر زمین خدا پهناور نبود که مهاجرت کنید؟»

- به نظرت شرایط ایران درست شدنی نیست؟

نه عزیز، این خانه از پای بست ویران است. البته بستگی به افراد داره، بعضیا می‌تونند توی این شرایط زندگی کنند بعضیا نه. اما در کل شرایط روانی و اقتصادی و اجتماعی غالب بر جامعه خیلی داغونه، برای درست شدن تلاش اساسی می‌خواد که با وجود این سیاست‌مداران ما به جای درست شدن، مشکلات فقط سانسور می‌شن.

- اینستاگرام تا چه حد باعث افزایش مهاجرت می‌شه؟

می‌شه گفت زیاد، چون آدم‌هایی که مهاجرت کردند و شرایطشون رو می‌گن که با چه هزینه‌ای و با چه شیوه‌ای از کشور خارج شدند و اقامت گرفتند، باعث می‌شه بقیه هم به فکر بیفتند و متوجه بشن، درسته سخته، اما بازم خیلی غیرممکن نیست.

- آیا از طریق اینستاگرام از کمپین‌های مختلف حمایت می‌کنی؟

بله، از کمپین‌های حمایت از حیوانات و محیط زیست زیاد حمایت می‌کنم. پست‌هاشون که برای آگاهی رسانی هست رو استوری می‌کنم، تا جایی که بشه سعی دارم در اطرافم آگاهی رسانی انجام بدم.

- به نظرت این کمپین‌ها تا چه حد اثر بخش بودن؟

به نظرم فقط در حد آگاهی عمل می‌کنند، در همین حد که مردم بفهمند چنین مسایلی وجود داره و باید بهش اهمیت داده بشه، اما خیلی اثری بر رفتار مردم نداشته که بگیم انقلابی شروع شده. البته یک‌سری کمپین‌های جدی هم که فیزیکی عمل می‌کنند راه افتادن، مثلاً جمع‌آوری زباله و... البته ممکنه حتی برعکسش هم اتفاق بیفته، مثلاً این ویدیوها و چالش‌هایی که ساخته می‌شه و غذا و آب و این‌جور چیزها هدر می‌ره داخلش، می‌تونه اثرات بدی روی جامعه داشته باشه.

- آیا تا به حال پیش اومده که تحت تأثیر پستی در اینستاگرام، رفتارهای عجیب یا چالشی انجام بدی؟

چالش‌های مختلف رو زیاد انجام دادم. مثلاً زمانی که چالش مانکن ترند بود، توی دانشگاه زیاد انجامش می‌دادیم، به این شکل بود که یهو همه بی‌حرکت می‌ایستادیم و از این‌جور کارها. گاهی هم بازی‌هایی که انجام می‌شه یا آزمایشات جالب رو با بچه‌ها دور هم جمع می‌شیم، انجام می‌دیم، اما همه‌اش تحت تأثیر اینستا نیست، بیش‌تر چون سرگرم‌کننده هست، انجام می‌دیم. البته یک نوع خاص رفتار هست که رواجش مربوط به اینستاگرامه، توی اطرافیانم زیاد می‌بینم که آدم‌ها فقط دنبال عکس گرفتن و سلفی و استوری گذاشتن ان و اصلاً از لحظه لذت نمی‌برن.

- نظرت درباره‌ی این کار چی هست؟

اولاً که یه کار بی‌مورده، به جای زندگی در لحظه فقط دنبال این هستن که این‌ها رو برای مردم هم به اشتراک بذارن و خودنمایی کنند، دوماً از این جهت که زندگی شخصی‌شون رو برای خیلیا آشکار می‌کنند، نادرسته، به هر حال هر آدمی باید حریم خصوصی زندگیش رو حفظ کنه، متأسفانه این چیزیه که اصلاً رعایت نمی‌شه.

- به نظرت در اینستاگرام مردم حد حریم خصوصی‌شون رو حفظ نمی‌کنند؟

به نظرم خیلی کم، مردم جدیداً خیلی راحت زندگی‌شون رو داخل اینستاگرام پست می‌کنند یا استوری می‌ذارن. شاید آدم‌ها بتونند کنترل کنند که به شکل مستقیم چه کسی بتونه مثلاً استوری-هاشون رو ببینه و اینا، اما نمی‌شه صد در صد مطمئن بود کسی جز اون افراد، اون عکس رو نبینه، چون علاوه بر این که افراد حریم خصوصی خودشون رو حفظ نمی‌کنند، حریم خصوصی دیگران رو هم حفظ نمی‌کنند و استوری‌های بقیه رو از اسکرین‌شات می‌گیرن و برای بقیه می‌فرستند. من توی اینستا چیز خاصی نمی‌دارم، مخصوصاً عکس از خودم، چون کلاً از عکس گرفتن خوشم نیامده،

اما یک بار با دوستانم بیرون بودیم و من یه عکس از جمع مون گرفتم و استوری کردم. چند روز بعدش خالهام که اصلاً اینستا نداره رو دیدم، گفت با اینا نگرد، اینا بی حجاب و فلان و بهمان ان، خب این نشون می ده مفهوم حریم شخصی توی اینستا مفهومی نداره.

- آیا از طریق اینستاگرام دوست پیدا کردی؟

نه، حقیقتاً برای این کارها پیر شدم.

- در اطرافیان چه طور؟

دیدم گاهی اوقات از طریق همدیگه، افراد با دوستای هم آشنا بشن و همدیگه رو فالو کنند، اما این که تا چه حد رابطه خوبی دارن رو نمی دونم.

- نظرت درباره ی دوستی های مجازی چی هست؟

دوستی های مجازی از دو قسم قابل بررسی هستن، یک رابطه عادی دوستی ساده، یکی رابطه های به اصطلاح عاشقانه. در هر دو صورت به نظرم همون طور که از اسمش پیداست، مجازیه و واقعی نیست. چون اعتماد کردن به فردی که نهایتاً عکسش رو می تونی ببینی، بی معنی و تا حد زیادی مسخره هست، اما متأسفانه زیاد شده.

- فکر می کنی چرا زیاد شده؟

چون آدم ها جدیداً دنبال روابط عمیق نیستند و همین روابط سطحی و جزئی رو جایگزین روابط واقعی می کنند، یکی از علت هاش هم کروناست، طی این دو سال روابط مجازی بیش تر و بیش تر شده.

- به نظرت چرا جوانان روابط سطحی رو ترجیح می دن؟

چون برای روابطشون مثلاً روابط عاشقانه هیچ الگوی درستی ندارند، از طرفی توی فیلم و سریال های خارجی یا همین اینستا روابط باز مرد و زن و روابط عاشقانه رو می بینند، به هر حال احساس نیاز عاطفی می کنند، از اون طرف خانواده فرد رو محدود می کنه و می گه این روابط فلانه و بهمانه و الگویی هم داده نمی شه، طرف می بینه تنها راه درست برطرف کردن نیازها ازدواجه، از اون طرف آدم هایی رو می بینه که با وجود عشقشون بهم، بعد از یک سال از هم جدا شدند، مجبور به انتخاب یک رابطه سطحی و مخفیانه می شه. نیمی از جوون ها و نوجوون های ما الآن با جنس مخالف ارتباط دارن و این ارتباط تا جایی که من دیدم بیش تر استارتش از اینستاگرامه، درصد کمی از اون ها با اطلاع خانواده وارد رابطه شدند و در بیش ترشون خانواده اطلاعی نداره.

- فکر می کنی در چه حالتی شرایط درست می شه؟

نمی دونم، فکر نمی کنم کسی بدونه دقیق چه کار باید کرد.

- به نظرت این روابط ممکنه به ازدواج منتهی بشه؟

من فکر نکنم، چون این رابطه‌ها خیلی ضعیفه و پایه قوی نداره، حتی ساده‌ترین اطلاعات ممکنه از طرف مقابل مخفی بمونه و ازدواج درست نیست.

- نظرت درباره ازدواج و تشکیل خانواده چی هست؟

به نظرم اگه شرایط زندگی افراد خوب نباشه، ازدواج کار اشتباهیه، چون یه فرد دیگه رو هم وارد مشکلات خودت می‌کنی، اگه هم شرایط زندگیت خوب باشه، مگه بیماری که بری با کس دیگه‌ای ازدواج کنی؟! خب زندگیت رو می‌کنی دیگه، کلاً نظر مثبتی به ازدواج ندارم. این همه آدم مجرد وجود داره که دارن زندگی‌شون رو می‌کنند و زندگی خوبی دارن، چرا وقتی آدم زندگی خوب اون‌ها رو می‌بینه باید به ازدواج ترغیب بشه.

- چرا؟

چون حوصله یه شخص دوم در کنارم رو ندارم، نمی‌تونم مطمئن باشم شخصی که انتخاب می‌کنم، شخص درستی باشه، دور و برم پر از آدماییه که ازدواج کردن و جدا شدن.

- ساعت خوابت بعد از شروع استفاده از اینستاگرام تغییری داشته؟

آره، هر شب می‌گم نیم ساعت اینستا چک می‌کنم می‌خوابم، یهو به خودم میام می‌بینم ۳ صبحه، گاهی شبانه روز ۵ ساعت می‌خوابم به خاطر استفاده از اینستا.

- آیا از طریق اینستاگرام فیلم و سریال و اخبار مربوط به اون‌ها رو دنبال می‌کنی؟

بله تا حدودی، به خصوص سریال‌هایی که قبلاً دیدم و الآن حذف کردم رو زیاد توی اینستا دنبال می‌کنم، یه احساس خوبی می‌دن بهم، البته بیش‌تر سریال‌های خارجی می‌بینم، کم پیش میاد ایرانی‌ها رو دنبال کنم.

- علتش چی هست؟

محتوای جالب‌تر و گسترده‌تر از محتواهایی دارن که ما در کشور داریم، در هر سبک و موضوعی که بخوای می‌تونی انواع مختلفی فیلم و سریال پیدا کنی، همه هم از نظر داستان در عین شباهت با هم متفاوتند. در حالی که فیلم و سریال‌های ایرانی خیلی محدودند، اصولاً درباره موضوعات خانوادگی تکرارین، حتی همون محتوای تکراری و پیش پا افتاده هم خالی از سانسورهای اجباری نیست به لطف جمهوری اسلامی. در حالی که فیلم و سریال‌های خارجی در هر سبکی و برای هر رده سنی جدا از هم، محتوای خاصی داره. مورد دیگه این که فیلم‌های خارجی اغلب از نظر گرافیک و اینا هم جالب‌ترن، مثلاً فیلم‌های نولان از نظر صحنه و سکانس عالین.

- به نظرت اینستاگرام اثری بر فیلم و سریال دیدنت داشته؟

صد البته، زمانی که اینستا نبود، چون پی‌گیر نبودم شاید دو، سه تا فیلم از دوستان یا سایت‌های مختلف پیدا می‌کردم و می‌دیدم، اما الآن بدون پی‌گیری خاصی، انواع و اقسام فیلم‌ها و سریال‌ها با

محتوای متنوع از طریق اینستاگرام بهم معرفی می‌شه، حتی اگه بعضی رو نخوام ببینم، اون قدر ازش تعریف می‌شه و مسایل مختلف درباره‌اش گفته می‌شه که ناخودآگاه سمت‌شون جلب می‌شم.

- به نظرت این مسأله اثری بر زندگی داشته؟

از بعد سرگرمی زیاد، از بعد آموزشی هم اگه بخوام نگاه کنم، بی‌اثر نبوده، به هر حال با این فیلم و سریال‌ها هم زبانم تقویت می‌شه، هم گاهی با آداب و رسوم و جامعه کشورهایی که سازنده اون‌ها هستند، آشنا می‌شم. اما یک‌سری مشکلاتی هم این مسأله ایجاد می‌کنه که بد نیست بگم، اول این که تحت تأثیر این محتواهای اینستا و فیلم‌ها خواه و ناخواه آدم به سمت فرهنگ غرب جلب می‌شه، چون جذابیت‌ها و شرایط زندگی‌شون دقیقاً اون چیزیه که برای نسل جدید جالب و دوست داشتنیه، مثل آزادی پوشش و آزادی روابط و هزار نوع جذابیت دیگه که در زندگی افراد هم منعکس شده، کم‌تر شخص باحجابی در جامعه و در اینستاگرام دیده می‌شه. یکی دیگه از اثراش هم باز شدن گوش و چشم کاربرهای سن پایین اینستاگرامه، درسته که اینستا یک‌سری محدودیت‌هایی برای محتواهای نامناسب داره و هر محتوایی رو به هر کاربری و در هر سنی ارایه نمی‌کنه، اما باز کاملاً پاک نیست، از اون جایی که توی ایران تقریباً بچه‌ها از همون سنین دبستان کاربری رو شروع می‌کنند، می‌تونه آسیب‌زا باشه و اون‌ها رو زودتر از سن طبیعی با مسایل جنسی روبه‌رو می‌کنه. البته حرف من این نیست که آگاهی از مسایل جنسی خوبه یا بده، منظور من اینه، این که یک بچه بدون آگاهی شروع به کاربری کنه، درست نیست، چند ماه پیش با دختر داییم که کلاس چهارم دبستانه صحبت می‌کردم، اون هم پست‌هایی که اینستا ذخیره کرده بود رو نشونم می‌داد، رسید به یه پستی از یه سریال خارجی. همین که رسید به اون سریع زد بعدی و گفت: «این مناسب نیست، راستی به مامانم نگو». من خودمم قبلاً اون سریال رو دیده بودم و بهش گفتم نازنین تو کل سریال رو دیدی؟ اون گفت: «نه، فصل اولش رو که دیدم، داداشم گفت مناسب سنت نیست، حالا نبین و به مامانم گفت که این رو می‌بینم و مامانم هم گفت، نباید ببینمش، منم کنجکاو بودم درباره بقیه‌اش بدونم، برای همین من اون رو تیکه تیکه توی اینستا می‌بینم». من بهش گفتم وقتی مامان گفته نبین یه علتی داشته، پس دیگه تیکه‌هاش رو هم دنبال نکن، اون در کمال تعجب من گفت: اووووووووه من کوچیک‌تر بودم بدتر از اینا رو هم دیدم، اما مامان نمی‌دونست گیر نمی‌داد. و خب یه نکته‌ای که درباره نازنین هست، اینه که عادت ماهانه‌اش خیلی زود و از ۹ سالگی شروع شد، درسته تنها دلیلش استفاده از اینستا نیست، اما به هر حال به اندازه خودش اثرگذار بوده.

- گفتمی محتواهای موجود در اینستاگرام هم می‌تونه بر مسأله پوشش و حجاب اثر بگذاره، می‌شه در این باره بیش‌تر توضیح بدی؟

می‌شه گفت اینستاگرام چون دست حکومت اسلامی نیست که اون رو فیلتر کنه و ببنده و فلان و بهمان کنه، آزادی بیش‌تری مردم در اون دارن، خیلی راحت نوع پوشش دل‌خواه خودشون رو

استفاده می‌کنند، همین باعث می‌شه که یک جور هنجارشکنی در جامعه ایجاد بشه و حجاب به عنوان یک ارزش و هنجار اجتماعی کم رنگ‌تر بشه. از طرفی هم وقتی بیش‌تر افراد جامعه یک کاری رو انجام بدن، دیگران هم برای انجام اون کار جسورتر می‌شن، این می‌شه که حتی اگه کسی به زور در جامعه پوشش مناسب داشته باشه هم، توی فضای مجازی اون جسارت رو پیدا می‌کنه و حتی شاید به خارج از اینستا هم تعمیم پیدا کنه، همین تعمیم‌ها به کل ارزش رو از بین می‌بره.

- به نظرت اینستاگرام در شکل‌گیری تصور بد نسبت به دین‌داری و دین‌داران نقشی داشته؟
به نظرم چون اینستا یک رسانه تصویری و بیش‌تر روی عکس و فیلم متمرکزه، افراد دین‌دار به خصوص خانم‌ها عکس از خودشون نمی‌ذارن، بیش‌تر عکس گل و بلبل و جملات مسخره می‌ذارن، باعث می‌شه مردم فکر کنند، آدم‌های مذهبی آدم‌های خشکی هستند و اعتماد به نفس پایینی دارند و مسخره اند، می‌شه گفت تبلیغ خاصی هم در این زمینه اصلاً نیست که آدم‌ها باهاش بخوان مقایسه کنند.

- آیا تا به حال در اینستاگرام با مطالبی که دین‌داری رو ترویج بدن، مواجه شدی؟
یه دختری بود یه زمانی باحجاب بود و می‌رفت سفر و از خودش عکس می‌داشت، اون رو چند باری بهش خورده بودم که بعد معلوم شد بیش‌تر نقش بازی کردن بوده تا واقعیت، گاهی هم به سخنرانی‌های مذهبی بر می‌خورم، ولی حقیقتاً جذابیتی ندارن برام و رد می‌شم ازشون.
- چرا جذابیتی ندارند؟

چون خوشم نیواد و به نظرم حوصله سر بره، حقیقتاً به اون حرف‌ها اعتقادی ندارم.
- آیا اینستاگرام اثر دیگه‌ای بر ارزش‌ها و هنجارهای موجود در جامعه داشته؟
نمی‌دونم این ربطی به هنجار و ارزش‌ها داره یا نه، اما قبل از رواج اینستا اثرگذاری و اثرپذیری رفتار مردم محدود به جامعه و قوم و شهری بود که در اون زندگی می‌کردن، تفاوت‌های قومی قشنگی وجود داشت، مثلاً هر قوم نوع لهجه و لباس مربوط به خودش رو داشت، اما این گستردگی تعاملات باعث شده مردم خودشون رو به هم شبیه کنند و اون تفاوت‌ها از بین رفته. از یک جهت به خاطر یک‌پارچگی بین مردم خوبه، اما از جهت این‌که مردم هنجارها و رفتارهاشون رو از روی هم کپی کردن، بده، دلیلش اینه که قبلاً مردم ارزش‌ها و هنجارهای زندگی‌شون رو از اطرافیان‌شون و خانواده‌ها و دیگه نهایتاً مدرسه و هم‌سالان می‌گرفتند، ولی با اومدن شبکه‌های مجازی و اینستا این شبکه بزرگ‌تر شده.

- درباره اثر اینستاگرام به نگاه کاربران نسبت به مسأله‌ی هم‌جنس‌گرایی و نهضت ال‌جی‌بی‌تی چه نظری داری؟

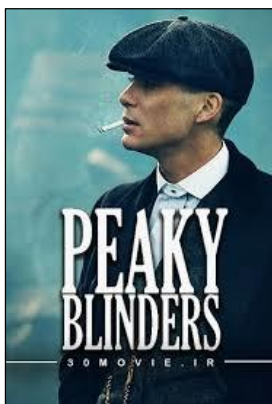
می‌شه گفت این هم یکی از تغییرات ارزشی جامعه هست، اینستا نظر مردم و خود من رو نسبت به این قضیه پذیراتر کرده. حداقل اگه در پذیرا بودن هم اثری نداشته، در آشنایی مؤثر بوده، حتی اگه به عنوان یک رفتار نادرست در جامعه سنتی دیده می‌شه، حداقل اسم بیماری ازش برداشته شده. اما در کل نگاه مردم به این جامعه، نگاه زشت قبلی نیست و عادی شده و این اثرات همه‌اش مربوط به اینستا است که امکان بیان این مسایل رو به افراد می‌ده و نظرات مردم رو منتقل می‌کنه. اما از جهتی هم مخربه، چون گاهی زیاده روی می‌شه در این مسایل، باز هم جامعه‌ای که تحت این اثرات قرار می‌گیره، نسل نوجوانه که تازه دنبال هویت یابیه، ممکنه تحت تأثیر این مطالب، به اشتباه هویت غلطی از خودش در ذهنش شکل بگیره.

- آیا از اطرافیان کسی چنین اثراتی گرفته؟

از اطرافیان خودم نه، ولی یکی از اقوام دوستم چنین تجربه‌ای داره، از ۱۵ سالگی گرایشش رو مشخص کرد و اینا، الآن که ۲ سال گذشته برگشته به حالت عادی، من دیده بودمش قبلاً، الآنم که می‌بینمش، کاملاً تغییراتش مشخصه. یکی دیگه از نمونه‌های تغییر ارزش و هنجارها هم رواج سیگار کشیدن به عنوان یک حرکت لاکچری و روشن‌فکرانه هست، این قدر که همه با سیگار عکس دارن و یه چیز قشنگ دونسته می‌شه، افرادی که سیگار نمی‌کشن، توی اینستا محکومند. در دوران دبیرستان ما، اگه کسی سیگار می‌کشید، زیاد حرکت جالبی نبود، کسی هم این کار رو زیاد نمی‌کرد، اما الآن همون دوستای اون دوران من توی دوره‌های هاشون یا سیگار یا قلیون دارن همیشه. به خصوص این چند وقت که با ساکنس‌های پیکی بلایندرز^۱ و زخم کاری^۲ همه رو زخمی کردن. البته از طرف دیگه هم یک‌سری مطالبی درباره ضرر و زیان سیگار و مشروبات الکلی هست، اما فکر نمی‌کنم اثری داشته باشه.

۱ - پیکی بلایندرز، یک مجموعه تلویزیونی درام، جنایی و تاریخی انگلیسی محصول شبکه تلویزیونی بی‌بی‌سی دو است. استیون نایت نویسنده و تولید آن را بر عهده دارد. کارگردانان این مجموعه زیاد و متفاوت بوده‌اند. این فیلم در رده سنی PG-14 است. داستان حول محور کیلین مورفی، در نقش توماس شلی، رهبر یک گروه تجارت خانوادگی است. این سریال داستان خانواده شلی را از سال ۱۹۱۹ و بعد از جنگ جهانی اول، در بیرمنگام انگلستان شرح می‌دهد که شامل داستان گروه رومانیایی (کولی) پیکی بلایندرز و بلندپروازی‌های رئیسشان، تامی شلی است.

۲ - زخم کاری یک مجموعه تلویزیونی ایرانی در ژانر جنایی به کارگردانی محمدحسین مهدویان و به تهیه‌کنندگی محمدرضا تخت‌کشیان بر پایه رمان بیست زخم کاری نوشته محمود حسینی‌زاد است که برای سرویس پخش فیلم ساخته شده است. بازیگر برجسته این سریال جواد عزتی است.



- درباره مشروبات الکلی چه طور؟

نمی‌دونم واقعاً، اطلاعاتی در این باره ندارم.

- همون طور که خودت گفتی، گاهی پیش میاد که افراد تحت تأثیر مطالبی که در اینستاگرام می‌بینند، درباره هویت جنسی خودشون دچار اشتباه می‌شن و هویت جعلی برای خودشون شکل می‌دن. جدا از هویت جنسی، کلاً نظرت درباره این هویت‌های کاذب و فیک که افراد برای خودشون توی اینستاگرام می‌سازند، چی هست؟

به نظرم توی اینستا نسبت به پیام رسان‌های دیگه راحت‌تر می‌شه هویت فیک ساخت، به نظرم اکثراً برای سوءاستفاده افراد این کار رو می‌کنند، مثلاً می‌رن با پیج فیک بقیه رو فالو می‌کنند که از زندگی طرف سر دربیارن یا این نوجوونا با پیج فیک دوست دختر و دوست پسرانشون رو فالو می‌کنند که اون فرد رو امتحان کنند، گاهی هم پیج فیک می‌زنند که دور از اقوام و آشنایان هویت واقعی خودشون رو نشون بدن، من این جور آدم‌ها رو زیاد دیدم و به نظرم نمی‌شه گفت اثر منفی داشته باشه. - به نظرت اینستاگرام با وجود اطلاعات زیادی که توش هست در قدرت حل مسأله افراد اثری داشته؟ به نظرم اثر منفی داشته، اینستا منبع بزرگی از اطلاعاته که درست و غلط بودنش اصلاً معلوم نیست، آدم‌ها روزانه با انبوهی از این مطالب روبه‌رو می‌شن که نمی‌تونن تصمیم بگیرن کدوم درسته

و کدوم غلط، به همین خاطر موقع تصمیم‌گیری هاشون هم گیج می‌شن و قدرت استدلال و منطق ازشون گرفته می‌شه، چون همیشه همه اطلاعات حالا یا به درست یا به غلط آماده بوده براشون. مثلاً توی تصمیم‌گیری ازدواج زیاد این مشکل دیده می‌شه که افراد تحت تأثیر مطالبی که توی اینستا می‌بینند که می‌گه ازدواج یه چیز شخصیه و کسی نباید جای شما تصمیم بگیره، از اون طرف بوم می‌افتن و نصیحت‌های خانواده یا نظر اطرافیان‌شون رو در این زمینه نادیده می‌گیرن، خیلی غیرمنطقی تصمیم می‌گیرن و برای همین همیشه آمار طلاق بالاست توی جامعه.

- به نظرت چه طور می‌شه این اثر اینستاگرام رو کنترل کرد؟

به نظرم باید آگاهی رسانی بشه که افراد از اینستا برای سرگرمی استفاده کنند، نه یادگیری مطالب.

- فکر می‌کنی اینستاگرام می‌تونه باعث رواج رفتارهای قانون‌گریزانه بشه؟

بله، چون اصولاً افراد می‌خوان که قانون رو بشکنن، وقتی هم می‌بینن بقیه هم کاری به قانون ندارن محرک قانون‌گریزی می‌شه براشون. مثلاً کورس ماشین که زیاده یا رد شدن از چراغ قرمز. بعد اصلی‌ترین چیزی که باعث می‌شه اینه افرادی که قانون‌مند هستند، مورد تمسخر واقع می‌شن، توی این دوره ممنوعیت تردد شبانه به جای این که مردم قانون رو رعایت کنند بیش‌تر افرادی که قانون‌مند بودند رو مسخره می‌کردند.

- در این رابطه روی خودت چه اثراتی داشته؟

من فکر می‌کردم دانشگاه که می‌خوام برم باید با مانتو بلند برم و پوشش کامل و این جور چیزا، اما عکس‌های بچه‌ها که توی دانشگاه بودن رو که دیدم، فهمیدم این قانون انگار زیاد جدی نیست و تجربه‌های افراد در زمینه برخوردشون با حراست رو از توی اینستا دیدم که مثلاً می‌گفتن ما فلان چیز رو گفتیم، خب دیگه نتونستن صحبت بیش‌تری کنند، باعث شد منم زیاد توی پوشش به خودم سخت‌گیرم.

- به نظرت اینستاگرام می‌تونه احساسات افراد رو تحت تأثیر قرار بده؟

قطعاً، هر رسانه‌ای می‌تونه این کار رو بکنه، اما بیش‌ترین حسی که توی اینستا آدم‌ها باهاش درگیرن، حس شادی و هم‌دردیه، با استفاده از این دوتا حس خیلی راحت پیج‌ها می‌تونن مخاطب جذب کنند، بیش‌ترین بازدید هم مال پیج‌های طنزه.

- به نظرت اینستاگرام در رواج دروغ‌گویی در جامعه اثری داشته؟

بله، اینستا فضاییه که در اون راحت می‌شه درباره هر چیزی دروغ گفت، چون اولاً ارتباط چشمی زیاد نیست، بعد هم کسی از دروغ تو مطلع نمی‌شه، همین باعث می‌شه آدم‌ها به دروغ گفتن عادت کنند و این رفتار در جامعه‌شون ساده بشه و زشتی این دروغ از بین رفته. مثلاً زیاد می‌بینیم که سر چیزای ساده مردم به هم دروغ می‌گن، طرف توی خونه‌اش خوابیده، زنگش می‌زنی می‌گی کجایی کی می‌رسی، می‌گه توی راهم یا طرف با رفیقاش بیرونه، میاد خونه مامانش یا خانمش ازش می‌پرسن

کجا بودی، می‌گه اضافه کاری بهم خورده، مجبور شدم بمونم. من به شخصه از زمانی که اینستا نصب کردم، چون می‌بینم همه دارن دروغ می‌گن، زیاد خودم رو برای گفتن واقعیت خسته نمی‌کنم.

- به نظرت مدارس و دانشگاه‌ها می‌تونن از اینستاگرام در زمینه آموزش استفاده کنند؟

بله، می‌تونن. به خصوص از این نظر که الان بیش‌تر افراد در این سن کاربری زیادی از اینستاگرام دارن، اولین شبکه اجتماعی هست که چکش می‌کنند و اطلاعاتی‌ها رو سریع ازش می‌گیرن، به نظرم حداقل اخبار و اطلاعاتی‌ها رو دانشگاه‌ها و مدارس بیش‌تر باید در اینستا بذارن تا سایت و اینا. از نظر آموزشی هم اینستا خیلی خوبه، اگه توی پیج‌های خود مدارس مطالب درست قرار بگیره که هم بچه‌های مدرسه و مدارس دیگه به اون دسترسی داشته باشن، خیلی خوبه. به همین ترتیب در دانشگاه‌ها. البته همین الان هم درسته مدارس و دانشگاه‌ها این کار رو نکردن، اما خود بچه‌ها برای هم مطالب رو می‌فرستن و حتی تولید محتوا می‌کنند در زمینه آموزش و این هم مثبت و هم منفی. از یه طرف وقت‌شون توی اینستا صرف می‌شه، از طرف دیگه مطالب رو بهتر می‌گیرن و از اون‌جا که چه مطالب آموزشی باشه، چه نباشه، باز توی اینستا هستند، به نظرم این مطالب آموزشی خیلی می‌تونه مفید باشه. اون دو سال اول دانشگاه من و چندتا دوستانم یه پیج آموزش ریاضی زدیم و یه مقداری آموزش دادیم، اما در حد دوتا ویدیو بود و بعد سریع بسته شد، چون زیاد وقت نداشتیم و کارمون سنگین بود، اما خیلیا ادامه دادند و الان در این زمینه موفق هستند، حتی درآمدزایی می‌کنند.

- پس از نظر شما اینستاگرام بیش‌تر باعث پیشرفت تحصیلی شده؟

نه مطلقاً، هم به پیشرفت و هم پس‌رفت منجر شده، بسته به استفاده افراد. اگه کسی روزی دو ساعت استفاده کنه و یک ساعت از این دو ساعت رو صرف آموزش کنه، خب پیشرفت درسی خواهد داشت. اما اگه روزی چند ساعت توی اینستا مطالب به درد نخور رو دنبال کنه باعث پس‌رفت می‌شه. من خودم بیش‌تر برای سرگرمی استفاده می‌کنم، چون الان زمانیه که زیاد دور و برم با درس شلوغ نیست، البته یه چیزی که من جدیداً دیدم توی دبیرستانیا و به خصوص پسرها رایج شده، اینه که این دو سال آموزش مجازی از طریق اینستا یه کسب و کاری راه انداختن، مزه پول رفته زیر دندون‌شون و عموماً بیش‌ترشون می‌خوان ترک تحصیل کنن و بچسبن به همین کار مجازی‌شون، این از اثرات بدیه که اینستا در این زمینه داشته. توی این سن چون هنوز هدف از درس خوندن برای بیش‌تر بچه‌ها مشخص نیست، دقیقاً نمی‌دونن از خودشون و آینده‌شون چی می‌خوان و یه جورى انگار درس خوندن براشون حالت اجبار داره، از اون طرف هم از افرادی که درس نخوندن و توی اینستا شهرت و ثروت به دست آوردن زیادن، افراد تحت تأثیر اون‌ها قرار می‌گیرند و درس و مدرسه رو ممکنه ترک کنند.

- به نظرت در طی استفاده از اینستاگرام ممکنه تحولاتی در اخلاق افراد ایجاد بشه؟

بله، یکی از این مشکلات کم صبر شدن و کم حوصلگی افراد، حتی می‌شه گفت پرخاشگری در افراد زیاد شده، با کوچک‌ترین حرفی واکنش شدیدی پیدا می‌کنی، خودمون نمی‌فهمیم حتی که داریم پرخاشگری می‌کنیم تا این که به کارهامون فکر کنیم، همه‌اش هم به خاطر اینه که تحمل بیرون بودن از فضای مجازی رو نداریم، سریع می‌خوایم برگردیم اون تو و همین باعث پرخاشگری مون می‌شه. یک جورایی شدیم مثل اون معتادهایی که اگه مصرف نکنند، رفتارشون دست خودشون نیست.

- به نظرت اینستاگرام در تقویت یا کاهش حس نوع دوستی افراد اثری داشته؟

بله، باعث شده خیلی مسایل بیش‌تر دیده بشه، مثلاً فقر آدم‌ها و بی‌عدالتی‌ها، همین باعث می‌شه مردم نسبت به هم احساس هم‌دردی کنن، یه جورایی اطلاع پیدا کنند از درد و رنج مردم دیگه، توی خیلی شرایط حمایت‌ها بیش‌تر شده و مردم به هم کمک بیش‌تری می‌کنند. مثلاً ماجرا سیل و زلزله و... و کمک‌هایی که مردم کردند.

- آیا اینستاگرام می‌تونه باعث سرخوردگی اقشار کم درآمد بشه؟
بله.

- می‌شه توضیح بدی؟

وقتی توی فضای مجازی با انواع امکاناتی مواجه می‌شی که به شدت اون رو می‌خواه، ولی نمی‌تونی داشته باشیش، خیلی اذیت کننده هست. حالا فکر کن وضعیت اقتصادی کسی پایین‌تر از ما باشه و واقعاً باعث اذیت افراد می‌شه، حتی ممکنه اون‌ها رو به فکر دزدی هم بندازه.

- موردی در اطرافت از چنین مسایلی دیدی؟
نه خوش‌بختانه تا این حد.

- آیا در اینستاگرام با مطالبی که خرافه‌گرایی رو ترویج می‌دن روبه‌رو شدی؟

بله، خیلی زیاد، مثلاً مطالبی که درباره وجود روح و جن و عکس‌هایی که از این‌جور موارد گرفته شدن هست، زیاده. به یه تیکه نور وسط تاریکی اشاره می‌کنند، می‌گن این روحه رو عکاس گفته توی جنگل گرفتم و از این چیزا. یک‌سری موارد هم هستند که به صورت غیرمستقیم ارایه می‌کنند این مسایل رو. مثلاً عدد ۱۳ رو نحس می‌دونند و توی شمارش واردش نمی‌کنند و از این حرف‌ها.
- آیا اینستاگرام اثراتی بر جسم شما داشته؟

بله، گرفتگی عضلات، دست درد و بی‌حسی دستم وقتی زیاد از گوشی استفاده می‌کنم، چون بی‌حرکت نگه‌ش می‌دارم، سر درد شدید هم می‌گیرم، چون کم می‌خوابم و زیاد با گوشی کار می‌کنم.
- سوالات من تموم شد، خیلی ممنون بابت هم‌کاریت.
خواهش می‌کنم.

تأملی دوباره:

کوثر ۲۴ ساله، در مصاحبه خود درباره اثرهای کاربری از شبکه اجتماعی اینستاگرام، به مباحثی حول محورهای اثرهای آموزشی، اجتماعی، اخلاقی - تربیتی، اقتصادی، خانوادگی، روان‌شناختی، زیباشناختی، زیستی، زیست محیطی، سیاسی، عقیدتی و فرهنگی اشاره داشته است.

کوثر در مصاحبه خود در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در مسایل آموزشی کاربران، به مواردی مانند: آموزش مسایل زیست محیطی، تولید محتوا درسی توسط دانش‌آموزان و دانشجویان، گسترش منابع غیر موثق در جامعه توسط اینستا، بی‌علاقگی به درس و افت تحصیلی و مالا مال شدن فضای مجازی از آموزش‌های غیررسمی اشاره داشته است.

کوثر در مصاحبه خویش در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در رفتار اجتماعی کاربران، به مواردی مانند: نودوستی، نگاه نقادانه به مسایل اجتماعی، اثرات فرهنگ جمع‌گرای ایران، تعمیق روابط دو جنس، عدم توجه به حریم خصوصی، کاهش حساسیت کاربران در ابعاد مختلف، الگوبرداری و الگوبرداری از الگوهای ویرانگر، گسترده‌ی هویت کاذب، شایعه‌پردازی و علاقه به مهاجرت و نظایر آن، در سطح خود و دوستانش اشاره داشته است.

کوثر در مصاحبه خود در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در رفتار اخلاقی کاربران، به مواردی مانند: تحول ارزشی کاربران، رواج دروغ‌گویی و استفاده از سیگار و مواد دخانی و نظایر آن در سطح خود و دوستانش اشاره داشته است.

کوثر ۲۴ ساله در مصاحبه خویش در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در مسایل اقتصادی کاربران، به مواردی مانند: اثرگذاری اینستا بر شرایط اقتصادی جامعه، رواج درآمدزایی اینترنتی، تشویق تجمل‌گرایی، رواج کلاهبرداری و سرخوردگی اقشار متوسط و کم درآمد جامعه و نظایر آن اشاره داشته است.

کوثر در مصاحبه خود در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در مسایل خانوادگی کاربران، به مواردی مانند: کاهش تعامل‌های خانوادگی، کودک‌آزاری دیجیتال توسط خانواده‌ها و عدم علاقه به تشکیل خانواده در سطح خود و دوستانش اشاره داشته است.

کوثر در مصاحبه خویش در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در مسایل روانی کاربران، به مواردی مانند: تقویت انگیزه، جرأت‌ورزی، حساسیت‌زدایی، ضعف توانایی حل مسئله، اتلاف وقت، از خود بیگانه شدن، افزایش حسادت، استفاده از سیگار و آگاهی زود هنگام از مسایل جنسی و نظایر آن در سطح خود و دوستانش اشاره داشته است.

کوثر در مصاحبه‌اش در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در علایق زیباشناختی کاربران، به مواردی مانند: توجه نظری به مسایل زیست محیطی و تحول یافتن معیارهای زیباشناختی بومی به سمت پذیرش استانداردهای زیباشناختی اینستا، در سطح خود و دوستانش اشاره داشته است.

کوثر ۲۴ ساله در مصاحبه خود در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در مسایل زیستی کاربران، به مواردی مانند: تغییر میزان خواب، چاقی، دردهای عضلانی و اسکلتی و بلوغ زودرس، در سطح خود و دوستانش اشاره داشته است.

مصاحبه شونده در مصاحبه خود در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در مسایل زیست محیطی کاربران، به ترغیب برخی از کاربران و صفحات اینستاگرامی مبنی بر ضرورت عطف توجه به مسایل محیط زیست، اشاره داشته است.

کوثر در مصاحبه خویش در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در رفتار سیاسی کاربران، به مواردی مانند: خطرناک جلوه‌گر شدن هر گونه فعالیت اجتماعی و سیاسی در سطح خود و دوستانش اشاره داشته است.

کوثر در مصاحبه‌اش در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در مسایل عقیدتی کاربران، به مواردی مانند: تضعیف اعتقادات دینی، عدم توجه به حجاب، افزایش خرافه‌گرایی و دید منفی به دین داران و نظایر آن، در سطح خود و دوستانش اشاره داشته است.

کوثر ۲۴ ساله در مصاحبه خویش در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در علایق فرهنگی کاربران، به مواردی مانند: تحولات ارزشی و هنجاری و ترجیح محصولات فرهنگی غرب (فیلم و مانند آن)، در سطح خود و دوستانش اشاره داشته است.

اگر در زمینه مباحث مطرح شده در مصاحبه کوثر ۲۴ ساله، با ارجاع سایر محورهای مطرح شده به دیگر کتاب‌های مجموعه حاضر، توجه خود را صرفاً معطوف به ابعاد فرهنگی (که مورد بحث اثر حاضر است) کنیم، می‌توان بیان داشت، کوثر در مصاحبه خویش ضمن تأکید برخی از آموزش‌های زیست محیطی در فضای اینستا، از اثرپذیری از انبوهی از آموزش‌های غیررسمی موجود در فضای اینستا سخن به میان آورده است. به این معنا که محصولات فرهنگی غرب از فیلم‌ها و سریال‌ها گرفته تا القاءات ارزشی و هنجاری سلبریتی‌ها، بلاگرها و اینفلوئنسرها که غالباً در اشکال غیرمستقیم به آرایه ارزش‌ها و هنجارهایی نظیر تعمیق روابط دو جنس، تبلیغ مواد دخانی و الکلی، شناخت‌زدایی از اقلیت جنسی و مانند آن‌ها، دست می‌زنند و کاربران اینستا تحت تأثیر آن‌ها، به تدریج نسبت به موارد پیش گفته از خود پذیرش نشان داده، به درون‌سازی این ارزش‌ها دست می‌زنند.

مصاحبه با امیرعلی، ۱۸ ساله

فصل ۶ پیکي بلایندرز رو توی همین اینستا فهمیدم کی میاد که البته هنوز نیومده، من عاشق پیکي بلایندرز شدم.

- سلام.

سلام به شما.

- خوب هستی؟

ممنون.

- امیرعلی جان کلاس چندمی؟

کلاس دوازدهم دبیرستان.

- خوب می‌شه به طور کلی یک ساعتی رو به عنوان مدت زمانی که در فضای مجازی هستی

اعلام کنی؟

من نمی‌تونم تایم مشخصی رو بهتون بگم، چون به طور کلی چندتا کار می‌گم که اگه در حال انجام دادن اونا نباشم، قطعاً توی گوشیم، مثلاً سر کلاس بودن که البته اونم خیلی زیاد دور از فضای مجازی محسوب نمی‌شه، چون وقتی دارم به معلما گوش می‌دم، هم‌زمان با گوشیم یا توی اینستاگرام یا توی تیک‌تاک و یوتیوب.

سر کلاس نباشم می‌مونه تمرین‌های ورزشی که با یوتیوب می‌کنم که اونم باز تقریباً فضای مجازی طور محسوب می‌شه، ولی چون هم‌زمان باهاش فعالیت بدنی می‌کنم، خیلی حسابش نمی‌کنم، پس غیر از این دوتا یا دارم درس می‌خونم یا توی فضای مجازی هستم.

- یک ساعت تقریبی اگه بخوای بگی؟!

روزی ۵ ساعت کلاس، به علاوه روزانه ۲ ساعت ورزش حرفه‌ای رزمی کاری با یوتیوب، شاید دو، سه ساعت درس بخونم اگه درس داشته باشم، بقیه‌اش سرم توی گوشیمه. مثلاً ۵ تا ۶ ساعت پراکنده.

- این ۵ الی ۶ ساعت روزانه رو چه جوری تقسیم می‌کنی بین برنامه‌های مختلف، یعنی کدوم

بیش‌تر وقت رو می‌گیره؟

اگه بخوایم به ترتیب استفاده کردن از برنامه‌ها بچینیم‌شون، رتبه یک استفاده رو می‌دم اینستاگرام، رتبه دو تیک‌تاک و رتبه سوم یوتیوب. تلگرام و واتساپ برای درس یا چت با دوستانم

می‌رم، اما خیلی کم، چون اکثراً دوستانم توی همون اینستا هم هستن، اون‌جا حرف زدن مون راحت‌تر و سریع‌تره.

- خوب من می‌خواهم روی اینستاگرام تمرکز کنیم، از همین‌جا شروع کنیم، دوستان توی اینستاگرام زیاد هستن؟
خیلی.

- دوستان واقعی‌ات هستن که اون‌جا باهاشون آشنا شدی یا باهاشون توی همون فضا آشنا شدی؟

هر جفتش در واقع.

- توضیح می‌دی لطفاً؟

من آدم خیلی اجتماعی‌ای هستم و خیلی دوست زیاد دارم، البته نه این‌که با همه‌شون صمیمی باشم. البته دوستای صمیمیم هم زیادن، ولی به طور کلی طیف دوستانم خیلی گسترده است و کسانی که زیاد باهاشون صحبت می‌کنم، توی همون اینستا و زیاد دایرکت می‌دیم و یا توی کامنت با هم صحبت کوتاهی می‌کنیم، هر دو گروه رو که گفتی شامل می‌شه، هم بچه‌های دبستان و دبیرستان - مون و فامیل و آشنا و دوست خانوادگی و هم کسانی که تا حالا ندیدمشون و توی همین فضا آشنا شدیم، شاید حتی اسم کامل‌شون رو ندونم هم شامل می‌شه.

- روابط شما با هر دو گروه چه قدر صمیمانه است و به نظرت اینستاگرام در این ارتباط چه قدر تأثیر داشته؟

خب با دوست و فامیل و آشنا قطعاً خیلی زیاد. من خیلی از فامیلامون چون تهران زندگی می‌کنن، نمی‌بینمشون زیاد و به خصوص الان توی این کرونا، من خودم یک ساله تهران نرفتم، پس سعی کردم چون با فامیلامون خیلی حال می‌کنم، این رابطه رو باهاشون حفظ کنم.

بعد یه چیز دیگه هم هست، من حتی اگه بخوام در حالت عادی و یه روز بدون کرونا و مشکل باهاشون ارتباط برقرار کنم، توی زندگی عادی خیلی سخته، چون همه‌شون به هر حال سر کار می‌رن و شغل‌های سختی هم دارن. مثلاً پسردایی‌های من هر سه تاشون خلبان هستن و هر هفته یه گوشه‌ی دنیا ان، پس بهترین وسیله برای ارتباط باهاشون واقعاً اینستا است. چون اونا مثلاً یه عکس به اشتراک می‌ذارن، مثلاً پسردایی بزرگم خیلی این کار رو می‌کنه، مثلاً از ژاپن یه عکس گذاشته بود، من می‌بینمش دلتنگیم یه کم کم‌تر می‌شه، براش کامنت می‌ذارم یا می‌رم دایرکتش و یه کم با هم صحبت می‌کنیم و حال و احوال می‌کنیم و یه چت کوتاه و گرم و صمیمی می‌کنیم و من عاشق این روابط و ارتباط برقرار کردنم، من می‌تونستم پستش رو یه لایک کنم و برم و یا نهایتاً یه قلب براش کامنت کنم، اما من قدر این ارتباط و وسیله و اینترنت و برنامه رو که همه‌اش برام با هم جمع شده می‌دونم و به بهترین شکل در این زمینه دوست دارم ازش استفاده می‌کنم، پس به

جای این کارا یعنی یه لایک ساده، می‌رم دایرکتش می‌گم و ااو عجب عکسی! کی گرفتی، کجاس این‌جا، خوش می‌گذره؟!

و در بحث کسایی که ندیدم هم، شاید در این حد گرم و صمیمی برخورد نکنم، اما باز همون قضیه لایک و کامنت گرم و صمیمی رو می‌ذارم، اما نه دیگه در حد دایرکت. آخه یه سریا خوش‌شون نمیداد، منم رعایت می‌کنم، چون به حفظ حریم خصوصی در این زمینه خیلی اعتقاد دارم. بیش‌تر اگر هم بخوام اون بحث گرم و صمیمی رو شروع کنم، حتماً قبلش دقت می‌کنم که باعث مزاحمت شخص نشده باشم و بیش‌تر با دوستای پسرم خیلی زیاد حرف می‌زنیم، از مسابقه فوتبال گرفته و کشتی و نمی‌دونم والیبال تا بازی‌های کامپیوتری یا فیلمایی که جدید دیدیم. - پس همه‌ی این چتها رو در اینستاگرام می‌کنی؟ بله.

- چی باعث شده برای چت کردن از اینستاگرام استفاده کنی، نه مثلاً یه آپ دیگه؟ آخه اینستا خیلی راحت و دم دسته، تلگرام فیلتره و باید بری یک ساعت فیلترشکن روشن کنی، بعدش مثلاً دو دقیقه می‌خوای یه سر به اینستا بزنی، تا طرف جوابت رو بده باید بری فیلترشکن رو خاموش کنی، بعد دوباره برای این که بفهمی طرف جوابش رو تایپ کرد یا نه، باید بری فیلترشکن روشن کنی و این چرخه دوباره اتفاق می‌افته! واتساپم که حرفش رو نزن، خیلی آروم و کند و به درد نخوره.

اما اینستا! هم‌زمان بدون فیلترشکن راحت سریع چت می‌کنی و باگ هم نداره، یه چیز خیلی خوب دیگه هم که به ذهنم می‌رسه راجبش اینه که هم‌زمان عکس طرف رو می‌بینی و زیر استوری هم می‌تونی بهش فیدبک بدی. ولی مثلاً آگه اینستا قابلیت چت رو نداشت، من بعد دیدن استوری هر شخص، باید می‌رفتم فیلترشکن روشن می‌کردم و غیره و غیره، تا بهش بگم واو پسر عجب عکس باحالی و بعد این دوتا کلمه باید دوباره خاموش می‌کردم تا برگردم بعدی! پس ماها، یعنی من و دوستانم تصمیم گرفتیم همه چتا و گروه‌هامون رو منتقل کنیم اینستا و راحت‌تر باشیم.

- نظر دوستان خودت رو هم راجع به این نحوه و مقدار ارتباط توی اینستاگرام می‌دونی؟

آره، همه‌شون همین رو می‌گن؛ اصلاً منطقی‌ترین کاریه که می‌شه کرد.

- خوب به نظرت ارتباط‌های عاطفی در اینستا چه طوره؟

امم نه راستش، من زیاد داخل این روابط نیستم، البته به طور جدی.

- یعنی چی به طور جدی؟

خب زیاد عمیق نمی‌شم، اما دوست دختر زیاد داشتم توی اینستا.

- امیرعلی شما از اینستاگرام استفاده‌های آموزشی می‌کنی؟

آره. اینستا ابزار خیلی خیلی خوبیه برای آموزش و این چیزا. همه چیز رایگان و دم دست و ایناس، تازه کلی هم التماس می‌کنن که بیان از ما چیز یاد بگیرین و یا مثلاً بیان ما رو فالو کنین، ما هر روز مطالب مفید می‌ذاریم.

من به شخصه به روان‌شناسی علاقه زیادی دارم و پیج‌های زیادی از روان‌شناسی رو فالو کردم و خیلی هم بهم کمک کردن و این که ازش زیاد فیلم آموزش کنگ‌فو و کاراته اینا، به طور کلی می‌بینم. چون قطعاً می‌خوام در آینده پلیس شم و کلاً به ورزش‌های رزمی علاقه دارم و لازم‌شون دارم و دیگه فکر می‌کنم پیج مدلینگ زیاد فالو کردم، مخصوصاً کامران بختیاری که پسر فوق‌العاده- ای هست! بهتر از اون طراح لباس نداریم و این که آره، طراحی لباس زیاد دارم و خیلی زیاد هم پیج‌ها و کلیپ‌های طنز دارم که واسه اوقات فراغت خیلی می‌چسبه و حال می‌ده.

- خوب به تربیتی که گفتی، راجع به پیج‌های روان‌شناسی بگو.

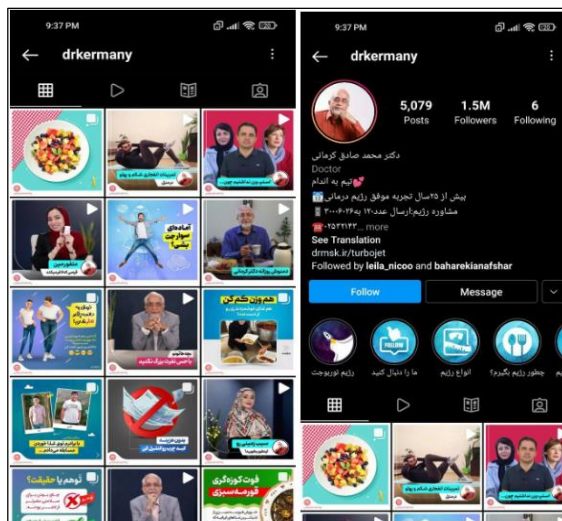
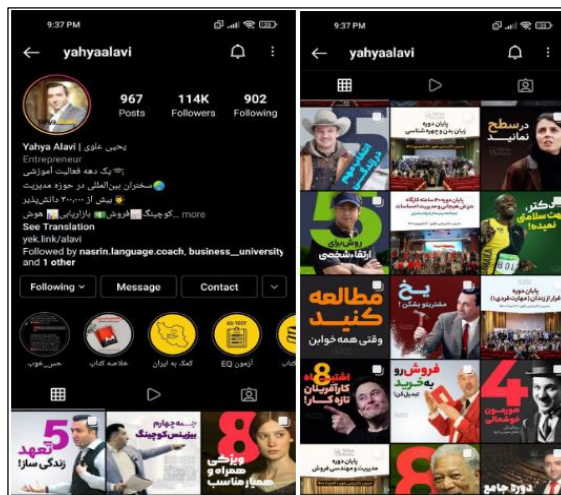
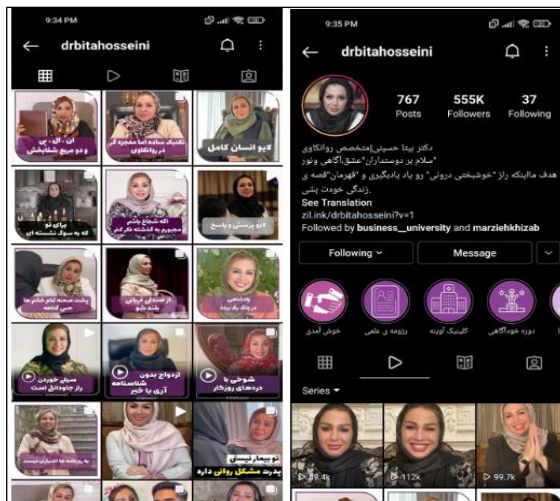
پیج‌های روان‌شناسی خیلی خفن‌اند، کلی مطالب مفید و به درد بخور از علم روز دنیا رو به طور خلاصه و در واقع لب مطلب رو می‌ذارن و تو رایگان و دم دستی می‌تونی ازش استفاده کنی. چرا که نه، البته علاقه هم مهمه دیگه، من واقعاً لذت می‌برم.

- پیج روان‌شناس فالو می‌کنی یا مطالب روان‌شناسی؟

هر دوش. به نکته خوبی اشاره کردی، چون روان‌شناسای خیلی خیلی خوب و معروفی هم هستن که شاید برای دیدن‌شون باید چند ماه وقت بذاری و پول و هزینه رفت و آمد، چون اکثراً تهران هستن و البته مهم نیست بعضیا که بهترین‌ان هم توی شهرستان شامل این تعریف من می‌شن، خلاصه که می‌تونی بری فقط توی پیج‌شون و کلی شاید بیش‌تر از ۱۰۰ تا پست آپلود کردن و راجع به مهم‌ترین مسأله، کوتاه‌ترین و مختصرترین توضیح رو دادن، برای این که بتونی به همه مطالب بری ببینی و خسته نشی. من همه‌شون رو که برام مطالب‌شون جالب بوده، دنبال می‌کنم، حالا بین اینا یه سریا شاید مدرک روان‌شناسی نداشته باشن، اما مثل من به این چیزا علاقه دارن و مطالعه می‌کنند خیلی و مطالب خوبش رو به اشتراک می‌ذارن و حالا یه سریاشونم که هر دو گروه رو شامل می‌شه.

- چندتا نمونه از دکترهایی که می‌گی رو به من معرفی می‌کنی؟

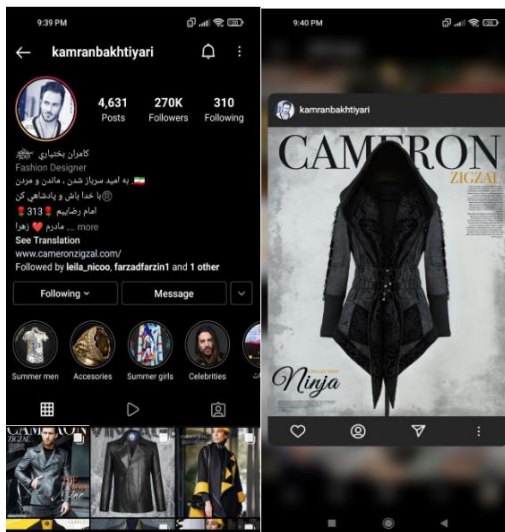
دکتر بیتا حسینی مشاور خانواده. دکتر یحیی علوی که فکر کنم خودشون روان‌شناس نیستن، ولی مطالب روان‌شناسی و موفقیت می‌ذارن. دکتر کرمانی برای رژیم درمانی و تغذیه و یه پیج هم هست که مطالب روان‌شناسی می‌ذاره و چیز جالبش اینه که مریضیای مختلف رو مثل کیس‌ها داستانی می‌گه، بعد روشون مانور می‌ده.





- راجع به پیج‌های مدلینگ برای من بگو.

خب من زیاد اهل لباس و مد و این چیزام و تقریباً همیشه دنبال شون می‌کنم، به خاطر همین تعداد زیادی پیج مدلینگ دارم که بهترین شون هم همون کامران بختیاریه که الگومه توی طراحی لباس، من چون طراحی دوست دارم ولی استعدادش رو ندارم، از این پیج خوشم میاد.



- قصدت از دنبال کردن این صفحات چی هست؟

متناسب با زمان‌های مختلف فرق می‌کنه دیگه، مثلاً من یه زمانی دنبال یه ست کت و شلوار بودم، از پیج‌های مختلف فقط دنبال طرح و مدل بودم تا بدم خیاطی که آشنامونه برام بدوزه، ولی بعضی اوقات دنبال خود جنسم، مثلاً خرید سویشرت و هودی و اینا، مخصوصاً الآن که فصلشه، البته خیلی گرونه، اما من می‌خرم، چون مد روزه و من دوست دارم همیشه جذاب‌ترین مدلا رو داشته باشم که توی مغازه‌های عادی پیدا نمی‌شن.

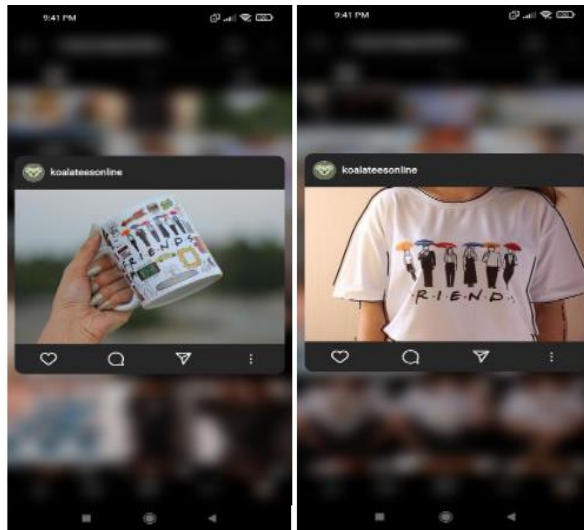
- می‌شه یک کم دیگه راجع به همین دنبال مد و الگو از اینستاگرام بودن، توضیح بدی؟
آره، طرح‌هایی که توی اینستا هست کم‌تر جایی به طور حضوری پیدا می‌کنید، بعد اگر باشه اون طرح اصلی نیست، بلکه مدلشه، ولی هیچ‌وقت به اون قشنگی درش نیارن، مگه این که خود فروشگاهه پیج داشته باشه و محصولاتش رو بخواد به نمایش بذاره، البته اونم واقعاً اون طرحی که عکسش رو می‌ذارن نیست. من یه رفیق داشتم عکاس بود، بعد فامیل‌شون لباس زنونه فروشی داشت، بهش گفته بود بیا برام عکس بگیر، می‌خوام برای فروشگاه پیج اینستا بزنم و این رفته بود علاوه بر این که کلی وقت گذاشته بود برای عکاسی، چند روز زیاد داشت فقط فتوشاپ‌شون می‌کرد، بعد من بهش گفتم مگه لباس هم فتوشاپ داره که تو یه هفته بکوب نشستی داری فتوشاپ می‌کنی؟! گفت آره، دارم رنگ همه‌شون رو ترمیم می‌کنم، یه کم با تنگ کردن کمر و شکل دادن به بالاتنه لباس روی مانکن، یه کاری می‌کنم خوش‌دوخت‌تر دربیاد و از این یک نواختی از بالا تا پایین دربیاد و خوب قطعاً بیش‌تر توی چشم می‌ره و فرد فکر می‌کنه توی تن خودشم همین جور شیک و خوش‌دوخت وایمیسته. پس می‌گم اینم حالا زیاد قابل اعتماد نیست، ولی دیگه چه کار کنم، من دنبال طرح‌های خاصم و پیدا نمی‌شه توی خیابون و فروشگاه‌ها، ولی توی اینستا کاملاً در دسترسه.

- راجع به طرح‌های خاص بگو.

طرح‌هایی که واقعاً هیچ‌جا پیدا نمی‌شه، چه جوری بگم! مد روز رنگای جذاب و حتی خیلیاشم با طرح دل‌خواه که من خیلی بهش علاقه دارم، خیلی از سویشرت‌هام و لباسام با طرح دل‌خواه خودمه، مثلاً از یه سریال لوسیفر که همین چند هفته پیش فصل آخرش اومد و سر و صدا کرد، منم تمومش کردم خیلی خوشم اومد، رفتم یه سویشرت مشکی سفارش دادم از اینستا، روشم بزرگ با قرمز گفتم بنویس لوسیفر و کنارشم بال لوسیفر رو بکشه، هم طرحش رو از اینستا پیدا کردم و هم پیجی که بهش سفارش دادم از اینستا بود.



بعد مثلاً پارسال که می‌دونستم دوست دخترم سریال فرندز رو خیلی دوست داره، براش یه تیشرت و یه ماگ با عکس علامت فرندز سفارش دادم، عکسشم بود توی پیج خودشون.



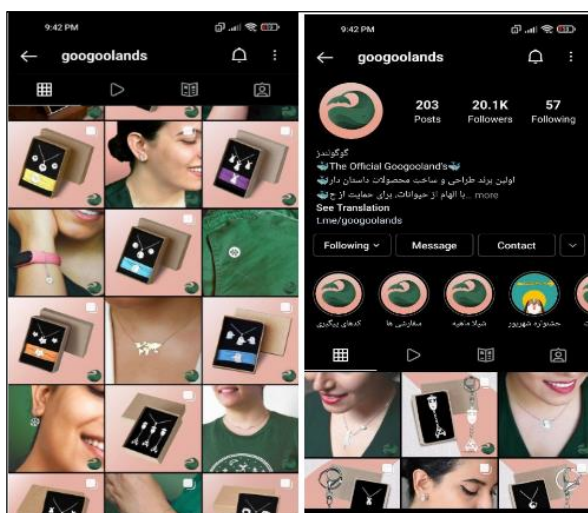
خلاصه که مد روز بودن یعنی همین، یعنی نمی‌گم عه من از سریال فرندز خوشم میاد، بعد برم بگردم توی فروشگاه‌ها لباسش رو یا ماگش رو پیدا کنم، بلکه توی همون اتاقم سفارش می‌دم تموم می‌شه می‌ره. تازه پیج‌های معتبر فروش، یه هایلایت هم توی استوری‌هاشون دارن که رضایت مشتریاشون رو اون‌جا می‌ذارن.



من برای خرید اینترنتی و انتخاب پیج، حتماً به این ویژگی پیج توجه می‌کنم و اگر رضایت مشتری نداشته باشه، ازش خرید نمی‌کنم. البته می‌دونم که قابلیت اعتماد ۱۰۰ درصدی هم بهش نیست، اما باز از هیچی بهتره.

- تجربه دیگه‌ای هم از خرید اینترنتی داشتی که راضی نباشی؟

آره، یه بار برای دوست دخترم از پیج گوگولندز که زیورآلات استیل و نقره می‌فروشه، خرید کردم، گفت که جنس‌شون خیلی خوبه، اما دوست دخترم اصلاً راضی نبود. ولی ویژگی خاصی که داشت همین بود که اونم طرح دل‌خواه رو در می‌آورد، من به خاطر همین انتخابش کردم که طرح دل‌خواه دوست دخترم که اسم یکی از همون شخصیتای فرندزه رو با نقره درست کنه. ولی بدیش اینه که جنس ندیده رو می‌خری دیگه! قبلاًها از پدر و مادرامون می‌پرسیدن یا بهشون می‌گفتن در آینده قراره کلی پول خرج جنسای ندید بکنی، تعجب می‌کردن، اما من که الان خیلی ازش راضیم.



- بیش‌تر راجع به مد و انتخاب لباس‌ها از توی اینستاگرام بگو.

خب من اون قدر پیچ لباس دیدم که اکسپلورم پره از پیچ‌های فروش آنلاین، اما متأسفانه پول خریدش رو ندارم، دیگه اگه قرار بود هر چی می‌خوام رو بخرم که پول نداشتم باهاش یه دونه خودکار برای درس و مدرسه‌ام بخرم. ولی واقعاً خیلی دلم می‌خواد همه‌شون رو بخرم، واسه این که نمی‌تونم همه‌اش رو یا حداقل همه اونایی که خیلی دوس‌شون دارم رو بخرم، واقعاً افسرده می‌شم. در صورتی که دوستم مثلاً خیلی راحت هر سری از یه پیچ یه چیز جدید می‌خره، چون باباش ماهی چند میلیون بهش پول توی جیبی می‌ده و اونم خرج می‌کنه. ولی من خیلی می‌رم توی این پیجا می‌گردم، با این که می‌دونم پول خریدش رو ندارم و همون طور که گفتم ناراحت می‌شم. مثلاً توی حالت عادی بی‌پول باشی، حال و حوصله هم نداری بری فروشگاه‌های شیک و گرون بچرخ یا شاید اصن رومم نمی‌شد این کار رو بکنم با حساب خالی، مثلاً برم کلی لباس قیمت کنم. اما الان ناخودآگاه و ناخواسته بگم درست‌تره، کلی پست می‌بینم و بعد می‌رم توی پیج‌شون می‌چرخم و از کلی‌شون خوشم میاد و نمی‌تونم بخرم و افسرده می‌شم. چون شاید خیلی بیش‌تر از یه فروشگاه عادی می‌تونم توی فروشگاه‌های مجازی بچرخم، بعد طرف نمی‌دونه تو اصن پول داری یا نداری.

- راجع به اکسپلور گفتم، نظرت راجع بهش چی هست؟

خیلی اوکیه، من هر چیزی رو که سرچ می‌کنم زیاد، بعد میاره دیگه اون‌جا. بهترین پیج‌های لباس و مد و اینا رو از اکسپلور پیدا کردم، اگه نبود همچین قابلیت، من از کجا باید می‌رفتم آیدی عجیب و غریب فلان برند و طراحی رو تایپ می‌کردم و می‌دونستم؟! اما وقتی یه پست زیاد لایک و کامنت و شیر می‌خوره، میاد توی اکسپلور و معلوم می‌شه پیج‌های داغون و به درد نخور نمیاره دیگه. فایده دیگه‌اش هم اینه که برای وقت گذروندن خیلی خوبه، من می‌رم اکسپلور قشنگ چند ساعت بعد میام بیرون اگه کلاس اینا نداشته باشم. البته توی کلاس هم اگه مهم نباشه و نخوام گوش بدم، بهترین راه برای گذروندن وقته، می‌دونی قسمت هوم اینستا، آدم دیگه بعضی اوقات از پیج‌هایی که فالو کرده خسته می‌شه و می‌خواد چندتا چیز جدید ببینه که خیلی هم بی‌ربط به همون پیجایی که فالو کرده نباشن، در نتیجه کلی زمان می‌گذرونه، حتی ناخواسته می‌بینه کلی وقتش رفت.

- برای شما هم پیش اومده این که زمان از دستت در بره؟

آره، خیلی. من همین امروز گفتم ساعت سه و نیمه تا سه و چهل و پنج دقیقه برم اینستا، یه کم خستگی درکنم، بعد درس بخونم تا ۷. از ۷ تا ۸ که مصاحبه‌مون با شما شروع شه دوش بگیرم و کارای شخصیم رو بکنم، اما متأسفانه ساعت ۷ تازه از اینستا اومدم بیرون، نه به درسم رسیدم و فقط تونستم یه دوش بگیرم و تمام کارام افتادش فردا!

- نظر دیگه‌ای راجع به اکسپلور نداری؟

من یه چیز دیگه هم که توی علایقم گفتم، همون پیجای طنزه، خیلی زیاد می‌بینم توی اکسپلور و همونا هست که وقتم رو می‌گیره. بعد مثلاً دابسمش و لایو یه سریا و اینا، بعد نگاه می‌کنی یک

ساعت، دو ساعت رفته. هر سری می‌رم توش با خودم عهد می‌بندم که مثلاً فقط و فقط نیم ساعت بمونم توش، اما هر سری نمی‌شه، یه جوری که دیگه حس می‌کنم واقعاً اختیارش دست من نیست، حتی به قول خودمم دیگه اعتماد ندارم و این فکر می‌کنه بسط پیدا کرده به بقیه فعالیت‌هام.

- توضیح می‌دی چه طوری و چرا این اتفاق افتاده؟

من وقتی هزار بار در طول روز و هفته و ماه به خودم می‌گم امروز فقط نیم ساعت یا امروز فقط یه ساعت می‌رم اینستا و بعد می‌بینم چند ساعت گذشته، از دست خودم عصبانی می‌شم، اون قدر که دلم می‌خواد گوشی رو پرت کنم توی دیوار، اما خب نمی‌شه. بعد دوباره و دوباره در طول هر روز یا هر هفته، بعد می‌گذره، دیگه به حرف خودمم اعتماد ندارم.

- چه مدته این حس رو که نمی‌تونی وقت خروجت رو خودت تعیین کنی داری؟

نمی‌دونم، از وقتی یادمه که توش وقتم رو بیش‌تر از اونی که می‌خواستم می‌گذروندم. ولی اخیراً شدیدتر شده و باعث می‌شه به کارا و برنامه‌هام به طور جدی نرسم.

- اختلال در درست هم به وجود آورده؟

آره، خب اونم جزو کارای مهم می‌شه و این که گفتم سر کلاسا من اکثراً می‌رم توی اینستاگرام تا وقت زودتر بگذره و همیشه شعارم اینه. وقتی هم مامانم بهم غر می‌زنه چرا سرت توی گوشیه همه‌اش موقع کلاسات، می‌گم من با هندزفیری که به لپ تاپ گذاشتم دارم صدای استاد رو گوش می‌دم، با چشمم که بی‌کاره عکسای مختلف رو می‌گردم می‌بینم. اما راستش واقعاً یه موقعی می‌شنوم، ولی گوش نمی‌دم، یعنی مثلاً یه متن می‌بینم رو شروع می‌کنم خوندن و حالا بعدی و بعدی... بعد که نگاه می‌کنم می‌بینم روی صفحه چیزی نوشته شده که من اصلاً نمی‌دونم چی هست و استاد کی اون رو گفت!

- این مسأله در دوستان خودت چه طور هست؟

اونا هم همین، البته با شدت‌های متفاوت خب. کلاسا که شروع می‌شه بحث توی گروه‌ها هم داغ می‌شه و دقیقاً کلاس که تموم می‌شه، همه توی گروه از هم خداحافظی می‌کنن و می‌رن. اونام فکر می‌کنن دارن هم‌زمان به صحبتای استاد گوش می‌دن و هم تایپ می‌کنن و بحث و صحبت می‌کنن. اما چند دفعه شده که استاد یهو یه اسم صدا زده یا سوال پرسیده، یهو گروه ریخته بهم که ای بابا! چی شد، چه کار کنیم! (خنده).

ولی یه جوری گذروندیم، مثلاً امتحانا هم همین‌طور، معلم سوال می‌کرد، بقیه توی چت جواب می‌دادن و ما می‌خوندیم و می‌گفتیم. البته خب اونایی هم که می‌گن وب‌کم باز کن ما راهش رو داریم دیگه، دوربین لپ تاپ رو باز می‌کنیم، ولی گوشی رو جلو می‌ذاریم جایی که توی دوربین نیفته. دوستم پارسال امتحان تاریخ رو که شفاهی بود، یه کلمه هم بلد نبود، این‌طوری پاس کرد.

می‌گم گروه ما توی اینستاگرام بود برای دقیق بودن و سریع بودن، چون امکان داشت یهو فیلترشکن قطع شه یا شانس یکی از بچه‌ها یهو فیلترشکنش وصل نمی‌شد.

- راجع به بعد هنری اگه بخوایم در اینستاگرام صحبت کنیم، چه نظری داری؟

من موسیقی رو دوست دارم، همین طور دخترایی که گیتار می‌زنن و می‌خونن رو خیلی دوست دارم، هر چی که ببینم یا توی اکسپلور باشه رو فالو می‌کنم. در صورتی که می‌دونم مثلاً خوانندگی زنا خب ممنوعه دیگه، نه می‌تونن کنسرت بذارن توی ایران، نه توی فیلمی چیزی بخونن، پس اینستا بهترین جا برای شکوفا شدن این دخترا هست.



و به نظرم حالا که ایران این دخترای بیچاره رو بسته و محدود کرده به هزارتا بهونه دینی و شرعی، بهترین جا برای این که اونا دیده بشن همین اینستا است و بعضیاشون از همین جا به جاهای خیلی خوبی رسیدن، برای من به شخصه جذابه و کم نیستن دخترایی که قوی می‌خونن و یا حتی رقص هم به هنر خیلی خفنه که هر کسی نمی‌تونه و خیلی از دخترا به قشنگی می‌رقصن، کلی سال کلاس رفتن، نمی‌دونم باله و این چیزا و دیدن انعطاف بدنی این دخترا برام خیلی جذابه.

چون طبق معمول که گفتم همچین برنامه‌ای توی تلویزیون برای مثلاً استعدادیابی یا نشون دادن رقص دخترا وجود نداره و اینستا هم باعث شده من به شخصه که از دیدن رقص دخترا لذت می‌برم، بتونم از اونا استفاده کنم، هم اونا استعدادهاشون رو به نمایش بذارن به اصطلاح. یه چیز دیگه هم که اگه اینستا نبود، ماها نداشتیم، علاوه بر خوانندگی و رقص که گفتم، همون دابسمش و کلیپ طنز درست کردنه و بعدشم که مدلینگای دخترا که خب من دنبال شون می‌کنم.

- به ترتیب بریم جلو. خواننده‌های زن رو در اینستاگرام دنبال می‌کنی، مثال می‌زنی؟

بله، بله. می‌گم به نظرم خلیاشون جذاب و قوی می‌خونن، جاشون توی اسم آهنگای ایرانی و متأسفانه کنسرت‌ها خالیه، من و امثال من فقط می‌تونیم زندگی‌شون رو از اینستا دنبال کنیم دیگه، با این که از خیلی از خواننده‌های مرد بهترم هستن. مثلاً سارن^۱ یا همون ساراعه فکر کنم اسم واقعیش، یه دختر خودساخته و خیلی خوش صداست که از همون اول می‌خوند و خوندنش رو به اشتراک می‌داشت و بعد اون قدر طرفدار پیدا کرد که چندتا آهنگ داد و اسپانسر گرفت، الآن توی ترکیه داره بهترین زندگی رو می‌کنه و فکر کنم چند میلیون فالور داره. اگه اینستا نبود استعداد خوانندگی این دختر توی ایران پوچ می‌شد و الآن معلوم نبود کجای ایران داشت چه کاری می‌کرد. یا خود نیلی افشارم الآن زده توی کار خوانندگی که من خیلی توی اینستاگرام دنبالش می‌کنم و توی اون تابستون و گشت و گذار ترکیه نیلی افشار هم بود، من که حال می‌کنم با وقت گذروندن توی پیجاشون.

- راجع به فیلم‌های رقص هم در اینستاگرام گفتی، توضیح می‌دی؟

آره، رقص باله رو من دیدنش رو در واقع خیلی دوست دارم، چون انعطاف و ظرافت بدن دخترا رو خیلی دوست دارم، ولی خب نه توی بیرون از محیط خونه، نه توی فیلم و تلویزیون و سینما می‌تونیم این چیزا رو ببینیم. در واقع مردا و پسرای ایرانی از دیدن این نعمت‌ها، زیبایی دخترا محروم ان. ما حداقل من و هم‌سن و سالام که باهاشون در ارتباطم، از این طریق می‌تونیم این حس‌مون رو برطرف کنیم. به خاطر همین من زیاد رقص‌ها و باله مخصوصاً رو برای دخترا دنبال می‌کنم، چون گفتم که این‌طوری فقط می‌شه. از اون طرف هم رقص‌های عروسا و دخترا زیاده و اینم یه مشکل دیگه ماست که عروسیا جداست و ما نه عروس رو می‌بینیم، نه چهارتا رقص درست و حسابی! مردا که اصلاً خوب نمی‌رقصن و حال نمی‌ده مردونه عروسیا و من می‌تونم با پیجایی که کلیپ عروسی واقعی یا این آتلیه‌ای‌ها که قبل مراسم می‌گیرن رو ببینم. وگرنه کدوم عروسی رو دیدی که بیاد از فیلم عروسیش کپی کنه به هر کی یه دونه بده؟! ولی توی اینستا آتلیه‌هایی که از عروس و دامادا فیلم و کلیپ می‌گیرن، برای تبلیغ کار خودشون و البته با رضایت طرف فیلم‌ها رو پست می‌کنن و من این‌ها رو خیلی دوس‌شون دارم.

۱ - سارن سارا خوش شانس با نام هنری سارن متولد دوم آبان ماه سال ۱۳۷۹ در تهران است. پدرش تهرانی و مادرش اهل خراسان هست. سارا خوش شانس فعالیت هنری خود را از سنین کم آغاز کرد. وی زمانی که ۱۳ سال داشت، فعالیت خود در حوزه خوانندگی و انتشار آن‌ها در فضای مجازی را آغاز کرد و طولی نکشید که مخاطبین و علاقه‌مندان سبک و صدای خودش را پیدا کرد او در نواختن سازهای کیبورد گیتار مهارت دارد.

- نظر دوستان خودت راجع به این مسایل چی هست؟

نمی‌دونم، من تا جایی که می‌دونم، اونام مثل من دوست دارن. مثلاً یکی از دوستان خیلی زیاد پیج دخترایی که چالش‌های تیک‌تاک رو برگزار می‌کنن، فالو کرده. آخه چالش‌های تیک‌تاک خیلی جذاب و با حال و بعضی موقع‌ها بامزه است و خیلی از پیج‌ها، چالش‌های تیک‌تاک رو یا برگزار می‌کنن یا همونا رو با ترجمه می‌ذارن، خیلییی واسه وقت گذروندن خوبه!

- بیش‌تر راجع به این چالش‌ها می‌گی؟

آره، خیلی بامزه‌اند، بعضی اوقات من و دوستانم چندتا شونم انجام دادیم و اونایی که طنزه رو برای هم می‌فرستیم. مثلاً اون‌ی که باید بطری رو پرت می‌کردی و صاف وایمیستاد رو خیلی انجام دادیم، حتی فیلم هم گرفتیم استوری کردیم و چندتا دیگه از همین کارا که فانه، طنز شونم که عالیه. کلاً یکی از خوبیای اینستا اینه که زیاد ویدیوهای پر بازدید تیک‌تاک رو می‌ذاره، چون ویدیوهای تیک‌تاک تایم‌شون کمه و جون می‌ده برای اینستاگرام.

- دیگه چه چیزهایی از تیک‌تاک توی اینستاگرام زیاد دیده می‌شه و شما دنبال می‌کنی؟

عه... چالش‌های مد و لباسا شون زیاد توی اینستا نیست، یعنی مثلاً اندازه کلیپ‌های طنز و چالش‌شون. اما خیلی از پیج‌های مد می‌ذارن شون. من اول که اصلاً تیک‌تاک نداشتم، یه مدت که خیلی خیلی زیاد می‌رفتم توی پیج لباسا و اینا، اون‌جا چندتا چالشای جذاب راجع به لباسا دیدم و ترغیب شدم که تیک‌تاک هم بریزم.

- چالش لباس‌ها توی اینستاگرام چه چیزهایی بودن؟

این که مثلاً دونه دونه لباسا رو از کفش شروع کن برو بالا، شلوار و تیشرت و اینا رو می‌انداخت روی مبل، یه لحظه بعد انگار یهو طرف با اون لباسا ظاهر می‌شه و البته با لباسای معمولی و غیر مد و بدون ترکیب رنگی خاص که نمی‌شه انجامش داد، بنابراین من این چالش رو یا اون‌ی که چندتا لباس با رنگای مختلف چیده و به هر کدوم دست می‌زنه، یهو تنش می‌شه رو انجام ندادم، چون حس کردم هیچ‌وقت به خوبی اونا نیستم و اون لباسا و مدلا رو ندارم با این که خیلی خرید می‌کردم، اما هیچ کدوم اون‌ی که می‌خواستم نشدن.. و دوباره همون حس ناراحتی و افسردگیه و حتی بعضی اوقات خشمم می‌اومد توی من که واقعاً چهارتا لباس درست حسابی هم ندارم که باهاش یه کلیپ ۱۵ ثانیه‌ای بگیرم. ولی از نظر مالی همون کلیپ ۱۵ ثانیه‌ای بالای ۶، ۷ میلیون می‌افتاد قیمتش، مثلاً دوتا کفش، دوتا هودی، دوتا مدل شلوار... یعنی دوتا ست می‌خواستم فقط بپوشم، این قیمت می‌شد. ولی دوستانم خیلی زیاد از این چالش‌ها می‌ذارن تا حدی که من واقعاً حسودیم می‌شه.

- نظرت راجع به کسانی که توی اینستاگرام زیاد حاشیه دارن، چی هست؟

خب زیاده و حتماً جذاب‌ان که این قدر طولانی روی اوج می‌مونن و با حاشیه‌هایی که هر چند وقت یه بار انجام می‌دن، سعی می‌کنن همیشه خودشون رو روی بورس نگه دارن.

- مثلاً چی؟

مثلاً پویان مختاری، اولاً کلی سر و صدا کرد عروسیش با نیلی افشار، بعد این که ریحانه پارسا رفت ترکیه و نیلی زد بیرون از خونه و رابطه‌اش رو با پویان بهم زد و طلاق گرفت، همه گفتن به خاطر ریحانه پارساست، بعد شروع کرد به کار مدلینگی که الان با عجیب و غریب‌ترین قیافه‌ها پست می‌ذاره. بعد یه فیلمی از گریه و زاری نیلی افشار شبونه توی خیابون دراومد که از خیانت شوهرش می‌گفت و فکر کنیم ویو زیاد این ویدیو خیلی این قضیه رو جنجالی کرد. من چون از پویان مختاری خوشم میاد زیاد دنبالش می‌کنم و همه استوریاش رو می‌بینم یا لایواش رو تا جایی که بتونم شرکت می‌کنم. بعد این که یه مدت با ریحانه پارسا اینا ریختن روی هم، یه کم داشت می‌گذشت و خبری نبود ازشون، تا برای این که بیاد روی کار، دوباره قضیه این رو مطرح کرد که با آناشید حسینی می‌خواد ازدواج کنه و توی لایو ازش خواستگاری کرد!



من اون لایو رو دیدم ساعت ۱ اینای شب بود، بعد معلوم شد همه‌اش بازی بوده و آناشید برگشت ایران. فکر کنم دوباره گذشت و قضیه دوست دختر جدید پویان مطرح شد. خود من کلاً از آهنگای پویان خوشم میاد و از زندگی تمام و کمالش. بعد یه بار یه چیز جالب این بود که یکی ازش پرسید چه جوری این قدر پول‌دار شدی؟ توی لایو ازش پرسیدن، گفت بازی کردم، منظورش همون بازی قمار و سایت خودش بود.



من چند بار یعنی خیلی بیش تر از چند بار وسوسه شدم که انجامش بدم، اما هر بار ترسیدم که پولی رو هم که دارم از دست بره، اما همون جمله خیلی ذهنم رو درگیر کرد و با دوستانم مطرحش کردم، یه کم اطلاعات از سایتای مختلف درآوردیم و تصمیم گرفتیم پول بذاریم با هم بازی کنیم، راستش چند بار هم بازی کردیم ولی خانواده هامون نمی دونن.

- راجع به بقیه شاخهای مجازی چه نظری داری؟

من از نیلی افشار هم خوشم میاد، مخصوصاً به خاطر این که یه مدت با پویان بود و بعد که از جدا شد هم نشون داد دختر خود ساخته ایه، هم جزو دختراییه که من از هیکل و قیافش خیلی خوشم میاد. حالا مثل ریحانه پارسا گنگش بالا نیست، ولی جزو دخترای ظریف و ناز و ملوسه. من آهنگشم اوکی بودم باهاش، چون صداش خیلی نازه، موزیک ویدیوش هم قشنگ بود، دوست داشتم. اونم از پیج رادیو جوان توی اینستا دیدم و هم مصاحبه اش رو بعد پخش شدن و دیده شدن موزیک ویدیوش و حتی اون جا گفت که می خواد ادامه بده خوانندگی رو، دیگه این که اونم پول دار و جذابه. اگه اینستا نبود واقعاً هیچ کدوم اینا رو نمی شناختیم و الگومون برای دوستی با بقیه دخترا و یا ازدواج اصلاً فقط می شد فامیلا و دخترای نزدیک خودمون! چه قدر مسخره بود که بدون دیدن این همه دختر و گلچین کردن همه ی زیبایی ها و استعدادهاشون، الگومون رو برای انتخاب دختر آینده و زندگی مون می شد یکی مثل مادرم که هیچ کدوم از اون زیبایی و ظرافتهایی که الآن من توی دخترا می بینم رو نداره یا دخترعمو و دختردایی هایی هم که دارم مثل مامانم مذهبی و محجبه اند، اصلاً نمی تونم اونا رو تصور کنم و یا مقایسه کنم شون با دخترایی که می خونن، می رقصن و زیبا و جذاب ان توی اینستاگرام و فکر می کنم از الآن به بعد نمی تونم دختر آینده زندگیم رو بر اساس معیارهای خانواده ام انتخاب کنم. دیگه هم کسی یادم نیست... غیر دنیا که یه کم بیش از حد درگیر رل زدن و قطع

کردن رابطه است، حالا نیلی و ریحانه چند بار شاید با دوست پسرانشون معروف شدن یا برگشتن به اوج اولیه توی حاشیه، اما همیشه این طوری نبوده و خودشون کارای مختلفی هم کردن، مثل همین آهنگ دادن نیلی یا مهاجرت ریحانه.

- از این افراد دیگه کدومشون رو می‌شناسی؟

کس دیگه‌ای هم که وقتی می‌گی شاخ به ذهنم میاد، ندا یاسیه. مسخره بازیش رو خیلی دوست داشتم، مخصوصاً این اواخر که اومده بود استانبول، همراهش استوری مهمونیا و پارتیایی که می‌رفت رو یا خودش می‌داشت یا ازش پخش می‌شد. خودش می‌گفت این‌جا خیلیا من رو می‌شناسن و مثل ایران می‌مونه برام. یه ویژگی داشت که من ازش خوشم می‌اومد، این بود که می‌گفت، من توی اوج جوونی و دختر بودنم از ایران، به خاطر شرایط بد خانواده‌ام و کوتاه فکری‌شون بیرون زدم و فرار کردم و حتی یه بار گفتم، من به فراری بودنم افتخار می‌کنم. این جمله رو نه دقیقاً، اما به طور ضمنی می‌شه گفت این جمله رو به هزاران شکل تا حالا گفته که می‌خواد بره دنبال رؤیاهاش و برای این کار حاضر بود قید خانواده‌اش رو هم بزنه تا فقط بتونه از ایران بزنه بیرون. ماها که نمی‌تونیم این کار رو بکنیم، لاقلاً از آزادی اونا لذت می‌بریم با نگاه کردنشون و دنبال کردنشون. چیز دیگه‌ای هم به ذهنم نمی‌رسه، اما همین ندا یاسی الان شایعه مرگش هست که من زیاد دنبال نکردم و فکر نمی‌کنم واقعی باشه، چون از این دختر هر چی بگی برمیاد، بیش‌تر برای فالور هستش و فالور بیش‌تر نرخ تبلیغاتی که می‌ذاره رو بالاتر می‌بره!

- راجع به ابعاد اقتصادی توی اینستاگرام برای من بگو.

پول درآوردن از اینستا چیز جذاب و فوق‌العاده سختیه، همه فکر می‌کنن این بلاگرا به سادگی مثلاً از یه لیوان قهوه یا یه کتاب یا یه غذا یا یه مهمونی عکس می‌گیرن و می‌ذارن و فالور می‌گیرن و تموم می‌شه. واقعاً هم ساده به نظر می‌رسه، اما خیلی خیلی طول می‌کشه و اصلاً به سادگی که به نظر می‌رسه نیست، بتونی پیجت رو بالا ببری و بالا نگه داری و تهشم بتونی ازش پول درآری و از نظر اقتصادی یه کمکی برات باشه.

- شما در این زمینه تا حالا تلاشی کردی؟

من الان تقریباً یه خرده بلاگر محسوب می‌شم، زیاد فالور ندارم، تقریباً ۴ کا واقعی و ۶ هزارتا هم فیک خریدم که عددش بره بالا که اگه کس جدیدی اومد، ببینه چه قدر زیادن و اونم تحت تأثیر قرار بگیره فالو کنه. این اولین تلاشم توی شروع این راه بود زمانی که تصمیم گرفتم پیجم رو به جایی برسونم که بتونم ازش پول دربیارم.

- ۶ هزارتا فیک رو چند هزار تومان هزینه کردی؟

۴ میلیون.

اون موقع که شروع کردم یعنی چند سال پیش این همه داراییم بود و البته یعنی خیلی بیش تر از داراییم. چون دو تومنش رو از دوستم قرض کردم و فکر می کردم مثل یه سرمایه گذاری می مونه، بعداً می تونم همه رو ازش دربیارم. اما متأسفانه الآن بیش تر از یک سال گذشته و هنوز نتونستم دربیارم همچنین پولی رو، دیگه ارزش اون ۴ تومن هم خیلی کم شده. دیگه فایده ای هم نداره، می خواستم پول رو قبل این که مامانم اینا بفهمن بذارم سر جاش و نفهمن که از حسابم کم شده، ولی خب فهمیدن و خیلی دعوای بدی شد و سر همون ۴ ماه گوشیم رو ازم گرفته بودن، توی همون ۴ ماه چون فعالیت نداشتم، تقریباً ۴۰۰، ۵۰۰ نفر واقعی آنفالوم کردن و خیلی خیلی بد بود. برای پس گرفتن گوشیم هم همه اش توی خونه دعا و جنگ و توهین بود و خانواده هم اعتمادشون رو بهم از دست دادن، بعد از اون دیگه یه حساب شخصی مستقل نداشتم و همه اش موجودیم رو چک می کردن. برای همین بود که بعد کم شدن پول بعد اون بازی شرط بندی خیلی ناراحت و مضطرب شدم و اون قدر فرداش مریض شده بودم که کارم به بیمارستان داشت می کشید. خب کلی قرض کردم تا یه کم از اون پول رو گذاشتم سر جاش، بقیه اش هم دروغ گفتم که برای دوستم کادوی تولد خریدم. اما دارم تلاش می کنم تا جایی که می تونم فعالیت کنم و پست و استوری بذارم تا هم پستام بره توی اکسپلور و افراد بیش تری ببیننش و فالو کنن، هم کلاً بیش تر فالور بگیرم، براش تایم خیلی زیادی رو می ذارم.

- حدوداً چه قدر؟

خیلی. شاید تایم استفاده از گوشی رو زیاد زیاد نکرده باشم، ولی قبلاً لااقل از جاها و قابلیتا و سایتای دیگه گوشی استفاده می کردم، الآن نمی دونم اگه ۴ ساعت می رم توی گوشی ۳ ساعت و ۴۵ دقیقه رو می ذارم واسه اینستاگرام، در صورتی که قبلاً خیلی استفاده های بیش تری می کردم، مثلاً سایتای مختلف رو می دیدم، کتاب آنلاین می خوندم، چون توی یه پیج تلگرام عضو بودم، فایل کتابا رو می داشت برای دانلود. الآن از تایمی که هم هزینه کردم و هم تصمیم گرفتم کار جدی بکنم، برای رسیدن به اون زمینه تبلیغ و سفارش گرفتن و پول درآوردن، همه کارایی و استفاده های دیگه و اکثراً مفید گوشیم رو حذف کردم، شاید الآن یک ساله که یه دونه کتاب نخوندم. کتاب معمولی و زمینه های مختلف علمی داستانی منظوم، نه درسی و مدرسه ای.

- ارتباطشون چی هست؟

این که تا میام یه کتاب رو باز کنم بخونم یا بپو یه کتاب با موضوع و عنوان جذاب می بینم و دانلود می کنم تا صفحه اول تموم می شه، کلی فکر و وسوسه میاد سراغم، به جای این که وقتم رو بذارم و کلی کتاب بخونم، برم نمی دونم مثلاً یه چالش انجام بدم، فیلم بگیرم بذارم یا برم اینستا دنبال یه کپشن جذاب بگردم، استوری کنم یا مثلاً برم به چند نفر بگم و چند نفر خوب پیدا کنم برای تبادل کردن پیجامون. خلاصه من نه تنها توی زمینه آپ و برنامه های مختلف گوشی، بلکه

واسه کارای دیگه مثل کتاب خوندن و پادکست گوش دادن که علاقه شدیم در گذشته بودن هم دیگه وقت ندارم، در واقع وقت دارم، اما ترجیح می‌دم برای اونا ازش استفاده نکنم.

- در زمینه‌ی اقتصادی استفاده دیگه‌ای هم از اینستاگرام کردی؟

نه، همه‌اش همین تلاش‌های ناموفق هزینه‌دار و استرس‌آور.

- استرس‌آور بودن رو توضیح می‌دی؟

خب وقتی تلاش می‌کنی و هزینه می‌کنی و وقت می‌ذاری و کارای مورد علاقه و مفید زندگیت رو کامل حذف می‌کنی تا یه کار مسخره و معمولی انجام بدی، مثلاً از پیاده‌روی صبح گاهیت ده بار استوری ۱۵ ثانیه‌ای می‌گیری، هر بار هم خوب نمی‌شه تا بالاخره یکیش قشنگ از آب دربیاد. نه لذت پیاده‌روی رو می‌بری و نه از اون استوری‌هایی که می‌گیری کسی تقدیر و تشکر می‌کنه. پس آره، اگه جواب نده، واقعاً استرس‌زا هست و توی همون جریان افسردگی که سر پیجم و رقابت با دوستان داشتم، نمی‌دونم گفتم یا نه، ولی از زمانی که موفقیت دوستان رو می‌دیدم، شروع شد تا زمانی که سر قمار باختیم تشدید شد و بدتر هم شد، مدام فکرم این بود که واقعاً با این همه وقت، نکنه وقتم رو تلف کردم و ریختم توی سطل آشغال با تلاشای بیهوده‌ای که کردم و به نتیجه نرسید. همه‌اش توی اون افسردگیه به این فکر می‌کردم نه تونستم پول دربیارم و نه از اون روز یا اون فعالیت که قصد تولید محتوا براش داشتم، لذت بردم، حالا اون می‌تونسته یه کار معمولی مثل کتاب خوندن باشه یا همون پیاده‌روی یا یه لیوان چایی که خوردم و دوست داشتم ازش عکس بذارم و چندتا عکس گرفتم و تا انتخاب کنم کدوم بهتره و با کدوم افکت و با کدوم کپشن بذارم، چاییم سرد شده بود و دیگه اون مزه اولش رو نمی‌داد. بیش‌ترشم ظاهرسازی کردم، مثلاً دیگه کتاب نمی‌خوندم و تلاش می‌کردم بیش‌تر عکس خوبی از پوزیشن کتاب به دست بگیرم، پس اون دوران افسردگی به اینا خیلی فکر می‌کردم و برام زجر آور بود، این که می‌دیدم با خودم چه کار کردم.

- منظورت از ظاهرسازی چی هست؟

مثلاً یه کتاب برمی‌داشتم و در واقع برمی‌دارم هنوزم، به یه شکل قشنگ می‌ذارم روی تختم و بعد یه فنجان قهوه و بعد تلاش می‌کنم به حالت قشنگی بشینم، تقریباً حداقل ۱ ساعت این‌ور اون‌ور می‌کنم تا یه عکس خوب دربیاد و چند دقیقه حدوداً ۱۵، ۲۰ وقت می‌ذارم ادیتش کنم. واسه همین می‌گم که تولید محتوا به عنوان یه بلاگر خیلی هم سخته و به همون سادگی که به نظر میاد نیست و بیش‌ترش برنامه‌ریزی شده و تنظیم شده و ادیت شده و در یک کلام فیکه. توی اون افسردگی به این هم فکر می‌کردم که چه قدر زندگیم رو حروم کردم و توی همون یک ساعت همون کتاب رو می‌خوندم چی می‌شد؟! چه قدر الان چیز می‌دونستم که الان نمی‌دونم! و یه حالت چیز داشت... چی می‌گن، بهش بحران وجودی که من چه کار کردم؟! من با پول اون ۴ میلیون فالور

فیک، چه قدر می‌تونستم باهاش نمی‌دونم کتاب خوب بخرم یا کار بهتر و مفیدتری کنم؟! خلاصه خیلی سخت گذشت و تک تک لحظات به زندگیم و کارایی که کردم شک کردم... ولی بعدش بعد اون همه سختی تصمیم گرفتم حالا که این همه راه اومدم بی‌خیال نشم و ادامه بدم. ولی معمولی‌تر و نرمال‌تر و منظم‌تر.

- غیر از این افسردگی مشکل دیگه‌ای برایت پیش نیامد؟

یه مدت علاوه بر افسردگی این بود که خیلی زیاد می‌خوردم، همون طوری که فکر کنم گفتم صبح اون بازی شرط‌بندی کارم داشت به بیمارستان می‌کشید، این قدر که با عصبانیت و ولع غذا خورده بودم و فکر کنم این پرخوری عصبی تقریباً در تمام اون روزهای افسردگی با من بود، خیلی پرخوری کردم و وزن اضافه کردم. بعدشم دوباره وقتی می‌دیدم چه قدر چاق شدم، بیش‌تر عصبانی می‌شدم و بیش‌تر می‌خوردم و اون مدت خیلی عصبانی بودم و تقریباً با همه اخلاقم خیلی بد بود، چون چاق شده بودم و لباسام دیگه مثل قبل برام نمی‌ایستاد، در نتیجه کم‌تر با دوستان بیرون می‌رفتم.

- علت اصلی اون افسردگی که فکر می‌کنی به خاطر اینستاگرامه محقق شد، چی بود؟

روزی که فهمیدم به اندازه کافی پول ندارم و نمی‌تونم توی تنوع لباس و مد و اینا به پای دوستان برسم و فهمیدم چه قدر زندگیم رو سرش حروم کردم و پول و هزینه هم که کم ندادم، بعد مقایسه خودم با بقیه دوستانم از نظر تعداد فالور و لایک‌هامون و بعدشم باخت توی اون قمار که ضربه آخر بود انگار.

- آیا اینستاگرام از نظر معیارهای فرهنگی تغییری در شما به وجود آورده؟

آره. هم خوب، هم بد. خب از نظر فرهنگی من و هم‌سن و سالای من توی این کشور از این طریق با فرهنگ و سبک زندگی بقیه کشور آشنا می‌شیم، خب بعضیامونم خوب و بد فرهنگ خودمون رو به بقیه می‌شناسونیم، تنها تأثیر فرهنگی که می‌تونم نام ببرم همینه.

- فیلم و سریال می‌بینی؟

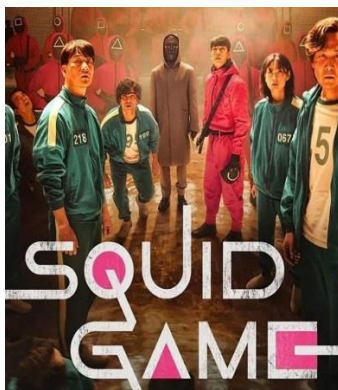
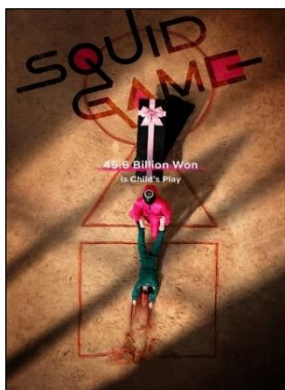
بله، خیلی زیاد.

- اینستاگرام چه تأثیری روی فیلم دیدنت گذاشته؟

خیلییی، خب قطعاً هر سریالی رو که نمی‌بینم و هر سری یه فیلمی یهو خیلی زیاد معروف می‌شه و همه جا حرف از اون سریال می‌شه، باعث می‌شه من تصمیم بگیرم ببینم یا نه و علاوه بر اون توی اینستا زمان پخش انواع فیلم و سریالای جدید و فصل‌های جدید اونا مشخص می‌شه.

- مثال می‌زنی؟

یه سریالی الان خیلی معروف شده و توی اکسپلور فقط پره از اسم این سریال، به اسم بازی مرکب^۱ که یا نمی‌دونم راجیش فکت نوشتن یا کلیپ و میکس و یا از طرف‌داراش نوشتن. من تصمیم گرفتم کارام یه کم سبک شد حتماً ببینم این سریال رو، خوب اگه اینستا نبود، من با این سریال جدید آشنا نمی‌شدم و برام این قدر جالب نمی‌شد، چون الان همه جا حرف اونه خب! یه سریال کره‌ایه و من تا حالا توی عمرم سریال کره‌ای ندیدم، ولی فقط یه بار یه فیلم کره‌ای دیدم، ولی این حجم از استقبال من رو وادار کرده که بشینم کلش رو ببینم.



شبعد فصل جدید سریال مانی هیست^۲ رو از اینستا فهمیدم که اومده.

۱ - بازی مرکب، یک مجموعه تلویزیونی بقا و محصول کره جنوبی است که از نتفلیکس در حال پخش هست. این مجموعه توسط هوانگ دونگ-هیوک نوشته و کارگردانی شده است.

این مجموعه در ۱۷ سپتامبر ۲۰۲۱، توسط نتفلیکس در سطح جهانی منتشر شد. بازی مرکب در هفته اول انتشار، به یکی از پربیننده‌ترین مجموعه‌های نتفلیکس در ۹۰ کشور تبدیل شد و ۲۸ روز پس از انتشار با بیش از ۱۱۱ میلیون بیننده، رکورد بریجرتون را شکست و به پربیننده‌ترین مجموعه این شبکه تبدیل شد.

۲ - خانه کاغذی که در آمریکا با عنوان سرقت پول شناخته می‌شود، یک مجموعه تلویزیونی اسپانیایی در ژانر درام جنایی سرقت است که توسط آلبرت بیستنا ساخته شده است. این مجموعه، دو سرقت گروهی با برنامه‌ریزی دقیق و طولانی مدت را به رهبری پروفیسور (آلوارو مورتا)، یکی در ضرابخانه سلطنتی اسپانیا و دیگری در بانک اسپانیا به نمایش درمی‌آورد.



همین طور فصل ۶ پیکي بلاینדרز^۱ رو توی همین اینستا فهمیدم کی میاد که البته هنوز نیومده، من عاشق پیکي بلاینדרز شدم. وقتی فصلای اولش رو دیدم، خوشم اومد ازش، البته نه به این شدت، بعد کلی سرچ کردم و پیج واقعی بازیگراش رو پیدا کردم، بعد پیج خود سریال و بعد هم طرفداراش. خلاصه بعد یه چند روز اکسپلورم زیاد میکس این سریال می‌اومد، من عاشق اون تام شلبی شدم که همیشه یه اورکت بلند پوشیده بود و سیگار می‌کشید.



- چیز دیگه‌ای هم هست؟

آها آره، فکت هم راجع به سریال زیاد پیدا می‌شه توی اینستاگرام و من واقعاً عاشقشم. مثلاً توی فکتای سریال پیکي بلاینדרز تعداد سیگاری تامی رو نوشته بود، این رو نوشته بود که همه سیگاری که توی سریال کشیده گیاهی بوده، در حالی که ما توی تمام لحظات فکر می‌کردیم داره سیگار واقعی می‌کشد یا فکت راجع به سریال لوسیفر که جدید هم اومده تقریباً، این بود که با این که توی خیلی از

۱ - پیکي بلاینדרز نام یک مجموعه تلویزیونی درام، جنایی و تاریخی انگلیسی محصول شبکه تلویزیونی بی‌بی‌سی دو است. استیون نایت نویسنده و تولید آن را بر عهده دارد. کارگردانان این مجموعه زیاد و متفاوت بوده‌اند. این فیلم در رده سنی PG-14 است. داستان حول محور کیلین مورفی، در نقش تام (توماس) شلبی، رهبر یک گروه تجارت خانوادگی است. در مصاحبه نیز ذکر شد که در این سریال مصرف سیگار زیاد به تصویر کشیده شده و فرد تحت تأثیر آن قرار گرفته است.

سکانس‌ها که سیگار دست لوسیفره، اما هیچ‌وقت نشون نداده که واقعاً بکشه، همیشه مثلاً اون لحظه یه اتفاقی می‌افته. بعد سریال ریوردریل و ماریان رو هم از طریق اینستا باهاشون آشنا شدم.



و تنها کاری که الان می‌تونم بکنم و عذاب وجدان نگیرم، برای این که کاری غیر از تولید محتوا دارم می‌کنم، چون یه جنبه‌ای هم داره که اینکه که باهاش می‌تونم با دوستانم توی بحثا شرکت کنم و راجع بهشون حرف بزنیم. چون یه چیزی که خیلی زیاد پخش می‌شه و همه جا ردش رو می‌بینیم، این‌طوری که اگه تو نبینی همون حس عقب موندگی همیشگی رو می‌ده.

- خوب استفاده از اینستاگرام در به ابعاد ورزشی تأثیری در زندگی شما داشته؟

آره، خیلی. من پدرم بهم اجازه نمی‌داد که کلاس ورزشی برم و از این کار خوشش نمی‌اومد، بهم می‌گفت هر ورزشی دوست داری برات وسیله‌اش رو می‌خرم و توی خونه انجامش بده و بعد من تنها راهی که داشتم همین اینستاگرام و یوتیوب بود، بیش‌تر هم اینستاگرام، چون یوتیوب تماماً انگلیسیه و ترجمه فارسی هم نداره و من به راحتی نمی‌تونم ازش استفاده کنم. شاید بگی نشون دادن حرکات ورزشی چه ربطی به فهمیدن حرفای طرف داره، ولی مهمه، چون می‌گه که مثلاً این حرکت رو چه کسایی نباید انجام بدن یا اگه اشتباه انجام بدیم، کجاها آسیب می‌بینه، تایم و تعداد دفعات انجامش در هفته رو هم می‌گه. پس من از اینستا استفاده کردم، چون خیلی زیاد پیج وجود داره که این ویدیوها رو ترجمه می‌کنن و کم‌کم آپلود می‌کنن و اینم خوبه که هر سری یه حرکت یاد بگیری توی کلیپ‌های ۳، ۴ دقیقه‌ای. اما مثلاً یوتیوب یهو یه فیلم می‌بینی ۳۰ دقیقه است و همه‌اش هم انگلیسی خب طبیعتاً خیلی سخت‌تر می‌شه.

من قبلاً هم ورزش می‌کردم، اما الان بعد اینستا که البته خب اولش اجباری بود، دنبال حرکات و پیجای حرفه‌ای ورزشی گشتن، اما الان برام فوق العاده جذاب شده، خیلی منظم‌تر و حرفه‌ای‌تر ورزش می‌کنم، نه این که هر چی دلم خواست و به هر تعداد که دلم خواست بزنم.

- از طریق اینستاگرام چه ورزشی رو دنبال می‌کنی؟

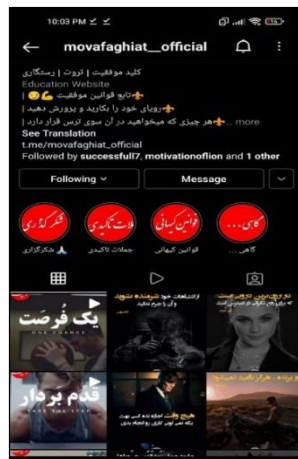
من عاشق پلیس شدنم دیگه، فکر کنم روزای قبل گفتم که برای این کار ورزشای رزمی خیلی واجبه، من از اینا استفاده می‌کنم برای کنگ‌فو و دفاع شخصی.

- هنوز هم استفاده می‌کنی؟

آره، خیلی بهش علاقه‌مند شدم، باعث شد خیلی جدی‌تر و منظم‌تر انجامش بدم این برنامه‌ها رو. علاوه بر حرکتای ورزشی مختلف توی قالب عکس و فیلم، کلی اطلاعات مفید برای رژیم مناسب تغذیه ورزشکارا و عضله داشتن و پروتئین و اینا و به من خیلی کمک کرد که بتونم از بعد اون دوران افسردگی و چاق شدنم، بتونم برگردم به ورزش و تغذیه مناسب و خب پیجا عکس و فیلمای انگیزشی هم دارن که عالیه، اصلاً اگه الان نبودن من شاید چندین بار کنار گذاشته بودم ورزش رو، این برام خیلی ارزشمند.

- لطفاً اسم پیج رو می‌گی؟

بله، اصول موفقیت.



- پیج دیگه‌ای هم در زمینه انگیزشی داری که به من معرفی کنی؟

یه پیج خیلی خوب هست از زمانی که تلاش کردم و تصمیم گرفتم که درست از اینستا استفاده کنم، برای کسب درآمد و یاد بگیرم که درست این کار رو انجام بدم، نه با پیج فیک و کلی پول خرج کردن. از پیجای خیلی خوبی که چندتا از دوستانم بهم معرفی کردن استفاده کردم، اسمش بلیونری^۱ بود. کلی اطلاعات خوب راجع به سرمایه‌گذاری و نحوه استقلال مالی و اینا رو می‌گه، من بعد از اون و یه پیج دیگه که اسمش پله به پله است، یاد گرفتم که از اینستا چه قدر می‌شه چیزای خوب یاد گرفت و من الان تقریباً نصف گالری گوشیم پر شده از عکسای که اسکرین شات گرفتم از این پیج. اینا رو یادم بود، چون واقعاً ازشون خوشم می‌اومد، به طور کلی به دید من رو درباره فواید استقلال

۱ - این صفحه یک صفحه انگیزشی به شمار می‌آید.

مالی و نحوه درست کار کردن در این فضا و حتی پول درآوردن ازش جهت داد. برعکس اون پيجایی که باعث می‌شد من همه‌اش پول و وقتم رو از دست بدم. البته مثلاً هنوز پيج پویان رو دارم، البته دیگه به اون تبلیغات فیکش توجه نمی‌کنم و به هر کسی هم که می‌بینم، تجربه‌ام رو می‌گم.

- راجع به دیدگاه سیاسی حرف بزنیم، قبل و بعد استفاده از اینستاگرام در دیدگاه سیاست‌تغییری به وجود اومده؟

قبل استفاده از این آپ من بچه بودم یا نمی‌دونم نوجوونی بودم که از هیچ کس و هیچ جا خبر نداشت، اما بعد استفاده از این آپ انگار بزرگ شدم، کلی اطلاعات از جاها و افراد مختلف به دست آوردم.

- امیرعلی شما تاحالا با خانواده‌ات از نظر اقتصادی اختلاف دید داشتی؟

از نظر آموزشی من خیلی استفاده کردم، خب از اینستا همون طور که همه‌اش رو گفتم، از اشتباهاتی که کردم و تجربه‌هایی که کسب کردم و هم از استفاده‌های مفیدی که الآن دارم می‌کنم و خب پيج‌هاش رو هم چندتا گفتم همه‌اش یادگیریه و کسب فرهنگ و شعوره و دید بازتره و ارتباط اجتماعی، ولی الآن خانواده‌ام هیچ کدوم رو ندارن و من خب مستعد سرزنش می‌دونم‌شون.

درباره مسایل اقتصادی که اووو تا دلت بخواد الآن با خانواده اختلاف دارم، هم سر این که اولش من قصد کسب درآمد کورکورانه از اینستا داشتم، البته این یک تیکه‌اش رو حق داشتن سر من داد بزن، اما بعدش الآن که دارم تلاش می‌کنم براش به طور دانشی و آگاهانه اطلاعات جمع می‌کنم، بازم حمایت نمی‌کنن و سر اون قضیه که فهمیدن پول یواشکی برداشتم خیلی بهم ریختن.

و سر خریدای آنلاین من که زیاده و خب من به خودم در این زمینه حق می‌دم، هم خیلی باهام بحث می‌کنن و جزو مهم‌ترین مشکلاتیه که با خانواده‌ام داشتم تا الآن سر اینستا. من خیلی خریدهای ناموفقی هم داشتم که سرش خیلی بحث شده و مشکل به وجود اومده و خانواده‌ام اونا رو هی می‌کوبن توی سر من.

- خریدهای ناموفق یعنی چی؟

یعنی عکسه مثل لباسه نبوده یا طرحش یا جنسش یا هر دو.

- در دوران کرونا چه حسی نسبت به عکس‌هایی که بقیه از خودشون منتشر می‌کردن داشتی؟

حس نفرت، تنفر، خشم و عصبانی بودن.

- توضیح بیش‌تر می‌دی؟

وقتی توی خونه حبس شدیم و مؤدبانه‌ترش پروتکل‌ها رو داریم رعایت می‌کنیم، من توی این مدت خیلی زیاد دیدم که بعضی‌ها سفر و مهمونی و اینا رفتن و خیلی پررو پررو تمام عکساشونم به نمایش می‌داشتن. مثلاً انگار ما پول نداشتیم تولد بگیریم یا ما پول نداشتیم لباس بپوشیم بریم عروسی یکی از نزدیکانمون. بعد اینا عکساشون رو می‌ذارن و پز می‌دن، من این مدت خیلی خیلی

حرص خوردم، وقتی می‌دیدم پروتکل‌ها رو رعایت نمی‌کنن و تازه به همه هم نشونش می‌دن! جالبه. بعد می‌گم، یه سری‌ها بی‌شعوری خودشون رو به اسم پول‌داری و فلان به نمایش می‌ذارن، من واقعاً هر بار اینستا رو باز کردم، دیدم یکی داره از مهمونی و تولد و مسافرتش پست و استوری می‌ذاره، حرص خوردم.

- چندتا مثال می‌زنی؟

کلی فیلم از عروسی‌ها و مهمونی‌های شخصی خب توی اینستا هر روز می‌بینم، توی اکسپلور که مثلاً ۲ روز پیش آپلود شده، نوشته نمی‌دونم عروسی خواهرم یا تولد... .

یا دقیقاً یک ماه پیش جمعه هم بود، یادمه یه پیج بلاگره که یه دختره بود یه عکس خیلی شیک از لباسای تابستونی یعنی مانتوی نازک سفید و زیرش یه تاپ کوتاه سفید با یه شلوار نخی و خنک تابستونی و چمدونش که درش باز بود، پست گذاشته بود که آره ما داریم می‌ریم مسافرت کیش! بعدش هم که برگشت نوشت یه سرماخوردگی ریزی هم خوردم! ولی اصلاً به روی خودش نیاورد که شاید کرونا گرفته، در حالی که یک هفته تمام عکس از فروشگاه‌های کیش یا ساحلش لایک می‌کردم و کلی همین طوری بود که رفتن و اومدن و تماش رو هم نشون دادن.

- از اینستاگرام برای اطلاع رسانی درباره کرونا هم استفاده کردی؟

من آره، هر پستی که می‌دیدم و مطلب مفیدی داشت حتماً توی استوریم می‌ذاشتم و می‌ذارم البته.

- برای کسب اطلاعات در حوزه پزشکی و کرونا از چه پیج‌هایی استفاده می‌کردی؟

پیج چندتا دکتر که به نظرم عالی بودن و از همون اول شروع این اپیدمی هم کلی اطلاعات می‌داد راجع به این مریضی و کلی کمک می‌کرد، توی خود بیمارستان کلی ویدیو می‌گرفت و راجع به نحوه پیشگیری و تقویت خود بدن صحبت می‌کرد و به خصوص اوایلش کمک می‌کرد مردم ازش ترسن.



- از این پیچ استفاده کردی؟

بله، خیلی زیاد لایوهاش رو شرکت می‌کردم و خودش هم سیوشون می‌کرد. بعدها منم سیو می‌کردم نشون و به خانواده‌ام نشون می‌دادم.

- دیگه دوست داری در اینستا چه کار کنی؟

من خیلی دوست داشتم یه کاری بکنم که باعث شه بیش‌تر فالور جذب کنم.

- مثلاً چه کاری؟

یه کار جنجالی، نمی‌دونم چیزی که سر و صدا کنه و باعث شه پستم بره توی اکسپلور. حالا اگه جنجالی هم نبود مهم نیست، یه چیزی که جذابیت پیجم رو بالا ببره و اون رو از حالت یک نواختی دربیاره.

- مثلاً چی؟

نمی‌دونم، سیگار بکشم و عکس‌های با سیگار بگیرم، کلی پوزیشن خوب می‌شه داشت با سیگار و ۱۰۰ برابر به نظرم می‌ره روی جذابیت عکسا و فیلمایی که می‌گیرم یا شروع کنم عکسایی که با دوست دخترای مختلفم گرفتم رو پخش کنم، مثل پویان مختاری که هر بار با هر دختری باشه، بدون ترس از هیچ کسی عکساش رو منتشر می‌کنه و قربون صدقه طرف هم می‌ره و نه ترس از مامان و باباش داره و نه مشکل اخلاقی داره به نظرم، تازه روز به روز هم فالوراش بیش‌تر می‌شن. بیش‌تر فکر می‌کنم، به خاطر این که دخترا ببینن اگه یه پسر با چندین نفر هست، بی‌پروا عکسش رو با همه می‌ذاره، ناخودآگاه به سمت پسره جذب می‌شن. تازه از استقلال و خودمختاری پسره خوش‌شون هم میاد. بعد برای این که اون دختری باشن که این پسر می‌خواد باهاشون باشه و عکس‌شون رو توی پیجش بذاره با هم رقابت می‌کنن و به این فکر می‌کنن می‌شه یه روزی هم این پسره با من باشه؟! بعد اگه پسره پست‌شون رو لایک کنه و یا فقط دایرکت‌شون رو سین کنه، اون قدر خوشحال می‌شن که انگار طرف بهشون درخواست ازدواج داده!

- از نظر شما این اتفاق چه طوری هست؟

خیلی خوبه و جذاب، من دوست داشتم همیشه که این ویژگی رو داشته باشم.

زیاد روی مد، با کلی دوست دختر مثل پویان و کلی سیگار مثل پیکی بلایندرز و کلی فالور مثل همون میلاد حاتمی اینا. من همیشه دوست داشتم و دوست دارم که سبک زندگی من رو این طوری بچینم، الان به خاطر دیدگاه خانواده‌ام فقط نمی‌شه، با درد و افسردگی و اضطراب می‌گذره... اما بعداً که یه کم آزادتر بشم، قطعاً هم سیگار می‌کشم و راحت عکسش رو می‌ذارم، با دوست دخترام کلی عکس و فیلم از مهمونیا و پارتیا می‌ذارم و اگه ازدواج کردم دوست دارم مثل میلاد حاتمی که با زنش چالش‌ها رو می‌رفت و تمام خونه و لوازم و ماشیناش رو نشون می‌داد، منم همه چی رو به راحتی بدون این که نگران حرف بقیه باشم بذارم.

زنم اگه دوست نداشت که هیچی، ولی اگه دوست داشت، می‌تونه مثل یکی مثل سحر که اسم زن میلاد حاتمیه باهام هم‌کاری کنه و بیاد بلاگری کنیم و پول دربیاریم. چی بهتر از این که از خودت و زنت وقتی دارید شام می‌خورید یا تلویزیون می‌بینید، عکس بذارید و بعد به خاطرش پول دربیارید؟! من که حاضرم این کار رو انجام بدم.

- دیگه از چه کارهای میلاد حاتمیه استقبال می‌کنی؟

خیلی. به نظرم خیلی باهوشه... البته بود. به طور کلی دارم می‌گم، نه الانش رو که به خاطر سایت شرط‌بندی دستگیرش کردن، من خودم گفتم کلی با اون جنبه مخالفم و اگه می‌گم، میلاد حاتمیه منظورم همون دوران اوجشه و خب سبک زندگیش. داشتم می‌گفتم این از یه رانندگی توی شهر با زنش پست می‌داشت، چندین هزارتا کامنت و ویو می‌خورد. کلاً از این سبکی که راحت می‌شه پول درآورد با نشون دادن خودت و زن و بچه‌ات خوشم میاد، به نظرم کسانی که الان این کار رو می‌کنن حتی اگه پول دار و خوشگل و جذاب نباشن، خیلی باهوشن که تصمیم به این کار گرفتن.



- تحت تأثیر پیج میلاد حاتمیه چیز دیگه‌ای هم هست که دوست داشته باشی؟

آره، یه قسمتش جذاب بود برام که مثل خارجیا رفتار کرد و بعد بچه‌دار شدن عروسی گرفت. سر اون قضیه خیلی پستاش لایک خورد، من اولین بار یادمه سر اون پست توی اکسپلور شناختمش و فالوش کردم. - خوب نظرت چی بود؟

من اصلاً تا قبل دیدن کلیپ و عکسای عروسیش، به ذهنم نرسیده بود می‌شه یه ایرانی همچین کاری بکنه! همه‌اش توی ذهنم این برای کسانی بود که خارجین و مسلمان نیستن. ولی وقتی دیدم تازگی و تنوعش من رو تحت تأثیر قرار داد، یه مدت هم زیاد با دوستم راجع بهش حرف می‌زدیم که چه جذابه که بچه‌ات توی عروسیت باشه.

- نظر دوست راجع به این اتفاق که برای اولین بار توی اینستاگرام دیده بودید، چی بود؟
اون اوکی نبود که توی شب عروسی هم‌زمان یه پدر هم باشه و بچه‌اش رو بگیره بغلش با لباس دومادی. ولی یه بار با همون اولین دوست دخترام راجع بهش یادمه حرف زدم، یکی‌شون اون قدر خوشش اومده بود، می‌گفت می‌خوام همین کار رو بکنم و با یکی از دوستانم که دوست دخترم نبود، ولی دوست معمولیم بود و توی اکیپ‌مون بود هم، اصلاً دیوونه بود، گفت دوست دارم وقتی بچه‌ام به دنیا نیومده و شکمم بزرگه و بچه‌ام توشه عروسی بگیرم!

- رابط‌ها با دوست دخترت توی اینستاگرام چه طوری هست؟
الآن خیلی خوبه، با هم تماس تصویری می‌گیریم و عکس می‌فرستیم، ولی هنوز حضوری هم رو ندیدیم.
- چرا؟

چون اعتماد به نفس حضوری رو ندارم دیگه، البته یک بار که مطرح کردم، اونم استقبال نکرد، منم دیگه گیر ندادم بهش. البته یه چندتا عکس بدون فیلتر توی پیجش پست کرده که برای قدیمشه، ولی اون تو باز هم آرایش داره، نمی‌دونم واقعاً بدون آرایش چه شکلیه.
- معیارهایی که برای زیبایی داشتی قبل و بعد اینستاگرام عوض شده؟
بله.

- نظرت راجع به معیارهای زیبایی چهره و آرایش چی هست؟
من اون قدر دخترای خوشگل و کامل از نظر چهره دیدم که دیگه اطرافیانم به چشمم نمیان، شاید قبلاً خاله جوون ۳۰ ساله‌ام به نظرم جذاب و زیبا بود، اما الآن این قدر برام معمولی به نظر می‌رسه که تعجب می‌کنم یه زمانی چه قدر برام دختر خوشگلی به نظر می‌اومد.
- نظر خانواده‌ات چی هست؟

نمی‌دونم، فقط یه بار که بحث شد چون توی ماهواره داشت یه تبلیغ نشون می‌داد، دختره خیلی آرایش داشت و داشت یه چیزی رو تبلیغ می‌کرد با یه لباس قرمز کوتاه. بعد مامانم برگشت گفت نگاه کن این دخترا رو، زمان ما دخترای بدکاره این‌جوری آرایش می‌کردن و لباس می‌پوشیدن! نه یه کسی که به خودش می‌گه مجری تلویزیون!

اون قدر گفت و گفت که من تهش عصبانی شدم، گفتم خیلیم خوبه! همه نباید مثل شما باشن که یا همه نباید امل باشن که! به ما هم فکر کن الآن ماها این تیپ دختر رو دوست داریم و خلاصه یه دعوا و جرّ و بحثی شد که آره تو چون همه‌اش سرت توی گوشیه و توی این پیج‌های مختلفی این‌طوری شدی، وگرنه تربیت خانوادگیت این‌طوری نیست که از دخترای لخت و پتی خوشت بیاد! این قدر دیدی برات عادی شده، حالا که به بابات گفتم گوشیت رو بگیره و... اینا. این باعث شد

بفهمم هیچ وقت راجع به نظرات خودم و طرز فکر خودم باهاشون نمی‌تونم صحبت کنم و ترجیحاً می‌خوام با دوستانم و همونایی که توی اینستاگرام حتی یه بار هم ندیدمشون حرف بزنم، خیلی بهتر از پدر و مادر خودمن.

- بعد استفاده مداومی که از اینستاگرام داری خلق و خوت هم تغییر کرده؟
آره، عصبانی بیش‌تر می‌شم و بیش‌تر حرص می‌خورم از اطرافیانم، بیش‌تر ناراحتم و افسرده و بیش‌تر حس می‌کنم روز به روز زندگیم داره تلف می‌شه. علت همه‌اش رو هم دیگه مفصل توضیح دادم...
- فقط آخری رو که گفتی توضیح می‌دی؟ چون فکر می‌کنم زیاد راجع بهش صحبت نکردیم.
چرا اونم گفتم، گفتم الان سه ساله نشستیم توی خونه و جایی نمی‌ریم، اما مردم دارن زندگی‌شون رو می‌کنن و عروسی و مهمونی و تولدشون رو می‌رن و مسافرتای مختلف. با شادی و خوشحالی تازه عکسم پست می‌کنن و بی‌شعوری خودشون رو با خوشحالی به تصویر می‌کشن، فکر می‌کنن چه قدر الان ما غبطه می‌خوریم، می‌گیم عهه نگاه کن فلانی رفته شمال و عکس گذاشته... یا مثلاً ما پول نداریم که بریم... نه اینا نیست. ما پروتکل رعایت کردیم و نشستیم خونه، اگه اینستا نبود یا مد نبود از همه چی استوری و پست بذارن، لااقل از این بی‌فرهنگی‌شون پست نمی‌داشتن، من و امثال من بیش‌تر حرص بخوریم.

قضیه این که می‌گم حس می‌کنم زندگیم داره تلف می‌شه، اینه که می‌بینم همه دارن زندگی خودشون رو می‌کنن و فقط ما نشستیم داریم لایک می‌کنیم.

- این حسی که در اثر اینستاگرام در شما به وجود اومده چه تأثیری روی زندگیت داشته؟
ناراحتم بیش‌تر، اگه خودم رو به ورزش مشغول نمی‌کردم، احتمالاً خیلی پرخوری می‌کردم، چون استعدادش رو داشتم قبلاً. الان خیلی زیاد وقت تلف می‌کنم، حس می‌کنم، اونم نه برای فیلم گرفتن برای چالش‌ها و نمی‌دونم پست گذاشتن یا ورزش یاد گرفتن و رژیم پیدا کردن، بلکه برای گشتن الکی توی اکسپلور برای این که فقط یه کاری رو شروع نکنم یا به تأخیر بندازمش، مثلاً درس خوندن یا شرکت کردن توی کلاس.

- مثال می‌زنی مثلاً کی این اتفاق افتاده؟
دیروز کلاس ساعت ۱۰ صبح داشتم و ده دقیقه بهش مونده بود، گفتم برم بچرخم توی اینستا بعد ده دقیقه برم توی کلاس. ولی وقتی به خودم اومدم ساعت ۱۰ و ۱۵ دقیقه بود، یعنی ۲۵ دقیقه توش بودم و رفتم توی کلاس به معلم گفتم اینترنتم وصل نمی‌شده و سایت بالا نمی‌آمده.
یه بارم سر کلاس، کلاس رو میوت کردم و رفتم اینستا، وقتی یهو یادم افتاد و دوبیدم سمت لپ‌تاپ، کلاسم تموم شده بود، فقط من توی ادوب کانکت مونده بودم و بیرون نیومده بودم، خدا رو شکر معلم‌مون نفهمیده بود، خلاصه همین دیگه.

- کاربری مفرط از اینستاگرام تأثیری هم در عملکرد درسیت گذاشته؟

خب آره، خیلی عملکردم رو به طور کلی پایین آورده، بی‌حسم اکثر اوقات و حوصله درس خوندن ندارم، بعد یه مدت کم درس خوندن می‌رم کلی اینستا می‌چرخم، وقتی وسط درس می‌رم اینستا، حتی تبلیغات هم برام جذاب می‌شن!

مثلاً خیلی از دفعات شده که خوندن چهار الی پنج صفحه یک درس، اندازه ۳ الی ۴ ساعت طول کشیده که من روی تختم نشستم و کتاب هم جلوم بازه اما توی اینستا، در صورتی که اگه بدون وقفه می‌خوندم همون رو می‌تونستم توی ۴۰ دقیقه انجام بدم.

بعد پدر و مادرم فکر می‌کنن وقتی کلی وقت من می‌ذارم درس می‌خونم، مثلاً وقتی اومده دیده ۴ ساعت کتاب جلومه، توقع نمره بالاتری رو پیدا می‌کنه، ولی من وقتی باز نمره‌هام کم می‌شه، خودم حس بدی پیدا می‌کنم.

- چرا؟

چون حس می‌کنم، الان اونا فکر می‌کنن من نکنه خنگم که این قدر درس می‌خونم و باز نمره‌هام کمه یا همه کلاسام رو شرکت می‌کنم باز هیچی نمی‌فهمم! در صورتی که من توی اکثر کلاسام توی اینستا و اصلاً گوش نمی‌دم.

- دوستان خودت چه طور، عملکرد اون‌ها در زمینه تحصیلی تحت تأثیر اینستاگرام قرار گرفته یا نه؟ آره، اکثراً همینیم. حتی بهترین دانش‌آموز کلاس مون هم نمره خیلی خفنی نداره، کلاً یه مشکل فراگیره فکر کنم.

- خوب نظر دیگه‌ای داری راجع به اینستاگرام که دوست داشته باشی بگی؟

نه، خیلی ممنون ازتون. فقط این که من یه تجربه خیلی مفید در طی این همه سختی‌ها و فشارهای روحی روانی‌ای که اینستا برام ساخته کسب کردم که فقط باید ازش متعادل استفاده کرد و این قدر شدید همه چیز رو باور نکرد. نه حرف کسایی رو گوش کرد که می‌گن اینستا صد در صد بده و نه حرف کسایی که می‌گن اینستا صد در صد خوبه و این که مهم‌ترین چیز اینه که تحت تأثیر اینستا هویت چندگانه نسازیم و خود واقعی مون رو حفظ کنیم، چون دیدم چه قدر مشکل‌زا هست و در آینده معلوم می‌شه چه بلایی سر خودمون آوردیم، از جنبه‌های خوبش هم غفلت نکنیم... - ممنون از شما.

تأملی دوباره:

امیرعلی ۱۸ ساله، در مصاحبه خود درباره اثرهای کاربری از شبکه اجتماعی اینستاگرام، به مباحثی حول محورهای اثرهای آموزشی، اجتماعی، اخلاقی- تربیتی، اقتصادی، خانوادگی، روان‌شناختی، زیباشناختی، زیستی، زیست محیطی، سیاسی، عقیدتی و فرهنگی اشاره داشته است.

امیرعلی در مصاحبه خود در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در مسایل آموزشی کاربران، به مواردی مانند: کسب اطلاعات در زمینه‌های مختلف روان‌شناختی، پزشکی، ورزشی، مدیریت مالی و مانند آن، عدم تمرکز در کلاس‌های مجازی به دلیل حضور همزمان در اینستا، اتلاف وقت، افت آموزشی، تقلب، در سطح خود و دوستانش اشاره داشته است.

امیرعلی در مصاحبه خویش در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در رفتار اجتماعی کاربران، به مواردی مانند: استفاده حداکثری از وسیله ارتباطی در زمینه ایجاد و حفظ ارتباط، استفاده از اینستاگرام به عنوان اصلی‌ترین ابزار چت، استفاده از اینستاگرام برای حفظ روابط صمیمانه، ارتباط با افراد غریبه، احساس عقب ماندگی از بقیه در صورت دنبال نکردن موج اینستا، الگوبرداری از الگوهای ویرانگر و نظایر آن، در سطح خود و دوستانش اشاره داشته است.

امیرعلی در مصاحبه خویش در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در رفتار اخلاقی کاربران، به مواردی مانند: توجیه خویش، فریب کاری در فروش محصولات مختلف، دنیای فریب شدن اینستا، جعل خبر مرگ برای جذب فالور بیش‌تر، ترویج فرهنگ قمار و نظایر آن، اشاره داشته است.

امیرعلی ۱۸ ساله در مصاحبه خویش در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در مسایل اقتصادی کاربران، به مواردی مانند: چند برابر شدن جذابیت و امکان گشت و گذار در فروشگاه‌های مجازی، فتوشاپ کردن عکس محصول و انتشار آن به عنوان عکس اصلی، صرف هزینه زیاد برای فالور فیک و نظایر آن، اشاره داشته است.

امیرعلی در مصاحبه خویش در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در مسایل خانوادگی کاربران، به مواردی مانند: ایجاد اختلاف در خانواده، دروغ‌گویی در خانواده، پنهان کاری از خانواده (مثلاً در ارتباط با بازی قمار)، در سطح خود و دوستانش اشاره داشته است.

امیرعلی در مصاحبه‌اش در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در مسایل روانی کاربران، به مواردی مانند: احساس حسرت، افسردگی به دلیل عدم توانایی خرید محصولات اینستاگرام، از خود بیگانگی و لذت نبردن از جریان زندگی خویش، جادوی اینستا، از دست دادن کنترل وقت در جریان سرزدن به اکسپلور، اتلاف وقت، عدم وقت کافی برای سایر فعالیت‌ها غیر از اینستا، تضعیف اراده کاربران و وابستگی به اینستا، در سطح خود و دوستانش اشاره داشته است.

امیرعلی در مصاحبه‌اش در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در علایق زیباشناختی کاربران، به مواردی مانند: استفاده از طرح‌های جالب و جدید در مد، رواج مد لباس از روی طرح‌های اینستا، مدگرایی، بالا رفتن آستانه ادراکی کاربران در برخورد با افراد زیبارو، در سطح خود و دوستانش اشاره داشته است.

امیرعلی ۱۸ ساله، در مصاحبه خود در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در مسایل زیستی کاربران، به مواردی مانند: دسترسی به مطالب مفید تغذیه‌ای و دردهای ناشی از کژکاربری از اینستا، اشاره داشته است.

مصاحبه شونده در مصاحبه خود در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در مسایل زیست محیطی کاربران، به ترغیب برخی از کاربران و صفحات اینستاگرامی مبنی بر ضرورت عطف توجه به مسایل محیط زیست، اشاره داشته است.

امیرعلی در مصاحبه خویش در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در رفتار سیاسی کاربران، به مواردی مانند: پذیرش و استقبال از رفتارهای نیابتی سیاسی، در سطح خود و دوستانش اشاره داشته است.

امیرعلی ۱۸ ساله، در مصاحبه خویش در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در علایق فرهنگی کاربران، به مواردی مانند: امکان گشت و گذار راحت در فروشگاه‌ها، گذران فراغت، کاربری از سریال‌های خارجی در اینستا، دنبال کردن دنس‌های زن در اینستا و شکل‌گیری فرهنگ غیر رسمی در بطن جامعه یاد کرده است.

اگر در زمینه مباحث مطرح شده در مصاحبه امیرعلی ۱۸ ساله، با ارجاع سایر محورهای مطرح شده به دیگر کتاب‌های مجموعه حاضر، توجه خود را صرفاً معطوف به ابعاد فرهنگی (که مورد بحث اثر حاضر است) کنیم، می‌توان بیان داشت، امیرعلی در مصاحبه خویش ضمن تأکید گذران فراغت در اینستا، کاربری از فیلم‌ها و سریال‌های خارجی در اینستا و اثرپذیری از سلبریتی‌ها، بلاگرها و اینفلوئنسرهای عمدتاً غربی مطرح در اینستاگرام، از مسأله مهم انتقال و شکل‌گیری فرهنگ غیررسمی موجود در اینستا در سطح خود و دوستانش یاد می‌کند. وی با طرح مواردی مانند: دیدن ظرافت‌های بدنی زنان در اینستا، دیدن رقص باله، شرکت در چالش‌های مختلف (و بعضاً مبتذل)، کپی برداری از رفتارهای هنجارشکن قهرمان‌های فیلم‌ها و سریال‌هایی مانند لوسیفر و فرندز، امکان قمار و شرط بندی و مهاجرت از کشور، از جلوه‌هایی از فرهنگ غیررسمی پیش‌گفته که در غالب موارد در تضاد و تعارض با فرهنگ رسمی جامعه هست، یاد کرده است.

مصاحبه با سمیه، ۲۱ ساله

مثلاً بی‌بند و باری، ازدواج سفید، بارداری خارج از ازدواج و چیزای دیگه همه هست توی این سریالا، اما خب فان هم هستن دیگه.

- سلام سمیه جان!

سلام.

- حالت خوبه سمیه جان؟

متشکرم.

- ممنون که قبول کردی در مصاحبه شرکت کنی. لطف می‌کنی خودت رو معرفی کنی.

بله، من سمیه هستم ۲۱ سالمه و دانشجو هستم، در شهر ... زندگی می‌کنم و فرزند دوم یه خانواده پنج نفره‌ام.

- خوب سمیه جان می‌شه بگی از کی وارد اینستاگرام شدی؟

دقیق یادم نمیاد، اما اولین بار دبیرستان بودم که اکانت زدم، قبلش هم اگه چیزی می‌دیدم با اکانت برادرم بود.

- چی شد که وارد اینستاگرام شدی؟

خب توی مدرسه ما اون زمان یه گروه خواننده‌ی کره‌ای به نام اکسو^۱ خیلی معروف شده بود و بچه‌ها در موردش حرف می‌زدن.



یکی از اعضاهاش به اسم چانیول توی اینستاگرام اکانت داشت و منم می‌خواستم فالو کنمش، اما برادرم اجازه نمی‌داد با اکانت اون چانیول رو فالو کنم، منم رفتم یه اکانت زدم که چانیول رو فالو کنم، البته الان من رفتار خودم در اون موقع رو درک نمی‌کنم که واقعاً چرا این کار رو کردم، چون

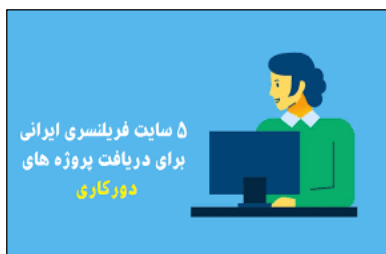
۱ - اکسو یک گروه خواننده کره‌ای است که بین سال‌های ۹۵ تا ۹۸ در اوج شهرت خود در ایران بودند.

چانیول به یه دونه فالور بیش‌تر نیازی نداشت و من هم به جز این‌که چانیول رو فالو کردم، دیگه کار خاصی توی اینستاگرام نمی‌کردم، حتی شاید پست‌های خود چانیول رو هم دنبال نمی‌کردم و این قدر توی اکانت‌م نرفتم که رمزش رو یادم رفت.



دیگه درست یادم نمیاد چی شد که بعداً یه اکانت دیگه زدم و کم‌کم فعالیت‌م بیش‌تر شد. مثلاً دوستانم و بعضی از فامیل، اکانت‌م رو فالو کردن و چندتا پست هم گذاشتم، اما به طور کلی خیلی پست و استوری نمی‌ذارم توی پیج شخصیم و بیش‌تر مال بقیه رو نگاه می‌کنم. حالا اینم بگم که یه پیج دیگه هم بعداً زدم که خودش کلی داستان داشت، اونم بگم؟ - بله، لطفاً در مورد اون یکی پیجت هم توضیح بده.

خب اول بگم که من به کاری که می‌کردم افتخار نمی‌کنم، اما من یه مدت برای این مجموعه‌های فریلنسری کار می‌کردم و پورسانت می‌گرفتم، اما بعد که دیدم چه قدر مزخرفه و همه‌اش به فکر این هستن که یه جوری از مردم پول بگیرن، منم سرد شدم و کم‌کم اون‌جا رو ول کردم.



داستانش هم این طوری شروع شد که توی اینستاگرام من پیجی دیدم که می‌گفت ما فلان شرکت هستیم، بیاید یه پولی مثلاً ۳۰ هزار تومان بدید و بعد می‌تونید عضو مجموعه ما بشید و با کار تایپ و ترجمه و کارهای دیگه پول دربیارید. منم نمی‌دونم یا همون‌جا بود یا یه جای مشابه بود که به امید پول درآوردن رفتم ثبت نام کردم و دیدم چه جای مزخرفیه و اصلاً درست پروژه کار

نمی‌دن و هر پروژه رو معلوم نیست، چند نفر سعی می‌کنن انجام بدن، اما اگر هم پول بدن به افراد خیلی کمی پول می‌دن و سر کوچک‌ترین اشتباهی بهت پول نمی‌دانن، تازه این پروژه‌های رایگانیش بود، یعنی به جز ورودی ۳۰ تومنی، پول دیگه‌ای نمی‌دادی، چون یه نوع تایپ دیگه هم بود که می‌گفتن شما بیاید ۵۰ هزار تومان پول به ما بدید و ما پروژه تایپ به شما می‌دیم و در عوض ۳۰۰ هزار تومان بهتون پس می‌دیم. که بعداً فهمیدم همون رو هم ظاهراً نمی‌دادن و فقط مردم بی‌چاره گول می‌خوردن. خلاصه من دیدم از این‌جا نمی‌تونم پول دربیارم و ناامید شدم که دیدم یه گروهی هستن که میان بقیه رو متقاعد می‌کنن که بیان توی این مجموعه ثبت نام کنن و بعد پورسانت می‌گیرن، منم رفتم عضو اونا شدم، اما نتونستم کسی رو متقاعد کنم که الآن خدا رو شکر می‌کنم که این کار کثیف رو نکردم، بعد از یه طریقی منتقل شدم به یه مجموعه مشابه که دیدم این‌جا نسبت به قبلی، خیلی بهتره و کارشون درست و حسابی‌تره، منم رفتم یه پیج اینستاگرام زدم و مشغول شدم به جذب فالور تا متقاعدشون کنم توی این مجموعه جدید ثبت نام کنن، یه تعدادی رو ثبت نام کردم و چون دیده بودم این‌جا کارش خوبه، خیلی عذاب وجدان نداشتم، اما باز دیدم خیلی از کسانی که من ثبت نام کردم، نمی‌تونن کار کنن و برای همین احساس می‌کردم، کارم مفید نیست، چون این‌جا هم یه سری شرایط سخت داشت برای کار، مثلاً باید سرعت تایپت خیلی بالا می‌بود تا توی زمان مقرر برسونی. خلاصه این‌که بعد از یه مدت دیدم این‌جا هم داره روندش تغییر می‌کنه و مسوولینش دنبال پول هستن و خیلی براشون مهم نیست، کسانی که میان این‌جا واقعاً می‌تونن استفاده کنن یا نه، حتی کلی با گذاشتن اسم‌های خفن و اینا، می‌خواستن بگن که مثل امثال اون شرکت‌هایی که من اولش واردشون شدم نیستن، خلاصه که من دیدم این‌جا خیلی مزخرفه و دیگه کار نکردم و پیجم رو یه مدت غیر فعال کردم. یه چیز بدی هم که بود یه بار دختر عمه‌ام اومد توی پیج کاریم و نمی‌دونست اون‌جا مال منه و منم شرایط رو براش گفتم، اما چون خودمم می‌دونستم این‌جا به درد نمی‌خوره، نمی‌خواستم ثبت نام کنه و ثبت نام هم نکرد، اما می‌ترسیدم بفهمه این‌جا مال منه، چون به جز خواهر و برادرم، خیلی کسی در جریان این کار من نبود.

- خوب چه مدت توی این مجموعه بودی؟

راستش درست یادم نمیاد، حتی یادم نیست کی دیگه ول کردم اون‌جا رو، بعد از این‌که ولش کردم، چون بالاخره زحمت کشیده بودم براش که فالور جذب کنم، دوباره یه مدت بعد پیج رو فعال کردم تا به پیشنهاد برادرم یه کار دیگه باهاش بکنم.

- چه طوری فالور جذب می‌کردی؟

فالو می‌کردم ملت رو و بهشون دایرکت می‌دادم و یه کم توضیح می‌دادم که کار ما چیه و دو بار هم تبلیغ دادم، به نظرم کسی که می‌خواد کار کنه حرفه‌ای، باید از همون اول تبلیغ بده، فالو کردن به درد نمی‌خوره.

- بعداً به این هم می‌رسیم که بعد از فعال کردنش چه کار کردی. چه قدر از وقتت رو در روز اختصاص به اون کار می‌دادی؟

حقیقتاً یادم نمیداد، کلاً شاید سه ساعت الآن توی اینستا بچرخم، اون موقع هم احتمالاً همین قدر بوده، شاید هم چهار، پنج ساعت.

- توی این مدت کسی از اون‌هایی که ناراضی بود، اومده بود با شما بحث بکنه، یعنی دعوایی پیش اومد؟

نه، من نمی‌اومدم از سختی کار براشون بگم، اما سعی هم نمی‌کردم با دروغ ثبت نام کنم و فکر کنم بیست و خرده‌ای نفر بیش‌تر ثبت نام نکردم و چون هزینه ثبت نام پایینه، معمولاً مردم حوصله ندارن بیان بحث کنن به خاطر یه خورده پول، شاید هم همین حقه‌ی این‌جور مجموعه‌ها هست، فقط یه بار یه نفر که ثبت نام نکرد، باهام بحث کرد و یه نفر هم که من ثبت نامش نکرده بودم، اومد سر من غر زد که نتونسته استفاده کنه.

- می‌شه بیش‌تر توضیح بدی که چی شد که بحث پیش اومد؟
کدوم؟

- هر دو.

اولیه این طوری بود که وقتی من بهش گفتم، باید پول بدید، گفتم من اومدم پول دریارم، چرا باید پول بدم و فحش داد و منم خیلی خیلی ناراحت شدم، چون هیچ کس، هیچ وقت به خودش اجازه نمی‌ده با من این طوری حرف بزنه، تقصیر خودم هم بود که خودم رو توی همچین موقعیتی قرار می‌دادم، دومی هم همین دیگه، چیز خاص دیگه‌ای نیست.

- اون وقت این بحث و ناراحتی توی روحیه‌ات تأثیر نداشت؟

همون طور که گفتم خیلی ناراحت شدم، انگار خون توی صورتم جمع شده بود، بعد از یه مدت هم دیگه بهتر شدم.

- به جز این چه چالش‌هایی برای این کار توی اینستاگرام داشتی؟

همینا چالشه دیگه، همین که براش وقت بذارم و مردم رو جذب کنم و اینا.

- گفتی خانواده‌ات نمی‌دونستن، چرا بهشون نگفتی؟

پدر من از اول هم موافق نبود همچین جایی کار کنم و منم یواشکی شروع کردم، به امید این که با پولش، بتونم توی کلاس زبانی که پدرم موافقتش نبود، ثبت نام کنم. اما خب بعد از این که دیدم از این مجموعه نمی‌شه پول درآورد، طبیعتاً نمی‌خواستم به بابام بگم، بعد یه مدت هم که به درآمد رسیدم، خواستم به پدرم بگم، اما تا اومدم بحث رو باز کنم پرید توی حرفم و از بی‌خود بودن این

مجموعه‌ها گفت و اصلاً نداشت من به این‌جا برسم که بخوام بهش بگم پول درآوردم، منم ناراحت شدم و دیگه اصلاً بهش نگفتم، هر چی پورسانت می‌گرفتم هم واریز می‌شد به حساب داداشم.

- خوب بعد از اون گفتم پيجت رو تغيير کاربری دادی، می‌شه بگی چه کار کردی؟

برادرم به من می‌گفت می‌تونم از اینستاگرام پول دربیارم، منم زد به سرم یه‌سری پست درست کنم و بذارم توی پیجم که البته برادرم مثلاً می‌خواست از من حمایت کنه، اومد پیج من رو استوری کرد که باعث شد من بترسم دختر عمه‌ام بفهمه، این همون پیج کاریه هست، دختر عمه‌ام رو بلاک کردم، حالا نمی‌دونم دیگه فهمیده یا نه.

- چه محتوایی منتشر می‌کردی؟

خب اول این رو بگم که محتوای پیج من به دو قسمت تقسیم می‌شه، اول یه‌سری پست بود که یه‌سری مطالب مربوط به زندگی و روان‌شناسی و این چیزا بود که مثلاً از چیزایی که می‌شنیدم یا پست‌هایی که توی اینستا می‌دیدم، ایده می‌گرفتم براش و یه تعداد از ایده‌ها تبدیل به پست شد. بعد از اون من یه کلاس رفتم و توی اون کلاس، بهم گفتن برو ویدیو بذار پيجت و منم همراه با آموزش‌هام توی اون کلاس، توی پیجم هم پست می‌ذاشتم، مثلاً می‌اومدم جلوی دوربین و طبق آموزش‌هایی که دیده بودم، در مورد کتاب یا فیلم یا چیزای دیگه حرف می‌زدم، در کل موضوع پیجم مربوط به روان‌شناسی و مهارت‌های ارتباطی و سبک زندگی و این‌جور چیزا بود، دیگه اما موضوعات خیلی تخصصی نبودن، بعد هم که کلاس تموم شد، دیگه حسش نبود خودم برم ویدیو درست کنم و منتشر کنم و دیگه چیزی نذاشتم فعلاً، شاید بعداً دوباره برنامه‌ریزی کنم که فعالیت‌هام رو شروع کنم، البته بهتره کلاً این پیج رو ببندم و پیج دیگه‌ای باز کنم، چون این‌جا فالورهایش به درد نمی‌خوره.

- منظورت از فالور به درد نخور چی هست؟

فالورهایی که همراه پيجت نیستن دیگه، اصطلاحاً بهشون می‌گن فالور روح، کسانی که تو رو فالو کردن، اما مطالب رو دنبال نمی‌کنن، این پیج قبلاً برای یه موضوع دیگه بوده و ملت یا فقط چون من، فالوشون کرده بودم، من رو فالو کرده بودن یا برای این‌که می‌خواستن راجع به اون مجموعه بدونن، بعد حالا من یهو اومدم این وسط، در مورد روابط اجتماعی مثلاً حرف می‌زنم، خب طبیعی که کسی نبینه، این‌قدر لایک‌ها کم بود که من عضو یه گروه حمایتی شدم که لایک بگیرم، ولی خب حوصله اون‌جا رو هم نذاشتم و بعد از یه مدت ادامه ندادم.

- گروه حمایتی چی هست؟

یه چند نفر که پیج دارن میان گروه می‌زنن و می‌رن پست‌های هم‌دیگه رو لایک می‌کنن که مثلاً لایک پست‌هاشون بره بالا، کامنت هم می‌ذارن.

- چرا دیگه نمی‌خواستی توی پيجت فعالیت کنی؟

همون طور که گفتم حوصله نداشتم، درس و کار داشتم و دیگه نمی‌خواستم کلی وقت بذارم و ایده پیدا کنم و بعد کلی وقت که ویدیو بگیرم و اینا، یه جورایی انگیزه نداشتم، توی اون پیج من یه غریبه بودم رسماً و به جز چند نفر محدود، هیچ کس من رو نمی‌شناخت و بهم هم دایرکت نمی‌دادن و محتوام رو هم بیش‌تر همون اعضای گروه حمایتی ارایه می‌کردن، برای همین که می‌گم، باید یه پیج جدید بزنم، یه جایی که از صفر ولی با دنبال کننده‌های واقعی شروع کنم و جایی باشه که به فامیل و دوستانم معرفی کنم که فالو کنن و خب همه‌اش نترسم که لو بره این پیج قبلاً مال چی بوده.

- خوب توی این روند جدید پیجت چه چالش‌هایی داشتی؟

این‌جا من فقط تولید محتوا می‌کردم و خیلی کسی کاری به من نداشت و با کسی هم خیلی حرف نمی‌زدم که بخوام چالش داشته باشم. چالشش همین بود که توجه مخاطب رو جلب کنم و فالور بگیرم دیگه، فقط یه بار عکس یه نقاشی توی پیجم بود که صاحب نقاشیه اومد گفت، کاش تگ می‌کردی من رو، چون نقاشی رو خودم کشیدم و منم معذرت خواهی کردم و تگش کردم.

- خوب الان که دیگه توی این پیجت نیستی و فقط توی پیج شخصیت هستی؟
بله.

- همین دوتا پیج رو داری؟

پیج‌های بیش‌تر هم زدم البته، اما فیک هستن، اون موقع‌ها که پیج کاری داشتم با پیج‌های فیک هم دایرکت می‌دادم و پیج خودم رو تبلیغ می‌کردم، الان کاری با پیج‌های فیک ندارم دیگه.

- خوب توی این پیج اصلیت چه چیزهایی رو به اشتراک می‌گذاری؟

همون طور که گفتم معمولاً چیزی نمی‌ذارم، اگه یه پستی به نظرم جالب بیاد، ممکنه استوری کنم یا مناسبتی باشه، ممکنه اگه حال داشته باشم، توی استوری یه چیزی بنویسم، پست هم که چندتا از قبل هست، چیزای متفرقه هست، مثلاً نقاشی‌هام رو گذاشتم.

- چه موضوعاتی رو بیش‌تر دنبال می‌کنی؟

چیزای متفاوتی هست، مثلاً پیج‌های فیلم و سریال‌ها هست، پیج‌هایی که توییت می‌ذارن هست، فن پیج‌ها هست، پیجای خوراکی هست، چیزای دیگه هم هست، البته من خیلی حوصله ندارم چیزای طولانی ببینم، وقتی می‌رم اینستا معمولاً یه دور می‌زنم، می‌بینم چیز به درد بخوری داره یا نه و میام بیرون، یه پیج هم دارم که مال فن بیان و این‌جور چیزها هست و همونه که توی دوره‌اش شرکت کردم، بالاتر گفتم، البته الان توی تیم‌شون مشاور فروش هم هستم.

- یعنی از توی اینستاگرام باهاشون آشنا شدی و وارد تیم‌شون شدی یا از قبل می‌شناختی‌شون؟

نه، یه پیج بود که مال آموزش فن بیان و مهارت‌های ارتباطی و سخنرانی و اینا بود و من یه بار دیدم لایو دارن و دیدم مطالبش جالبه و بیش‌تر دنبال‌شون کردم، ولی دوره‌هاشون رو نخریدم و یه

بار توی استوری گفتن، مشاور فروش می‌خوان و منم رزومه فرستادم و توی مصاحبه قبول شدم و عضو تیم شدم، بعدش گفتن باید حتماً توی دوره ما هم شرکت کنی و منم شرکت کردم و توی کلاساشون رفتم و یه چیزایی یاد گرفتم و الانم هم‌چنان دارم باهاشون کار می‌کنم؛ البته کار من مستقیماً ربطی به اینستاگرام نداره، چون شماره‌هایی که مجموعه می‌ده رو تماس می‌گیریم و پکیج‌ها رو براشون توضیح می‌دیم، ولی شماره‌ها از طریق اینستاگرام به دست می‌اد.



- خوب از اون جایی که کارت هر چند غیرمستقیم به اینستاگرام مربوط می‌شه، می‌شه بگی چند ساعت در روز برایش وقت می‌گذاری؟

نمی‌دونم، اینم چون توی خونه تماس می‌گیرم و وسطش هم استراحت می‌کنم، اما تقریباً از ساعت پنج و شش تا ده شب درگیرم.

- در مورد کلاسی که از طریق این پیج اینستاگرام شرکت کردی، بیش‌تر توضیح می‌دی که چی یاد گرفتی؟

خب یه دوره آنلاین فن بیان و سخنرانی بود، باعث شد یه خورده اعتماد به نفسم توی ارتباط با بقیه بیش‌تر بشه و یه کم تکنیک یاد بگیرم که اگه جایی خواستم صحبت کنم، باید چه کار کنم و چی بگم و چی ببوشم و زبان بدنم چه طور باشه و اینا، بیش‌تر به درد کسانی می‌خوره که کارشون در ارتباط با آدم‌های زیادیه، اما برای منم خوب بود.

- گفتی پیج‌های فیلم و سریال رو هم دنبال می‌کنی، می‌شه بگی بیش‌تر چه سبکی رو دنبال می‌کنی؟

خب یه مدته فیلم‌های نمایش خانگی زیاد شده، اما من هیچ وقت نخردم‌شون و یه بخش‌هایش که توی اینستاگرام پخش می‌شه رو می‌بینم که باحاله، از طرفی پیج‌هایی که در مورد فیلم‌ها و بازیگرها، فکت و نکات جالب می‌نویسن و اخبار سینما رو می‌گن و بخش‌هایی از یه سریال یا فیلم رو می‌ذارن یا از این چیزا دیگه، یه سریش بی‌خوده، مثلاً مطالب مربوط به زندگی شخصی بازیگرا

برای من خیلی جالب نیست، اما مثلاً من چون خودم طرفدار سریال‌های کمدی هستم، اون پیج‌هایی که تیکه‌های سریال‌های معروف رو می‌ذارن دوست دارم، یه جورایی برام خاطره انگیزه، سریال‌های شرقی هم پیج‌های خاص خودشون رو دارن.

- این مطالب رو با دوستان هم به اشتراک می‌گذاری؟

زیاد نه، ولی گاهی آره، به هرحال خودشون اینستا دارن دیگه، هر چی بخوان می‌بینن خودشون.

- این مطالب رو که می‌بینی باعث می‌شه جذب بشی و بری سریال‌ها رو هم ببینی؟

خب قطعاً تأثیر داره دیگه، مثلاً یه تیکه جالب از یه فیلم رو که ببینم، اگه ژانرش رو دوست داشته باشم و نظرات مردم هم راجع بهش مثبت باشه، ممکنه برم ببینم.

- چندتا از این فیلم و سریال‌هایی که به نظرت جذاب‌تر بوده رو می‌گی؟

نمی‌دونم، زیادن، مثلاً ویچر^۱ و امیلی در پاریس^۲ سریالای جدیدن که می‌خوام برم فصل دومشون

رو ببینم.



۱ - ویچر یک سریال تخیلی آمریکایی است که تاکنون دو فصل از آن پخش شده است. محبوبیت این سریال زیاد بوده و دارای صحنه‌های جنسی است.

۲ - سریال امیلی در پاریس سریالی است که به تازگی شهرت یافته است. این سریال در مورد دختری آمریکایی است که برای کار به پاریس می‌رود.

بعد تئوری بیگ بنگ^۱ و آشنایی با مادر^۲ هم که قدیمی هستن، اما خیلی جالب هستن، چینی هم رام نشده^۳ و سریال و انیمیشن قاره ارواح^۴ رو دوست دارم، از ایرانی‌ها هم شهرزاد قشنگه، لباسا و گریم‌شون رو دوست دارم.



-
- ۱ - سریال تئوری بیگ بنگ یک سریال کمدی آمریکایی است که زندگی چهار دانشمند را نشان می‌دهد که با یک دختر بازیگر آشنا می‌شوند. در ادامه دو دختر دانشمند هم به داستان اضافه می‌شوند.
 - ۲ - سریال آشنایی با مادر یک سریال کمدی آمریکایی است که شهرت جهانی بالایی دارد. این سریال ماجراهای پنج دوست ساکن نیویورک را نشان می‌دهد.
 - ۳ - سریال رام نشده یک سریال چینی تخیلی و تاریخی است که در سال‌های اخیر در ایران محبوبیت به دست آورده است. این سریال بر اساس یک رمان همجنس‌گرایانه ساخته شده اما این رابطه در سریال فقط یک رابطه دوستی نشان داده شده است.
 - ۴ - سرزمین ارواح یک رمان چینی است که بر اساس آن یک سریال و یک انیمیشن ساخته شده است. سریال سرزمین ارواح در ایران محبوبیت خوبی کسب کرده است.



- این که لباس‌هاشون رو دوست داری باعث می‌شه شما هم بخواهی مثل اون‌ها لباس بپوشی؟ خوشگل که هستن، اما خب مال قدیمه، اینا لباساشون به درد الآن نمی‌خوره.

- در مورد این سریال‌ها که گفتی، می‌شه یک کم از موضوعاتشون بیش‌تر بگی؟

باشه، ویچر تخیلی و تاریخیه و آمریکاییه، یه کم پیچیده هست، داستانش تازه داره شکل می‌گیره. امیلی در پاریس هم سریال شادیه و کمدیه و باحاله، اونم هنوز فقط یه فصل ازش اومده، بیش‌تر محیط رنگی و شاد و حال خوب‌کنش برام جالبه، شخصیت اصلی هم خیلی آدم مثبت‌اندیشیه.

بیگ بنگ و آشنایی با مادر هم که معروف‌ان دیگه، سیتکام‌اند، خنده‌دارن، البته من با یه چیزایی‌شون مخالفم، اما چون سرگرم‌کننده هستند، می‌بینم. چینی‌ها هم سریال رام نشده یه سریال

تخیلیه که من اول مان‌هاش^۱ رو توی اینستاگرام دیدم و بعد فهمیدم سریالش هم هست و رفتم دیدم و بعدشم توی اینستاگرام فن پیجای سریال رو دنبال کردم، تازه بعد از دیدن سریال فهمیدم چه قدر توی ایران معروفه، توضیح دادن در موردش یه کم سخته، چون ژانر شیانشیا هست که خب کسایی که ندیدن، ازش سر در نمیارن خیلی. قاره ارواح هم که دوتا نسخه داره، یکیش سریاله تلویزیونی و یکیش هم انیمیشن سریالیه که من هر دوتاشون رو دوست دارم، هر دوش هم از روی یه رمان چینی ساخته شدن که شاید برم رمانش رو هم بخونم، این سریال هم تاریخی و تخیلیه. شهرزاد هم فقط یه بخش‌هایش رو دیدم توی اینستاگرام و یه سریاله که داستانش مال قبل از انقلابه.



- پس یعنی رمان‌ها و داستان‌های تصویری چینی رو هم توی اینستاگرام دنبال می‌کنی؟ هستش، اما من دیگه خیلی دنبال نمی‌کنم، رمان‌ها رو ترجیح می‌دم، از توی تلگرام دنبال کنم. - این رمان‌ها ترجمه شده ست؟ هم ترجمه می‌شه پیدا کرد، هم ترجمه نشده. ترجمه‌ها هم، هم پولی هستش و هم رایگان، من تا حالا ترجمه پولی توی اینستاگرام ندیدم. - گفتی با یک چیزهایی در مورد سیتکام‌ها مخالفی، می‌شه بگی با چی مخالف هستی؟ بیش‌تر ربطی به محتوای سریال‌ها داره، مستقیماً ربطی به اینستاگرام نداره، اشکال نداره؟ - نه، چون همون طور که گفتی این سریال‌ها توی اینستاگرام هم دیده می‌شن. باشه، خب یه سری مفاهیم هست که نمی‌دونم با جامعه خودشون جوره یا نه، اما فکر من رو درگیر کرد، چون اصلاً با اصول ما جور نبودن، مثلاً یکیش اینه که شخصیت‌های داستان، برای رابطه داشتن با یه نفر خیلی به خوشگل بودن دختره اهمیت می‌دن. مثلاً توی تئوری بیگ بنگ یه دختری هست به اسم پنی که خوشگله و روابط اجتماعی خوبی داره، اما نه تحصیلات درست حسابی داره، نه شغل خفنی داره، اول داستان فقط یه پیش خدمته که می‌خواد بازیگر بشه، ولی توی بازیگری موفق نیست. حالا از اون طرف یه شخصیت دیگه داریم، به اسم لئونارد که قد و چهره متوسطی

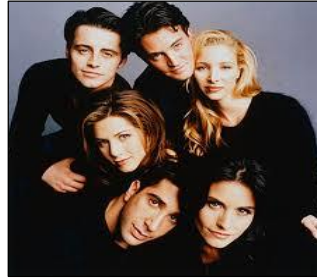
۱- مان‌ها به داستان‌های تصویری چینی گفته می‌شود.

داره و روابط عاطفی زیادی نداشته، اما فیزیک‌دان باهوشیه و توی یکی از بهترین دانشگاه‌های دنیا کار می‌کنه، بعد لئونارد عاشق پنی می‌شه و اینا به هم می‌رسن و هر کی می‌بینه، تعجب می‌کنه که چرا یه همچین دختر خفنی با یه همچین پسری قرار می‌ذاره، یعنی فکر می‌کردن پنی باید با یه آدم خفن‌تر باشه. یکی دیگه از مسایلی که توی سریال تئوری بیگ بنگ هست، ضدین بودنشه، شخصیت اصلی داستان که شخصیت محبوبیه و خیلی باهوشه، خدا رو قبول نداره و بارها توی سریال به این قضیه اشاره شد، از طرفی مادرش مسیحی مذهبییه که همین نشون می‌ده حتی توی یه خانواده مذهبی هم، دیگه بچه‌ها مذهبی بزرگ نمی‌شن و تازه مامانه یه رفتارهای غیرمنطقی داره و گاهی هم حرف‌های نژادپرستانه می‌زنه، همه‌ی اینا به نظرم وجهه دین رو خراب می‌کنه، دیگه این که شخصیت‌ها توی این مدل سریال‌ها با کلی آدم قرار می‌دارن و بعد توی سن بالا ازدواج می‌کنن و معمولاً یک بچه یا نهایتاً دو بچه هم بیش‌تر نمیارن، مثلاً دوتا بچه خیلی زیاده، مثلاً توی همین سریال بیگ بنگ، یکی از شخصیت‌ها که بچه‌دار شده بود، رسماً داشت می‌گفت از این وضع ناراضیه و بعد از بچه دوم یه کاری کردن که دیگه بچه‌دار نشن، حالا اینا نمونه بود دیگه، در مورد این موضوع می‌شه کتاب نوشت.

- خوب فکر می‌کنی این مطالب، می‌تونه باعث تغییر فرهنگی توی کشور ما هم بشه؟
بحث این گسترده هست و من خیلی اطلاع ندارم، راستش اما شاید زیاد پرداختن به این موضوعات بتونه باعثش بشه.

- روی خودت چه قدر تأثیر گذاشتن؟
نمی‌دونم، راستش من خودم که نمی‌تونم راحت تشخیص بدم چه قدر تأثیر گرفتم، اما سعی می‌کنم حداقل از این نکته‌هایی که خودم فهمیدم تأثیر نگیرم.
- با این وجود چرا باز هم این سریال‌ها رو می‌بینی؟

همون طور که گفتم سرگرم کننده اند. مثلاً بی‌بند و باری، ازدواج سفید، بارداری خارج از ازدواج و چیزای دیگه همه هست توی این سریالا، اما خب فان هم هستن دیگه، به طور مثال همه طرفدارهای فرنرز، شخصیت جوئی تربییانی رو دوست دارن، اما واقعیت اینه که این شخصیت همه‌اش دنبال دخترا هست و بعد از یک شب هم ول‌شون می‌کنه، منظورم اینه اون قدر جذاب می‌سازن داستان رو که یه همچین شخصیتی هم این قدر طرفدار پیدا می‌کنه.



- بیش‌تر چه قشری این مطالب رو دنبال می‌کنن؟
- مطالب مربوط به فیلم و سریال‌ها رو فکر کنم نوجوون‌ها و جوون‌ها بیش‌تر دنبال می‌کنن.
- گفتی فن پیج دنبال می‌کنی، بیش‌تر چه کسانی رو دنبال می‌کنی؟
- من طرف‌دار اکسو که بودم، هنوزم هستم و یه موقع اگه اخباری از اونا باشه، دنبال می‌کنم.
- توی چینی‌ها هم از پسرا بیش‌تر از همه شیائو جان^۱ رو دوست دارم و وانگ ییبو^۲ و لوهان^۳ هم دوست دارم، از دخترها هم دلربا^۴ رو دوست دارم، یه چند نفر دیگه هم هستن.



-
- ۱ - شیائو جان خواننده و بازیگر چینی است که می‌توان گفت در حاضر محبوب‌ترین هنرمند چینی در ایران است. این بازیگر در سریال‌های رام نشده و سرزمین ارواح ایفای نقش کرده است.
 - ۲ - وانگ ییبو خواننده، بازیگر، رقص و مجری چینی است که در سال‌های اخیر محبوبیت زیادی در ایران کسب کرده است.
 - ۳ - لوهان بازیگر چینی عضو سابق گروه اکسو است.
 - ۴ - دلربا یکی از معروف‌ترین و محبوب‌ترین بازیگرهای زن چینی است.



- می‌شه بگی هر کدوم رو چرا دنبال می‌کنی؟

خب من گفته بودم که سریال رام نشده رو دیدم، وانگ ییبو و شیائو جان بازیگرهای نقش اصلی بودن و اون طوری باهاشون آشنا شدم و دیگه ادامه دادم، جان به نظرم خیلی مهربون و مؤدب و با ملاحظه هست و ییبو هم، با استعداد دیگه، بعد چون من از اول اینا رو با هم دیدم، الان هم با هم طرف‌دارشونم، دیگه یه جورایی شیپرم، لوهان هم که عضو سابق اکسو هستش و به نظرم خیلی خوشگله، دلربا هم که بازم به نظرم خیلی خوشگله و خوبه دیگه.

- می‌شه بگی منظورت از شیپر بودن چی هست؟

هوففففف...، یه کم سخته توضیحش، ببین وقتی دو نفر رو می‌بینی و حس می‌کنی اونا خیلی به هم میان و دوست داری اونا با هم باشن، یعنی داری شیپ می‌کنی، بعد بعضی از شیپرها هم هستن که اصلاً معتقد هستن، اینا کارشون از شیپ گذشته و واقعاً با هم رابطه دارن، یه سری دلایل هم میارن که راستش حوصله ندارم بگم، ولی به هر حال منم اینا رو کنار هم دوست دارم و دوست دارم که رابطه خوبی با هم داشته باشن و خوشحال باشن، اما نمی‌گم حتماً باید از اون مدل رابطه‌ها داشته باشن یا نمی‌گم حتماً باهم هستن.

- این‌ها که گفتی معتقد هستن این‌ها با هم هستن، توی اینستاگرام هستن؟

هم اینستا هستن، هم تلگرام.

- بیش‌تر از چه جنسیت و سنی هستن؟

بیش‌تر دخترن قطعاً، اما رده سنی رو مطمئن نیستم، اینا هم نوجوون و جوون هستن فکر کنم.

- گفتی مطالب مربوط به غذا دنبال می‌کنی، آموزش آشپزی منظورت هست؟

یه چیز جالب بگم، اینه که توی اکسپلور قشنگ می‌شه دید آدم چه چیزهایی رو دنبال می‌کنه، بعد توی اکسپلور داداشم که می‌ریم، همه‌اش درست کردن غذا هست، توی اکسپلور من که می‌ریم خوردن غذا هستش و توی واقعیت هم داداشم همیشه آشپزی می‌کنه، من می‌خورم.

- پس از این نظر توی سبک زندگی‌تون تأثیر داشته؟

ما قبلاً هم غذا می‌خوردیم، ولی شاید اینا بهمون ایده داده باشه.

- توی مواد غذایی که می‌خرید هم تأثیر داره؟

نمی‌دونم، چون داداشم می‌پزه، مواد غذایی رو هم اون تعیین می‌کنه، من فقط بیش‌تر نودل که می‌بینم می‌خورن، باعث می‌شه هوس کنم نودل بخرم.

- توی اینستاگرام بیش‌تر با چه افرادی در ارتباط هستی؟

خیلی در ارتباط نیستم، پیج بچه‌های فامیل و دوستانم رو دارم، ولی کم پیش میاد با هم حرف بزنیم.

- مطالبی که توی اینستاگرام می‌بینی باعث می‌شه اعتماد به نفست بالا بره؟

الآن مورد خاصی توی ذهنم نیست، فقط چون کلاس فن بیان رفتم، الآن یه ویدیوهایی که می‌بینم، اگه طرف حرفه‌ای نباشه، راحت تشخیص می‌دم که این فرد، بیان حرفه‌ای نداره و من این چیزا رو بلدم، یعنی حس بلد بودن بهم دست می‌ده.

- اینستاگرام باعث شده دیر بخوابی یا توی خواب مطالب اینستاگرام رو ببینی؟

من کلاً دیر می‌خوابم و معمولاً قبل از خواب هم اینستاگرام رو چک می‌کنم، اما نمی‌دونم اگه اینستا نباشه، زودتر می‌خوابم یا نه، سوال دوم هم تا حالا جان و ویوو رو توی خوابم دیدم، اما چیز دیگه خیلی یادم نیست.

- خوب این دیر خوابیدن باعث نمی‌شه صبح خسته باشی؟

من معمولاً تا ظهر می‌خوابم.

- تا حالا توی اینستاگرام به کسی حسودی کردی؟

ممکنه، یه دختره هست که هم‌سن منه و دانشجوی دندان پزشکیه و خودش مشاور کنکوره و کلی درآمد داره ماهانه از جاهای مختلف، تازه خودش میاد می‌گه درآمدش کمه و از زندگیش راضی نیست و حس و حالش خوب نیست و اینا، اما من حسرت این رو می‌خورم که طرف این‌قدر مستقله و خودش بین شهرهای مختلف می‌ره و کسب و کار خودش رو داره، اگه من هم مثل اون قوی بودم، خیلی خوب می‌شد.

- با دیدن اون انگیزه نگرفتی که شما هم کسب و کار خودت رو داشته باشی؟

قبل از اون هم دوست داشتم کسب و کار خودم رو داشته باشم، اما خب من خیلی محدودم از طرف خانواده و در حدی که با دوستم هم بخوام برم اطراف خونه، داستان داریم. برای همین من اصلاً نمی‌تونم مثل اون آزاد باشم و خب این‌که من مشاور کنکور هم نمی‌تونم باشم، اما در مورد فتوشاپ یاد گرفتن و مزیت‌های زیاد می‌گه که باعث می‌شه، منم بخوام جدی برم سراغ یاد گرفتن فتوشاپ.

- تا حالا توی اینستاگرام با جنس مخالف ارتباط داشتی؟

آره، گفتم که پیج کاریم همه جور آدمی بود، الان اما دیگه نهایتاً با خانواده و فامیل در ارتباط باشم، البته الان که این رو گفتم، یه چیزی یادم اومد، یه بار توی پیج عمومیم که بودم، یه مرده بهم پیام دادم که اون روسری رو یه کم شل کن، چون من با حجاب پست می‌داشتم، البته من جوابش رو ندادم و نمی‌دونم این ارتباط حساب می‌شه یا نه، بیش‌تر فکر کنم مربوط به اون سوال می‌شه که گفتم چه چالش‌هایی داشتم.

- وقتی این حرف رو زد چه حسی داشتی؟

نمی‌دونستم بخندم یا تأسف بخورم، خیلی دوست ندارم در موردش حرف بزنم.

- مطالب مربوط به هم‌جنس‌گرایی توی اینستاگرام دیدی؟

بحثش طولانیه، ولی در کل همین شیپ کردن‌ها هست دیگه، مثلاً جان و ییو هر دو پسر، شیپ‌های دیگه هم دیدم، بعضی وقتا یه پست‌هایی هم در مورد هم‌جنس‌گرایی هست، اما الان مورد خاصی یادم نمیاد.

- توی این مطالب هم‌جنس‌گرایی، مردم بیش‌تر موافق هستن یا مخالف؟

حس می‌کنم موافق‌ها بیش‌تر خودشون رو نشون می‌دن، اگه یه پست در مورد هم‌جنس‌گرایی باشه، مثلاً بگن یه زوج هم‌جنس‌گرا به هم رسیدن، ملت میان هی کلی ذوق می‌کنن و استیکر قلب‌دار می‌فرستن و می‌گن به هم میان و اینا، بعد از اون طرف هم اگه کسی بیاد مخالفت کنه باهاشون، موافق‌ها می‌ریزن سرش و کلی چیز بهش می‌گن، من خودم موافق این جریان نیستم، اما می‌ترسم یه موقع‌هایی مخالفت خودم رو نشون بدم و کلی توهین بشنوم.

- از اون جایی که گفتم مخالفی، اگه راحتی، می‌شه بگی چرا با این وجود هنوز هم اون دو نفر که گفتم رو شیپ می‌کنی؟

جان و ییو؟ یه کم پیچیده هست قضیه، اول این که من گفتم، نمی‌گم حتماً با هم باشن و همین که با هم دوست باشن برای من کافیه، چون هر دو رو دوست دارم، دوست دارم که با هم رابطه خوبی داشته باشن و از طرف دیگه هم خب همه شیپ می‌کنن دیگه و دلایلی که میارن باعث می‌شه حس کنم، شاید واقعاً هم با هم هستن، منم این طور نیستم که مخالف صد در صدی این قضیه باشم، بیش‌تر به خاطر مسایل دینی مخالفم و این که احساس می‌کنم دیگه زیادی دارن به این موضوع می‌پردازن، یعنی بیخشید، اما دارن گذش رو در میارن، ملت هم جو گیر هستن، به نظرم دخترهای جوون و نوجوون از روی جو هم‌هاش میان حمایت می‌کنن، حقیقتش این بحث یه کم پیچیده هست و منم نمی‌دونم دیگه چه طور توضیح بدم که چرا شیپ جان و ییو رو دنبال می‌کنم، اما با جریان‌های هم‌جنس‌گرایانه مخالفم.

- به نظرت این مطالب تأثیر داره روی این که جوون‌ها به سمت حمایت از هم‌جنس‌گرایی برن؟

تأثیر که چه عرض کنم، اصلاً همین مطالبه که اونا رو توی این جوّ می‌اندازه به نظرم، همین که با دیدن این مطالب توهم نزنن که خودشون هم ال‌جی‌بی‌تی هستن، جای شکر داره.

- یعنی کسانی رو دیدی که با این مطالب بگن هم‌جنس‌گرا هستند؟

حالا نمی‌دونم، اما دیدم زیر پست‌ها اعلام کنن هم‌جنس‌گرا هستن، توی یه گروه تلگرام هم بودم که دختره نوجوون می‌اومد و با چه قاطعیتی می‌گفت از دخترا خوشش میاد و تازه جزئیات رو هم می‌گفت، بقیه هم حمایتش می‌کردن، اما به نظرم اوج این بحث‌ها، توی همین اینستاگرامه.

- پست‌هایی که صحنه‌های جنسی داشته باشه دیدی؟

صحنه باز که اینستاگرام اجازه نمی‌ده، برای همین اگر هم بذارن سانسور می‌کنن، مثلاً نقاشی‌هایی دیدم که صحنه‌دار بوده، اما جاهای حساس رو سانسور می‌کنن که اینستاگرام گیر نده، صحنه‌های یه خورده باز هست، مثلاً بوس کردن و اینا مخصوصاً توی تیکه‌های سریال‌ها، یه بار هم یادمه یه صفحه‌ای هم دیدم که یه چیزای بدی داشت که من گزارشش رو به اینستا دادم و صفحه بسته شد و خب بگم چی بود؟
- بله، لطفاً.

خوب من یه بار یه صفحه‌ای دیدم که عذر می‌خوام، ولی ظاهراً فاحشه‌خونه آنلاین بود، یعنی دخترا رو نشون می‌داد و معرفی‌شون می‌کرد، ولی بیش‌تر از این نمی‌تونم توضیح بدم.

- این محتواها رو معمولاً چه کسانی دنبال می‌کنن؟

راستش من دنبال نمی‌کنم که بدونم کیا هستن.

- خوب در همین حد محتوای صحنه‌دار که دیدی توی اینستاگرام، تا حالا شده فکرت رو درگیر کنه؟

نمونه خاصی یادم نمیاد الآن.

- محتوایی رو دیدی که افراد رو به سیگار کشیدن یا مواد مخدر یا الکل تشویق کنه، مثلاً کسانی که از سیگار کشیدن خودشون فیلم می‌گذارن؟

قطعاً هست، اما من دوست ندارم همچین آدم‌هایی رو دنبال کنم، پس یادم نمیاد شخصاً دیده باشم، اما هست.

- محتوایی دیدی که برعکس افراد رو از این چیزها دور کنه؟

محتوای مخصوص این‌ها راستش الآن یادم نمیاد، ولی خب پیج‌های آموزشی هستن.

- دیدی افراد مشهور مخاطب‌هاشون رو به قمار دعوت کنن؟

این رو دیدم، خودم مخاطب‌شون نیستم، اما یه سری شاخ مجازی مزخرف هستن که مردم رو به سمت سایت قمار می‌کشونن و ظاهراً ریشه‌ی همه‌شون هم به یه جا برمی‌گرده. یه خواننده هم بود یه بار پخش شده بود که سایت قمار زده و خیلی مورد انتقاد قرار گرفت.

- این‌ها که سایت قمار می‌زنن، مردم توی سایت‌هاشون می‌رن؟
لابد می‌رن که می‌زنن، اما توی فضای مجازی کلاً از اینا انتقاد می‌شه و خیلی کسی از این کارشون طرف‌داری نمی‌کنه.

- تا حالا توی فضای مجازی دوست پیدا کردی؟
همون موقع که پیج کاری داشتم، اتفاقی با یه نفر آشنا شدم که اونم سریال رام نشده رو دیده بود و رمانش رو خونده بود و همین باعث شد سر صحبت ما باز بشه، از این‌جا فهمیدم که این سریال رو دیده که توی بیوی پیجش، یه جمله مربوط به این سریال نوشته بود، بعد هم با پیج شخصیم فالوش کردم و از اون‌جا با هم در ارتباط بودیم، اما الان دیگه فقط در حد سین استوری و ریپلای استوری در ارتباط هستیم و خیلی حرف نمی‌زنیم، با یه سری از ادمین‌های پیج‌هایی که دنبال می‌کنم هم رابطه خوبی برقرار کردم.

- اعتماد کردن به آدم‌هایی که توی فضای مجازی باهاشون در ارتباطی برات سخت نیست؟
من توی دنیای واقعی هم به کسی اعتماد ندارم، چه برسه به مجازی و با کسانی که توی فضای مجازی آشنا شدم، حرف خاصی نزدم که برام دردسر ساز بشه.

- بلاگرها رو دنبال می‌کنی؟
آره، یه مقدار.

- می‌شه بگی بیش‌تر چه بلاگرهایی رو دنبال می‌کنی؟
یکیش رو که گفتم، همون دندان پزشکه هست، یکی دیگه هم همونه که توی زمینه فن بیان و سخنرانی هست و گفتم خودم توی کلاساشون هستم، یکی دیگه هم هست که یه دختریه که چندتا زبان بلده و دختر شایسته جهان اسلام شده و توی پیجش و یوتوبش مطالب زبان آموزی و چیزای دیگه می‌ذاره. الان همین‌ها توی ذهنمه که بیش‌تر دنبال می‌کنم. یکی دیگه هم هست که طرف دوره‌ی بیزنس بلاگینگ می‌ذاره و توی پیجش بیش‌تر از زندگی خودش می‌ذاره و دوره‌اش رو تبلیغ می‌کنه و من دنبالش می‌کنم که از همین سبک استوری گذاشتنش ایده بگیرم، اگه خواستم پیجم رو فعال کنم.

- شما هم خواستی دوره‌اش رو شرکت کنی؟
نه راستش، اینا گروه و حداقل فعلاً نمی‌خوام.
- این بالاگرها چه تأثیری توی زندگی شما داشتن؟

خب برای یکی‌شون کار می‌کنم، یکی‌شون هم که زبان آموزه و خودش هم درس می‌ده، باعث می‌شه یه کم اطلاعاتم در این مورد زیاد بشه، چون خودم هم دارم زبان می‌خونم.
- شخصیت توی فضای مجازی فرقی با دنیای واقعی داره؟

نه خودمم، فقط قبلاً که گفتم ویدیو می‌داشتم، خب باید پر انرژی و خوشحال می‌اومدم جلوی دوربین، ولی خودم آدم ساکتی هستم معمولاً، خیلی فرقی نداره شخصیتم در کل.

- رسانه‌های داخلی رو ترجیح می‌دی یا اینستاگرام؟

هیچ کدام رو دوست ندارم، اما اینستاگرام حداقل اون قدر جذاب هست که تا الان توش بمونم.

- محتواهای نوشتاری رو بیشتر دوست داری یا ویدیویی و تصویری؟

بیشتر نوشته‌ها رو ترجیح می‌دم، چون حوصله ویدیو ندارم.

- آیا مردم توی اینستاگرام کلمات رو ناقص می‌نویسن و توی نوشتارشون تغییر ایجاد شده؟

یه چیزی بود که با حروف انگلیسی می‌نوشتن، خوبه حالا الان کمتر شده، اما خیلی وحشتناک

بود که با حروف انگلیسی فارسی می‌نوشتن، بعضی وقتا هم ناقص می‌نویسن کلمات رو.

- این روی زندگی واقعی‌شون هم تأثیر داشته؟

همین دیشب خواهرم می‌خواست بگه نمی‌دونم و به جاش گفت نم‌د که خب خیلی بده.

- اینستاگرام چه قدر توی بالا رفتن اطلاعات عمومیت تأثیر داشته؟

نمی‌دونم، گاهی یه فکت‌هایی می‌بینم، یکی، دوتا پیج هم در مورد فضا و نجوم دارم.

- این اطلاعات چه قدر معتبر هستن؟

خب یه سری مطالب زرد هست که به اون‌ها نمی‌شه صد در صد اعتماد کرد، حتی شاید ادمین از

قصد اومده باشه یه چیز عجیب غریب گفته باشه که کامنت بگیره، اما یه چیزی مثل نجوم با این که

من منبع حرف‌های ادمین رو نمی‌دونم، اما بعیده کسی وقتش رو بذاره که همچین مطالبی درست

کنه، اما حرف‌های بی‌اعتبار بزنه.

- توی اینستاگرام آموزش زبان دیدی؟

آره، پیجاش زیاده.

- برات مفید بوده؟

سفت و سخت دنبال نمی‌کنم، اما می‌شه گفت مفید بوده.

- توی اینستاگرام حریم خصوصیت چه قدر برات مهم هست؟

کلاً کسی رو به حریم خصوصیم راه نمی‌دم، از زندگیم شخصیم به ندرت ممکنه مطلبی بذارم.

- تا حالا توی اینستاگرام در مورد خودت دروغ گفتی؟

نه، یادم نمیاد.

- توی اینستاگرام با صراحت بیش‌تری حرف می‌زنی؟

کلاً دارم روی خودم کار می‌کنم صریح‌تر حرف بزنم، ولی فکر نکنم توی اینستاگرام فرقی بکنم.

- دیدی مردم توی اینستاگرام فحش بدن؟

زیاد!

- به نظرت مردم توی اینستاگرام بیش‌تر از واقعیت فحش می‌دن؟ شاید.

- به نظرت چرا؟

خب با طرف مقابل چشم تو چشم نیستن دیگه، این‌که توی چشم طرف نگاه کنی و فحش بدی راحت‌تره، اما توی اینستاگرام تو فقط داری به یه آیدی فحش می‌دی. از طرفی هم طرز بیان آدم‌ها به محیطی که توش هستن بستگی داره، مثلاً کسی توی محیط رسمی فحش نمی‌ده، ولی توی محیط‌های غیررسمی ممکنه، خب محیط اینستاگرام هم به طور کلی یه محیط غیررسمی هستش.

- خودت توی اینستاگرام فحش دادی؟

من کلاً اهل فحش دادن نیستم، پس نه.

- کسایی رو دیدی که با نشون دادن بدن‌شون و با استفاده از ظاهرشون بخوانند فالور جذب کنن؟

من دنبال نمی‌کنم، اما هستن.

- مطالب دینی توی اینستاگرام دنبال می‌کنی؟

فکر کنم آره.

- یعنی الان چیزی یادت هست بگی؟

پیج‌هایی که به دین ربط داشته باشه دارم، اما الان جزئیاتش رو یادم نیست که دقیقاً چه مطالبی می‌دارن.

- دیدی مردم توی اینستاگرام بحث دینی بکنن؟

آره، پیش میاد گاهی، مثلاً زیر پست‌هایی که به دین ربط داشته باشه هستن.

- نمونه‌ای یادت هست؟

نمی‌دونم، مثلاً همین پیج‌های علمی یا پیج‌هایی که فکت می‌دارن، اگه یه موقع یه مطلب در مورد خدا بذارن، ممکنه مردم زیرش بحث کنن، یعنی دقیق یادم نیست، اما یه همچین چیزی یادمه که مردم سر وجود یا نبود خدا حرف می‌زنن.

- بیش‌تر مردم مخالف هستن یا موافق؟

بستگی به اون پیج داره، مثلاً وقتی یه ادمین داریم مطالب ضددین بذاره، خب طبیعتاً دین‌دارها آنفالو می‌کنن و برعکس.

- تا حالا کاری توی اینستاگرام کردی که باعث عذاب وجدانت بشه؟

سر همون پیج کاریه شاید، نمی‌دونم، خیلی هم عذاب وجدان ندارم، اما خب حس خوبی هم نسبت به اون فعالیت‌هام ندارم.

- مطالب سیاسی دنبال می‌کنی؟

خیلی که نه، یه پیج دارم که مطالب مختلف می‌ذاره و گاهی چیزای سیاسی هم می‌ذاره.

- این باعث شده اطلاعات سیاسیت بیش‌تر بشه؟

راستش من خیلی سیاسی نیستم و چیزای سیاسی دنبال نمی‌کنم، یک مقدار تحلیل‌ها رو ممکنه بخونم، چون اون پیج قشنگ تولید محتوا می‌کنه، اما خیلی پیگیر نیستم و سطحی می‌گذرم، برای همین شاید فقط یه کم اطلاعاتم بیش‌تر شده باشه.

- دیدی مردم توی اینستاگرام در مورد مسایل سیاسی حرف بززن یا بحث کنن؟
آره، پیش میاد.

- خوب بیش‌تر مخالف هستن یا موافق؟
مخالف، موافق خیلی کمه.

- تا حالا توی اینستاگرام چیزهایی دیدی که باعث بشه دلت بخواد مهاجرت کنی؟
من خیلی دلم نمی‌خواد کلاً از ایران برم، اما وقتی بقیه رو می‌بینم که می‌رن خارج، دلم می‌خواد من هم حداقل برم اون جاها رو ببینم.

- تا حالا خواستی که فروشگاه اینستاگرامی داشته باشی؟
خیلی وقته دلم می‌خواد.

- چی باعث شد به این فکر بیفتی؟

من از قدیم الایام به تجارت علاقه داشتم، اما نمی‌دونستم باید چه کار کنم براش، بعداً دیدم توی اینستاگرام خیلی راحت می‌شه یه فروشگاه داشت و خب من هم دوست داشتم فروشگاه داشته باشم.

- می‌تونم بپرسم چرا تا الان این کار رو شروع نکردی؟

توی فکرم هست، اما وقتم پره و مهم‌تر از همه پس‌انداز ندارم.

- برای فروشگاه داشتن آموزش هم دیدی؟

آموزش مخصوص نه، اما خب سعی می‌کنم از پیج‌هایی که دارم الگو بگیرم.

- تا حالا از فروشگاه‌های اینستاگرامی خرید کردی؟

دو بار.

- تا حالا از خودت و اطرافیانت توی این زمینه کلاهبرداری شده؟

خودم نه، اما یه پیج فروشگاهی رو دنبال می‌کردم که بعد فهمیدم ظاهراً کلاهبردار بوده، اما خودم خرید نکرده بودم، اون دو جا هم کلی وقت دنبال‌شون می‌کردم و بعد ازشون خرید کردم.

- وقتی زندگی تجملاتی بقیه رو دیدی، شده حسرت زندگی اون‌ها رو بخوری؟

تجملات به اون صورت که نه، دنبال نمی‌کنم، اما مثلاً وقتی می‌بینم مدیر همین پیجی که براشون کار می‌کنم، چه قدر توی کارش موفقه و اعتبار داره یا اون دندون پزشکی چه قدر سرش شلوغه، خب دلم می‌خواد منم مشغول به کار مفیدتر برای زندگیم باشم.

- اینستاگرام تا حالا روی استایل لباس پوشیدن تأثیر داشته؟

نه به اون صورت، فقط شاید وقتی مدیر همین جایی که براشون کار می‌کنم رو می‌بینم که خوش لباسه، منم سعی می‌کنم موقع لباس پوشیدن بیش‌تر دقت کنم.

- یعنی تا حالا توی خرید کردن‌ها تأثیر داشته؟

نه، اون قدرها.

- خانواده‌ها هم توی اینستاگرام فعال هستن؟

برادرم آره و یه کم هم پدرم.

- شده خانواده تا الان به استفاده‌ها از اینستاگرام گیر بدن؟

به استفاده از گوشی آره، اما تخصصی برای اینستاگرام الان دقیق توی ذهنم نیست، البته مامانم مخالف اینستاگرامه.

- اینستاگرام تا حالا باعث شده با خانواده‌ها بحث داشته باشی؟

مستقیماً نه.

- غیرمستقیم چی؟

خب همین جایی که کار می‌کنم، از من انتظار دارن توی جلسات حضوری تیم هم پیام، اما خانواده‌ها نمی‌ذارن و مخالف رفتن من هستن، منم از خانواده‌ها ناراضیم سر همین.

- شده تا الان خانواده‌ها بخوانند بدونند توی اینستاگرام چه کار می‌کنی و استفاده‌ها رو کنترل کنن؟

گاهی وقتا به شوخی داداشم گوشیم رو برمی‌داره و نگاه می‌کنه، اما جدی نه.

- شده تا الان در مورد استفاده‌ها از اینستاگرام به خانواده دروغ بگی؟

مورد خیلی خاصی یادم نیامد، آخه پیگیری نمی‌کنن و منم نهایتاً به چیزهایی هست که بهشون نمی‌گم، اما دیگه این طوری نیست که بپرسن و من دروغ بگم.

- می‌شه بیرسم چه چیزهایی رو بهشون نمی‌گی؟

کلاً اینستاگرام خیلی محیط خانوادگی نیست حقیقتاً و خب همین که من دنبال فیلم و سریال و بازیگرها و مخصوصاً شپ کردن هستم، هیچ کدوم با خانواده جور نیست دیگه.

- شده وقت گذرونی توی اینستاگرام رو به وقت گذرونی با خانواده ترجیح بدی؟

خب من کلاً زیاد از اون آدم‌های با خانواده وقت بگذرون نیستم و خب وقت‌هایی هست که پای گوشیم هستم یا توی اینستاگرام و پیش خانواده نیستم طبیعتاً.

- شده لحظات خانوادگیت رو به اشتراک بگذاری؟

نه خیلی، فقط یادمه یه بار شب یلدا بود مامانم پیشنهاد داد عکس از یلدامون بذارم، البته خودم خیلی موافق نبودم، اما چون مامانم می‌خواست گذاشتم.

- با توجه به این که گفتی مادرت مخالف اینستاگرام هستش، اگه دوست داری می‌شه بگی چرا مادرت این کار رو از شما خواست؟

خودمم درست نمی‌دونم، شاید به نظرش قشنگ بوده و خواسته به بقیه نشون بده، آخه یلدا یه شب خانوادگیه، اما اون موقع کرونا بود و فقط خانواده خودمون بودیم و فامیل نبود.

- مطالب انسان دوستانه توی اینستاگرام دیدی؟
آره.

- موردی یادت هست؟

یه بار یه زنه بود که شوهرش اومده بود یواشکی با بچه‌اش رفته بود خارج و کلاً ناپدید شده بود و حالا زنه سال‌ها بود که بی‌خبر بود از بچه‌اش، بعد یه وکیل ایرانی که توی انگلستانه، بررسی کرده بود و شوهر و بچه رو پیدا کرده بود، توی پیجش گذاشته بود، اون لحظه‌ای رو که توی لایو به مادره می‌گه بچه‌ات رو پیدا کردم و عکس بچه رو نشونش می‌ده، حتی الان هم که بهش فکر می‌کنم احساسات برانگیزه، البته یه خورده‌اش هم برای اینه که الان دارم آهنگ احساسی گوش می‌دم.

- مطالب مربوط به محیط زیست و حیوانات چه طور؟

همین وکیله توی کار حفاظت از حیوانات هم هست، قبلاً هم یه کلیپ ترند شده بود که یه خرگوشه از زندگی حیواناتی که توی تست حیوانی هستن می‌گفت و خیلی ناراحت کننده بود.

- تا حالا شده استفاده از اینستاگرام باعث مشکلات جسمی مثل کمر درد یا مشکلات چشمی بشه؟

خب من یه کم مشکلات چشمی دارم کلاً و زیاد نگاه کردن به صفحه کلاً چشمم رو خسته می‌کنه، اما کمر درد یادم نمیاد.

- این باعث نشده بخوای کم‌تر از اینستاگرام استفاده کنی؟

چرا، هم این، هم چیزای دیگه باعث می‌شه بخوام کم‌تر استفاده کنم طبیعتاً، اما خب سخته دیگه.
- چرا سخته؟

بذار این طور بگم که به قول یه نفر، من دلیلی که اینستاگرام رو حذف نمی‌کنم اینه که مجبور نشم دوباره برم نصبش کنم.

- یعنی نمی‌تونی طولانی مدت از اینستاگرام دور بمونی؟
متأسفانه نه.
- تاحالا تلاش جدی کردی که این وابستگی رو کم کنی؟
داداشم برام تایمر گذاشت یه مدت، خوب بود، اما بعد از یه مدت تایمر که تموم می‌شد و اینستاگرام بسته می‌شد، دوباره خودم می‌رفتم تایمر رو زیاد می‌کردم.
- قصد داری در آینده میزان استفاده‌ات از اینستاگرام رو کمتر کنی؟
امیدوارم بتونم.
- خوب ممنون که تا این‌جا همراه من بودی.
خواهش می‌کنم، موفق باشی.

تأملی دوباره:

سمیه ۲۱ ساله، در مصاحبه خود درباره اثرهای کاربری از شبکه اجتماعی اینستاگرام، به مباحثی حول محورهای اثرهای آموزشی، اجتماعی، اخلاقی - تربیتی، اقتصادی، روان‌شناختی، زیباشناختی، زیست محیطی، عقیدتی و فرهنگی اشاره داشته است.

سمیه در مصاحبه خود در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در مسایل آموزشی کاربران، به وجود کلاس‌های مختلف کاربردی در اینستا، آموزش زبان، اشاره داشته است.

سمیه در مصاحبه خویش در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در رفتار اجتماعی کاربران، به مواردی مانند: اطلاع‌رسانی، بروز جریان‌های جدید اجتماعی، حمایت از دیگران (در جریان تبادل لایک)، دنبال کردن بلاگرها، سهولت فحاشی به دیگران در فضای مجازی (در غیاب سازوکارهای تهاجم شکن) و نظایر آن، در سطح خود و دوستانش اشاره داشته است.

سمیه در مصاحبه خویش در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در رفتار اخلاقی کاربران، به مواردی مانند: انجام کارهای نودوستانه، حمایت از همجنس‌گرایی و نظایر آن، اشاره داشته است.

سمیه ۲۱ ساله، در مصاحبه خویش در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در مسایل اقتصادی کاربران، به مواردی مانند: کاربری اطلاعاتی - اقتصادی از فضای مجازی، امکان کار از راه دور برای خانم‌ها، کلاهبرداری مالی، تلاش برای بالا بردن فالور، تبلیغ مراکز فحشا و نظایر آن، اشاره داشته است.

سمیه در مصاحبه‌اش در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در مسایل روانی کاربران، به مواردی مانند: بروز وابستگی به اینستا، پرخشگری الکترونیکی، ترویج بی‌بند و باری، رواج محتوای همجنس‌گرایانه، در سطح خود و دوستانش اشاره داشته است.

سمیه در مصاحبه‌اش در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در مسایل سیاسی کاربران، به نفی خط‌مشی‌های سیاسی موجود، از سوی دیگران اشاره داشته است.

سمیه در مصاحبه‌اش در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در علایق زیستی کاربران، به بهم خوردن نظم خواب خویش اشاره داشته است.

مصاحبه شونده در مصاحبه خود در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در مسایل زیست محیطی کاربران، به ترغیب برخی از کاربران و صفحات اینستاگرامی مبنی بر ضرورت عطف توجه به مسایل محیط زیست، اشاره داشته است.

سمیه در مصاحبه‌اش در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در مسایل عقیدتی کاربران، به القاءات غیرمستقیم دینی، نفی غیرمستقیم دین، در سطح خود و دوستانش اشاره داشته است.

سمیه ۲۱ ساله، در مصاحبه خویش در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در علایق فرهنگی کاربران، به مواردی مانند: در دسترس بودن محتوای رایگان (در جنگ سوم جهانی)، جذابیت بیش از حد تولیدهای هنری غرب، پذیرش عناصری از فرهنگ غرب در جریان تبلیغات فضای مجازی، اثرگذاری غیرمستقیم محصولات فرهنگی غربی در فرهنگ کاربران و جامعه، تحول نامناسب در زبان، در سطح خود و دوستانش اشاره داشته است.

اگر در زمینه مباحث مطرح شده در مصاحبه سمیه ۲۱ ساله، با ارجاع سایر محورهای مطرح شده به دیگر کتاب‌های مجموعه حاضر، توجه خود را صرفاً معطوف به ابعاد فرهنگی (که مورد بحث اثر حاضر است) کنیم، می‌توان بیان داشت، سمیه در مصاحبه خویش به روایت اثرگذاری غیرمستقیم محصولات فرهنگی غربی در فرهنگ کاربران و جامعه پرداخته است.

سمیه دختری مذهبی و مقید و ساکن یکی از شهرهای مذهبی ایران است. وی به سبب آن که خانواده بیرون رفتن وی را برنمی‌تافتند، با توجه به امکان عمل‌هایی که اینستا فراوی جامعه گشوده است، به دنبال کار از راه دور برآمده است که در نهایت پس از فراز و نشیبی به آن دست یافته است. سمیه در ادامه مصاحبه بیان داشته است، وی برخلاف تمایل خانواده مذهبی خودش، کاربر فیلم‌ها، سریال‌ها و کتاب‌های الکترونیکی آن سوی آب است که در این محصولات فرهنگی نیز بعضاً همجنس‌گرایی و مخالفت با دین و دیانت زیاد وجود داشته و مشاهده می‌شوند. سمیه اظهار می‌دارد، سایر کاربران این قسم از محصولات، به عنوان یک سرگرمی، شیپ‌های (جفت و جور شدن) سلبریتی‌های همجنس با هم را تعقیب می‌کنند و وی نیز به این کار علاقه‌مند است، اما مانند آنان، منظور وی از شیپ کردن سلبریتی‌های مورد نظرش، داشتن روابط همجنس‌گرایانه بین آنان نیست.

به همین ترتیب وی گزارش می‌کند، دیگر کاربران محصولات فرهنگی اخیر، با ملاحظه رسیدن دو همجنس‌گرا به یکدیگر، ابراز شادمانی می‌کنند و وی نیز از ترس شنیدن ناسزا از آنان، جرأت مخالفت با آنان را ندارد. مضاف بر این سمیه گزارش می‌دهد، برخی از همین کاربران پس از ملاحظه مقوله همجنس‌گرایی در فیلم‌ها، سریال‌ها و کتاب‌های آن سوی آب و پس از شیپ کردن آنان (با اهداف همجنس‌گرایانه) با هم و ابراز شادمانی از رسیدن افراد همجنس‌گرا به یکدیگر، توهم زده احساس می‌کنند که خودشان نیز از تمایلات همجنس‌گرایانه برخوردارند و سعی می‌کنند، بر منوالی که در سلبریتی‌های محبوبشان دیده‌اند، عمل کنند.

مصاحبه با مرجان، ۲۱ ساله

بازی‌های جرأت حقیقت و I ever have I never حال می‌ده، همه رسوا می‌شن.

- سلام مرجان خانم!

سلام.

- مرجان خانم خوبی؟

ممنون.

- مرسی که وقتت رو در اختیارم قرار دادی.

در خدمتم.

- چند سالت مرجان؟

۲۱ سالمه.

- استفاده‌ات از گوشی به چه صورتیه، زیاد از گوشی استفاده می‌کنی؟

زیاده تاحدودی.

- مثلاً چند ساعت؟

بستگی داره، اگه کار داشته باشم ۲ ساعت تا ۴ ساعت، ولی اگه کار خاصی نداشته باشم، زود زود

چک می‌کنم.

- بیش‌تر از چه آپی استفاده می‌کنی و بهش علاقه داری؟

بیش‌تر از اینستا.

- دلیل علاقه‌ات رو می‌شه بدونم؟

خوب چون هر کاری که بخوای می‌تونی توش انجام بدی و متنوع‌تره.

- توی اینستاگرام چه کارهایی رو انجام می‌دی و بیش‌تر چه چیزهایی رو دنبال می‌کنی؟

یکی از چیزایی که دنبالش می‌کنم، پیجای میم هست.

- میم چی هست؟

میم یه سری پیجاییه که مطالب طنز می‌ذاره به زبان انگلیسی.

- زبانت خوبه که این مطالب رو دنبال می‌کنی؟

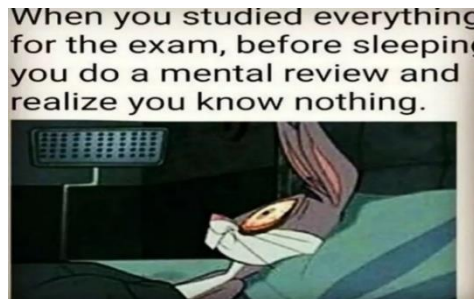
زبانم با همین دنبال کردن میما خوب شده، البته به جز زبان، میم دانش می‌خواد و الکی نیست.

- چه دانشی می‌خواهد؟

دانش از قبل می‌خواد، از اتفاقی که می‌افته، جوک می‌سازن.

- درباره‌اش می‌تونی بیش‌تر توضیح بدی یا مثال بزنی؟

منظورم از دانش اطلاعات عمومی، مثلاً چند وقت پیش یه کشتی گیر کرده بود توی کانال سوئز، کلی واسش جوک ساختن که الآن دقیق نمی‌دونم چی بود یا عکس کارتونا و فیلما رو می‌ذارن روش نوشته می‌ذارن، الآن یه دونه برات می‌فرستم، مثلاً این خیلی راحت، داره درباره این که کلی خر می‌زنی، وقتی می‌ری می‌خوابی خیره می‌شی به سقف دوره می‌کنی و می‌بینی هیچی بلد نیستی، خیلی جالبه، چون واسه همه پیش اومده یا این طوری اخبار روز رو مسخره می‌کنن و جوک می‌سازن واسش.



- این که گفتم علاوه بر زبان، دانش خاص و اطلاعات عمومی هم می‌خواهد، دانش رو داری یا اطلاعات عمومیت قوی هست؟
آره.

- چه طوری دانشش رو به دست آوردی؟
دانشش مثل همون زبان که گفتم، با این طور پست دیدنا به دست میاد دیگه، کم کم می‌فهمی منظور رو واسه اطلاعات عمومی، هم اخبار خارجی زیاد دنبال می‌کنم، چون میم می‌تونه درباره هر چیزی باشه، گفتم حتی اخبار یا درباره نژاد و سیاه پوستان که به اینا می‌گن میم ریسپستی.
- این که اخبار رو دنبال می‌کنی، علاقه داری به اخبار یا صرفاً به خاطر این هست که زبانت خوب بشه و دانشت زیاد بشه؟

اخبار و اتفاقاتی که مثلاً توی ایران می‌افته رو دنبال نمی‌کنم، چون کلاً علاقه‌ای ندارم و کاری ندارم که چه اتفاقی می‌افته، اخبار خارجی هم که دنبال می‌کنم، آره، فقط واسه زبان و اینه که اگه یه پست میم می‌بینم، درباره فلان کشتی یا هواپیما بدونم که چی بوده جریانش، یعنی واسه فهم میم که گفتم.

- گفتم میم موضوعات مختلفی داره، مثل سیاسی، اجتماعی، این‌ها دیگه، درسته؟
آره.

- کدومش رو بیش‌تر دنبال می‌کنی؟

کاری به موضوعش ندارم، همه‌اش رو دنبال می‌کنم.

- به جز این پیج‌ها دیگه چه پیج‌هایی دنبال می‌کنی؟

بعضی از بلاگرا رو.

- چندتا شون رو اسم می‌بری؟

توی بلاگرا رامینا ترابی، نباتی و صدفم توی بیوتی بلاگرا، البته از بعضیاشون خوشم نمیاد.



- یعنی خوشت نمیاد ولی دنبال می‌کنی؟

آره، بعضیاشون رو دوست ندارم، ولی دنبال می‌کنم ببینم چه مطالبی می‌ذارن و از دیدن

بعضیاشونم حرص می‌خورم، کنجکاویه دیگه.

- دلیل حرص خوردنت چی هست؟

چون خیلیاشون بی‌استعدادن و الان به این جا رسیدن، از این که بی‌استعداد هستن و این همه پولم

درمیارن حرص می‌خورم.

- اگه چند نفر از این بلاگرهایی که از نظرت بی‌استعدادن رو بگی، کی رو می‌گی؟

پارمیدا ممقانی، نگین عابدزاده، بارانا و مامانش تارا واقعاً این جور آدم‌ها رو نباید فالو کرد.



- مگه نگفتی خودت هم دنبال شون می‌کنی؟
- فالو نکردم، هر وقت بخوام می‌رم توی پیج‌شون می‌بینم و میام بیرون سریع.
- به نظرت این افراد ویژگی بدشون چی هست؟
- اگه خلاصه بگم، بلاگرا بیش‌ترشون خلاصه می‌شن توی این چندتا، اول شوهر پول‌دار یا خودشون پول‌دارن نشون دادن، زندگی‌شون، عکسا و فیلمای تولد و فرمالیته و کلی هزینه کردن یا بچه‌دار شدن، استفاده از اون بچه واسه پول‌دار شدن.
- بلاگرهایی که دوست داری چی؟ چندتاشون رو بگو.
- نبات، صدف، رامینا. نبات اولین بلاگریه که دوست دارم و دنبالش می‌کنم، بعد رامینا و صدف.

- چرا اولین بلاگر، چه فرقی داره با اون‌های دیگه که بیش‌تر دنبالش می‌کنی؟
حس می‌کنم متفاوت به جورایی با بقیه.

- متفاوت بودن یعنی چی؟

نبات اطلاعات خوبی توی پیجش می‌ذاره، درباره‌ی مسایل اجتماعی حرف می‌زنه، درباره‌ی مسایلی که باید عادی‌سازی بشه مثل پریودی، حقوق زنان، جامعه‌ی ترنس‌ها و هم‌جنس‌گراها.

- یعنی سعی می‌کنه که این موضوع‌ها رو عادی کنه و جا بندازه؟
آره، خیلی حمایت می‌کنه، دغدغه‌ش.

- شما خودت موافق عادی‌سازی این موارد هستی، مثل هم‌جنس‌گراها؟

آره، موافقم، مثلاً عادت ماهانه یا هم‌جنس‌گرایی و گرایش‌های جنسی یه چیز عادیه توی تمام دنیا جز ایران، زشت نمی‌دونن این چیزها رو، ولی ایران هیچ تلاشی نمی‌کنه.

- مگه توی ایران با این مسایل چه طوری رفتار می‌شه؟

خوب دید مردم و جامعه بده درباره پریودی، حرف می‌زنی همه سرخ می‌شن یا از هم‌جنس‌گراها حمایت نمی‌شه و برخورد همه بده، ولی منم خیلی سعی می‌کنم توی خانواده خودم این‌ها رو عادی کنم.

- مثلاً چه کار می‌کنی؟

درباره‌ی این‌جور مسایل زیاد حرف می‌زنم، توضیح می‌دم، اخبار می‌خونم، آدم باید از خودش و خانواده‌اش شروع کنه و دیدشون رو عوض کنن.

- یعنی الان خانواده‌ی شما با این قضایا عادی برخورد می‌کنن؟

آره، تاحدی، یعنی اون دید قبل رو ندارن، راحت‌تر کنار میان اسم‌شون که میاد یا می‌بیندشون با تعجب نگاه نمی‌کنن.

- درباره‌ی نبات به جز این موضوعایی که گفتی، چیزی هست شما رو جذب کنه؟

یکی از چیزایی که دوست دارم، اینه که بلاگری که دنبال می‌کنم، عکس بذاره از جایی که زندگی می‌کنه، فیلم بذاره سفر می‌ره، تک تک لحظات خوبش رو با ما به اشتراک بذاره، چون علاقه دارم به این‌که کشورای دیگه رو ببینم، بدونم زندگیاشون چه طوریه، حس خوبی بهم می‌ده. رامینا، صدف و نبات این‌طورین عکس می‌ذارن دایم از طبیعتای خیلی قشنگ.

- این از دید شما برای یک بلاگر نکته مثبتی هست؟
آره.

- به نظرت این هم یک جوری نشون دادن زندگی و به رخ کشیدن زندگی‌شون نیست؟

نه، این کاملاً متفاوت، پز چیزایی که دارن رو نمی‌دن، فقط از جاهای مختلف و اون حس و حالش فیلم و عکس می‌ذارن، من این رو چیز بدی نمی‌دونم.

- این بلاگرهایی که دوست داری، علاوه بر نکات مثبت، نکات منفی هم دارن؟
آره، اینا هم کامل نیستن، ولی بیش‌تر حرفی برای گفتن دارن، محتواهاشون بهتره از بقیه‌ی بلاگرایی که دیدم.

- نکات مثبت و منفی هر کدوم‌شون چی هست؟
نکات مثبت اون قبلیا رو هم که گفتم، اطلاعات بدی از کشورای دیگه نکات مثبته یا رامینا و نبات لایف استایل و سبک زندگی‌شون متفاوته از ایرانیا و به دل می‌شیننه، صدف میکاپ آرتیست خیلی قوی‌اییه و شخصیت محکمی هم داره، بدیاشون رو واقعیت نمی‌دونم، من بدی‌ای به اون صورت توی این چند نفر ندیدم، ولی شاید بشه چالش‌هایی که راه می‌اندازن توی اینستا رو به عنوان نکته منفی بگیم.

- لایف استایل و سبک زندگی‌شون چه طوری هست و با سبک زندگی توی ایران چه تفاوتی داره؟

لایف استایل‌شون مثل خارجیا، خونه‌هاشون خیلی شیکه و توش زندگی جریان داره، مدرن هستن، دیگه ظاهرشونم ساده هس، آرایش خیلی خاص و محو دارن، تفریح می‌کنن، منظورم از لایف استایل این بود.

- خوب گفتی فرق داره با ایرانی‌ها، از نظرت چه فرقی داره؟
خوب ایرانیا هم توی خیابون می‌بینیم، هم توی بلاگرایی که داخل ایران هستن که چه قدر آرایش می‌کنن یا خونه‌هاشون چه قدر سلطنتی و وسیله‌های گرون گرون، ولی در مقایسه با اونا خارجیا مدرن ان، یعنی وسیله‌هاشون جدید و ساده است.

- شما خودت لایف استایل خارجی‌ها رو بیش‌تر می‌پسندی؟
آره، چون من هم ترجیحم شیک بودن در عین سادگیه.

- گفتی صدف شخصیت محکمی داره، دلیل این حرفت چی بود؟
صدف از زندگیش که می‌گفت، از اول خوب میکاپ آرتیست بوده، علاقه داشته، هنرش رو داشته و توی ایران توی آرایشگاه‌ها کار می‌کرده و کم‌کم تونسته با اون هنری که داشته و با تلاشش برسه به این‌جایی که هست، واسه همین تحسینش می‌کنم و به نظرم آدم باید محکم باشه مثل صدف و کم نیاره.

- روی شما تأثیری داشته، یعنی شما هم تلاش می‌کنی که محکم باشی؟
آره، انگیزه می‌گیرم، منم آدمایی مثل صدف رو می‌بینم، انگیزه واسه تلاش کردن کم نیاوردن می‌گیرم.

- یعنی الگو قرارش می‌دی؟
الگوی مناسبیه، چرا که نه.

- درباره‌ی نکته منفی گفتی یک‌سری چالش‌ها، منظورت چی بود؟

خوب الان بری توی اینستا، می‌بینی کلی چالش هر سری باب می‌شه، خود بلاگرا هم خودشون یه‌سری چالش‌ها می‌دارن، بعضیاش خوبه، مشکلی با اون ندارم، مثل بیش‌تر چالشای نبات، آدم رو سر ذوق میاره، ولی بعضیاش زننده است.

- می‌شه برای چالش‌هایی که از نظرت خوبه، مثال بزنی؟

یه چالش بود به اسم سورپرایز، مثلاً کسایی که از خارج می‌اومدن، پدر و مادرشون، خانواده‌هاشون رو سورپرایز می‌کردن یا خبر خوب می‌دادن بهم دیگه، این جور چالش‌ها خوبه، آدم با خوشحالی‌شون خوشحال می‌شه و بغض می‌کنه، نبات اکثراً چالش‌اش جالبه.

- خوب چه چالش‌هایی از دید شما زننده بوده؟

من با این که طرف عکس بذاره، فیلم بذاره، خوش پوش باشه جلو دوربین، هیچ مشکلی ندارم، ولی صدف یه‌سری یه چالش گذاشته بود که باید یه‌سری دروغ می‌گفتی، حالا یا به شوهرت یا به بچه‌ات، باید عکس‌العمل اونا رو فیلم می‌گرفتی.

- مثلاً چه دروغ‌هایی باید می‌گفتن؟

مثلاً جلو شوهرشون یا پدر و مادر باید یه جور و وانمود می‌کردن که دارن با یکی حرف می‌زنن، پشت گوشی و دروغ بزرگ می‌گفتن، یه دختره جلو باباش می‌گفت دوست پسر دارم یا زنه کلاً یه‌سری دروغای خیلی بد و زننده می‌گفت و عکس‌العمل اون آدم‌ها و پوشش‌شون بد بود، خیلی افتضاح، کلاً با همه بد حرف می‌زدن، مخصوصاً مردا با زنا، خیلی ضدزن بود و حتی رفتارشون با بچه‌ها و جلو اونا دروغ می‌گفتن و بیش‌ترشونم با لباس خونه و لختی، این جور چالش‌ها هیچ خنده به لب نمیاره، بدتر عصبی می‌شی و پیامدای بدی به نظرم داره.



- این جور چالش‌ها چه عواقبی داره و به نظرت رفتار بلاگرها تأثیری روی مردمی که دنبال‌شون

می‌کنن، داره؟

داره به نظرم، من دیدم توی اطرافم کسایی که دنبال‌شون کردن، چه قدر سعی کردن شبیه بلاگرا بشن، این که ازشون یه‌سری چیزا یاد بگیرن، اطلاعاتی یاد بگیرن، بد نیست، ولی تک تک کاراشون

تأثیر داره. این چالش‌ها هم روی بچه‌هایی که توی خود چالش‌ها بودن اثر بد می‌ذاره، این که جلوشون دروغ می‌گن یا جلوشون با ادبیات بدی حرف می‌زنن. به همین ترتیب روی بیننده‌هایی که این فیلما رو می‌بینند، تأثیر داره، این که دروغ رو یادشون می‌ده یا این جور ادبیات رو.

- خودت دوست داری بلاگر بشی؟

آره، حرفه جذابی، ولی باید یه حرفی واسه گفتن داشته باشم و اول آمادگیش رو به دست بیارم.

- چه آمادگی توی خودت ایجاد می‌کنی؟

روی اطلاعاتم بیش‌تر کار می‌کنم که بتونم محتواهای خوبی تولید کنم، ظاهر خوب و تیپ خوبی می‌خواد در کنارش، ولی من این‌ها رو هم داشته باشم نمی‌تونم.

- چرا؟

خوب من مامانم موافق نیست، قبلاً بهش گفتم، می‌گه نه و از این حرفا.

- چرا مخالف هست؟

می‌گه وقتت رو می‌گیره و اصلاً خوب نیست، یه کم هم گیره، نه این که کلاً گیر باشه، مثلاً می‌گه عکسای زیاد لختی نذار، فامیلا می‌بینن، همین الانشم استوری چیزی می‌ذارم، هاید می‌کنم هم مامانم و فامیلا رو.

- برای چه استوری‌هایی هایدشون می‌کنی؟

یه جاهایی با اکیپ‌مون می‌رفتیم، مامانا در جریان نبودن یا عکسای خودم، بیش‌ترشون فامیلا رو هاید می‌کنم.

- مگه مادرت گیر می‌ده با دوستانت بری بیرون که هایدش می‌کنی؟

نه، چون اکیپ‌مون دختر و پسره گیر می‌ده، وگرنه دخترا باشیم فقط مشکلی نداره.

- دوستِ پسر هم داری؟

آره، کلی دارم.

- با هم چه طوری آشنا شدین؟

از طریق دوستانم بعضیاشون رو پیدا کردم، بعضیاشونم یا هم‌کلاسی کلاس زبانم بودن، اومدن من رو پیدا کردن، یعنی پیجم رو و ۲، ۳ ساله در ارتباطیم، بعضیا رو هم نمی‌شناسم، کم‌کم آشنا می‌شیم، فالو می‌کنن، فالو می‌کنم منم، بعد آشنا می‌شیم.

- با هم حرف می‌زنید؟

آره.

- اول برای حرف زدن کی پیش قدم می‌شه؟

گاهی اوقات من، گاهی اوقات اونا، پیش میاد یه پستی که می‌ذاریم یا استوری، دیگه ریپ می‌زنیم، درباره‌شون حرف می‌زنیم، دیگه کم‌کم بحث می‌ره سمت آشنایی با هم و دوست می‌شیم.

- قبلاً دیده بودی شون؟

فقط اونایی که هم کلاسیم بودن، بقیه رو نه از قبل نمی‌شناختم.

- بعد آشنایی چه طور، هم‌دیگه رو دیدید؟

آره، قرار گذاشتیم دیدمشون بیش‌ترشون رو.

- چه طوری به کسانی که فقط توی اینستاگرام باهاشون حرف زدی و شناخت نداشتی، اعتماد

می‌کنی؟

خوب آخه چند ماه با هم حرف زدیم و تو کامل می‌فهمی طرف چند مرده حلاجیه، بعد تنهایی کم‌تر رفتم پیش‌شون، بیش‌تر قرارمون اکیپیه، گفتم که یه اکیپ دختر و پسریم، چه من با یکی آشنا شم، چه دوستانم، آدشون می‌کنیم توی گروه با هم، واسه بازی کردن.

- چه بازی انجام می‌دین؟

توی جمع‌های زیاد، بازی‌های جرأت‌حقیقت و I ever have I never حال می‌ده، همه رسوا

می‌شن.

- کجا بازی می‌کنید؟

تا قبل کرونا کافه می‌رفتیم یا خونه یکی جمع می‌شدیم، الانم می‌ریم، ولی بیش‌تر توی گروه

بازی می‌کنیم، گروه واتساپ یا اینستا.

- خونه‌ی کی می‌رفتین؟

یکی، دوتا از بچه‌ها مامان و باباشون آخر هفته‌ها می‌رفتن باغ‌شون، خونه خالی می‌شد، همه می‌رفتیم، چون توی کافه شلوغ بود، نمی‌شد زیاد بازی کنیم و مسخره بازی دربیاریم، خونه راحت‌تر بود.

- خانواده‌ها در جریان نبودن که اکیپ داشتین و با هم خونه می‌رفتین؟

نه، خانواده‌ها بدونن پاره‌ایم، مامان من^۳ تا از دوستای صمیمیم رو می‌شناسه، می‌گفتم با اونا،

چون مامانمون اجازه می‌دن با هم رفت و آمد کنیم، می‌گفتم با هم قرار داریم، دیگه لو نرفتیم تا حالا، خدا رو شکر، ولی بدونن پاره‌ایمم.

- بعد توی جرأت‌حقیقت دقیقاً چه کار می‌کنید؟

جرأت‌حقیقت اگه با غریبه‌ها بازی کنی، لوسه، یعنی سوالای لوس از هم می‌پرسن، ما لوس

بازی نمی‌کنیم.

- لوس بازی کردن چه طوری هست؟

مثلاً از هم می‌پرسن چند سالت، چندتا بچه هستید، جرأت حقیقت اصلاً لوس باشه، هیجان نداره، ولی می‌تونه معقول باشه.

- فرق معقول با لوس چی هست؟

معقول یه کم خلاقیت و هیجان قاطیش می‌کنیم، مثلاً اگه یه خونه آتیش بگیره، بین این دوست و کراشت کی رو انتخاب می‌کنی یا بین دوست و یک میلیارد یا فکر کن آخرین ساعت زندگیت، اگه یه اسلحه داشتی کی رو می‌کشتی، اینا معقول هستن، غیرمعقول هم هست که اون بیش‌تر سوالای جنسیه، ولی درجه‌بندی داره.

- یعنی چی درجه‌بندی داره؟

از ساده شروع می‌شه، هر چی می‌ره جلوتر بدتر می‌شه، یخت هم آب می‌شه.

- می‌تونن چندتا مثال برای سوال‌های غیرمعقول بزنن؟

تعداد پارتنرات رو بگو، توی این جمع از کی خوشتر میاد، آخرین باری که مخ زدی یا رل زدی، بعد دیگه بدتراشم این طوریه که رفتی خونه پسر، رابطه داشتی تا حالا.

- شما بیش‌تر کدوم سوال‌ها رو از هم می‌پرسین؟

اوایل که تازه اکیمون زیاد شده بود و آشنا نشده بودیم با هم زیاد، معقول می‌پرسیدیم، دیگه الانا یخمون آب شده، ما هم همه جور سوالی می‌پرسیم.

- توی جرأت چی، جرأت هم انجام می‌دید؟

آره.

- برای جرأت چه کار می‌کنید؟

جرأت وقتی هم رو می‌بینیم بهتره، می‌تونن کلی کارای خلاقانه‌تری بگی، ولی بچه‌های ما کارای چنندش انجام نمی‌دن، تهش این بود که بوس کنید هم رو (می‌خندد).

- الان که زیاد هم‌دیگه رو توی گروه نمی‌بینید، پس جرأت زیاد انجام نمی‌دید؟

چرا، ما حتی مجازیم باشه، باید کرم‌مون رو بریزیم.

- مثلاً چه کار می‌کنید؟

به دخترا می‌گن عکس بده از خودت، عکس یهویی یا جلو آینه از هیكلت، اگه خیلی بد باشه، می‌گیم عکس بده از سوتینت، به پسرا می‌گیم آرایش کن، یه رژ بزن، عکس بده یا اسمت رو واسه چند روز توی واتساپی، اینستای چیززی، تغییر بده، یه اسم خیلی خنده‌دار بذار.

- بعد همه هم انجام می‌دن و از خودشون عکس می‌فرستن؟

آره، همه‌مون خیلی اوکییم با هم و واقعاً باجنبه اند همه‌شون.

- اون یکی بازی که گفتی چه طوری هست؟

اون که خداس، این جوریه که من یه کاری رو که نکردم می‌گم، مثلاً من رو علی کراش ندارم یا یه کار دیگه، حالا هر کی که روی علی کراش داشته باشه یا اون کار رو انجام داده یه سیپ می‌خوره و دستش رو می‌شه.

- سیپ چی هست؟

ینی یه قلپ از درینکت.

- یعنی نوشیدنی و مشروب می‌خورید؟

لازمه‌ی این بازی اینه، توی کشورای دیگه این طوری بازی می‌کنن، ولی ما بعضی وقتا واسه هیجانش مشروب میارن بچه‌ها، اگه مشروب نداشته باشی با انگشتای دستت انجام می‌دی، هر کی اون کار رو انجام داده باشه یکی از انگشتاش رو می‌خوابونه، بیش‌تر این طوری بازی می‌کنیم.

- شما بیش‌تر مشروب میارید می‌خورید یا با انگشت بازی می‌کنین؟

بیش‌تر مشروب، ولی کم می‌خوریم.

- این بازی خارجی، درسته؟

آره، دوتاش ایرانی نیست، ولی خوب جرأت حقیقت رایج‌تره، این رو کم‌تر دیدم بازی کنن.

- از کجا یاد گرفتین؟

من خودم از دوستانم یاد گرفتم.

- همیشه دوره هم جمع می‌شید، مشروب می‌خورید یا فقط به خاطر این بازی هست؟

نه، فقط به خاطر بازی.

- شما خودت مشکلی نداری با این بازی و مشروب خوردن؟

نه، اصلاً، چون یه کم که مشکلی پیش نمیاره، فقط واسه هیجانسه، گفتم که.

- به اینستاگرام اعتیاد داری؟

آره، کارم داشته باشم باید یه سر پیام اینستا، نیام تمرکز ندارم.

- تا حالا تلاش کردی وابستگی خودت رو به اینستاگرام کم کنی؟

آره، ولی همه چیز دیگه الان توی گوشیه، درست، فایل پی‌دی‌اف کتابات، ارتباط با دوستان، اصلاً واقعاً کم نمی‌شه، بعد توی یه جمعی هم می‌ری، همه به جای این که با هم حرف بزنن، سرشون توی گوشیه، تو هم خوب نمی‌شه که با در و دیوار حرف بزنی، مجبوری باز بری توی گوشی، دیگه هیچ جوره درست شدن نیست.

- دلیل اعتیاد به گوشی و یک فضایی مثل اینستاگرام، چی هست؟

دلیل استفاده خود من بیش‌تر واسه جنبه‌ی سرگرمی و فانشه، حالم رو خوب می‌کنه، وقتی دوتا عکس می‌بینم، دوتا کلیپ می‌بینم، ولی این که همه معتادش شدن، واسه اینه که روزشون رو بگذرونن، جور دیگه‌ای نمی‌شه واقعاً.

- یعنی چی روزشون رو بگذرونن؟

یعنی بی‌کاریم دیگه، مخصوصاً از بعد کرونا.

- به عنوان کسی که خیلی با گوشی سر و کار داری و بیش‌تر وقت رو توی اینستاگرام هست، به نظرت نکات منفیش بیش‌تره یا مثبت؟
دوتاش رو داره.

- چندتا نکته‌ی مثبتش رو بگو.

به روزرسانی می‌کنه آدم رو، باعث ارتباط آدم با آدم‌ها و پیدا کردن دوست می‌شه، جنبه سرگرمی و راحتیش بالا هست، می‌شه با اون ذات آدم‌ها رو شناخت، خیانت و دروغ‌شون رو بفهمی و همینا دیگه.

- چه طوری ذات آدم‌ها رو می‌تونی بدون رودررویی بشناسی؟

تو می‌تونی پیچ طرف رو هک کنی یا پیچ فیک درست کنی، کسایی که بهشون شک داری رو فالو کنی، دوستم به دوست پسرش شک کرد، بهش رسیده بود که یه دختره با دوست پسرش عکس گذاشته، پیچ فیک زد، هم دختره رو فالو کرد، هم دوست پسرش رو، بعد فهمید دوست پسرشم با این دختره عکس می‌داشته، ولی هایدش می‌کرده.

- این قضیه‌ای که گفتی برای خودت هم پیش اومده، یعنی شده به کسی شک کنی، بعد با یک پیچ دیگه فالوش کنی؟

نه، من پیچ دیگه‌ای ندارم و پیش نیومده خودم برم کسی رو فالو کنم با یه پیچ دیگه، ولی این مدلی پیش اومده که یه کسایی که توی پیجم داشتم‌شون، استوری‌ای خیلی افتضاحی گذاشتن و نشون می‌دن، چه قدر شخصیت سست و بی‌جنبه‌ای دارن که این محتواها رو می‌ذارن و راحت بلاک‌شون می‌کنم، بعضی وقتا هم حتی می‌فهمم دوستان بی‌جنبه‌ان، دیگه باهاشون بحث نمی‌کنم.
- چه استوری‌هایی بوده که برات ناخوشایند بوده؟

یه سری کلیپا و متنای مزخرف که از اول تا آخرش حرفای رکیکه، نمی‌دونم چه طوری روشون می‌شه اینا رو بذارن یا عکسای بد از خودشون، یه دختره رو داشتم که دوست دوستم بود، هر سری با یه پسر جدید عکس می‌داشت، لزومی نداشت نگهش دارم، راحت بلاک کردم.

- بعد شما چه طوری آدم‌های بی‌جنبه رو از باجنبه تشخیص می‌دی و باهاشون بحث نمی‌کنی؟
بحث و کل‌کل پیش میاد، مثل کل‌کل بین فوتبالی‌ها، من خودم استقلالیم با هزارتا پرسپولیزی کل‌کل کردیم، وقتایی که بازی باشه، کافیه یکی استوری بذاره، طرف‌دارای تیم مقابل فوری میان دایرکت کل‌کل می‌کنیم، ولی خیلی مؤدبانه و ناراحتی هم پیش نمیاد، ولی یه سریا خیلی بددهن و بی‌جنبه‌اند، قشنگ قهوه‌هایت می‌کنن و اصلاً ظرفیت ندارن، منم هر کسی که استوری کل‌کل فحش

بذاره یا توی دایرکت باهام بد صحبت کنه و دوست نزدیک باشه یا نباشه، حذفش می‌کنم و دیگه بحث نمی‌کنم.

- نکات منفی اینستاگرام چی هست؟

چیزی که زیاد شده توی اینستا، کامنتای فحشه، الآن برو کامنت یه پست رو ببین، همه دارن بهم فحاشی می‌کنن.

- همین طوری بی‌دلیل میان به هم فحش می‌دن؟

آره، واقعاً بی‌دلیل، یا قیافه طرف رو مسخره می‌کنن یا یکی یه چیزی می‌گه، یکی دیگه میاد می‌پره بهش، کلاً بد جواب هم رو می‌دن.

- نظر خودت درباره‌ی این کامنت‌ها چی هست، چی باعث شده که این قدر فحاشی کنن؟
دسترسی داشتن از هر قشری توی هر سنی به نظر من دلیلشه، چون بیش‌ترشون بچه هستند، نباید وقتی می‌بینن یه بچه‌ای جنبه نداره، گوشی بدن دستش یا حداقل باید کنترل بشه.

- تا حالا شده خودت با یکی درگیر بشی یا برای کسی کامنت بد بگذاری؟
نه، اصلاً، شده از یکی خوشم نیاد، مثلاً بهاره رهنما رو خیلی بدم میاد، چون دوروعه، ولی اصلاً نمی‌رم کامنت بد بذارم.

- به نظرت جز فحاشی نکته منفی دیگه‌ای داره؟

جز این یه مسأله‌ای که خیلی پیش اومده واسم، مقایسه کردنه که اینم جزو نکته‌های منفیه.

- خودت رو با کی مقایسه می‌کنی؟

از دوست گرفته یا یه بلاگری که معروفه، چون هیچ کی خود واقعیش رو نشون نمی‌ده، البته نه همه‌ها، اکثراً این طورین، دکوری شدن و تو هم می‌بینی می‌گی اون این طوریه، ولی من نیستم.
- یعنی چی دکورین؟

یعنی الآن یه ظاهر قشنگ دارن و تو نمی‌دونی پشتش چیه، باطن‌شون چیه.

- دورو منظورت هست؟

آره دقیقاً، دورو دارن، یعنی ذات‌شون رو خوب نشون می‌دن، همه‌ی زندگی‌شون ادا هست، یعنی سعی می‌کنن روی خوب‌شون رو نشون بدن.

- خوب وقتی می‌دونی کار خیلی‌ها در اینستاگرام ادا و ظاهریه، پس چرا خودت رو باهاشون مقایسه می‌کنی؟

دست آدم نیست، ناخودآگاه جذب می‌شه، بعد مقایسه کردن اتفاق می‌افته، بعد حس کمبود بهت دست می‌ده و حسادت می‌کنی.

- می‌تونی برای من یک مثال بزنی که چی دیدی و باعث شده به اون شخص حسادت کنی؟

مثلاً واسه لباسایی که می‌پوشن، سفراشون، هر چیزی می‌تونه باشه.

- این مقایسه کردن‌ها چه تأثیری روی شما داشته؟
تأثیر که اون لحظه می‌بینی ممکنه غصه بخوری که چرا تو نداری اون رو، ولی سریع رد می‌شم ازش، ولی بیش‌تر پستا و استوریا تبلیغ مصرف‌گراییه و همه دارن به این سمت می‌رن.
- به نظرت چه پست‌هایی گذاشتنش اشتباهه و مصرف‌گرایی رو ترویج می‌ده؟
کلی زن هستن که وقتی ازدواج کردن، همه یکی یه دونه پیچ زدن یا تا حامله می‌شن پیچ می‌زنن، جشنای تعیین جنسیت‌شون، تم‌های تولدشون، این رواج پیدا کرده، منی که حالا می‌خوام تولد بگیرم، باید حتماً تم بذارم واسه تولدم، عکس و فیلمم از زندگیا ی لاکچری‌شونم که می‌دارن، اینم یه جور تشویق مصرف‌گرایی و چشم و هم‌چشمیه.
- این که توی اینستاگرام پر شده از این موارد به نظرت روی مردم چه تأثیری داره؟
مردم الان داشته باشن، اونام می‌رن سمت تجملات، بیش‌ترشون البته الان توی وضعیت سختی هستن، اینا رو که می‌بینن خوب نتیجه‌اش هیچی نیست جز افسردگی، به نظرم واقعاً گناهه.
- به نظرت این چشم و هم‌چشمی‌ها توی واقعیت بیش‌تر هست یا توی اینستاگرام؟
توی اینستا به نظرم، چون توی واقعیت تو خیلیم رو نمی‌بینی، اصلاً نمی‌دونی زندگی‌شون چه طوریه، ولی توی اینستا همه هم رو می‌بینن و راحت‌تر زندگی‌شون رو می‌کنن توی چشم هم.
- برای شما چشم و هم‌چشمی اتفاق افتاده؟
آره، دوستای من بیش‌ترشون ممکنه وضع‌شون بهتر باشه یا حداقل این طوری نشون می‌دن، منم شده بعضی وقتا مثل خودشون استوری بذارم یا اون چیزی که اونا دارن رو منم تهیه کنم و داشته باشم.
- از وقتی که برای مصاحبه گذاشتی، متشکرم.
خواهش می‌کنم.

تأملی دوباره:

مرجان ۲۱ ساله، در مصاحبه خود درباره اثرهای کاربری از شبکه اجتماعی اینستاگرام، به مباحثی حول محورهای اثرهای آموزشی، اجتماعی، اخلاقی- تربیتی، اقتصادی، خانوادگی، روان‌شناختی، زیباشناختی، زیستی، زیست محیطی، سیاسی، عقیدتی و فرهنگی اشاره داشته است.

مرجان در مصاحبه خود در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در مسایل آموزشی کاربران، به مواردی مانند: آموزش زبان و فرهنگ متفاوت، فنی شدن کاربران، در سطح خود و دوستانش اشاره داشته است.

مرجان در مصاحبه خویش در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در رفتار اجتماعی کاربران، به مواردی مانند: اخذ سبک زندگی، جهانی شدن، خلاء الگویی در داخل، شکل‌گیری هویت جعلی، پذیرش ارزش از سلبریتی‌ها و بلاگرها، استقبال از الگوهای ویرانگر و نظایر آن، در سطح خود و دوستانش اشاره داشته است.

مرجان در مصاحبه خویش در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در رفتار اخلاقی کاربران، به مواردی مانند: حمایت از اندیشه‌های فمینیستی، محدود شدن شدید حریم خصوصی افراد، کم اثرکردن تدریجی حساسیت، کاهش شرم و حیا، افتادن در چرخه چشم و هم چشمی و سرخوردگی بعدی آن، عادی نشان دادن رفتارهای ناپسندی مثل دروغ و نظایر آن، اشاره داشته است.

مرجان در مصاحبه خویش در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در مسایل خانوادگی کاربران، به مواردی مانند: تلاش برای تغییر دید خانواده، دور زدن اولیا، دور زدن خانواده و فامیل، در سطح خود و دوستانش اشاره داشته است.

مرجان در مصاحبه‌اش در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در مسایل روانی کاربران، به مواردی مانند: جادوی اینستا، اینستا به مثابه آزمون فرافکن، کم اثر کردن تدریجی حساسیت، حل هیجان مدار مسایل، اضطراب‌های نوپدید، فشارهای ناشی از چشم و هم چشمی، حسادت، عدم تمرکز، در سطح خود و دوستانش اشاره داشته است.

مرجان ۲۱ ساله، در مصاحبه خودش در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در علایق زیباشناختی کاربران، از پذیرش استانداردهای زیبایی غرب یاد کرده است.

مصاحبه شونده در مصاحبه خود در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در مسایل زیست محیطی کاربران، به ترغیب برخی از کاربران و صفحات اینستاگرامی مبنی بر ضرورت عطف توجه به مسایل محیط زیست، اشاره داشته است.

مرجان در مصاحبه خویش در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در رفتار سیاسی کاربران، از مخالفت با خط‌مشی‌های سیاسی موجود در جامعه یاد کرده است.

مرجان در مصاحبه‌اش در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در مسایل عقیدتی کاربران، به مواردی مانند: حمایت از اندیشه‌های فمینیستی، تضعیف ارزش‌ها و هنجارهای دینی (در گذر انجام بازی‌هایی مانند جرأت-حقیقت)، در سطح خود و دوستانش اشاره داشته است.

مرجان ۲۱ ساله، در مصاحبه خویش در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در علایق فرهنگی کاربران، به مواردی مانند: گذران سرگرمی و اوقات فراغت، تحولات بیانی، رکیک شدن بیان در غیاب ساز و

کارهای تهاجم‌شکن، کم رنگ شدن استانداردهای اخلاقی، رایج شدن تفریحات توام با بی‌اخلاقی و بی‌حیایی، در سطح خود و دوستانش اشاره داشته است.

اگر در زمینه مباحث مطرح شده در مصاحبه مرجان ۲۱ ساله، با ارجاع سایر محورهای مطرح شده به دیگر کتاب‌های مجموعه حاضر، توجه خود را صرفاً معطوف به ابعاد فرهنگی (که مورد بحث اثر حاضر است) کنیم، می‌توان بیان داشت، مرجان در مصاحبه خویش ضمن نفی خطمشی‌های فرهنگی - اجتماعی داخل، با رو آوردن به فضای مجازی، در صدد جایگزین کردن خطمشی‌های فرهنگی - اجتماعی لازم برای زندگی خود برآمده است.

مصاحبه شونده گزارش می‌دهد که وی با پنهان‌کاری خویش خانواده و فامیل را دور می‌زند تا آنان در جریان انجام کارهایش در فضای مجازی نباشند و در ادامه، از بازی‌هایی نظیر «جرات - حقیقت» و «من هرگز هرگز» در گروه مختلط خودشان، یاد می‌کند که بعضاً با خوردن مشروب می‌کوشند بر میزان هیجان بازی بیفزایند. در جریان بازی‌های اخیر دختران و پسران عضو گروه، دست به افشای محرمانه‌ترین مسایل زندگی خویش زده، اوجی از بی‌حیایی را از خود به نمایش می‌گذارند. مرجان در فراز دیگری از اظهاراتش، با وجود اوضاع اسفباری که خود در گروه دوستانش دارد، دست به نقد کاربران دیگری می‌زند که از منظر وی استوری‌هایشان مقتض است.

انجام سرگرمی‌هایی مانند اجرای چالش‌های پیشنهادی یا انجام بازی‌هایی نظیر «جرات - حقیقت» و «من هرگز هرگز»، در عمل کاربران را به سمت پرده دری و بی‌حیایی سوق داده، صبغه‌ای شهوی به اندیشه فرهنگی آنان خواهد داد.

مصاحبه با یوسف، ۲۱ ساله

قضیه بی‌پروایی جنسی، خیلی باعث شده پیج‌های مبتذل هم زیاد فالو بشن، حتی خود من هم یه سری از این پیج‌ها رو فالو داشتم.

- سلام!

سلام.

- خوبین؟

متشکرم.

- از وقتی که به من برای مصاحبه دادید، تشکر می‌کنم.

خواهش می‌کنم.

- اجازه می‌دید مصاحبه رو شروع کنیم؟

بفرمایید.

- شما چند وقت هست که اینستاگرام دارید؟

من والله... فکر کنم من از ۱۶ سالگی اینستا داشتم.

- توی گوشی خودتون داشتید؟

بله.

- پیجتون شخصی بود؟

بله.

- در حال حاضر همون پیج رو از ۱۶ سالگی نگه داشتید؟

من در حدود همون ۱۶ سالگی ۲ تا پیج زدم و جفتش رو نگه داشتم الان، دومی رو قرار بود توش

بنویسم، برای خودم و کسی رو هم باهاش فالو نکردم، ولی همه رو با اولی دارم، اما خب تقریباً ۵

ساله که توش هیچ پستی نمی‌ذارم.

- یعنی الان هیچ فعالیتی ندارید؟

فعالیتم خلاصه می‌شه توی دیدن بقیه پیج‌ها.

- چرا؟

علاقه‌ای ندارم خودنمایی کنم.

- یعنی به نظر شما افرادی که پست و استوری می‌گذارن، می‌خواهند خودنمایی کنن؟

حالا یا خودنمایی یا جلب توجه و این‌هاست به نظر من.

- به خاطر چی؟

به خاطر این که انگار آدم‌هایی که اینستاگرام دارن با عکس و فیلم گرفتن از یه سری چیزها توی زندگی شون، می‌خوان اون قضیه رو توی دید بقیه هم خیلی بُلد کنن.

- خوب بیش‌تر چه پیج‌هایی رو دنبال می‌کنید؟

من بیش‌تر پیج‌های فان و موسیقی و فیلم و این جور چیزا.

- اینستاگرام روی شما تأثیرگذاری روانی خاصی داشته؟

برای من یه حالت اعتیادآوری داشته همیشه و همیشه توی یه جدالی بودم با خودم که استفاده‌ام رو کم کنم توی اینستا، ولی خب فلسفه خودم رو هم دارم و فعالیتی ندارم در قالب پست و استوری و این‌ها.

- پس خودتون رو معتاد به این فضا می‌دونید؟

فضای اینستاگرام فضای اعتیادآوری هست و فکر می‌کنم هر کس استفاده می‌کنه، معتاد می‌شه به این فضا، مخصوصاً استفاده بلند مدت، ولی خب من شاید بتونم بگم معتاد به دیدن محتواها هستم، ولی معتاد به اشتراک‌گذاری یه سری چیزها و توجه گرفتن از این فضا نیستم.

- پس اینستاگرام رو فضایی برای سرگرمی می‌دونید؟

آره. چون که من در مورد مسایل روز جامعه از دستم کاری بر نیامد، مثلاً این که هی هشتگ بز نیم اوکراین، خب نه اون بنده خداها زنده می‌شن، نه چیزی پیگیری می‌شه، خودشون زدن، خودشون هم قدرت دارن، جواب امثال ما رو نمی‌دن که، پس دیدن این پست‌ها جز این که حالم رو بد می‌کنه و اعصابم رو بهم می‌ریزه، هیچ چیز دیگه‌ای برام نداشته و به خاطر همین می‌گم این‌ها وقت تلف کردنه و دیگه برام مهم نیست، چه اتفاقی داره می‌افته، همه چیزشون مشخصه.

- با توجه به صحبت‌های خودتون، به نظرتون یک‌سری افراد به دنبال جلب توجه توی این فضا هستند؟

به نظر من ۸۰ درصد افراد بله، به روش‌های مختلف.

- چرا نیاز به توجه دارن؟

ببینید همه افراد خب نیاز به توجه رو دارن، ولی خب وقتی دیگه اغراق شده می‌شه و این نیاز تشدید می‌شه رنگ و بوی اختلال به خودش می‌گیره و این به نظرم به بهداشت روانی کل جامعه خیلی آسیب می‌زنه، چون یه سری افراد هم دارن خودشیفته‌تر می‌شن انگار و ما افرادی که مثلاً شخصیت نمایشی دارن رو بیش‌تر داریم می‌بینیم و افرادی که حالا درون‌گراتر هستن یا این که اصلاً این مدلی نیستن که بخوان خودشون رو هی در معرض دید بذارن، کم‌تر دیده می‌شن. خب به نظر من وقتی یک تیپ شخصیتی بیش‌تر دیده بشه، بیش‌تر هم افراد تأثیر می‌گیرن از اون مدل و انگار اون اختلال، مثلاً همین خودشیفتگی می‌شه مدل مطلوب! افراد فکر می‌کنن این اعتماد به نفس

بالاست، ولی دقیقاً خودشیفتگی هست و ما داریم بیش‌تر افرادی رو می‌بینیم که درگیر خودنمایی هستن یا فکر می‌کنن از دماغ فیل افتادن... و نکته‌ای که هست، اینه که مثلاً خیلی از اینفلوئنسرها رو من دیدم که شخصیت درون‌گرایی دارن و بعد از یک مدت، حالا یا به اصرار دنبال کننده‌هاشون یا مثلاً برای بیش‌تر دیده شدن و جذب فالور، میان و توی استوری شروع می‌کنن با مردم حرف زدن و ارتباط گرفتن و این کار خب برای یک درون‌گرا تقریباً غیرممکنه و اگه غیرممکن هم نباشه، شاید خیلی اذیت بشه... ولی چون اون جوهری بیش‌تر انگار مورد توجه قرار می‌گیره، باعث می‌شه که به مرور اون فرد هم عادت کنه که هی بیاد حرف بزنه با مردم و کلاً از خود واقعیش فاصله بگیره به مرور... .

- پس به نظرتون برخی از اختلالات روانی داره از طریق اینستاگرام رواج پیدا می‌کنه؟
بله، دقیقاً، خب من خودم مثل تموم آدم‌های سالم دیگه، نیاز به توجه دارم، ولی سعی می‌کنم این نیازم رو به شیوه درستی بهش بپردازم، دنبال این نیستم که مثل بعضی افراد با لایک و کامنت و اظهار نظر افرادی که اصلاً نمی‌شناسمشون و حتی ذره‌ای برام اهمیت هم ندارن توجه بگیرم.
- حالا به نظر شما این جلب توجه چه طوری هست؟

مثلاً برای نوجوونها می‌شه در قالب پست و استوری‌های غمگین گذاشتن یا جنگیدن با دشمن فرضی که نمی‌دونیم کیه (می‌خندد) یا مثلاً توی اینستاگرام در سنین بزرگ‌سالی به نظرم افراد به دنبال نشون دادن خوشی‌هاشون هستن و این برای من هیچ معنی‌ای نداره، چون همه‌اش دنبال لایک و کامنت هستن و من نمی‌تونم بفهمم بعضی‌ها چرا معروف می‌شن، در حالی که اصلاً محبوب نیستن.

- منظورتون از این که بعضی‌ها معروف هستن، اما محبوب نه، چی هست؟
تعاریف محبوبیت و معروف بودن توی اینستاگرام و کلاً فضای مجازی داره یکی می‌شه، مثلاً شخصی مثل تتلو با رفتارهایی که مثل بیماران روانی چند شخصیتی هست، اول میاد معروف می‌شه و بعد به خاطر این که پیشگامه توی یه سری چیزها، بین مردم محبوب هم می‌شه و به نظر من این عمق فاجعه است که همچین آدمی، بشه الگو و یه خواننده محبوب بین مردم، خب به نظرم باید این تعاریف به شکل درستی برای مردم شکل بگیره و با سواد رسانه، این مسأله امکان‌پذیره و ناممکن نیست، ولی خب در حال حاضر این آگاهی خیلی شکل نگرفته توی جامعه‌ی ما، اون مسأله چند شخصیتی که گفتم تتلو داره، نمودش بین مردم عادی کجا می‌شه؟ اون جایی که افراد در صفحات مختلف توی اینستاگرام، شخصیت‌های متفاوتی از خودشون نشون می‌دن، یه جا خیلی موجه برای تأیید گرفتن از یه گروهی مثل خانواده، مثلاً یک سمتی خیلی بددهن برای تأیید گرفتن از دوستان، مخصوصاً توی سن نوجوونی که یک‌سری کلاً با همین هدف پیچ دومی می‌زنن و خود

این فضا انگار بستریه برای شکل‌گیری و دامن زدن به افرادی که بالقوه این‌جوری هستن و منتظر یه چیزین تا کاملاً این قضیه توشون اوج بگیره... .

- اینستاگرام چه چیزهایی بهتون یاد می‌ده؟

من علاقه‌ی خیلی زیادی به موسیقی دارم و مثل فضای یوتیوب که فضای آموزشی که اون‌جا داره، توی اینستا هم هست و خب همین که ویدیوهای کوتاه این‌جا هست، خودش یه مزیت محسوب می‌شه، بعد خب تحلیل موسیقی‌ها و این‌ها رو من می‌رم از توی اینستا می‌خونم و خب چیزی یاد می‌گیرم.

بعد برای من کلاً فضای مجازی و مخصوصاً اینستاگرام، تخلیه‌گاه روانی برای فرار از مسوولیت‌هایی که دارم، یعنی مخصوصاً وقتی خیلی دیگه مغزم شلوغه و گیرپاژ می‌کنه، برای آروم کردن خودم، همین جوری گوش می‌گیرم دستم و چرخ می‌زنم تا یه خورده ذهنم آروم بشه، بعد برم سراغ کارهام.

- تا حالا شده کسی رو در این فضا بلاک کنید؟
به کرات.

- به چه علتی و چه کسانی رو؟

من همین پیج‌هایی که دنبال می‌کنم رو ببینم کامنت به درد نخوری گذاشتن، هم کامنت‌شون رو ریپورت می‌کنم، هم خودشون رو بلاک می‌کنم.

- خوب به نظر شما این روش، روش درستی برای مقابله با این مسأله هست؟

به نظرم از هیچ کاری نکردن و حرص خوردن برای خود شخص من بهتره، با این کار خشم خودم رو تخلیه می‌کنم.

- چه قدر از وقت خودتون رو پای فضای مجازی می‌گذارید؟

بستگی داره، ولی سعی می‌کنم کلاً کم‌تر از یک ساعت در روز وقت بذارم براش، ولی خب خیلی وقت‌ها نمی‌شه و مخصوصاً روزهایی که برنامه مشخصی از قبل ندارم براش، تا ۴ ساعت در روز هم استفاده‌ام می‌رسه.

- دوستان‌تون هم استفاده‌شون از اینستاگرام، مانند شما هست؟

آدم با آدم فرق می‌کنه خب، ولی دوستان نزدیکم فعالیت زیادی ندارن، جز یکی از دوستانم که ۴، ۵ تا پیج داره و یه پیج هم زده و اخیراً ویدیوهای کوتاه می‌ذاره.

- به نظرتون بدی‌های اینستاگرام چی هست؟

خب هم بدی داره هم خوبی، به عنوان چیزهای منفیش می‌تونم بگم، به نظرم اینستاگرام خیلی القای بی‌هدفی می‌کنه به آدم، واقعاً آدم وقتی خیلی توی این فضاست، فکر می‌کنم به پوچی می‌رسه و یه خب که چیه بزرگ، توی ذهن آدم شکل می‌گیره.

- به نظر شما چرا؟

آخه مثلاً این جوریه که این قدر آدم غرقش می شه که حالش یهو ازش بهم می خوره، ولی یه جوریه که انگار آدم نمی تونه بیرون هم ازش بیاد، بعد این یه حال بدی به آدم می ده که استفاده اش کم نمی شه از اینستاگرام، ولی اون حس مفید نبوده دریافت می شه کاملاً، آدم یهو ۳ ساعت از روزش رو می ذاره توی صفحاتی که هیچی برای آدم نداشته، این فکر رو می کنم دلیل اینه که آدم به پوچی می رسه و می فهمه، چه قدر روزش رو به فنا داده، حالش به خاطر اون بد می شه، ولی انگار اینستاگرام داره می گه تو بی کاری، تو الآن باید بیای این قسمت این ویدیو رو ببینی، فلان خبر رو از دست ندی، فلان ویدیو که وایرال شده رو ببینی، فلان حاشیه رو دنبال کنی، همه ی این ها می تونه به آدم این رو القا کنه که هدفی نداره و باید بره توی اینستاگرام تا ببینه چه اتفاقی افتاده و آدم باید دنبال چه محتوایی باشه.

- دیگه به نظرتون اینستا چه بدی ای دارد؟

سوق به یک سمت مشخص خیلی دیده می شه، همه انگار دارن شکل هم می شن، لااقل توی ظاهر و توی فضای مجازی، حالا چیزهای مثبت هم داره ها، مثلاً برای بعضی هنرمندا و عرصه هنری که بستری براش وجود نداشته، این فضا خیلی خوبه و یه جور می تونه تمرین باشه براشون قبل اجرای جدی و حتی کمک کنه به بیش تر دیده شدن و شناس شدن شون، خب به نظرم سرعت انتقال اطلاعات خیلی خیلی در اینستاگرام بالا هست و این استرس و اضطراب رو خیلی می بره بالا، به نظرم که تهش هم مثلاً به افسردگی می رسه و در بهترین حالتش برای کسانی که خودآگاهی دارن، می شه یه راه تخلیه روانی برای خلاص شدن از فشار.

- به نظر شما داشتن اینستاگرام ضروری هست؟

در حال حاضر به نظرم نداشتنش توی ارتباطات اجتماعی، شما رو نادون جلوه می ده.
- چرا؟

چون بقیه با سلیقه و علایق شما آشنا نمی شن و یه اصل ارتباطی شده الآن و وقتی شما الفبای ارتباط رو بلد نیستید که همین مسیر ارتباطیه و از کل این فضا دور و بی خبرید، آدم فکر می کنن شما از دنیا عقید و به خودتون هم القا می شه، این موضوع و ناخودآگاه من به نظرم این جور افراد طرد می شن و حتی فراموش می شن.

- با دوستان تون فقط از طریق اینستاگرام در ارتباط هستید؟

آره، با همه شون تقریباً فقط اینستاگرام، یه گروه فقط دوستای صمیمی دبیرستانم هستن که واتساپ هم گروه داریم، برای بقیه اینستا بیره، یه شماره هم ازشون ندارم.

- قابلیت استوری به نظر شما چرا ایجاد شد؟

به نظرم برای این که سرعت انتقال اطلاعات بالاتر بره، قبلاً ویدیوهای ۱۵ ثانیه بود و الان رفته کلاً توی استوری‌ها و حس توی عجله بودن رو تداعی می‌کنه و انگار زندگی روی ریتم تنده.

- شما تمایل ندارید پیچ‌تون رو باز بگذارید؟

هیچ تفاوتی نداره، باشه یا نباشه، فرقی نداره، حساسیت خانواده توی نوجوونی باعث شده بود پابلیک نکنم، ولی الان برای خودم مهم نیست کلاً.

- خانواده موافق بودن در ۱۶ سالگی اینستاگرام داشته باشید؟

اولش مخالفت نشون دادن، ولی با توجه به روحیه خودم که اهل به اشتراک گذاشتن چیزی نبودم، دیگه مخالفت نکردن، البته واقعاً استفاده بدی هم نکردم.

- چی شد که تصمیم گرفتید اینستا داشته باشید؟

جو دوستان بود اولش، همه داشتن و می‌گفتن فضای جذابی، تو چرا نداری و منم روی اعصابم بود، بعد به تدریج متوجه شدم موضوع مهمی نیست، نداشتنش فقط بی‌سواد به نظر می‌ای.

- استفاده از اینستاگرام رو خلق شما تأثیر می‌گذاره؟

من آدم اثرپذیری نیستم، ولی کلاً معتقدم فاز روانی رو می‌تونه کنترل کنه، چه بسا محیط‌هایی هستن که با منتشر کردن تصاویر خشونت آمیز با لیل ۱۸+ تأثیر منفی زیادی روی روان می‌ذارن، اما می‌دونم می‌تونه.

- منظورتون این هست که با برچسب جنسی، محتوای خشونت آمیز نشون داده می‌شه؟

نه، نه، این جووری نه، همون خشونت‌آمیزها هست، ولی منظورم این هست که این قدر دسترسی به این محتوای خشونت آمیز راحت که با یه کلیک حل می‌شه. البته الان که این رو گفتید یه موردی رو بگم، بعضی وقت‌ها با یه برچسب جنسی و یک عکس مستهجن روی کاور پست دیدم که یه چیزی گذاشتن که کلاً مربوط به یک موضوع دیگه بوده، مثلاً زده فیلم لو رفته فلانی در استخر، بعد اصلاً کلاً محتوایش یه چیز دیگه است.

- کاربری اینستاگرام در سبک زندگی شما تأثیر داشته؟

خیلی خب هم در من، هم در جامعه تأثیر داشته، شبکه خرید و فروش تغییر کرده یا مثلاً موسیقی که من طرفدارش هستم، اطلاعاتم بیش‌تر شد و علایقم به سمتی که خودم دوست داشتم رفت.

- کاربری از اینستا روی جنبه‌های زیستی شما تأثیری داشته؟

من هر روز صبح اینستاگرام رو چک می‌کنم و این تبدیل به عادت رفتاری شده برام و این قدر داده یهو وارد مغزم می‌شه که اضطرابم رو خیلی بالا می‌بره و کلاً به نظرم اعتیاد آسیب زیستیه.

- زیاد توی اکسپلور چرخ می‌زنید؟

بله و واقعاً اتلاف وقته، قشنگ توی دامش می‌افتم و غرق می‌شم تا مدت‌ها توش می‌مونم.

- تاحالا در اینستاگرام دعوا کردید؟

خشمگین می‌شم کامنت‌هایی که زیر پست‌ها می‌بینم، نظرات مردم رو می‌بینم، ولی خوش بختانه نمی‌خوام توی دامش بیفتم، به نظرم دام‌هایی ثمرن و مثل یک آدم پرخاشگر منفعل، بلاک ریپورت می‌کنم.

- به نظر شما کاربری از اینستا چه تأثیری در بعد زیباشناختی برای افراد داشته؟
به نظرم چیزی که خیلی توی این فضا باب شده، مدگرایی و تغییر معیارهای زیبایی شناختیه، یعنی یه سری چیزا مثل سادگی، به نظرم قبلاً بیش‌تر زیبا بود برای مردم... .

- مد به نظر شما پدیده منفی‌ای هست؟
برند شاید، ولی مد رو نمی‌تونم بگم، مثلاً مد رو مردم تعیین می‌کنن نه فضای مجازی، ولی خب این‌که هی افراد تشویق بشن به داشتن یه برند خاص که از اینستاگرام داره تبلیغ می‌کنه، چیز مثبتی نیست اصلاً.

- می‌شه جزئی‌تر بگید چه پیج‌هایی رو دنبال می‌کنید؟
من پیج‌های زیادی رو دنبال می‌کنم، یه سری از این پیج‌ها همون طور که گفتم، پیج‌های موسیقی هستن. یه سری هاشون هم پیج‌های فان هستن و کاربردشان برای من همون تخلیه روانیه که استرسم رو کم می‌کنه.

- پیج چه کسانی رو توی حوزه طنز دنبال می‌کنید؟
مثلاً عزیز محمدی^۱ و آرمان دفریک^۲ اینا هستن که میان دلک بازای درمیارن یا مثلاً یه سری یوتیوبرا، مثل میا^۳ که حالا بازی می‌کنن و میان استریم^۴ می‌کنن توی یوتیوب و میان، اون بازی‌هایی که داشتن می‌کردن رو می‌دارن رو حالا توی اینستاگرام هم فالو می‌کنم که حالا چیزی توی یوتیوب آپلود می‌کنن یا مثلاً ایونت^۵ (رویداد)، چیزی دارن رو از اون طریق با خبر بشم ازش و کلاً کارهای جذابی به نظرم انجام می‌دن و چون کلاً برام جذابه، تولید محتوا، کلاً پیج‌هایی که کارهای خلاقانه انجام بدن رو خیلی دوست دارم، حالا چه بسا آدم باشن، چه بسا یه پیجی باشه که معلوم نباشه چه کسی بالا سرشه.

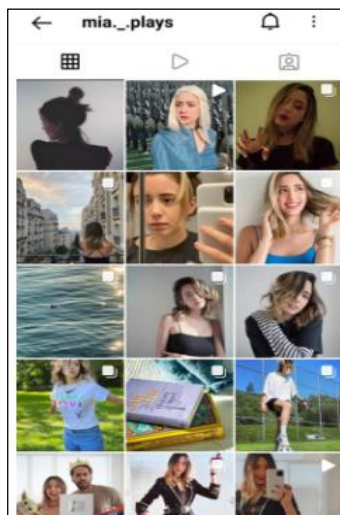
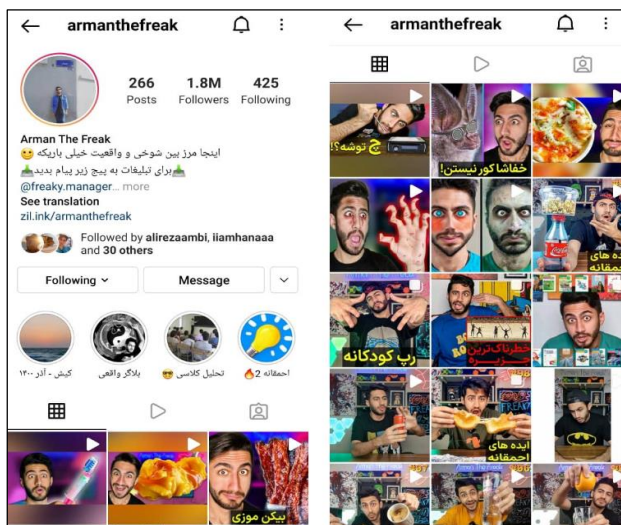
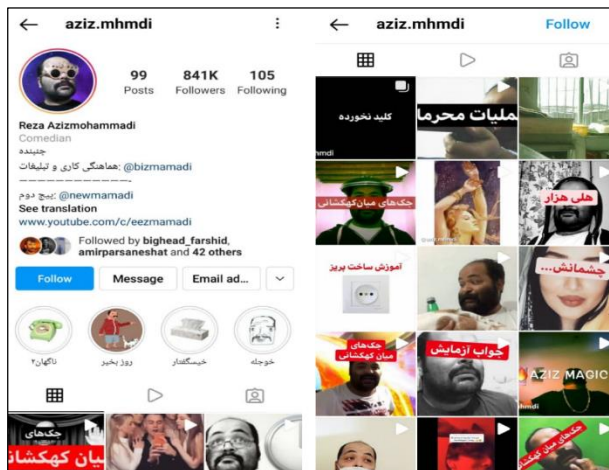
1- Aziz. mhmdi

2- armanthefreak

3- Mia. _ . plays

۴- استریم یکی از سیستم‌های اشتراک گذاری فایل‌های چند رسانه‌ای است که این اجازه را به کاربر می‌دهد تا قبل از دانلود کامل فایل به آن دسترسی داشته باشد. برای مثال وقتی فردی مشغول به تماشای استریم یک ویدیو می‌شود، دیگر لازم نیست کل فایل را از منبع دانلود کند و سپس به تماشای آن بنشیند، در واقع سیستم استریم اطلاعات و داده‌ها را بین کامپیوتر کاربر و سرور منبع منتقل می‌کند و کاربر می‌تواند در زمان اندک به فایل چند رسانه‌ای دسترسی پیدا کند.

5- Event



- یعنی دنبال کردن اخبار و اطلاعاتشون از طریق اینستاگرام برای شما راحت تر هست؟
بله، از طریق اینستاگرام راحت تره، چون اولاً فیلتر نیست، دوماً ساختار اینستاگرام راحت تره برای دسترسی و زودتر لود می شه، بعد استوری داره و مثلاً پست هایی که برای شما مهم تر هست، همون اولش میاد بالا و همه این ها فاکتورهایی هستن که باعث می شن، من برام راحت تر باشه استفاده از اینستاگرام، به نسبت بقیه صفحات مجازی.

- شده پیچی رو دنبال کنید صرفاً به خاطر این که تعداد زیادی از افراد اون رو فالو می کنن؟
متأسفانه بله، ولی بحث این نبوده، شاید یه پستی داشته که جذاب بوده و به خاطر اون فالو کردمش، بعد حس کردم دیگه پست های خفن نداره، آنفالوش کردم.
- یعنی برای این که از چیزی عقب نمودید یا بی خبر نمونید، فالو کردید؟
نه، بحث عقب موندن نبوده برای من، بحث اینه که خودم لذت ببرم یا نه و کلاً من اینستاگرام رو فضای لذت گرایانه ای می بینم.

- دوستان تون چی، کسانی هستند که برای این که صرفاً اطلاع داشته باشن درخصوص بعضی مسایل، افرادی رو دنبال کنن؟

ببینید همیشه کسانی هستند که دنبال موج سواری باشن و این موضوع هم توی اینستاگرام خیلی دیده می شه و روی موجی بخوان سوار باشن، اکثراً دوست های من تم شخصیتی خودشون رو دارن و اکثراً چیزهایی که مورد علاقه شونه رو دنبال می کنن و اون ها هم اتفاقاً مود لذت گرایانه ای دارن و اگه چیزی براشون جذاب باشه، دنبال می کنن، ولی چیزی که خیلی زیاد شده، الان توی این فضا بحث بی پروایی جنسی هست و میم هایی که مد شده، الان که همون ترول های سابق هستن دیگه و این ها زیاد شده و بچه ها حالا گاهی شروع می کنن به درست کردن میم ها و تولید محتواهای این شکلی می کنن، یه سری ها هم این ها رو دنبال می کنن و قضیه بی پروایی جنسی، خیلی باعث شده پیج های مبتذل هم زیاد فالو بشن، حتی خود من هم یه سری از این پیج ها رو فالو داشتم، حالا الان یه ذره کم تر، قبلاً بیش تر.

- بعد به نظرتون به خاطر این جور چیزهایی که توی اینستاگرام هست، نباید یک محدودیت سنی باشه؟
قطعاً باید داشته باشه، ولی تنها محدودیتی که هست یه خورده راجع موارد خشونت آمیزه که با یه دکمه اونم حل می شه... شما می تونید یه دکمه رو بزنید و اون مورد خشونت آمیز رو ببینید، مثلاً کشتن یکی، سلاخی کردن یکی رو شما می تونید راحت توی اینستاگرام ببینید، سرچ کنید پیدا نمی شه ها، ولی توی ویدیوها بگردید راحت پیدا می شه.

- به نظرتون چه قدر فضای اینستاگرام توی شکل گیری هویت افراد مؤثر هست؟
خیلی... چرا؟ چون الان فضای جامعه هم به خاطر کرونا، هم به خاطر چیزهای دیگه، داره می ره به سمت مجازی، هر کاری کنیم، مجبوریم این رو قبول کنیم، چه بسا که دانش آموزا با این که دارن

مدرسه می‌رن، موبایل‌هاشون رو همیشه همراه خودشون دارن و این اعتیاده داره همه گیر می‌شه، فراگیر می‌شه، حالا این که اعتیاد در چه راستایی باشه که در راستای خوب باشه یا بد رو، خودمون تعیین می‌کنیم و حس می‌کنم دانش‌آموزها، اون قدر سواد و شعور ندارن هنوز که بتونن ارزش درست استفاده کنن، این دانش‌آموزها، همون نوجوون‌ها هستن، دارن هویت‌یابی‌شون رو از طریق اینستاگرام انجام می‌دن، چه جوری؟ به وسیله کارکترها و شخصیت‌هایی که توی اینستاگرام هستن که خودشون هم اتفاقاً نوجوونی خوبی نداشتن، مثلاً مشکلات داشتن یا هر چیز دیگه‌ای و حتی روان‌شناس‌هاش هم که روان‌شناسن، گاهی میان چرت و پرت‌هایی تحویل مخاطب می‌دن که کاملاً برخلاف روان‌شناسی نوین دنیاست و کاملاً ضدیت داره، مثلاً یکی از اساتید دانشگاه اومده بود، اخیراً گفته بود که همسرها باید گوشه‌های همدیگر رو گاهی چک کنن، در صورتی که مراجع قانونی توی کشورهای پیشرفته دارن می‌گن، این کار جرمه نباید سرک بکشیم، به هر حال، این‌ها نکاتی هستن که در ایران رعایت نمی‌شه و رعایتش خیلی به ارتقای سطح جامعه کمک می‌کند.

- یعنی به نظرتون اوضاع ایران توی این زمینه به نسبت جاهای دیگه بدتر هست؟
اینستاگرام صرف اینستاگرام بودنش مهم نیست، یکی داشت یه حرفی می‌زد، می‌گفت اینستاگرام یه ابزاره و این مردم هستن که توش نتیجه می‌گیرن، چه کاری رو بیش‌تر انجام بدن، چه کاری رو کم‌تر و چون ایزی تو اکسس^۱ و یعنی یوزر فرندلیه^۲ و همه می‌تونن راحت ارزش استفاده کنن، هر چیزی توش باب می‌شه و همین به نظرم یه زد و خورد تعاملی داره که هم فرهنگ مردم پایینه توی استفاده از فضای مجازی، هم فرهنگ اجتماعی مردم پایینه، حالا اومدن توی فضای مجازی و توی یه فضای راحت‌تری، برای ابراز وجود و ابراز نظر کنن و این داره یه باعث می‌شه، یه بدتر و بدتر هم بشه و حس می‌کنن، وقتی مثلاً پشت گوشه و لپ تاپ هستن، انگار قایم شدن و دیگه کسی بهشون دسترسی نداره، چه بسا ما این رو توی زندگی عادی‌مون هم می‌بینیم‌ها، یه عده مثلاً می‌شینن یه گوشه، بقیه رو می‌فرستن جلو و این حالت مدیر مآبانه و این که فکر می‌کنن خودشون هیچ وقت نباید گیر بیفتن، توی حالا فضای مجازی و به خصوص اینستاگرام که خیلی راحت‌تره استفاده ارزش بیش‌تر می‌شه، چون تعامل با مردم هم بیش‌تره، این اتفاق زیاد می‌افته.

- به نظرتون چرا الان این قدر مطالب روان‌شناسی توی اینستاگرام خواهان داره؟
روان‌شناسی زرد، چون میاد زوم می‌کنه روی آدم‌ها و تعداد آدم‌هایی که بدون علم وارد شدن توی فضای اینستاگرام زیاده، پس هر یه فرد واقعاً می‌تونه یه بمب اتم باشه و با پر کردن این افراد، با حرف‌هایی که هیچ مبنا و پایه علمی نداره، می‌شه مسیر رو عوض کرد، می‌شه فکر رو عوض کرد

و حس می‌کنم آدم‌ها دنبال این هستند که آدم‌های احمق گیر بیارن توی اینستا، مخش رو پرکنن و بعد همون رو بکنن مرید خودشون و با همین فرمون پول دربیارن یا به اهداف دیگه‌شون برسن، حالا من نمی‌دونم اهداف دیگه‌شون چیه، ولی پوله رو می‌دونم.

- شما از تبلیغاتی که توی اینستاگرام هست تأثیر می‌گیرید؟
خود من دنبال این نیستم که اینفلوئنسری به چیزی رو تبلیغ کنه، برم اون رو بخرم، اتفاقاً به نگاه ضدیتی نسبت بهش دارم و قطعاً اون چیز رو نمی‌خرم، چون اون فرد داره اون رو تبلیغ می‌کنه، حتی اگه اون اینفلوئنسر دختر خاله خودم باشه که هست، دختر خاله‌ام اینفلوئنسره.
- چرا؟

چون داره متوسل می‌شه به یه سری افرادی که خودشون دارن پول می‌گیرن، برای این که به چیزی رو معرفی کنن و این کار رو انجام می‌دن.
- خوب به نظرتون کسب و کارها باید چه راهی داشته باشن تا برای ما به عنوان یک مشتری مقبولیت ایجاد کنن؟

من می‌گم این نظر خودمه، نظر شخصی منه، ولی من می‌گم فضای مجازی فضای دروغه، به خاطر همین من به چشم یه سرگرمی بهش نگاه می‌کنم، حالا توی همین فضای دروغ به یه سری آدم بیا بگو تعریف محصول من رو بکن، اون محصول می‌تونه مثلاً مثل یه کفشی باشه که خواهر خود من خرید، از یه زاویه‌ای به عکسی ازش گرفته بودن که فوق العاده بود و وقتی اومد خونه، یه چیز خنده‌دار بود، انگار مثلاً مامان بزرگش اون کفش رو براش دوخته بود، یه همچین حالتی این‌قدر افتضاح بود، به خاطر همین من قبول ندارم تبلیغات فضای مجازی رو و خیلی حس بدی می‌گیرم از تبلیغات، ولی می‌دونم اثرگذاری خیلی زیادی دارن و مخصوصاً درآمدزایی‌های کلانی داره اتفاق می‌افته، چه بسا که می‌گفتن مثلاً دنیا جهان‌بخت برای هر کدوم از استوری‌های ۱۵ ثانیه‌ایش داره ۳۰ میلیون دریافت می‌کنه، فکر کنم بیش‌تر البته.



- اگه یک زمانی پیچ‌تون باز باشه، به نظرتون تعداد لایک و کامنت برای شما اهمیت پیدا می‌کنه؟ هرگز، چون این‌ها نیستن که من رو تعریف می‌کنن.

- افرادی رو در نزدیکی خودتون نمی‌شناسید که این مسأله برای‌شون مهم باشه؟

افرادی رو می‌شناسم که می‌خرن، یعنی هزینه می‌کنن براش تا پز بدن.

- به نظرتون با این کار مقبولیت طرف داره بیش‌تر می‌شه؟

بله، این‌ها مثلاً پیجش سریال یا هر چیز دیگه‌ایه، برای این که بگه این مثلاً خیلی دیده شده، پس

خیلی خوبه و برای این که ذهن بقیه رو گول بزنن و ذهن بقیه رو اوسکول خودشون بکنن، مثلاً می‌گن ما

این قدر کامنت داریم، این قدر فالور داریم، این قدر لایک داریم، ولی خب اون‌ها هم اکثراً دروغه دیگه... .

- دنبال کردن چه افرادی برای شما جذاب هست؟

گفتم که بیش‌تر پیچ فیلم و سریال‌ها و موزیسین این‌ها رو دنبال می‌کنم که مثلاً گیتار می‌زنن

و این‌ها و بعضی از صفحاتی که کم‌دین بامزه‌ای هستن و این‌ها، افراد این‌ها هستن، بقیه‌شون حالا

پیج‌هایی هستن که معمولاً حالا راجع به موضوع خاصی هستن.

- مثلاً موزیسین‌هایی که دنبال می‌کنید، تأثیر گذاری‌شون روی شما زیاد هست؟

حرف خاصی نمی‌زنن، ولی خب من به واسطه همین دیدن پیج‌های گیتار و این‌ها علاقه‌مند شدم

که برم کلاً یاد بگیرم گیتار زدن رو و خب توی این مورد به من کمک کرد که من بینم با دیدن

کدوم ساز از همه بیش‌تر حال می‌کنم و لذت می‌برم، دیدم مثلاً حتی بین پیانو و گیتار با گیتار

بیش‌تر حال می‌کنم و رفتم سمت این ساز.

- میزان تأثیرپذیری شما از الگوهای مورد علاقه خودتون چه قدر هست؟

من آدم‌ها رو به شکل بت نمی‌بینم، هر چند که، مثلاً هستند کسانی از دوستان خود من که

قشنگ، انگار مریدان این افراد می‌شن و هر چی می‌گن و هر حرفی می‌زنن رو می‌پرستن... . مثلاً

یه فردی مثل کیهان کلهر که هنرمنده، ولی گاهی میاد نظرات سیاسی هم می‌ده. من تنها موسیقی

کلهر رو می‌پسندم، اما دوستم همه ابعاد اون رو می‌پرسته.

- یعنی کیهان کلهر رو می‌پرسته؟

بله، یعنی چی، یعنی مثلاً سبک ساز زدنش رو دوست دارن، ولی خب مثل مریدوار باهاش برخورد

می‌کنن و مثلاً اگه یه نظر سیاسی بده، حس می‌کنن الان این پیامبره و هر چی بگه حرف خداست

یا مثلاً یکی از دوستانم هست که محسن نامجو رو می‌پرسته، در حدی که همه‌ی سخنرانی‌ها و

پادکست‌هاش رو گوش می‌ده مثلاً و کلاً توی نظرات سیاسی هم، هم عقیده می‌شه باهاش، البته

خب بعضی موزیسین‌ها دیدگاه انتقادی جالبی دارن اتفاقاً، ولی خب من به خاطر این جنبه از اون‌ها

فالوشون نمی‌کنم، من صرف نگاه کردن بهشون به عنوان یه موزیسین دنبال‌شون می‌کنم.



- گفتید یک سری کمدین ها رو دنبال می کنید، چرا؟

برای تخلیه هیجانی، وقتی می خوام از یه سری چیزا رها بشم، می رم نگاه می کنم به مردم می خندم یه خورده، حالا کسانی که میان و خودشون کمدین هستن، برای من آپشن بهتری هستن.

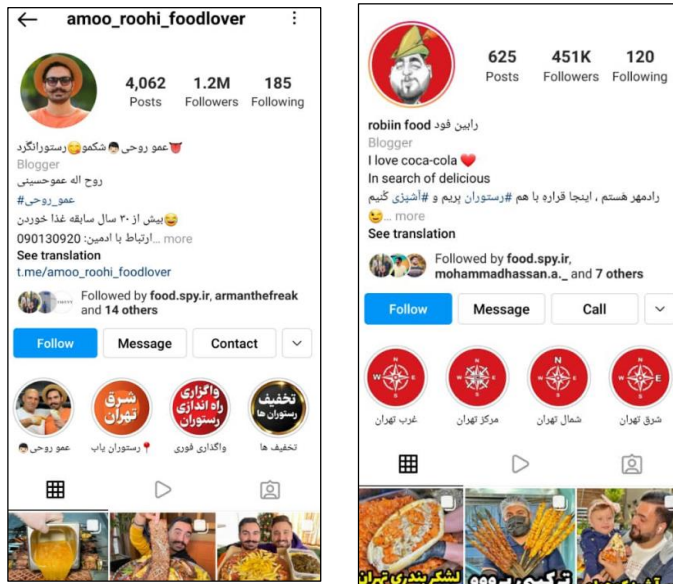
- نظرتون راجع به بلاگرها چی هست؟

بینید الان هر حوزه ای تقریباً یه بلاگر داره، الان فود بلاگر داریم، ولاگر داریم، طرف میاد فیلم می ذاره از زندگی شخصی خودش که از صبح تا شب چه کار می کنه، در صورتی که برای ما اهمیتی نداره از صبح تا شب شما چه کار می کنی، بیوتی بلاگر داریم، ولی این آدم ها میان این احساس نیاز رو ایجاد می کنن و یک سری ویدیو جذابی که خودشون ساختن رو می ذارن و برای مردم جذاب می شه که این آدمه که این قدر کارکنر جذابی داره، زندگیش چه شکلیه و بعد این نیاز رو خودشون ایجاد می کن، بعد شروع می کنن به ارضا نیاز کردن، این که بینیم زندگی شون چه طوریه.

به نظر من اگه تبلیغات نبود، کسی این قدر به این بلاگرها اهمیت نمی داد. مثلاً کسی که واقعاً اهمیت می ده به غذا، میاد غذاهای جذاب رو امتحان می کنه، نه این که یک تیپ غذا رو صدبار، بره امتحان بکنه به خاطر این که بتونه تبلیغش رو بکنه، چه بسا که هستن الان دیگه، مثلاً عمو روحی^۱ و رابین فود^۲ و کسانی که صدبار یه غذایی رو توی هفته خوردن، باز می رن می خورن تا تبلیغ بگیرن.

1- Amoo_roohi_foodlover

2- Robin_food



- به نظرتون اینستاگرام داره از اون فضای اصلی که برایش طراحی شده بوده دور می‌شه؟
 فضای اصلی که برایش طراحی شده بوده، فکر می‌کنم عکاسی بوده و به اشتراک گذاشتن اون‌ها و مثل یه مسابقه عکاسی بوده و الان اصلاً هیچ شباهتی بهش نداره، چون توی دام محبوبیت و پول دار شدن افتاد و مجبور شد بفروشه به زاکربرگی که خودشم به دفعات اقرار کرده که برام خیلی پول مهمه و مسایل اقتصادی رو می‌پرسته.

- به نظر شما این فضا چه قدر می‌تونه رو فرهنگ یک جامعه تأثیر بگذاره؟
 روی فرهنگ... به نظر من فرهنگ سازیش به بخشیش از طریق اینستاگرام شکل می‌گیره، دوتا جنبه وجود داره، یکیش خب اینستاگرام به نظر من یه ابزاره، هم مردم آلوده‌اش کردن، هم اون مردم رو آلوده کرده، مثلاً ۱۰ هزار نفر آدم اگه از قشر لات و الوات جامعه محسوب می‌شن، مثل سم دارن بدی‌ها رو وارد جامعه می‌کنن و آدم‌ها هم دارن می‌پذیرن این سم‌ها رو و همین باعث شده که یه خورده اتفاقات ناگواری بیفته و دارن فرهنگ خودشون رو القا می‌کنن، مثلاً می‌گن اگه ما داریم به این موضوع جنسی می‌خندیم، شما هم باید بخندید.

- گفتید این ۱۰ هزار نفر به نظرتون چه کسانی هستن؟
 قشری که از لحاظ فرهنگی و تربیتی پایین‌ترن و دارن مطالب مستهجنی رو انتشار می‌دن، مثل چی، مثل تلو که الان چند میلیون نفر فالور داره، با این که این همه داره اهانت می‌کنه به فالورهای و بهشون فحش ناموسی می‌ده، ولی بعضی از مردم می‌پرستش! برای کنسرتش صف می‌کشن، بیش‌تر از حدی که مردم باید برن هم، تازه می‌رن و شرکت می‌کنن و وقتی می‌گه من فحش می‌دم،

حقیقت رو دارم می‌گم، بقیه هم می‌گن راست می‌گه دیگه، پس ما هم فحش بدیم و به نظر من این آدم داره تأثیر خودش رو می‌ذاره و این فرد از نظر فرهنگی تربیت نشده است.

نکته دیگری که هست، اینکه که در حال حاضر محبوبیت و مشهور بودن توی اینستا، مفهومی یکسان شده، یعنی کسی که صرفاً چند میلیون فالور داره، این قدر مشهور شده که با این که اول منفور بوده و با همین منفور بودنش معروف شده، الآن محبوب هم حتی شده!

- از نظر زیست محیطی به نظرتون اینستاگرام تأثیر مثبتی داشته؟

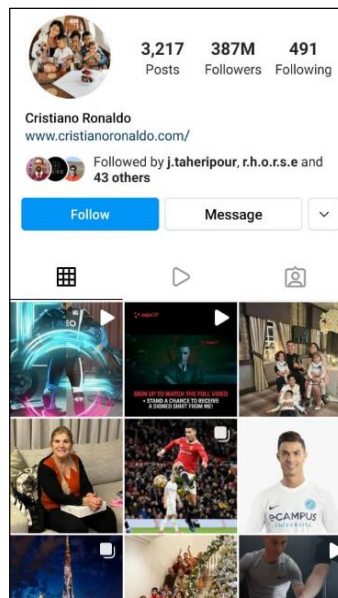
به نظر من مصرف زدگی و مدگرایی رو ایجاد کرده و خب این باعث شده که دیدگاه‌های اقتصادی خیلی بلد بشن و اون تیپ قالب مردم هم اقتصادی خیلی فکر کنن و براشون مهم نباشه، برای زیست محیط چه اتفاقی داره می‌افته و کلاً تشویق می‌کنه قضیه مصرف زدگی رو دیگه.

- برای خود شما زیست محیط مهم هست؟

برای من به شخصه خیر...، نه خیری که یعنی بی‌توجهم‌ها، منظورم اینکه که من تخصصی ندارم و کاری هم براش نمی‌تونم انجام بدم، سعی می‌کنم در حد خودم، حقوق شهروندی رو رعایت کنم.

- به نظرتون این فضا می‌تونه در روابط خانوادگی اثرگذاری خاصی داشته باشه؟

بحث مقایسه میاد خیلی وسط، مثل خانواده کریستین رونالدو که هر اتفاقی که می‌افته یا هر تولدی که می‌شه، عکس می‌ذارن از خودشون، توی زندگی‌های خودشون و تجملات و شرایطی که دارن و حالا ما از بطن این خانواده‌ها خبر نداریم، ولی خب خانواده‌هایی رو داریم که وضعیت مناسبی ندارن و خودشون رو مقایسه می‌کنن و باعث می‌شه آسیب ببینن روابطشون و نظام خانواده متزلزل بشه.



- به نظرتون این قضیه که نوجوون‌ها ترجیح می‌دن یک پیچی بزَن که از دسترس خانواده خارج باشه، خودش می‌تونه به نهاد خانواده آسیب بزنه؟

بله، مثلاً یکی از دوستانم کلاً همه اعضای خانواده‌اش رو از استوری‌هاش هاید کرده و این وسط یکی از اقوام دورش رو یادش رفته بود که هاید کنه بنده خدا، بعد این رفیق ما خب حالا برای پسرها این قضیه متأسفانه خیلی زیاد شده که سیگار یا قلیون می‌کشن و حالا یه چند باری وقتی داشته قلیون اینا می‌کشیده، استوری گذاشته و یهو توی یه جمع خونادگی، اون فرد یهو این قضیه رو به روی رفیق ما آورده که آره توی استوریت دیدم قلیون داشتی می‌کشیدی و از این صحبت‌ها و خب می‌دونید مسأله چیه، مسأله اینه که این رفیق ما، شاید واقعاً سالی یک بار قلیون بکشه و کلاً تفننی باشه، ولی تصور خانواده‌اش ازش این می‌شه که هر وقت نمی‌دونن کجاست، پای منقل تصورش می‌کنن (می‌خندد).

- اینستاگرام می‌تونه یک فضایی برای شکل‌گیری یک کمپین یا حرکت اجتماعی باشه؟
برای شروع خب شاید بد نباشه، ولی کلاً اینستاگرام فضای این نیست که بخوایم یه هدفی رو توش دنبال کنیم، خیلی فان‌تر از این حرف هاست.

- خیلی ممنونم ازتون که وقت گذاشتید.

خواهش می‌کنم، کاری نکردم.

تأملی دوباره:

یوسف ۲۱ ساله، در مصاحبه خود درباره اثرهای کاربری از شبکه اجتماعی اینستاگرام، به مباحثی حول محورهای اثرهای آموزشی، اجتماعی، اخلاقی- تربیتی، اقتصادی، خانوادگی، روان‌شناختی، زیباشناختی، زیستی، زیست محیطی، سیاسی، عقیدتی و فرهنگی اشاره داشته است.
یوسف در مصاحبه خود در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در مسایل آموزشی کاربران، به آموزش- های هنری، اشاره داشته است.

یوسف در مصاحبه خویش در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در رفتار اجتماعی کاربران، به مواردی مانند: عرصه‌ای برای نشان دادن استعدادها و توانایی‌ها، تأثیرپذیری از افراد مشهور در تمام ابعاد، فشار همسالان در داشتن اینستاگرام، طرد شدن در صورت نداشتن اینستاگرام، نادان به نظر رسیدن در صورت نداشتن اینستاگرام، شکل‌گیری هویت چندپاره و نظایر آن، در سطح خود و دوستانش اشاره داشته است.

یوسف در مصاحبه خویش در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در رفتار اخلاقی کاربران، به استفاده برخی از صفحات اینستا از برچسب‌های جنسی برای بازدید بالاتر، اشاره داشته است.

یوسف ۲۱ ساله، در مصاحبه خویش در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در مسایل اقتصادی کاربران، به مواردی مانند: ایجاد نیازهای جدید توسط بلاگرهای اینستاگرامی، سایه انداختن پول بر اینستا و سوءاستفاده‌های اقتصادی برخی از سایت‌ها از کاربران و نظایر آن، اشاره داشته است.

یوسف در مصاحبه خویش در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در مسایل خانوادگی کاربران، به پنهان کاری در برابر خانواده، در سطح خود و دوستانش اشاره داشته است.

یوسف در مصاحبه‌اش در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در مسایل روانی کاربران، به مواردی مانند: اضطراب‌های نوپدید در مواجهه با انبوه اطلاعات خوب و خاصه بد، خطر مواجهه با حجم عظیم اطلاعات، بالا رفتن سرعت انتقال اطلاعات و ایجاد حس در عجله بودن، رواج برخی اختلالات روانی مانند خودشیفتگی، وابستگی و اعتیاد به اینستا، تخلیه خشم با استفاده از امکان بلاک و ریپورت، لذت جویی در اینستاگرام، بی‌پروایی جنسی و دنبال کردن پیج‌های هرزه‌نگار، در سطح خود و دوستانش اشاره داشته است.

یوسف در مصاحبه‌اش در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در علایق زیباشناختی کاربران، به تشویق به برندپوشی، در سطح خود و دوستانش اشاره داشته است.

یوسف ۲۱ ساله، در مصاحبه خود در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در مسایل زیستی کاربران، به برخی از دردهای عضلانی-اسکلتی و بینایی، اشاره داشته است.

مصاحبه شونده در مصاحبه خود در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در مسایل زیست محیطی کاربران، به ترغیب برخی از کاربران و صفحات اینستاگرامی مبنی بر ضرورت عطف توجه به مسایل محیط زیست و از سوی دیگر مصرف‌زدگی و مدگرایی که توسط بسیاری از بلاگرها و سلبریتی‌ها بدان دامن زده می‌شود، اشاره داشته است.

یوسف در مصاحبه خویش در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در رفتار سیاسی کاربران، به فاصله گرفتن از مسایل سیاسی، در سطح خود و دوستانش اشاره داشته است.

یوسف در مصاحبه‌اش در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در مسایل عقیدتی کاربران، به مواردی مانند: کناره‌گیری از مسایل اعتقادی که با سیاست آمیخته شده است، در سطح خود و دوستانش اشاره داشته است.

یوسف ۲۱ ساله، در مصاحبه خویش در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در علایق فرهنگی کاربران، به مواردی مانند: خطر مواجهه با حجم عظیم اطلاعات، خسته و مستاصل شدن افراد در مواجهه با حجم زیاد اطلاعات، از دست دادن قدرت انسجام بخشی و یکپارچگی فکری و فرهنگی در برابر حجم زیاد داده‌ها، خطر بالقوه به ابتذال کشاندن فرهنگ، فرصت‌ها و تهدیدهای فرهنگی جامعه در

مواجهه با اینستا (القای بی‌هدفی و دم‌غنیمتی دیدن هستی، خسته کردن فکری کاربران، سوق دادن به سمت مصرف‌گرایی و لذات جنسی و میدان دادن به افراد بی‌محتوا و مبتذل برای تولید و اثرگذاری فرهنگی)، اثرگذار واقع شدن افراد ناباب توسط اینستا در جامعه، ایجاد فضایی جهت تحقق خودشیفتگی برخی از افراد خودشیفته، دامن زدن به لذت‌جویی و بی‌پروایی جنسی در اینستاگرام، در سطح خود و دوستانش اشاره داشته است.

اگر در زمینه مباحث مطرح شده در مصاحبه یوسف ۲۱ ساله، با ارجاع سایر محورهای مطرح شده به دیگر کتاب‌های مجموعه حاضر، توجه خود را صرفاً معطوف به ابعاد فرهنگی (که مورد بحث اثر حاضر است) کنیم، می‌توان بیان داشت، یوسف در مصاحبه خویش از فرصت‌ها و تهدیدهای فرهنگی افراد و جامعه در مواجهه با اینستا یاد کرده، به نوعی خطر ابتذال فکری و فرهنگی کاربران را مورد تأکید قرار می‌دهد. به این معنا که کاربران در مواجهه با حجم عظیم اطلاعاتی که اینستا در اختیار آنان قرار می‌دهد، خسته و مستاصل شده، قدرت انسجام بخشی و یکپارچگی فکری و فرهنگی خویش را تا حدود زیادی از دست می‌دهند. مضاف این که به سبب عدم بسترسازی فرهنگی جامعه جهت کاربری بهینه اقشار مختلف اجتماعی از فضای مجازی، کاربران در مواجهه با فرصت‌ها و تهدیدهای فرهنگی اینستا بیش‌تر در معرض تهدیدهای آن (القای دم‌غنیمتی دیدن هستی، سوق دادن به سمت مصرف‌گرایی و لذات جنسی و میدان دادن به افراد بی‌محتوا و مبتذل برای تولید و اثرگذاری فرهنگی) قرار گرفته، از موهبت فرصت‌های آن کم‌تر بهره‌مند می‌گردند.

مصاحبه با زینب، ۲۰ ساله

مثلاً یه دوست دارم تام بوی شده و دوست دختر هم داره، این برای من واقعاً عادیه...
گرایشش دیگه، مگه دست خودش.

- سلام عزیزم.

سلام.

- خوبی زینب جان.

بله. متشکرم.

- می‌شه در ابتدا یک بیوگرافی کلی از خودت بگی؟

من زینبام، الان دانشجوی علوم کامپیوتر دانشگاه ... هستم، ولی خب فعلاً که به خاطر مجازی بودن کلاس‌ها کنار خانواده‌ام توی تهران زندگی می‌کنم. در حال حاضر که درسای خیلی زیاد شدن، خیلی از وقتم رو می‌گیرن، ولی وقتایی که بی‌کار می‌شم یا کار ندارم، فرنرز یا لوسیفر می‌بینم یا توی توئیتر و اینستا می‌گردم، هفته‌ای یه بار هم با دوستانم می‌روم بیرون.





- از چه سالی تلفن همراه هوشمند خریدی؟
گوشی هوشمندی که برای خودم باشه، کلاس هشتم خریدم، قبلش یه سال توی گوشی مامانم با دوستانم چت می‌کردم و کلاً همه‌ی کارم با گوشی مادرم بود، اون‌قدر اصرار کردم و اون‌قدر بحث کردم باهاشون تا آخر برام گوشی خریدن.

- مگه از گوشی مادرت استفاده نمی‌کردی، پس چرا اصرار داشتی حتماً برای خودت باشه؟
خب با دوستانم حرف می‌زدم یا فالوشون می‌کردم، دوست نداشتم همه چیز با اکانت‌های مامانم باشه، بعدم یه سری سوتی بد هم دادم تا یه مدت همون گوشی مامانم هم بهم نمی‌دادن، اما دیگه این‌قدر اصرار کردم برام خریدن.

- منظورت از سوتی دادن چی هست؟ می‌شه مثال بزنی.
یه بار یه خیریت بزرگ کردم، پسر عموم و دوستم رو با هم آشنا کرده بودم و رل زدن، بعد یه گروه سه‌تایی داشتیم، پیام داده بودن نصفه شب توی گروه، نوتیفش اومده بود، مامانم دید سر اون تا چند روز سرسنگین بود باهام، ولی خب کار خودش درست نبود، نباید پیامم رو چک می‌کرد.
- یعنی قبل از این که خودت گوشی بخری با اینستاگرام گوشی مادرت کار می‌کردی؟
آره.

- یعنی اکانت اینستاگرام برای مادرت بود یا مال خودت بود و فقط روی گوشی مادرت قرار داشت؟

من اکانت خودم رو داشتم، مامانم هم اکانت خودش رو داشت، ولی جفت‌شون روی یه گوشی بود، من هر وقت کاری داشتم، توی اکانت خودم لاگ این می‌شدم، بعد باز خارج می‌شدم. مامانم هم می‌دونست اینستا دارم، یواشکی نبود، ولی خوشم نمی‌اومد روی گوشیش باشه، همه‌اش همه

چیز رو ببینه، گر چه چت‌های تلگرام رو هم یاد گرفته بودم، موبوگرام نصب کرده بودم، پنهان می‌کردم.

- چیز خاصی داخل اینستاگرامت داشتی که نخواهی اصلاً بفهمند؟
از نظر خودم که نه، ولی خب پدر و مادرا عادی نشده این چیزا براشون، سر بعضی از مسایل یه جواری رفتار می‌کنن که انگار گناه کبیره کردی.
- می‌شه مثال بزنی؟

مثلاً یه دوست دارم تام بوی^۱ شده و دوست دختر هم داره، این برای من واقعاً عادیه، مثلاً با دوست دخترش استوری و پست می‌ذارن برای هم، ولی مامانم می‌بینه می‌گه با این دختر نگرد، هم‌جنس‌بازه، واقعاً لفظ زشتیه خب، گرایش‌شه دیگه، مگه دست خودش، این دوستم از اول هم فرق داشت با بقیه دخترا، ما همه‌مون رو پسرا کراش و رل می‌زدیم، اون توی فاز خط و نشون کشیدن برای دوست پسرای ما بود، اصلاً فاز پسرونه داشت.

- اینستاگرام چه قدر روی شناختت نسبت به این‌جور گرایش‌ها تأثیرگذار بود؟
قطعاً تأثیر زیادی داشت، من قبل از این که برم توی این فضا، حتی نگاهم به اون دوستم این‌قدر عادی نبود، ولی بعد که شناختم و حرفای آدم‌های دگرباش رو توی اینستا خوندم، واقعاً دلم سوخت، چون به خاطر چیزی که دست خودشون نیست، این‌قدر بد رفتاری می‌شه باهاشون، البته باز الان بهتر شده، ترنس‌ها راحت‌تر توی خیابون راه می‌رن، هنوزم هستن کسانی که مزاحم‌شون می‌شن، ولی کم شده.

- می‌شه میزان تأثیر اینستاگرام روی شناختت رو بیان کنی؟
می‌تونم بگم تأثیر ۷۰ درصدی داشت، اون ۳۰ درصد رو هم خودم از قبل می‌دونستم که مثلاً همچین آدم‌هایی با گرایش‌های مختلف جنسی وجود دارن، از طریق دوست و مدرسه و اینا.
- اون دوستت که گفتی تام بوی بوده از اول این طوری بود یا تحت تأثیر عواملی از جمله اینستاگرام گرایشش رو شناخت؟
نه، اون از اول هم همین بود.

- گفتی توی اینستاگرام با افراد دگرباش زیادی آشنا شدی، باهاشون چت هم می‌کردی یا صرفاً پست‌ها و استوری‌هاشون رو می‌دید؟
جز اون دوستم، دوست‌هایی داشتم که بایسک‌شوال بودن و من واقعاً مثل بقیه آدم‌ها باهاشون رفتار می‌کنم، حتی یه مدت حس می‌کردم به یکی از دوستای دخترم علاقه داشتم و ارتباط با این آدم‌ها باعث شد از اعترافش پیش خودم خجالت نکشم.

۱ - تام بوی به دخترانی گفته می‌شود که خصوصیات یا رفتارهای متناسب به پسران را در خود به نمایش می‌گذارند.

- منظورم این بودش که شده تا حالا با یک آدم غریبه توی اینستاگرام آشنا شده باشی و درباره‌ی همین مسایل با اون چت کنی و اطلاعاتت بالا رفته باشه؟
- با آدمای زیادی چت کردم توی اینستا، اما در مورد این مسایل پیش نیومده، گر چه مسأله خاصی نیست، اما پست و استوری‌ها اطلاعاتم رو خیلی بالا بردن توی این زمینه.
- برگردیم به همون موضوعی که مطرحش کردی، یعنی شما الان خودت رو بایسکشوال می‌دونی؟
- آره، من قبلاً فقط فکر می‌کردم عشق می‌تونه به جنس مخالف باشه، اما بعد از یه مدت که گرایش‌های مختلف رو شناختم، دیدم پتانسیل این‌که عاشق هم‌جنسم بشم رو دارم.
- اینستاگرام باعث شد به این موضوع پی ببری؟
- هم اون دوستم رو دیدم و خیلی روم تأثیر گذاشت، هم این‌که یه مدت آدم‌های ترنس و دگرباش زیادی رو فالو داشتم.
- علت فالو کردن این افراد از طرف شما چی بوده؟
- اون موقع خب تازه داشتم روابط جنسی و این مسایل رو می‌شناختم، برام جالب بود بیش‌تر و دقیق‌تر بدونم ازشون و واقعاً هم اطلاعاتم رو بالا بردن.
- خودت هم در زمینه‌ی آگاهی دادن این موضوع توی اینستاگرام اقدامی کردی؟
- نه.
- به نظرت این‌که یک بستری مثل اینستاگرام وجود داشته باشه و افراد خیلی راحت از گرایش‌هاشون صحبت کنن، باعث از بین بردن حیا و عفت در جامعه نمی‌شه؟
- کلاً حیا خیلی مسخره هست، خب میل جنسی یه چیز عادی توی وجودمون هست که توی وجود هر فرد یه جور ظاهر می‌شه، ایرادش چیه؟
- خودت توی حرف‌ها گفتی این گرایش‌ها اوایل برای خودت هم عادی نبوده؟
- چون منم همین شکلی فکر می‌کردم، ولی فهمیدم نظرم اشتباه هست، تغییرش دادم، اگه روند آگاه‌سازی همین طوری ادامه پیدا کنه، کلاً برای همه مردم عادی می‌شه و الکی پشت سر حیا قایم نمی‌شن.
- یک برگشت بزنیم به قبل‌تر، اصلاً اولین بار با خود اینستاگرام چه طور آشنا شدی؟
- اول من اصلاً توی این خطاها نبودم، دوستان اینستا داشتن، یه چیزایی تعریف می‌کردن من نمی‌فهمیدم درباره‌ی چی حرف می‌زنن، یه جورایی نصب کردم که از این چیزا عقب نمونم.
- مثلاً درباره‌ی چه چیزهایی حرف می‌زدن؟

مثلاً دیدی یه شاخ مجازی یه کاری می‌کنه، یهو معروف می‌شه و همه حرفش رو می‌زنن، بیش‌تر این چیزا رو تعریف می‌کردن.

- یکی، دو مورد از همین افرادی که اون زمان درباره‌شون حرف می‌زدین رو مثال می‌زنی؟
یادم نیست اون موقع‌ها حرف کیا بیش‌تر بود، ولی در کل اونایی که کارای عجیب می‌کردن یا صرفاً داف هستن برای همین کلی فالور دارن، یکی بود لمینت کرده بود، ممد لمینت^۱ بود فکر کنم که همه هم مسخره‌اش می‌کردن.



یکی هم بود می‌گفت همه هزینه‌ها مال تو باشه، اسمش به عنوان داوود هزینه^۲ معروف شد، خیلی می‌خندیدیم بهشون.

۱ - محمدعلی قادری معروف به مملی لمینت یکی از شاخ‌های اینستاگرام محسوب می‌شود که تعداد زیادی نیز دنبال کننده دارد. علت مشهور شدن وی همان‌گونه که از لقبش پیداست به دلیل نوع دندان‌هایش است.

۲ - داوود غفاری معروف به داوود هزینه، در دهه ۶۰ در تهران متولد شده است و در حال حاضر یکی از شاخ‌های اینستاگرام محسوب می‌شود. این چهره سال‌ها پیش از ایران به ترکیه نقل مکان کرد و حال با زندگی لاکچری‌اش در کشور ترکیه در حال خوش‌گذرانی است. همه شهرت غفاری از کلیپ جنجالی در آغوش یک دختر خانم به نام پرستش عربلو شروع شد که با گفتن جمله (از این به بعد همه هزینه‌ها فقط برا تو می‌شه) شروع شد، این کلیپ در عرض چند روز در تمام اینستاگرام پخش شد.



سحر تبر^۱ هم معروف بود، الآن ولی خبری ازش نیست، دیگه فکر کنم دستگیرش کرده بودن.



- بین دوستان بیشتر درباره‌ی چه مسایل شون بحث می‌شد؟
پست و استوری‌های جدیدشون رو مسخره می‌کردن و هی تیکه کلام‌هاشون رو به هم‌دیگه می‌گفتن، مثلاً همین جمله همه هزینه‌ها ماله تو باشه یا می‌گفتن، چشمم به چشمت اتصالی کرده، خب اگه ویدیو اصلیش رو ندیده باشی، نمی‌فهمی چی می‌گن، دخترا هم همه دوست داشتن لب‌هاشون مثل لب‌های دنیا باشه، حرف خوشگلش بود بیشتر.

- الگوبرداری تون از این افراد در حد تکه کلام ماند یا موارد دیگه‌ای هم بود؟
نه، بیشتر جنبه سرگرمی داشتن برامون، بعضی‌هاشون که هدف‌شون فقط معروفیتیه که هیچ، فقط همین تیکه کلام، اونم برای خنده بود، اما بعضی آدم‌های معروف هستن که توی هر چیزی که مد می‌شه، واقعاً تعیین کننده هستنند، مثلاً به نظرم رنگ موی فانتزی رو خیلی آیلش مد کرد.



۱ - فاطمه خویشوند، معروف به سحر تبر متولد سال ۱۳۸۰ است. او در اواسط مهرماه ۱۳۹۸ بازداشت شد. او طی اعترافاتش عنوان کرد که از کودکی در آرزوی مشهور شدن بوده است و شخصیت کارتونی محبوب وی عروس مردگان بوده است، از همین رو سعی داشت که با شبیه شدن به شخصیت موردعلاقه‌اش، در فضای مجازی به شهرت برسد.

- برای خودت هم پیش اومده که بخوای از افراد مشهور توی مواردی الگوبرداری کنی؟
توی زمینه‌ی استایل آره، مثلاً چند وقت پیش یه رنگ مو جدید از جنیفر لوپز رو دیدم، سیوش کردم برم موهام رو اون رنگی کنم.



- جدا از جنبه‌ی ظاهری، از نظر اخلاقی و رفتاری هم اون‌ها رو الگو قرار می‌دی؟
به نظرم بیش‌تر توی زمینه ظاهر باشه، اخلاقیاتم به نظرم تأثیرش ناخودآگاه باشه، یعنی این جور نیست که خودم بخوام، ولی وقتی یکی رو فالو می‌کنم، بعد یه مدت اخلاقم شبیهش می‌شه.
- می‌شه مثال بزنی؟
جدیداً شیما کاتوزیان^۱ رو فالو کردم، اون برعکس من خیلی حاضر جواب و بی‌تعارف هست، منم داره اخلاقم اون جور می‌شه، راحت‌تر می‌تونم جواب بقیه رو بدم.



- می‌شه یک کم درباره‌ی شیما و محتواهایی که می‌گذاره، توضیح بدی؟
میداد ویدیوهای آرایشی می‌گیره و هر بار درباره یه موضوع حرف می‌زنه، مثلاً یه پست گذاشته بود راه‌های اغواگری و مخ زدن رو یاد می‌داد، خب واقعاً بچه‌ها اون طوری رفتار کنن، مخ طرف‌شون زده می‌شه. یه پست هم گذاشته بود توی یوتیوب و درباره سکس حرف می‌زد، می‌گفت چرا برامون تابو شده، خب بالاخره که باید تجربه کنیم و ازدواج هم اون قدر سخت شده که معلومه طرف به خاطر یه سکس، یه میلیارد خرج عروسی نمی‌کنه.

۱ - شیما کاتوزیان متولد ۱۳۶۷ تهران است. او در حال حاضر یکی از بلاگرهای پرطرفدار ایرانی است. فعالیت او در اینستاگرام در زمینه میکاپ است که در کنار میکاپ به نقل خاطرات شخصی‌اش می‌پردازد.

- این جور محتواها به نظرت درست هست؟
قبول دارم حرفاش علمی نیست و با راه‌کارهای مشاوره‌ی ازدواج حتی تناقض داره، ولی این حرفا واقعیت جامعه است، به نظرم، نه اون حرفایی که روان‌شناسا می‌زنن، البته جسارت نشه به شما (خنده).

- اولین بار از چه طریقی با شیما آشنا شدی؟
دوستام لایکش می‌کردن، توی اکسپلور پستاش برام اومد، منم از روی کنجکاوی دیدم و شناختمش.

- فکر می‌کنی چه چیزی توی شخصیت شیما باعث جذب شما و دوستانت شد؟
لحن تعریف کردن داستانش باحاله و این که باعث می‌شه دیگه حرف آشنا و فامیل برام مهم نباشه، مثل خودش.

- یعنی این تأثیرات رو مثبت برداشت می‌کنی؟
آره خب.

- به نظرت شیما می‌تونه تأثیر منفی هم روی کاربران بگذاره؟
آره، قطعاً می‌تونه، حتی به نظر من یه سری حرفاش مرد ستیزه، خودم به شخصه اون پستاش رو لایک نمی‌کنم، ولی خلیا می‌بینن و روشن تأثیر می‌ذاره.

- یک مورد از محتوای مردستیزانه‌اش رو مثال می‌زنی؟
نه این که قصدی داشته باشه‌ها، می‌خواد از حقوق خانم‌ها دفاع کنه، ولی بعضی موقع‌ها ناخواسته مردها رو می‌کوبه، مثلاً یه بار گفته بود، مردا از پیشرفت خانماشون می‌ترسن، به خاطر همین جلو پیشرفت‌شون رو می‌گیرن.

- توی حرف‌ها ت یک جا گفتی کسانی که فالو می‌کنی، ناخواسته روی اخلاقیات تأثیر می‌گذارن و شبیه‌شون می‌شی، این موضوع چه تأثیری روی کاربریت از اینستاگرام گذاشته؟
باعث شده توی فالو کردن افراد بیش‌تر دقت کنم، مثلاً آدمای کتاب خون رو بیش‌تر فالو می‌کنم که باعث بشن برم سمت کتاب خوندن.

- تا الان تأثیری هم داشته؟
علاقه‌مند که شدم، ولی حس می‌کنم فقط پست‌هاش رو سیو می‌کنم، همتش رو ندارم گوشه رو بذارم کنار، برم پای کتاب.

- روزانه به طور میانگین چند ساعت از گوشی استفاده می‌کنی؟
یه برنامه نصب کردم، تازگیا ساعتش رو نشون می‌ده، کل گشتن توی اینستا و چت کردنم و استفاده‌هام برای درسام، روی هم رفته ۱۳ ساعت می‌شه، می‌گرن هم دارم، بعضی وقتا واقعاً اذیت

می‌شم، یه جور سر درد می‌گیرم که تا نخوابم خوب نمی‌شم، نمی‌دونم چه مرگمه که هم‌چنان توی اکسپلور می‌گردم.

- از این سیزده ساعت، حدوداً چند ساعتش صرف اینستاگرام می‌شه؟
خیلی، تقریباً ۶، ۷ ساعت، بقیه‌اش هم به چت با هم‌کلاسی‌هام می‌گذره.
- یعنی با وجود این که جسمی اذیت می‌شی، باز هم ادامه می‌دی؟
آره، انگار کشش داره، هی می‌گم ۵ دقیقه دیگه، این پستم ببینم می‌خوابم، یهو می‌بینم صبح شده.

- یعنی کاربری از اینستا ساعت خوابت رو هم تغییر داده؟
آخرین باری که شب خوابیدم رو یادم نمیاد، اصلاً انگار عادت کردم، سبک زندگی‌م شده، هر چه قدرم خوابم بیاد، شب خوابم نمی‌بره.
- حدوداً چه ساعتی می‌خوابی؟
میانگین سه و نیم یا ۴ صبح.
- فکر می‌کنی اگه برنامه اینستاگرام رو نداشتی، ساعت خوابت باز هم تغییر می‌کرد یا نه؟
فکر کنم خوابم تنظیم‌تر می‌شد.

جدیداً هم با دوستانم خیلی چت نمی‌کنم، اصلاً حوصله‌شون رو ندارم، بیش‌تر وقتم شبا با گشتن توی اینستا می‌گذره، با دوستانم فقط روزا سر کلاسا چت می‌کنم.
- یعنی به جای این که به درس گوش بدی، چت می‌کنی؟
خب وارد ادوبی کانکت می‌شیم با لپ‌تاپ، هندزفری هم توی گوش‌مونه، از اون طرف توی تلگرام با هم چت می‌کنیم درباره‌ی درس، استاد، همه چی.
- دیگه چه مشکلات جسمی‌ای برات ایجاد کرده؟
خودم که متوجه نشدم، ولی مامانم می‌گه مهره بالایی گردنم زده بیرون، این قدر سرم خم بوده توی گوشی، یه وقتی هم گردن درد می‌گیرم.

- اینستاگرام باعث ایجاد مشکلات جسمی بین دوستان و اطرافیان هم شده؟
سردرد و اینا رو نمی‌دونم، ولی هر کی دور و برمه، شبا خواب نداره، همه شبا آنلاین ان یا فیلم می‌بینن یا توی اینستا می‌گردن الکی.

- توی اینستاگرام می‌گردن، یعنی بیش‌تر مخاطب چه محتوایی هستن؟
متفاوت ان، مثلاً یکی شون همه‌اش پستای غذاها رو می‌فرسته برام، یکی شون فقط پستای فان می‌فرسته، یکی از دوستانم که درسش خوبه هم، لایوهای آموزشی می‌فرسته که بیش‌تر وقتا هم حوصله‌ام نمی‌گیره ببینم.

- چرا حوصله‌ات نمی‌گیره؟

آخه طولانی اند، دوست دارم گوش بدم یه چیزی بهم اضافه بشه، ولی وسطش حوصله‌ام سر می‌ره، کلاً درس همینه دیگه.

- دوست داری ساعت استفاده‌ات از اینستاگرام رو کم کنی یا خودت هم با این روند موافق هستی؟

واقعاً دوست دارم، ولی نمی‌شه، هر روز می‌گم امروز دیگه الکی وقتم رو تلف نمی‌کنم، به درسام می‌رسم، ولی نمی‌شه.

- به نظرت علت نشدنش چی می‌تونه باشه؟

نمی‌دونم، شاید نمی‌خوام از اتفاقاتی که می‌افته، عقب بمونم.

- مثلاً چه اتفاقاتی؟

کلی گفتم، هر خبر و هر چیزی که ترند بشه توی اینستا، سریع میاد.

- مثال می‌زنی؟

مثلاً همین زندگی آدمای معروف، همه‌شون هم بد نیستن، خب دنبال کردن زندگی بعضیاشون می‌تونه مفید هم باشه خب.

- مثلاً چه مزیت‌هایی می‌تونه داشته باشه؟

بعضی از هنرمندا پول جمع می‌کنن برای نیازمندا، از تئاترها و تاریخ کنسرت‌هاشون می‌دارن و این جور چیزا.

- دنبال کردن افراد مشهور توی بستر اینستاگرام جدا از جنبه‌ی سرگرمی، جنبه‌ی آموزشی هم برای خودت یا دوستانت داشته؟

مسلماً از یکی مثل نیلی افشار نمی‌شه چیزی یاد گرفت، ولی بعضیا محتواهای پستاشون باحاله، مثلاً مدگل^۱ یه سری ویدیو به اسم آنسلود درست می‌کنه و توش یه سری فکت و نظریه و تئوری رو می‌گه که جالب هستن یا بعضیا آرایش آموزش می‌دن، اما بقیه فکر نمی‌کنم جنبه‌ی آموزشی داشته باشن.



۱ - مدگل که نام اصلی‌اش آتوسا است، متولد سال ۷۴ در تهران است. فعالیت اصلی او در حوزه موسیقی (رپ) است. جدا از حوزه موسیقی وی در حال حاضر در یوتیوب نیز فعالیت می‌کند. یکی دیگر از علل معروفیت وی رابطه‌اش با جی دال است که او نیز یکی از فعالان حوزه خوانندگی است.

- چه جوری یک دختر ۲۵ ساله می‌تونه تئوری بگه؟
راستش مطمئن نیستم از خودش بگه، چون همیشه اول حرفاش می‌گه یه تئوری هست که می‌گه فلان، وگرنه تا حالا نگفته تئوری‌ها رو از خودم می‌گم.
- پس منبع حرف‌ها و تئوری‌هاش چی هستن؟
منبع نمی‌گه، یعنی تا الان که من نشنیدم برای حرفاش منبع بگه.
- اگه حرف‌هاش اشتباه باشه چی؟
فکر نمی‌کنم حرفاش اشتباه باشه و به کسی ضرر برسونه، فقط زاویه نگاه آدم‌ها رو تغییر می‌ده.
- از کجا متوجه می‌شی حرف‌هاش درسته یا غلط؟
به استدلال‌هایی که میاره دقت می‌کنم، اگه ببینم با عقل جور درمیاد و منطقیه، توی ذهنم نگهش می‌دارم.
- از کجا تشخیص می‌دی دنبال کردن یک آدم می‌تونه مفید باشه یا نه؟
یه‌سریا حاضرین هر کاری انجام بدن تا فالوراشون بره بالا و بتونن تبلیغ کنن، خب معلومه این‌جور آدم‌ها اصلاً مفید نیستن، ولی بعضیا مثل شیما میان یه چیزی بهت یاد می‌دن، شخصیت خودشون رو زیر سوال نمی‌برن، به خاطر فالور و تکلیفشون با خودشون معلومه.
- حاضر هستن هر کاری رو انجام بدن یعنی چی؟
مثلاً یعنی طرف توی لایوش حاضره لخت بشه به خاطر فالور.
- کی همچین کاری کرده؟
ندا یاسی.
- اون رو هم دنبال می‌کردی؟
نه، اون که این‌قدر تابلو بود از همون موقع هم که بچه‌تر بودیم، معلوم بود قصدش چیه، ازش بدم می‌اومد، ولی گاهی یه پست ازش توی اکسپلورم می‌اومد، دورادور متوجه می‌شدم چه کارایی می‌کنه.
- هنوز هم همچین افرادی رو فالو داری یا دنبال‌شون می‌کنی؟
منظورت شاخ‌های مجازیه؟
- بله.
- نه بابا، وقت هدر دادن هست.
- چی شد که به این نتیجه رسیدی؟
خب دیدم چیز مفیدی ازشون یاد نمی‌گیرم.
- دوستان خودت به طور میانگین توی چه بازه زمانی اینستاگرام رو نصب کردن؟
از همون سال هفتم، هشتم بود فکر کنم.

- به نظرت داخل اینستاگرام چه قدر آزادی وجود داره؟
خیلییی زیاد.

- توی چه ابعادی آزادی داره؟

تقریباً توی همه چی، کلاً از زندگی واقعی آدم دستش بازتره.

- خوب این که آدم آزادی زیاد داشته باشه، به نظرت خوبه یا بد؟

به نظرم این خوبه که آزادی فقط توی اینستاگرام نباشه، باید توی دنیای واقعی هم آدم‌ها بتونن خودشون باشن. یکی از فامیلای ما، قبل از عمل تغییر جنسیتش به زور خانواده شوهر کرده بود، بعد نتونست ادامه بده، طلاق گرفت و عمل کرد، اما هنوزم توی خانواده همه نگاهشون به جوریه بهش، اما همین آدم هر جور دلش می‌خواد پست و استوری می‌ذاره، اکثر فامیل رو هم هاید کرده. توی اینستا مثل زندگی واقعی هی یکی نیست که مراقبت باشه و بهت بگه این کار رو کن، اون کار رو کن.

- یعنی فامیل تون خانومی بود که به سمت مردن شدن سوق یافت؟
آره.

- خوب همین که کسی مراقبمون نیست به نظرت باعث افزایش سوءاستفاده‌های اینترنتی نمی‌شه؟

نه، ما نیاز به مراقبت و دخالتشون نداریم، ما به آموزش نیاز داریم، ماها آموزش ندیدیم، به خاطر همین آره، ممکنه کلی هم آسیب ببینیم، اگه بهمون یاد بدن، دیگه آزمون و خطا نمی‌کنیم، آسیب نمی‌بینیم، به جای چک کردن، باید بهمون بگن چه آدمایی خوب ان، اون‌ها رو فالو کنیم و چه آدمایی رو خوب نیست، دنبال کنیم.

- به نظرت این ضعف آموزش از کجا نشأت می‌گیره؟

این که بزرگ‌ترهامون از هر تجربه‌ی جدیدی می‌ترسن و نمی‌ذارن ما هم تجربه کنیم. می‌دونم صلاح خودمون رو می‌خوان، ولی محدودمون می‌کنن، اگه قرار بود محدود کردن جواب باشه، خودشون با اون همه محدودیت به یه جا می‌رسیدن.

- به یک جایی رسیدن رو چی معنی می‌کنی؟

مثلاً رفاه و زندگی خوب و جایگاه اجتماعی مناسب.

- خوب با این تعریف یعنی بزرگ‌ترها این موارد رو توی زندگی خودشون ندارن؟

خب می‌دونی یه قسمت بزرگیش هم دست خودشون نیست، توی کشور ما واقعاً نمی‌شه از صفر به صد رسید، ولی اونا هم همیشه به حداقل راضی بودن، واقعاً روی مخمه این همیشه راضی

بودن شون، هی می گم چرا خودتون رو با پایین تر از خودتون مقایسه می کنید، خب با بالاتر از خودتون مقایسه کنید تا پیشرفت داشته باشید.

- توی اینستاگرام در حال حاضر بیش تر کاربر چه جور محتواهایی هستی؟

پیج کتاب و شعر زیاد فالو کردم، به قدری که هر چی پستای قسمت هوم (رو لایک می کنم، تموم نمی شن، بقیه اش هم توی اکسپلور فیلم آشپزی و غذا می بینم و پیج های مختلف رو چک می کنم، مثلاً مدل های کاشت ناخن رو می بینم.

- فیلم غذا منظورت چی هست؟

فینگرفودها رو یاد می گیرم، غذاها و کافی های مختلف رو می شناسم، می رم بیرون امتحان شون می کنم.



- محتواهایی که الان و چند سال قبل داخل اینستاگرام دنبال می کردی، چه قدر فرق کردن؟ قبلاً خیلی بیش تر دنبال حاشیه ها بودم و بازیکنای پرسپولیس رو دنبال می کردم، خواننده های دیس لاو رو دنبال می کردم، مخصوصاً پست هایی که با آهنگاشون ادیت می خورد، ولی الان فازم خیلی ملوتر شده، بیش تر شعر و کتاب و مسایل اجتماعی رو دنبال می کنم، ولی هنوزم وقتایی که فازم دپ می شه، اون ادیت ها رو می بینم، مخصوصاً موقع پی ام اس خودم که افسرده ام.

- منظورت از حاشیه رو می شه واضح تر توضیح بدی؟

منظورم همون حواشی بازیگرا و شاخای مجازی که توی اکسپلور می اومد، اون طوری کنجکاو می شدم، دنبال کنم ببینم جریان چیه، یادمه مثلاً یه مدت ترلان... و فرشاد... بازیکن... با هم بودن و کلی حاشیه ساخته بودن و می گفتن فرشاد کلی دختر می بره خونه و این چیزا.

- این حاشیه ها چرا جذابیت داشتن؟

خب من طرفدار سفت و سخت پرسپولیس بودم، همه چیش برام مهم بود که مثلاً چه بازیکنایی الان توی ترکیب تیم هستن و چه قدر تیم داره پیشرفت می‌کنه، به خاطر همین تک تک بازیکنان هم برام مهم شده بودن، وقتی آدم یه نفر رو یه مدت تحت نظر می‌گیره، ناخواسته درگیر یه سری مسائلی شون هم می‌شه، مثل همین رابطه‌اش که واقعاً به بازیش ربطی نداشت، ولی برام مهم شده بود.

- دوستان خودت هم حواشی مربوط به سلبریتی‌ها رو دنبال می‌کردن؟
آره، خب توی نوجوونی همه تقریباً این فاز رو دارن، بزرگ‌تری هم نبود که آگاه باشه و بتونه راهنمایی‌مون کنه، چی خوبه، چی بده، فقط محدودمون می‌کردن یا ما رو زیاد ول می‌کردن، ما هم کنجکاو بودیم خب تا تهش رو در نمی‌آوردیم، ول نمی‌کردیم که.

- برای محدود کردن و رها کردن والدین مثال می‌زنی؟
مثلاً یکی از هم‌کلاسیام پدر و مادرش خیلی محدودش می‌کردن و انگار حریص شده بود به این چیزا، اونم با گوشی مادرش، توی اینستا با دو نفر هم‌زمان رل زده بود. از اون طرف یه دختره توی مدرسه‌مون بود، اسمش صبا بود، چند بار استوری‌هاش رو دیده بودم، رسماً از گل کشیدنش با دوستاش استوری می‌داشت. ما هم کسی راهنمایی‌مون نمی‌کرد که چه مدل محتوایی فازمون رو خراب می‌کنه و نباید دنبال کنیم، یه چیز متعادل، حد وسط اینا باید باشه به نظرم.

- به نظرت اون موقع از اینستاگرام استفاده مفیدتری می‌کردی یا الان؟
قطعاً الان مفیدتر باید باشه، اون موقع حالم رو خراب می‌کردن اون آهنگا، کلاً آهنگای دیس‌لاو^۱ این مدلی اند که ناراحت‌کننده نباشی، یاد همه بدبختی‌ها می‌افتی، حس می‌کردم خودم رو این قدر با آهنگا و خواننده‌های دیس‌لاو خفه کردم که عصبی و افسرده شده بودم، ولی اون قسمتی که بازیکنای مورد علاقه خودم رو دنبال می‌کردم، همچین تأثیر بدی نداشت.
- در ارتباط با خواننده‌های دیس‌لاو می‌شه چند مورد مثال بزنی؟
مثلاً خلسه، ارشاد.



۱ - موسیقی دیس‌لاو که معنای فارسی آن ضد عشق است، یکی از زیر شاخه‌های رپ محسوب می‌شود. زمینه‌های این سبک حول مسائلی خیانت، تنفر، خودزنی، تیغ زنی، رگ زدن، خودکشی و یا حتی قتل است. حتی سبک خواندن دیس‌لاو هم فرق دارد و بیش‌تر با حالت فریاد و بغض و احساس خوانده می‌شود.

- چی شد که کاربریت از اینستاگرام تغییر کرد؟
- جوّ دوستانم عوض شد، من کلاً آدم تأثیرپذیری‌ام، وقتی دیدم اون فضا من رو افسرده می‌کرد و باعث می‌شد توی خودم باشم و همه‌اش با بابام دعوا کنم، به تدریج جوّ دوستانم رو عوض کردم و کم‌کم از این فضا دراومدم.
- اون اوایل کاربری آموزشی هم از اینستاگرام داشتی؟
- اون موقع نه واقعاً، چون دنبال یاد گرفتن چیزی از اینستاگرام نبودم، ولی الآن هر چی بخوام یاد بگیرم، سرچ می‌کنم توی اینستا حتماً آموزش هست.
- مثلاً چه چیزهایی رو جست‌وجو می‌کنی؟
- مثلاً وقتایی که می‌خوام پاور درست کنم، توی اینستا سرچ می‌کنم، از اون‌جا عکس برمی‌دارم.
- اون اوایل کاربری درسی هم از اینستاگرام داشتی؟
- من وقتی می‌اومدم خونه تا مجبور نمی‌شدم، درس نمی‌خوندم، چه برسه به این که توی اینستا موقع اوقات فراغتم دنبالش باشم، سال کنکور فقط چندتا پیج فالو کردم.
- سال کنکورت اینستاگرام چه طور به شما کمک کرد؟
- گفتم که خیلی آدم تأثیرپذیری‌ام، توی سال کنکور، این پیجای انگیزشی رسماً جوّ گیرم می‌کردن که درس بخونم، بعد یه پیج هم بود چالش سحرخیزی می‌داشت و شباً هم توی استوری تست لغت و کلاً روتین شبانه می‌داشت و استوریاش رو می‌خوندم.

با ما سحرخیز شوید!

گروه رایگان چالش سحرخیزی



www.angizeshplus.com

ساعت خواب و بیدار شدن افراد موفق جهان

ردیف	نام	سمت	ساعت خواب	ساعت بیداری
۱	تیم کوک	مدیر عامل اپل	۹:۳۰ شب	۴:۳۰ صبح
۲	ریچارد برانسون	موسس گروه برجین	۱۲ شب	۵-۶ صبح
۳	بیل گیتس	موسس مایکروسافت	۱۲ شب	۷ صبح
۴	ایندار نوئی	مدیر عامل پپسی	۱۱ شب	۴ صبح
۵	آریانا هافینگتون	موسس هافینگتون پست	۱۰ شب	۵ صبح
۶	جک دورسی	موسس توییتر	۱۰:۳۰ شب	۵:۳۰ صبح
۷	تیم آرمسترانگ	مدیر عامل AOL	۱۱ شب	۵ صبح
۸	ماريسا مير	مدیر عامل یاهو	۱۲ شب	۴-۶ صبح
۹	هلنا موریسی	مدیر عامل گروه سرمایه‌گذاری نیوتن	۱۱ شب	۵ صبح
۱۰	جف بزوس	مدیر عامل آمازون	۱۰ شب	۵ صبح
۱۱	الون ماسک	مدیر عامل تسلا موتور	۱ نیمه شب	۷ صبح

- دوستان هم از اینستاگرام کاربری درسی داشتن؟
خب اون پیجا فالوراشون زیاد بود، دوستای منم احتمالاً دنبال می‌کردن، می‌دیدم لایک می‌کردن بعضیاش رو، ولی این اکادمی‌ای که من داشتم هیچ کدوم نداشتن.
- از نظر اطلاعات عمومی، اینستاگرام چه قدر توی زندگیت تأثیر گذار بوده؟
خب اینستا باعث می‌شه هر اتفاقی که می‌افته، از خبرگزاری‌ها و پیج‌های خبری، زود بفهمم و کلاً اطلاعاتم درباره‌ی کتاب‌ها و نویسنده‌ها هم بالا رفته، چون خیلی دنبال‌شون می‌کنم توی اینستاگرام، کلاً توی اینستا هر چی بخوای پیدا می‌شه، بستگی به خود آدم داره که دنبال چی بگرده، ولی خب محتوای منفیش هم توی اکسپلور زیاده و آدم رو کنجکاو می‌کنه.
- اول بگو از کجا صحت اخبار اینستاگرام رو می‌سنجی؟
آخه می‌بینم مثلاً یه خبر رو پیج‌های زیادی گذاشتن، اکثراً هم فالوراشون زیاده، فکر نمی‌کنم ریسک کنن که فالوراشون ریزش کنه.
- خوب به نظرت امکان نداره یک خبر کذب وایرال بشه؟
احتمالش که صفر نیست، خب چون به نظرم تبعات پخش کردن یه خبر دروغ توی اینستا، خیلی زیاد نیست، تهش قراره پیجت بسته شه یا پستت حذف شه، بعدشم منتشر کردن خبر خیلی راحت، هر کسی دسترسی به پست گذاشتن داره خب.
- به نظرت این میزان دسترسی، تبعات مثبتی به جا می‌گذاره یا منفی؟
به نظرم خیلی خوبه این جواری، ولی به شرطی که قبلش آموزش بدن و فرهنگ‌سازی کنن.
- چه کسی فرهنگ‌سازی کنه؟
خب همه، چه معلم‌ها، چه والدین، چه مسوولین.
- در کل به نظرت محتوای منفی توی اینستاگرام بیش‌تر هست یا مثبت؟
به نظرم الان منفی‌هاش کم‌تر شده نسبت به قبل، چون خود اینستاگرام کلاً حساسیتش روی پستا بیش‌تر شده، پست‌هایی که ضدقوانینش باشه رو حذف می‌کنه.
- نظرت درباره‌ی حذف پست‌های سردار سلیمانی توی اینستاگرام چی هست؟
خب من از یه جاهایی شنیدم که خود قاسم سلیمانی تروریسته، می‌گن اسلحه می‌ده به حزب الله لبنان، حالا من درست و غلطش رو نمی‌دونم، ولی رسانه‌های خارجی و آمریکایی این جواری می‌گن و پست گذاشتن برای یه تروریست خارج از قوانینه اینستاگرامه، به خاطر همین راحت پاکش می‌کنن.
- از کجاها شنیدی؟
از ماهواره.
- تعریف از محتوای منفی چی هست؟

منفی که طیف گسترده‌ای دارد، اینستاگرام بیش‌تر میاد محتوای جنسی و خشونت رو حذف می‌کنه، تازه اونم بعضیاشون رو فقط، ولی یه سری پست‌های دیگه هم هستن که لزوماً جنسی هم نیستن، ولی تأثیر منفی زیادی دارن، اما خب این دسته رو اینستا حذف نمی‌کنه.

- می‌شه مثال بزنی؟

مثلاً همون چیزایی که قبلاً روی خودم تأثیر بد می‌داشت و باعث حال خرابیم می‌شد، من اولین بار که سیگار کشیدم، تکست نوشته‌های دپ با عکسای سیگار رو توی اینستا می‌دیدم، بعد همه‌اش می‌نوشت که آدما درداشون رو با تعداد سیگارایی که می‌کشن نشون می‌دن، من فکر می‌کردم سیگار باعث آرامش می‌شه، منم که فازم دپ بود، یکی از سیگارای بابام رو یواشکی برداشتم، یه روز که خونه تنها شدم، کشیدم.

- همون یک بار بود یا ادامه دادی؟

یه چند بار دیگه هم کشیدم، ولی خیلی کم.

- خانواده‌ات در جریان هستن؟

معلومه که نه.

- اولین بار که سیگار کشیدی چند سالت بود؟

کلاس نهم بودم.

- چه قدر اینستاگرام رو توی این قضیه مؤثر می‌دونی؟

خب چون بابام سیگار می‌کشه، احتمالش زیاد بود که منم بکشم، ولی وقتی بچه‌تر بودم، مامانم همه‌اش به بابام ایراد می‌گرفت، می‌گفت نکش خوب نیست، منم بدم می‌اومد از سیگار، ولی وقتی اون عکسا رو می‌دیدم و اون تکست‌ها رو می‌خوندم، کنجکاو شدم زودتر امتحانش کنم.

- دوستانت هم تحت تأثیر اینستاگرام سیگار رو امتحان کردن؟

دوستامم می‌کشن اکثراً یا حداقل یه بار امتحانش کردن، ولی از حرفاشون حس می‌کنم، به خاطر فیلم‌های تینیجری‌ای بود که بیش‌تر می‌دیدن، اینستا فکر نکنم تأثیر خاصی گذاشته باشه.

- فیلم تینیجری یعنی چی؟

مثلاً همین فیلم‌هایی که درباره‌ی چندتا بچه دبیرستانی و دختر و پسر اکیپ می‌شن، رابطه برقرار می‌کنن، سیگار می‌کشن، درینک می‌زنن و پارتی می‌گیرن، چون ایرانیا همچین چیزایی رو ندارن و براشون خیلی خاص و بزرگ جلوه می‌کنه، فیلماشون رو زیاد می‌بینن.

- به نظرت اینستاگرام هم تونسته روی مصرف مشروبات الکلی تأثیر بگذاره؟

حتماً، اونم مثل سیگار این قدر عکس و فیلم ازش توی اینستا پست و استوری می‌کنن که اونی که تا حالا نخورده، این حس بهش منتقل می‌شه که یه چیزی کم داره، البته مشروبم یه کم اینستا تأثیر داشته، یه کمم همین فیلم‌های تینیجری.

- خودت هم الکل رو امتحان کردی؟

هنوز نه، ولی خیلی دوست دارم امتحان کنم ببینم مزه‌اش چه جوریه، شنیدم تلخ و خنک باید باشه.

- به نظرت اینستاگرام می‌تونه روی محیط زیست تأثیر بگذاره؟
آره خب.

- می‌شه توضیح بدی چه تأثیری؟

مثلاً باعث شده حواس مون رو بیش‌تر جمع کنیم، به گردش‌گری علاقه‌مند بشیم، بعضیا هم حتی اکیپ می‌شن می‌رن زباله جمع می‌کنن در طبیعت.

- خودت هم فعالیتت توی این زمینه داشتی؟

آره، یه بار خواهر دوستم استوری گذاشت، گفت می‌خوایم بریم دربند زباله جمع کنیم، باهاشون رفتم، خیلی خوب بود و وقتی توی یه ذره جا، نزدیک ده‌تا کیسه زباله جمع کردیم، تازه عمق فاجعه رو فهمیدم.

- یعنی اون یک جلسه که رفتی بیرون، روی رفتارت با محیط زیست تأثیر گذاشت؟

کلاً از طریق اینستا و پستاش مخصوصاً پست‌های این آدم، توجهم جلب شده بود تا حدودی، ولی فکرم خیلی مشغولش نشده بود، اون روزم خیلی به فکر طبیعت نبودم، راستش فقط رفته بودم که با دوستانم باشم، گفتم حالا دوتا تیکه آشغال جمع می‌کنیم، ولی وقتی رفتیم اون‌جا، همه چی جدی شد و فهمیدم وضعیت محیط زیست مون و فرهنگ مردم چه قدر بد شده.

- محدوده توجهت به محیط زیست توی اینستاگرام محدود به همون پیج موند یا سراغ پیج‌های مرتبط هم رفتی؟

تا قبل از این که برم برای زباله جمع کردن، نه، فقط همون یه پیج بود، ولی از وقتی برگشتیم، چندتا پیج سرچ کردم توی اینستا و فالوشون کردم.

- هنوز هم توی کمپین‌های محیط زیستی شرکت می‌کنی یا همون یک بار بود؟

توی کمپین‌های این پیج‌های جدیدی که فالو کردم، نه، شرکت نمی‌کنم، ولی بعضی وقتا می‌رم هنوزم با خواهر دوستم، چون می‌شناسیمش بالاخره.

- خودت هم توی پیجت جهت تبلیغ این جور فعالیت‌ها اقدام می‌کنی؟

من کلاً این‌جوری‌ام که یه چیزی بره روی مخم، مسأله اجتماعی باشه یا هر چی که وایرال بشه، استوری می‌ذارم، کلی هم درباره‌اش حرف می‌زنم، نمی‌تونم چیزی نگم، توی جامعه که نمی‌تونم حرفی بزنم، حداقل توی اینستاگرام یه چیزی گفته باشم.

- یک مثال درباره‌ی اقدام محیط زیستی خودت داخل اینستاگرام می‌زنی؟

- درباره یه خانمی بود که توی پارک قیطریه به گربه‌ها غذا می‌داد.
- داخل اینستاگرام پیج دیگه‌ای هم داری؟
- الآن ندارم، ولی قبلاً داشتم یه پیجی که اصلاً فالور نداشت، فقط بعضیا رو فالو کرده بودم.
- ازش چه استفاده‌ای می‌کردی؟
- بعضیا رو که با پیج اصلیم نمی‌تونستم فالو کنم رو فالو می‌کردم و بعد یه مدتم آنفالو می‌کردم، فقط برای این بود که ببینم اون آدم چه پست و استوری‌هایی می‌ذاره.
- مثال می‌زنی؟
- از آدمایی که دنبال می‌کردم؟
- بله.
- مثلاً دوست پسر دوستم رو بعد کات کردن شون، با اون پیج فالو کرده بودم، ببینم چه کار می‌کنه.
- می‌شه بپرسم چرا این کار رو می‌کردی؟
- برام جالب بود بدونم، بعد دوستم حالش خوبه یا بد، یا اصلاً پای دختر دیگه‌ای وسطه یا نه.
- با اون پیج پست و استوری هم می‌گذاشتی؟
- نه، فقط یه عکس پروفایل گذاشته بودم از یه دختری که صورتش هم معلوم نبود و چندتا آنالاین شاپ و پیج معروف هم فالو کرده بودم، برای این که تابلو نشه پیج فیکه، آی‌دی من هم ساره بود با چندتا عدد.
- این صفحه قلبی دیگه چه استفاده‌هایی برات داشت؟
- شده بود با دوستان دور هم جمع بشیم، یه نفر رو ایسگاه کنیم، بیش‌تر هم دوست پسرشون بودن که یا می‌خواستن امتحان شون کنن یا اذیت کنن اکس شون (دوست پسر سابق خودشان) رو، بعضی وقتا هم یوزر و پسورد پیجم رو می‌دادم، خودشون به طرف پیام بدن.
- دوستان خودشون پیج فیک نداشتن؟
- اکثراً نه، تک و توک داشتیم.
- اون دسته از دوستان که داشتن چه استفاده‌هایی ازش می‌کردن؟
- اونا هم مثل من.
- هدف‌تون از این کارها چی بود؟
- نمی‌دونم، خب خوش می‌گذشت دیگه، می‌خندیدیم، گر چه الآن به نظرم خیلی تباه بودیم اون موقع، اما خب در اون شرایط فکر می‌کردیم خیلی هم کار کول و بامزه‌ایه.
- توی اون دوران، هیجان دیگه‌ای نداشتین؟

بین کلاً درست‌ه که الانم سنم زیاد نیست، اما خیلی عاقل‌تر از اون موقع‌هام هستم، مثلاً توی اون سال‌ها فقط دنبال این بودم که یه جوری بهم خوش بگذره، اصلاً هم به عاقبتش فکر نمی‌کردم، ولی الان اوضاع خیلی فرق کرده، سعی می‌کنم کم‌تر دنبال کارایی برم که ممکنه بعدش به فنا برم.

- می‌شه برای من مثال بزنی؟

یکیش که خب همون ایسگاه کردن بود که فقط محدود به اینستا و فضای مجازی نبود، مثلاً روی دست و پامون خط می‌انداختیم، سیگار می‌بردیم مدرسه یا سر کلاس از معلم استوری می‌گرفتیم، مسخره‌اش می‌کردیم. مثلاً یه بار دبیر ریاضی مون توی پاییز یه بارونی پوشیده بود، پایین لباسش چندتا برگ کشیده شده بود، وقتی این بنده خدا برمی‌گشت یه فرمولی چیزی روی تخته بنویسه ما از مانتوش عکس گرفتیم توی اینستا، استوریش کردیم، زیرش هم نوشتیم، وقتی درصدهای ریاضی قلم‌چی مون رو به دبیر ریاضی می‌گیم و برگاش می‌ریزه (خنده).

- منظورت از به فنا رفتن چی هست؟

کارایی که خطر داشته باشه و همه‌اش نگران واکنش دیگران باشم.

- چرا سراغ هیجان‌های مثبت نمی‌رفتن؟

اگه مثبت باشه که دیگه هیجان نداره.

- تعریف از هیجان چی هست؟

یه کاری که عجیب باشه، تا حالا انجامش نداده باشی، فان باشه، اصولاً هر چه قدر دوز خطر یه کار بالاتر بره، هیجانش هم بیش‌تر می‌شه.

- یک جا از حرف‌هات گفتم دیگه دنبال کارهای خطرناک نیستی، چه اتفاقی افتاد تا نظرت تغییر کرد؟

کلاً الان نگرشم به زندگی اینه که فرصت ندارم هر چیز مزخرفی رو امتحان کنم، باید سعی کنم به بهترین شکل از وقتم استفاده کنم، ولی اون موقع می‌گفتم من که قراره فقط یه بار زندگی کنم، پس سعی کنم توی همین یه بار همه چیز رو امتحان کنم.

- به نظرت اینستاگرام روی تغییر نظرت اثر داشته؟

فکر می‌کنم رو اصل نظرم تأثیرگذار نبوده، ولی کمک کننده، چرا بوده.

- می‌شه بیش‌تر توضیح بدی؟

خب مثلاً وقتی دوستانم عوض شدن، باعث شد تفکرم تغییر کنه، توی همین راستا اومدم برای این که به خودم کمک کنم، برای تغییر مثبت، کلاً پیج‌هایی که توی اینستا فالو داشتیم رو یه دور آنفالو کردم و کلی پیج مثبت، به جاش فالو کردم.

- چه جوری دوستان عوض شدن؟

از وقتی دانشگاه اومدم منظورمه.

- کسی از طریق اینستاگرام سر به سرت گذاشته یا مزاحمت بشه؟

یه بار تجربه تهدید شدن رو داشتم.

- اگه اذیت نمی‌شی، می‌شه توضیحش بدی؟

دوست پسر دوستم بهش خیانت کرده بود، با یه دختر دیگه استوری گذاشته بود، یادش رفته بود من رو هاید کنه، ولی دوستم که رلش بود، هاید بود، منم خبر نداشتم، رفتم با دوستم کلی راجع بهش حرف زدیم و رابطه‌شون بهم خورد. پسر پیام داد، یه سری چرت و پرت گفت که پدرت رو درمیارم جایی ببینمت و این چیزا که هیچ وقتم عملیش نکرد، منم فقط بلاکش کردم.

- داخل اینستاگرام عکس‌های خودت رو هم منتشر می‌کنی؟

آره، پروفایلم که عکس خودمه، البته با یه کم فیلتر، پست هم ندارم اصلاً، ولی توی استوریام بعضی وقتا از خودمم عکس می‌ذارم.

- چرا از فیلتر برای عکس گرفتن استفاده می‌کنی؟

خب این روزا دیگه همه عکساشون رو با فیلتر می‌اندازن و علناً دوربین ساده‌ی گوشی، خیلی به کار نمیاره. فیلتر رنگ پوست رو تغییر می‌ده، جوش و لک روی صورت رو می‌پوشونه، مژه اضافه می‌کنه، کلاً می‌کوبه از نو می‌سازه (خنده).

- خوب مگه ظاهر معمولی افراد چه ایرادی داره؟

ایراد که زیاده، هر کسی هر چه قدر هم خوشگل باشه، یکی دوتا ایراد توی صورتش پیدا می‌شه، فیلتر هم همین ایرادا رو برطرف می‌کنه، خب کی از خوشگلی بدش میاد؟

- خوب به نظرت استفاده از فیلتر یک جورهایی فریب‌کاری نیست؟

خب چرا، ولی وقتی همه این کار رو می‌کنن، عیبی نداره.

- خوب یعنی شما می‌گی یک کار اشتباه رو اگه همه انجام بدن، دیگه اشتباه نیست؟

اشتباه هست، ولی دیگه کسی پاک نمونده که تفاوتی بین مردم بشه گذاشت، تو همه رو با یه چشم می‌بینی، انگار دوباره همه صفر می‌شن.

- به نظرت چرا طی چند سال اخیر استفاده از فیلتر این‌قدر زیاد شده؟

خب هنرمندا و کلاً آدم‌های پول‌دار یا می‌رفتن آتلیه و با کلی فتوشاپ عکس می‌گرفتن یا عمل جراحی می‌کردن، خب همه که پول این کارا رو ندارن، اکثر اپلیکیشن‌هایی که فیلتر اضافه می‌کنن هم رایگان هستن، بدون این که لازم باشه پول خرج کنی، عکس خوب می‌گیری، این طوری اعتماد به نفس آدم هم بالا می‌ره.

- می‌شه بپرسم حجاب داخل عکس‌هایی که می‌گذاری در چه حد هست؟

توی اکثر عکسام حجاب ندارم، ولی در کل هم اعتقادی به حجاب ندارم، همیشه هم سر این موضوع با خانواده‌ام بحث دارم، سر این که وقتی مهمون میاد، هر چه قدر هم غریبه باشه، من نمی‌خوام روسری سرم کنم، ولی اونا به زور سرم می‌کنن، گر چه به این که موهام از روسری بیرون باشه کاری ندارن، همین که یه چیزی سرم کنم براشون بسه.

- پس یعنی در ارتباط با عکس‌هایی که از خودت توی فضای مجازی می‌گذاری هم با خانواده‌ات بحث‌تون می‌شه؟

وقتیایی که می‌خوام عکس بی حجاب از خودم استوری بذارم، مامانم رو هاید می‌کنم، اصلاً نمی‌ذارم بفهمه.

- این کار به شما حس بدی منتقل نمی‌کنه؟

تنها حسیی که این جور وقتا دارم، اینه که حسرت می‌خورم چرا خانواده‌ام این قدر الکی سخت‌گیری می‌کنن، نمی‌ذارن واسه خودم زندگی کنم، با این که دیگه داره بیست سالم می‌شه، ولی مجبورم با عقاید اونا زندگی کنم.

- از اول نسبت به حجاب این نگاه رو داشتی؟

نه، خب من اوایل نسبتاً با حجاب بودم، تازه به سن تکلیف رسیده بودم، جوّ گیر بودم کلاً، همه‌اش حجاب می‌گرفتم، حتی پسرخاله‌هام اون اوایل من رو می‌دیدن، مسخره‌ام می‌کردن و هی می‌گفتن چه یهو خانوم جلسه‌ای شده واسه ما، اما کم‌کم عوض شدم.

- به نظرت اینستاگرام روی اعتقادات نسبت به حجاب تأثیرگذار بوده؟
مطمئناً بی تأثیر نبوده.

- چه جوری تونست تأثیر بگذاره؟

خب می‌دیدم که دخترا و پسرا با هم دوستن، فارغ از محرم و نامحرم و این چیزای مسخره، با هم می‌رن بیرون خوش می‌گذرونن، گفتم خب چرا الکی خودم رو اذیت کنم، وقتی همه پسرا لزوماً نگاه‌شون به آدم بد نیست و می‌تونیم خیلی خوب با هم باشیم.

- مگه قبلاً چه جوری فکر می‌کردی؟

خب از بچگی بهمون یاد دادن، جنس مخالف کلاً نامحرمه و نباید اصلاً بری سمتش، نباید حتی کوچیک‌ترین تاچی داشته باشید، نباید بذاری کوچیک‌ترین قسمت از بدن یا موها رو ببینه، خب اگه هر دختری بخواد واقعاً به این مسایل پایبند باشه، فقط می‌تونه کنار برادر یا شوهرش خوش بگذرونه، خب چرا آدم باید خودش رو محدود کنه، وقتی می‌شه بدون نگاه جنسیتی با آدم‌ها رفتار کرد.

- چند دقیقه قبل گفتی متوجه شدی که همه‌ی مردها نگاهشون به شما بد نیست، یعنی این تغییر نگاهت نسبت به جنس مخالف هم ناشی از اینستاگرام بوده؟

اینم باز نمی‌تونم بگم صد در صد به خاطر اینستا بوده، ولی خب تأثیر خودش رو داشته فکر کنم.

- می‌شه اون میزانی که تحت تأثیر اینستاگرام بوده رو توضیح بدی؟

مثلاً چند نفری توی مدرسه‌مون بودن که از هفت دولت آزاد بودن، هر کاری که بگی می‌کردن، خانواده‌هاشون هم کاری به کارشون نداشتن، خب من با اینا صمیمی نبودم که بخوام توی مدرسه، خیلی با هم حرف بزنیم و این شکلی اون روند تأثیرگذاری شکل بگیره، اینا هر وقت هر کاری می‌کردن، استوری می‌داشتن و من به چشم می‌دیدم چه قدر راحت ان، خب حسرت می‌خوردم یه ذره که چرا من نمی‌تونم، این جور چیزا رو امتحان کنم، چرا من این قدر آزادی ندارم.

- چند مورد از کارهایی که می‌گی انجام می‌دادن رو می‌شه مثال بزنی؟

مثلاً اون موقع که هیچ کس موهاش رو رنگ نمی‌کرد، این چند نفر می‌رفتن موهاشون رو رنگای فانتزی می‌داشتن، مثلاً بنفش و آبی و این جور چیزا یا مثلاً یک نصفه شب لایو می‌داشتن توی پارتی که با چند نفر دیگه، چه زن، چه مرد، راحت نشستن دارن مشروب می‌خورن یا مثلاً سیگار می‌آوردن توی مدرسه، یواشکی ته حیاط می‌کشیدن، خب ما هم که هم کلاسی شون بودیم، نمی‌فهمیدیم، بعداً که می‌رسیدیم خونه و نت روشن می‌کردیم، می‌دیدیم از سیگار و حیاط مدرسه بومرنگ گرفتن برای اینستا.

- خوب این مثال‌هایی که زدی به نظر خودت خوبه انجامشون یا نه؟

می‌دونم خوب نیست، ولی خب آدم توی یه سنی همه‌اش دوست داره چیزهای جدید رو تجربه کنه.

- الان می‌دونی خوب نیست یا همون سالی که این‌ها رو می‌دید و گفتی حسرت می‌خوردی

هم می‌دونستی خوب نیست؟

اون موقع هم می‌دونستم خوب نیست، ولی خب تجربه جدید رو دوست داشتم.

- یعنی دوست داشتی هیجان رو تجربه کنی با این که می‌دونستی ممکنه توی اون مسیر آسیب

بینی؟

آره خب، من اون موقع فکر می‌کردم حتی اگه آسیب بینم هم، باز یه جور دیگه از ارضای هیجانه، مثلاً وقتی برای اولین بار اومدم روی دستم خط بندازم، دوستم گفت نکن این کار رو، تو بلد نیستی، اشتباهی عمیق می‌زنی رگت رو و می‌میری، بعد من فکر می‌کردم فوقش اگه عمیق هم بزنم، دو روز بیمارستان بستری می‌شم، تهش اوکیه، باز اصلاً به مرگ واقعی فکر نمی‌کردم یا وقتی می‌دیدم

بقیه رفتن پارتی، فکر می‌کردم فوقش خطر این‌جور مراسم‌ها اینه که یه مردی بهت تیکه بندازه یا مشروب زیاد بخوری، حالت بد شه، الآن فهمیدم که ممکنه توی همین مراسم‌ها کلی به دخترا تجاوز بشه و بهشون مواد تزریق کنن به زور.

- اینستاگرام روی نگاه دوستان به مقوله‌ی اعتقادات هم تأثیر داشته؟

آره، روی اونا حتی بیش‌تر هم تأثیر داشته، مخصوصاً اونایی که خانواده‌های مذهبی‌ای دارن، انگار تا هجده، نوزده سالگی به یه آدم کلی مسایل دینی بخورونن، بعد یهو کلاً اون طرف رو ببرن توی یه دنیای دیگه‌ای که هیچ حد و مرزی نداره، ولش کنن، کلاً من می‌گم خانواده توی هر چی سخت بگیره، بچه از اون چیز زده می‌شه.

- مثلاً چه کارهایی می‌کنن که به نظر شما تغییر زیادی محسوب می‌شه؟

مثلاً یکی از دوستان خودش کلاً هیچ اعتقادی به حجاب و خدا پیغمبر نداره، اون یه ذره اعتقادی که چند سال پیش به دین داشت هم پر، مثلاً توی خونه که مامانش اینا ازش می‌پرسن، نماز خونده یا نه، الکی چادر سرش می‌کنه، دو بار خم و راست می‌شه، بدون این که ذکری بگه، تهشم می‌گه خوندم، یا توی ماه رمضونا کلی خوراکی نگه می‌داره توی کمدهش، به هوای این که می‌خواد درس بخونه، در اتاقش رو قفل می‌کنه و شروع می‌کنه به خوردن یا وقتی می‌خوایم بریم بیرون، می‌رم دنبالش می‌بینم با یه تیپ معمولی اومده، ولی تا دوتا کوچه دور می‌شیم، پاچه‌های شلوارش رو تا می‌زنه تا مثل شلوار قد نود بشه یا دکمه‌های مانتوش رو باز می‌کنه، بشه مانتو جلو باز، شالش رو می‌بره عقب‌تر، این قضیه هم فقط مربوط به این دوستم نیست، الآن همه هم‌سن و سال‌هام یکی دوتا کار مخفی دور از چشم خانواده‌شون انجام می‌دن، فقط هر چه قدر خانواده سخت‌گیرتر باشه، تعداد این کارا بیش‌تر می‌شه.

- یعنی شما خودت هم کار مخفی‌ای دور از نگاه خانواده‌ات انجام می‌دی؟

آره خب، یه بار دوست پسر دوستم، گل رول کرد داد، منم یه پک زدم، ولی خانواده‌ام فکر می‌کنن من اصلاً نمی‌دونم گل چیه.

- از نظر انجام واجبات الهی هم تغییر کردی؟

من از اول هم نماز نمی‌خوندم، روزه هم نمی‌گرفتم، الآن هم همونم، فقط فرقش اینه که اون موقع عذاب وجدان می‌گرفتم، الآن بدون عذاب وجدان زندگی می‌کنم.

- چرا دیگه عذاب وجدان نمی‌گیری؟

چون اصلاً دیگه به اون دنیا اعتقادی ندارم.

- چه مواردی از اینستاگرام باعث تغییر طرز فکر توی این چند سال شده؟

اینستا یه سری سوال و فکت برام میاره که خودمم تا قبل از اون بهش فکر نکرده بودم. مثلاً چند وقت پیش یه پست می‌خوندم، یادم نیس از یه دانشمندی بود فکر کنم، می‌گفتش که توی این دوره که همه چیز از طریق علم اثبات می‌شه، چرا هیچ دلیل علمی‌ای، نمی‌تونه وجود جهان آخرت رو اثبات کنه، خب مثلاً من تا قبل این که این سوال رو بخونم، اصلاً فکر نکرده بودم که اثبات علمی‌ای برای مسایل دینی وجود داره یا نه، ولی همین سوال باعث شد بشینم فکر کنم و به عنوان یه مسلمون، نتونم به این سوال جواب بدم.

- دنبال اثبات علمی همین موضوع رفتی؟

فکر کردم خودم، از مامان و بابام هم پرسیدم، ولی نه خودم، نه اونا نتونستن جوابم رو بدن، چون توی ذهنم هم حرف اون دانشمند منطقی به نظر اومد، دیگه به همون قدر بسنده کردم، نرفتم بیش‌تر دنبالش.

- خوب تاحالا به این فکر کردی که قلمرو دین ماورای ماده است و نمی‌شه به صورت علمی اثباتش کرد؟

به نظر من چیزی که به صورت علمی اثبات نشه، دیگه دین نیست، خرافاته.

- چرا همچین طرز فکری داری؟

چون ما خیلی از تصمیمات خودمون رو بر اساس دینی که داریم می‌گیریم که همه‌شون هم مادی هستن و زندگی‌مون رو تحت تأثیر قرار می‌دن، پس من نمی‌تونم بر اساس یه چیز غیرمادی و بی‌پایه و اساس زندگیم رو جلو ببرم، تهش هم هیچ دلیلی به جز تعصب براش نداشته باشم.

- پس پست‌ها و کلاً محتوای دینی رو از طریق اینستاگرام دنبال نمی‌کنی؟

معلومه که نه، جز این که وقت آدم تلف شه هیچ سودی نداره، این پستی رو هم که گفتم، من جزو پست‌های دینی حساب نمی‌کنم، بیش‌تر علمی بود، اونم توی اکسپلور اتفاقی به چشمم خورد.

- چرا فکر می‌کنی وقت تلف کردن و بیهوده هست، مگه معتقد نیستی که انسان به یک منبع

اعتقادی نیاز داره؟

اصلاً این طور نیست، دین خرافاته که آدم‌های بالاتر به وجودش آوردن، برای ما قشر پایین‌تر تا

سرمون رو گرم کنن، خودشون پول دربیارن و خوش باشن.

- منظورت از آدم‌های بالاتر چی هست؟

همون مسوولینی که مثلاً انقلاب کردن تا دین رو قاطی سیاست کنن.

- نظرت درباره‌ی خودکشی جوانان سوئدی چی هست، اون‌ها که دین ندارن؟

خب هر کسی یه دلیلی واسه خودکشی داره، راستش من چیز خاصی درباره‌ی اونا نمی‌دونم، ولی بیش‌تر خودکشی‌های دنیا یا به خاطر فقدان معناست یا اوضاع مالی، شاید سوئدی‌ها جز دسته دوم باشن یا حتی اگه جز دسته اول هم باشن، شاید راهشون رو درست نرفتن، چون من خودم به شخصه

تصمیم گرفتم دیگه دین نداشته باشم، ولی از وقتی این تصمیم رو گرفتم تا الان، احساس خلاء یا کمبودی نداشتم.

- این که احساس کمبود نکردی، به خاطر این نیست که کم‌تر درباره‌ی مسایل بنیادی تعمق و تفکر می‌کنی؟

نمی‌دونم، الان چیزی به ذهنم نمی‌رسه.

- دوستان هم مثل خودت فکر می‌کنن؟

نه، بعضیاشون الان متمایل شدن به دین‌های زرتشت و مسیحیت، حتی خنده‌داره واقعاً، یکی از دوستانم رو آورده سمت شیطان پرستی و بیو تلگرامش نوشته ۶۶۶ که این عدد شیطان پرستاست، کلاً همه فقط می‌خوان از اسلام فرار کنن انگار، این که بعدش سراغ چی برن، خیلی مهم نیست، منم که کلاً دین رو گذاشتم کنار.

- تأثیر اینستاگرام روی متمایل شدن نوجوان‌ها به سمت دین‌های مختلف رو می‌شه توضیح بدی؟
یه نمونه ساده‌اش اینه که خیلی از سلبریتی‌های خارجی، چه خواننده و چه بازیگر، موقع ژست گرفتن، علامت شاخ شیطون رو با دستشون نشون می‌دن یا گردنبند صلیب انداختن دور گردن خودشون، مخاطب به این نشونه‌ها توجه می‌کنه و هر کدوم از این نشونه‌ها، می‌تونه یه مسیر جدید باشه برای یه عده که مثلاً از یه صلیب، برسه به دین مسیحیت، خب این ارتباط نزدیک‌تر با سلبریتی‌ها رو چندتا اپلیکیشن برامون ساده کرده، یکی از همون اپلیکیشن‌ها اینستاگرامه.

- می‌دونی دوستان هم به همین طریق با ادیان دیگه آشنا شدن یا نه؟

راستش خبر ندارم.

- شما خودت هم به همین طریقی که توضیح دادی با موضوع جدیدی از طریق سلبریتی‌ها تاحالا آشنا شدی؟

فکر نکنم، اگه بوده هم الان یادم نمیداد، اینم که توضیح دادم، یه ویدیو بود کم‌تر از یه دقیقه، می‌اومد اعتقادات دینی سلبریتی‌ها رو معرفی می‌کرد، مثلاً یه عکس از ریان می‌داشت، زیرش می‌نوشت، چون این‌جا این حرکت رو نشون داده، پس شیطان پرسته.



- اون اوایل که اینستاگرام نصب کرده بودی هم، پیج‌هایی با رویکرد دینی، مذهبی رو فالو نمی‌کردی؟

قبلاً هم فالو نمی‌کردم، یه سری پیج‌ها هم هستن که هم مذهبی هستند، هم طرفدار حکومت، اونا رو ببینم، حتی بلاک هم می‌کنم.

- مثلاً چه محتویاتی می‌گذارن که شما رو این قدر عصبی کرده؟

مثلاً اون اوایل که تازه آمریکا فایزر ساخته بود و ما واکسن نداشتیم، طرف استوری می‌کرد، واکسن فایزر به درد نمی‌خوره و خاک توی سر آمریکا، به جای این که دنبال واکسن باشید، از خدا بخواید و به امام‌زاده‌ها دخیل ببندید، کرونا عذاب الهیه، به خاطر گناه‌های انسان روی زمین، باید منتظر معجزه‌ی خدا باشیم تا خودش نجات‌مون بده یا بعضیا می‌گفتن به جای واکسن، داروی امام کاظم بخورین، خب این آدم‌ها واقعاً احمق‌ان، آخه امام کاظم مگه داروساز بوده که دارو ساخته باشه، کلاً اعتقاداتشون در حد یه بچه پنج ساله و مخالف علمه، تازه کرونا فقط یکیش بود، چند سال پیش هم که توی غرب زلزله اومد و اون همه آدم مردن، نمی‌گفتن بالای طبیعی بوده یا به خاطر ایمنی ضعیف خونه‌هاست، می‌گفتن ببین اونا چه گناهایی مرتکب شدن که خدا مجازاتشون کرده. بعد جالبیش هم اینکه که تو اگه یه حرف خلاف دین و سیاست بزنی، پیجت رو می‌بندن و خودت رو هم می‌کنن توی گونی، بعد پیج اینا رو نمی‌بندن، دلیلش هم واضحه، اینا می‌افتن جلو، کم کاری‌های حکومت رو با دین ماست مالی می‌کنن، مثلاً واکسن نیست، نرین اعتراض کنین، واکسن بیارن، برین داروی امام کاظم بخورین، خونه‌ها بد و غیر اصولی ساخته شدن، به جای این که برن پیدا کنن سازنده‌ها رو و یه درس حسابی بهشون بدن، می‌گن زلزله اومده، حتماً گناه زیاد کرده بودن، حالا این حرفا رو نفرستی برای جایی ما رو هم بکنن توی گونی (خنده).

- خوب چرا سراغ پیج‌هایی که محتوای دینی منطقی می‌گذارن، نمی‌ری؟

کلاً آدم‌های مذهبی، آدم‌های متعصبی‌اند، هر کسی هم روی هر چیزی تعصب داشته باشه، بی‌منطق می‌شه.

- این نگاهت نسبت به افراد مذهبی از کجا ناشی می‌شه؟

مثلاً وقتی میام کامنت‌ها رو بخونم، می‌بینم این آدم‌های مذهبی کوچیک‌ترین مخالفتی با عقیدشون بشه، شروع می‌کنن به بد و بیراه گفتن، حتی به خودش فرصت نمی‌دن یه لحظه فکر کنن، شاید عقیده‌شون اشتباه باشه، از ترس این که نکنه یه موقع جهنمی بشن.

- نقل قول‌ها و حدیث‌های علمی و منطقی زیادی از پیامبر و امام‌ها هست که خیلی از پیج‌ها

اون‌ها رو نشر می‌ده، نظرت درباره‌ی این دست محتوا چی هست؟

اگه زمان پیامبر و امام‌ها هم مثل الان علم پیشرفته بود، حرفاشون رو نقض می‌کرد، همین یه ذره طرفدار هم نداشتن.

- توی اینستاگرام محتوای سیاسی رو هم دنبال می‌کنی؟
آره، بعضی از فعالای سیاسی رو فالو کردم.

- مثال می‌زنی؟
مثلاً سپیده قلیان، نرگس محمدی، اما محمدی بازیگر نه‌ها، سینا ولی الله.



- این افراد چه مطالبی می‌گذارن؟
کلاً درباره‌ی هر اتفاقی بیفته و هر تجمعی که بشه، پست می‌ذارن، نرگس محمدی خودش حقوق خونده، درباره چیزهای حقوقی پست زیاد می‌ذاره که یادم نیست دقیق.
- خودت هم داخل اینستاگرام فعالیت سیاسی داری؟
آره، یه جریاناتی پیش بیاد، نمی‌تونم نظر ندم، امسال هم برای سالگرد کشته شده‌های آبان و هواپیمای اوکراینی استوری گذاشتم.
- دوستانت چه طور؟
اونا هم نه همه‌شون، بعضیا در حد همین استوری.
- به نظرت اپلیکیشن اینستاگرام چه قدر می‌تونه روی جریانات و اتفاقات سیاسی تأثیر داشته باشه؟
در حد اطلاع رسانی که بقیه هم آگاه شن، می‌تونه تأثیر بذاره.

- خوب به نظرت تفاوت اینستاگرام با سایر اپلیکیشن‌ها توی قضیه آگاهی دادن سیاسی چی هست؟

خب چون توی اینستاگرام یه پست و استوری می‌ذاری، همه می‌بینن، لازم نیست به تک تک پیام بدی، مفیدتره.

- خوب به نظرت این رسوندن آگاهی در سطح وسیع‌تر چه قدر تأثیر داره؟
باعث می‌شه چشم و گوش مردم باز بشه، حتی بعضیا که به مسایل سیاسی فکر نمی‌کنن و دغدغه‌شون نیست هم، به صورت اتفاقی در معرض قرار بگیرن و بهش فکر کنن.

- به نظرت این آگاهی رسوندن خوب هست یا بد؟
بستگی به خبرش داره، اگه راست باشه خوبه، اگه دروغ باشه هم خوب نیست مسلماً.
- می‌شه مثال بزنی؟

مثلاً یه قانونی رو تصویب می‌کنن، مردم توی فضای مجازی بهش اعتراض می‌کنن و حرف‌شون رو به گوش مسوولین می‌رسونن، این خوبه، ولی مثلاً سر قضیه بی‌آبی خوزستان، همین نرگس محمدی به‌جای این که مشکل رو از ریشه حل کنه، شماره کارت گذاشت آب بخره، خب یعنی چی واقعاً، مگه بچه بازیه؟

- توی جنبش‌ها و هشتگ‌سازی‌های اینستاگرامی شرکت می‌کنی؟
یعنی این که برم توی خیابون برای اعتراض؟ نه پدر و مادرم نمی‌ذارن، ولی اگه می‌تونستم می‌رفتم، کلاً توی این چیزا آدم نترسی‌ام، فاز آزادی خواهیم زیاده.

- نه، منظورم این بود که یک هشتگی ترند شه، شما هم درباره‌اش استوری بگذاری، جدا از اون استوری‌هایی که گفتی به خاطر آگاهی رسوندن می‌گذاری.
یادم نمیداد الان، ولی فکر نکنم شرکت کرده باشم تا الان.

- تا حالا از اینستاگرام کاربری اقتصادی داشتی؟
آره، یه مدت ادمین بودم.

- ادمین چه جور پیجی؟
یه مدت برای مغازه لباس فروشی خاله‌ام پیج زده بودیم، من ادمینش بودم، خاله‌ام یه پولی می‌داد بهم برای ادمینی، ولی سرم شلوغ شد، دیگه نتونستم، اما کلاً درآمد از فضای مجازی خیلی آسونه، اگه یاد بگیری، کلی می‌تونی از طریقش برای کارت بازاریابی کنی یا جنست رو بفروشی.

- چه سالی ادمین بودی؟
سه سال پیش.

- چه مدت؟

به اندازه دو، سه ماه تابستون.

- روند فعالیتت به عنوان ادمین رو می‌شه توضیح بدی؟
- وقتی دایرکت پیام می‌دادن، برای پرسیدن قیمت و سفارش، جواب‌شون رو می‌دادم و آدرس می‌گرفتم، سفارشا رو لیست می‌کردم، می‌فرستادم برای خاله‌ام، می‌رفتم مغازه‌اش از موجودی‌هاش پست می‌ذاشتم و این چیزا، برای منی که دایم گوشی دسته‌مه، کار سختی نبود.
- چی باعث شد توی اون سن به فکر کسب درآمد از طریق اینستاگرام بی‌افتی؟
- خدایی اصلاً پولش برام مهم نبود، یعنی خاله‌ام اگه می‌گفت مجانی هم بیا، این کار رو برام انجام بده، قبول می‌کردم، بیش‌تر این‌که یه مسوولیت سپرده باشن بهم، برام اهمیت داشت.
- دوستان خودت چه طور، از طریق اینستاگرام کسب درآمد دارن؟
- دوستای نزدیکم که نه، اما هم‌کلاسیام بعضیاشون ناخن کارن، بعد پیج دارن، از طریق پیج‌شون نمونه کارهاشون رو به عنوان تبلیغ می‌ذارن و نوبت می‌دن.
- دوستانت نیاز مالی دارن یا دلایل دیگه‌ای برای کار دارن؟
- دانشگاه نرفتن اینا، از همین سن رفتن دنبال کار مورد علاقه خودشون.
- خودت از طریق اینستاگرام خرید اینترنتی انجام می‌دی؟
- آره، زیاده.
- می‌شه مثال بزنی؟
- مثلاً از طریق پیج سی بوک، کتاب می‌خرم، از سینه‌رو و پیج بانوگالری، لوازم آرایشی می‌خرم، یا چندتا پیج اکسسوری و شال و روسری هم دارم، بعضی وقتا هم از اونا خرید می‌کنم.
- تا حالا شده از طریق اینستاگرام خرید اینترنتی انجام بدی و برات مشکلی پیش بیاد؟
- تا الان خدا رو شکر نشده، ولی خیلی شنیدم تا پول رو ریختن، طرف بلاکشون کرده.
- چند دقیقه پیش گفتی خدا ناباوری، ولی الان وسط صحبت‌ها خدا رو شکر می‌کنی، این تناقض برای چی هست؟
- الانم می‌گم خدا ناباورم، ولی خب یه سری از حرفا این قدر تکرار شده، دیگه عادت کردم، وگرنه طرز فکرم واقعاً عوض شده.
- برای دوستانت چه طور؟
- بین دوستان یکی، دو مورد پیش اومده که لباس بگیرن، بعد که رسیده، فهمیدن اندازه‌شون نمی‌شه یا سایش اشتباه شده، ولی دیگه ازشون پس نگرفتن.
- اینستاگرام روی روابط خانوادگی شما هم تأثیرگذار بوده؟
- راستش باعث شده یه کم اختلاف عقیده بین مون پیش بیاد و دایماً بحث داشته باشیم، بیش‌تر هم یا مسایل دینی یا اخلاقی.

- یعنی منشاء اکثر بحث‌ها تون اینستاگرام هست؟

خب من عقیده‌ام تحت تأثیر اینستاگرام و جامعه‌ای که توش هستم عوض شده و دیگه مثل اونا فکر نمی‌کنم. مثلاً من فکر می‌کنم وقتی پدر و مادرم بهم احترام می‌ذارن، منم باید بهشون احترام بذارم، ولی اونا فکر می‌کنن پدر و مادر تحت هر شرایطی مقدس هستن و باید بهشون احترام گذاشت. - خوب مگه نگفته بودی مادرت هم اینستاگرام داره، پس چی باعث این اختلاف عقیده شده؟ اینستاگرام رو جفت‌مون داریم، ولی یه جور ازش استفاده نمی‌کنیم، همین قضیه می‌تونه حتی از اینستا نداشتن‌شون هم بیش‌تر باعث اختلاف عقیده بشه. مثلاً من چون الان سرکار نمی‌رم و مسوولیت خاصی هم توی خونه ندارم، خیلی از زمانم پای اینستا می‌ره، ولی مامانم چون کار خونه‌اش زیاده، فقط شبا می‌ره استوری و پستای فامیل رو لایک می‌کنه و میاد بیرون، سر جمع بیست دقیقه هم در روز توی اینستاگرام نیست.

- اینستاگرام به طور کلی تا چه حد روی ارزش‌های اخلاقی تأثیر گذار بوده؟

مثلاً همون شیما کاتوزیان که بهت گفتم، باعث شده رک‌تر بشم جدیداً و کم‌تر تعارفی‌ام، ناراحتی بقیه کم‌تر برام مهمه.

- به نظرت این تأثیرات اخلاقی برای شما مثبت بوده یا منفی؟

مهم اینه که همونی شدم که می‌خوام.

- طی این مدت، اینستاگرام باعث افت تحصیلیت هم شد؟

آره، کلاً زیاد اهل درس نیستم، دانشجوی متوسطی‌ام، مثلاً سرکلاس توی اینستام به درس گوش نمی‌دم یا می‌خوام درس بخونم، دو ساعت توی اکسپلور می‌گردم، هی می‌گم یه کم دیگه شروع می‌کنم، آخرم نمی‌رسم.

- روی سطح تحصیلی دوستان خودت چه طور؟

دوستای صمیمی‌ترم مثل خود من، کلاً این مدلی هستند که در حد قبولی درس می‌خونن و از تفریحات‌شون به خاطر درس نمی‌گذرن تا حد امکان.

- توی اینستاگرام کامنت هم می‌گذاری؟

نه، فقط کامنت‌ها رو می‌خونم، چون تا یه کامنت بگذاری هزار نفر ریپلای می‌کنن، هر کی یه چیزی می‌گه یا اصلاً طرف میاد دایرکت.

- کامنت چه پست‌هایی رو بیش‌تر می‌خونی؟

پست‌هایی که منظورشون رو متوجه نشم یا بعضی از پستایی که حدس بزنم کامنت‌هاش از خودش خنده‌دارتره، حتی بعضی وقت‌ها که ببینم توی کامنت‌ها دعوا شده، می‌شینم سیصد، چهارصد تا کامنت رو می‌خونم، با این که می‌دونم دارم وقتم رو تلف می‌کنم.

- می‌شه در این رابطه مثال بزنی؟

مثلاً یه عکس می‌ذارن زیرش می‌نویسن نکته‌ی این عکس چیه، خودم اول نگاه می‌کنم، وقتی نفهمیدم می‌رم سراغ کامنت‌ها.

- تا حالا شده که براساس خوندن کامنت، ذهنیت درباره‌ی موضوعی تغییر کنه؟ فکر نمی‌کنم.

- این قضیه برات چه جذاییتی داره؟
کلاً بحث و دعوا برام جالبه، این که دو طرف استدلال میارن برای هم‌دیگه رو دوست دارم دنبال کنم.

- تا حالا از طریق اینستاگرام دوست مجازی داشتی؟
دوست مجازی نه، نداشتم، فرصتش پیش نیومده، آخه دیر صمیمی می‌شم، باید هی پشت هم یکی رو ببینم تا صمیمی بشم، ولی بقیه دوستام دارن، یکی از دوستام یه دوست داره که همدان زندگی می‌کنه، حتی یه بار اومده تهران تا هم‌دیگه رو ببینم، برای عروسی خواهرش هم دوستم رو دعوت کرد.

- دوستان تا حالا تجربه‌ی منفی از دوست مجازی داشتن؟
تا اون جایی که من خبر دارم خیلی با دوست واقعی فرق نمی‌کنه، بین دوست مجازی هم خوب و بد پیدا می‌شه، همون جور که بین دوستای واقعی پیدا می‌شه.
- مرسی بابت هم‌کاری خوبت.
خواهش می‌کنم.

تأملی دوباره:

زینب ۲۰ ساله، در مصاحبه خود درباره اثرهای کاربری از شبکه اجتماعی اینستاگرام، به مباحثی حول محورهای اثرهای آموزشی، اجتماعی، اخلاقی- تربیتی، اقتصادی، خانوادگی، روان‌شناختی، زیباشناختی، زیستی، زیست محیطی، سیاسی، عقیدتی و فرهنگی اشاره داشته است.
زینب در مصاحبه خود در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در مسایل آموزشی کاربران، به مواردی مانند: افزایش اطلاعات عمومی کاربران، به سخره گرفتن معلمان، افت درسی، وجود منابع غیر موثق، وجود افراد غیرموثق و مبتذل، در سطح خود و دوستانش اشاره داشته است.
زینب در مصاحبه خویش در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در رفتار اجتماعی کاربران، به مواردی مانند: سبک زندگی، نقد اجتماعی، افزایش شناخت اجتماعی و تحول نسبی در نوع کاربری، شکل‌گیری هویت‌های جدید (هویت کاذب و دروغین، هویت دوپاره شده، هویت پنهان) در

اینستاگرام، الگوبرداری از سلبریتی ها، افراط در توجه به سلبریتی ها، خطر انتشار اخبار نادرست، گسست نسلی، و نظایر آن، در سطح خود و دوستانش اشاره داشته است.

زینب در مصاحبه خویش در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در رفتار اخلاقی کاربران، به مواردی مانند: نقد فلسفه زندگی متعهد، نسل تجربه‌گرا، دیگر پیروی اخلاقی از بلاگرها و اینفلوئنسرها، تحول‌های ناخواسته اخلاقی و رفتاری، پذیرش سبک زندگی و فلسفه لذت‌گرایی، محدود شدن حریم شخصی افراد در فضای مجازی، نسبیت‌گرایی اخلاقی، پذیرش فریب در روابط اجتماعی، شکسته شدن قبح برهنگی برای کسب فالور، پذیرش هم جنس‌گرایی و سایر گرایش‌های موجود در اقلیت جنسی، حمایت از اخلاق لذت مدار و نظایر آن، اشاره داشته است.

زینب ۲۰ ساله، در مصاحبه خویش در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در مسایل اقتصادی کاربران، به عرصه مناسب اینستا جهت فعالیت اقتصادی، فراهم شدن رایگان بستری برای تبلیغ، جذب مشتری، معایب خرید اینترنتی، اشاره داشته است.

زینب در مصاحبه خویش در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در مسایل خانوادگی کاربران، به مواردی مانند: نقد روش تربیتی اولیا، نگاه نسبتاً منفی به اولیا، احساس نارضایتی از خانواده، افزایش مشاجره‌های خانوادگی، مخفی کاری و دور زدن اولیا، دور زدن خانواده، سوق یافتن به سمت مخفی - کاری، در سطح خود و دوستانش اشاره داشته است.

زینب در مصاحبه‌اش در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در مسایل روانی کاربران، به مواردی مانند: نیاز به ارضای هیجان‌جویی، علاقه مفرط به هیجان‌جویی مرضی، ضرورت لحاظ کردن روندهای تحولی افراد، اتلاف وقت، آشکار کردن گرایش‌های درونی فرد، کاهش حساسیت نسبت به روابط دو جنس، کاهش تدریجی حساسیت، به انحراف رفتن ارضای کنجکاوی، حل ناراحتی‌ها و مسایل از طریق راه‌حل‌های هیجان مدار مرضی، اعتماد به نفس کاذب، اضطراب‌های نوپدید، ترس عقب ماندن، افسردگی و درگیری ذهنی، تلاش در جهت عادی سازی مصرف الکل، عادی شدن مصرف سیگار و الکل، مصرف مواد مخدر، روابط بی‌مرز دو جنس مخالف، وابستگی و اعتیاد به فضای مجازی، جادوی اینستا، در سطح خود و دوستانش اشاره داشته است.

زینب در مصاحبه‌اش در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در علایق زیباشناختی کاربران، به مواردی مانند: استقبال از مدگرایی و آرایش، پرکاربرد شدن اپلیکیشن‌های فیلتر و زیبایی، در سطح خود و دوستانش اشاره داشته است.

زینب ۲۰ ساله، در مصاحبه خود در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در مسایل زیستی کاربران، به آسیب‌های جسمی در اثر کژکاربری از اینستا، تغییر ساعت خواب، مشکلات خواب در سطح گسترده، دردهای عضلانی و اسکلتی، مصرف مواد مخدر، اشاره داشته است.

مصاحبه شونده در مصاحبه خود در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در مسایل زیست محیطی کاربران، به مشارکت در برخی از فعالیت‌های زیست محیطی، شرکت در پویش‌های حمایت از زیست محیط، اشاره داشته است.

زینب در مصاحبه خویش در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در رفتار سیاسی کاربران، به مواردی مانند: نقد رفتارهای نادرست مسوولان سیاسی جامعه، در سطح خود و دوستانش اشاره داشته است. زینب در مصاحبه‌اش در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در مسایل عقیدتی کاربران، به مواردی مانند: نسل تجربه گرا، نقد آموزش و تربیت دینی نوجوانان و جوانان (که با پیش فرض گرفتن جنسی شدن روابط دو جنس، در عمل دیدی جنسی در روابط دو جنس را دامن زده اند)، تلاش در جهت زمینی کردن مفاهیم آسمانی، از بین رفتن عذاب وجدان ناشی از سرپیچی از دستورات الهی، تضعیف اعتقادات دینی، پر رنگ شدن ابعاد مادی، کم رنگ شدن اعتقادات، کم رنگ کردن معنویت در جریان پر رنگ شدن لذت‌گرایی، پذیرش هم جنس گرایی و سایر گرایش‌های موجود در اقلیت جنسی، احساس تنفر از دین به دلیل مواجهه با مدعیان دروغین دین داری، آشنا شدن با نحله‌های انحرافی در سراسر دنیا، سوق یافتن سمت ادیان مختلف و جریان‌های انحرافی، خرافه دانستن دین الهی، در سطح خود و دوستانش اشاره داشته است.

زینب ۲۰ ساله، در مصاحبه خویش در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در علایق فرهنگی کاربران، به مواردی مانند: اینستا به مثابه عرصه‌ای جهت گذراندن اوقات فراغت، آزادی عمل در انتخاب منابع فرهنگی و تفریحی، تجربه‌گرایی در مسایل فرهنگی به تبع تجربه‌گرایی در مسایل اخلاقی و عقیدتی، تحول در کاربری از محتوای عرضه شده در اینستا، اثرگذاری فناوری‌ها در تحولات فرهنگی (اطلاع یابی از تحولات مد و آشنا شدن با فناوری‌های فیلتری)، حذف اثرات فرهنگ جمع گرای ایران، ترجیح فرهنگ بصری به جای فرهنگ مکتوب، توهم زدگی ناشی از القانات و کاهش تدریجی حساسیت‌ها توسط اینستا، اثرپذیری از اینفلوئنسرها (برقراری روابط آزاد، ترویج مردستیزی)، گسست فرهنگی، در سطح خود و دوستانش اشاره داشته است.

اگر در زمینه مباحث مطرح شده در مصاحبه زینب ۲۰ ساله، با ارجاع سایر محورهای مطرح شده به دیگر کتاب‌های مجموعه حاضر، توجه خود را صرفاً معطوف به ابعاد فرهنگی (که مورد بحث اثر حاضر است) کنیم، می‌توان بیان داشت، زینب در مصاحبه خویش از روی آوردن خود و دوستانش به تجربه‌گرایی سخن به میان آورده است.

با بدون پاسخ ماندن بسیاری از شبهات دینی نوجوانان و جوانان و کم رنگ شدن معنویت دینی آنان از سویی و جهت‌گیری‌های سیاسی پر مسأله از سوی دیگر، مسأله تجربه‌گرایی در نسل زینب، در پی ناکامی‌های دینی و سیاسی جامعه، عمده گردیده است.

فضای مجازی و اینستا، عرصه گسترده‌ای را فراروی زینب و هم نسل‌های وی پدید آورده است که در ابعاد گوناگون فرهنگی، روانی- اجتماعی اخلاقی- عقیدتی و به آنان پاسخ لازم را در چه گونه بودن و چه گونه شدن می‌دهند.

در ابعاد فرهنگی، اثرپذیری از سلبریتی‌ها، اینفلوئنسرها و بلاگرها، فرهنگی لذت‌مدار را به جوانان پیشنهاد می‌کند. بررسی محتواهای مورد علاقه زینب (کاربری از موسیقی دیس لاو، کنجکاوی و پیگیری روابط خاص فلان فوتبالیست با دختران، تلاش در جهت تجربه کردن همه چیز و مانند آن‌ها)، بعد دیگری از فرهنگ زینب و هم نسل‌های وی را که سردرگمی است، به معرض دید می‌گذارند.

در ابعاد روانی- اجتماعی، تحقق و شکل‌گیری هویت‌های جدید (دوپاره شده، کاذب، پنهان، اشتراکی) و عادی سازی مصرف مواد دخانی، الکلی، روابط باز جنسی و پذیرش همجنس‌گرایی، گسست نسلی و نظایر آن‌ها، ابعاد اجتماعی سردرگم- لذت‌مدار زینب و هم‌نسل‌های او را به نمایش می‌گذارد.

در ابعاد اخلاقی- عقیدتی نیز مواردی مانند زیر سوال بردن معنویت، پذیرش فلسفه لذت‌گرایی، دیگرپروی از سلبریتی‌ها، اینفلوئنسرها و بلاگرها، مؤید خطمشی سردرگم، باری به هر جهت و لذت‌مدار زینب و دوستانش است.

به تعبیر دیگر می‌توان از اینستا به عنوان عاملی اساسی در جهت تحول‌آفرینی در ذایقه فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، عقیدتی و زیباشناختی کاربران آن یاد کرد. تحولی که کاربران را به سمت پذیرش سبک زندگی و فلسفه لذت‌گرایی سوق می‌دهد و این ماحصل القائات اینستا است که لذت‌مداری جوهره رهنمودهای آن را تشکیل می‌دهد!